ایران

• پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵
• ۲۲ صفر ۱۴۴۸
• ۶ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۹۲
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

چرا مصرف بنزین با وجود تغییرات قیمتی همچنان رو به افزایش بوده است؟

بنزین؛ روایتی از یک ناترازی چندلایه

۸

استاد دانشکده روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «ایران» از نقش مؤلفه جدید در جنگ می‌گوید

ردپای هوش مصنوعی در ترورها از هنیه تا جنگ ۴۰ روزه

۴

بررسی جامعه‌شناسی محبوبیت چهره‌های جدید مجازی

سواد رسانه‌ای را از شعار به مهارت تبدیل کنیم

۹

حسن روحانی با اشاره به خدمات دولت در مدیریت جنگ:

دشمن را مهار کنیم دوست را هدایت

۲

«ایران» ناکامی دو دهه اخیر مدیران استقلال و پرسپولیس برای ایجاد زیرساخت را بررسی می‌کند

وعده درمانی با کلید واژه استادیوم

حمید درخشان: باشگاه‌ها به جای استخدام ستاره، زیرساخت ایجاد کنند

۱۲

رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت از گام مؤثر برای تغذیه نوزادان نارس می‌گوید

فعالیت ۱۹ بانک شیر در کشور

۶

رئیس‌جمهوری در مصاحبه‌ای تصویری از شرایط آغاز به کار دولت، مدیریت جنگ، رابطه با رهبری و تلاش برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور گفت

رو راست با مردم نجیب

رهبری شهید مثل کوه پشتیبان دولت بود | ایران خانه همه ایرانیان است

عکس: President.ir

- ایشان (آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای) فردی کاملاً منطقی و بسیار بردبار هستند. من هرچه در دل داشتم، صریحاً بیان کردم تا در جریان مسائل قرار بگیرند. اگر دسترسی‌ها بیشتر شود، حتماً تعامل نیز بهتر خواهد شد.
- اگر تا امروز مانده‌ایم، به‌خاطر مردم نجیب ایران بوده است که ما را نگه داشته‌اند؛ نه‌فقط آنهایی که در خیابان بودند، بلکه آنهایی که در دلشان عقده‌ها و گلایه‌هایی داشتند، اما به خاطر ایران به خیابان نیامدند و مشکلی ایجاد نکردند.
- بازگشت ایرانیان خارج از کشور را با رهبر شهید مطرح کرده بودم و قرار شد نامه‌ای خدمتشان بنویسیم. این موضوع تأیید شده بود و قرار بود تا پایان پیگیری شود، اما متأسفانه فرصت نشد آن نامه را از ایشان بگیریم. ان‌شاءالله بتوانیم این کار را با رهبر عزیزمان به نتیجه برسانیم.

۳

پزشکیان در پیامی به مناسبت برگزاری هفدهمین دوره مسابقات قرآن کارگران کشور:

جامعه امروز بیش از هر زمان به همدلی و اخلاق قرآنی نیاز دارد

رئیس‌جمهوری در پیام خود به هفدهمین دوره مسابقات قرآن کریم جامعه کار و تولید، این رویداد را نماد پیوند فرهنگ کار، تلاش و تولید با فرهنگ نورانی قرآن توصیف کرد. متن پیام رئیس‌جمهوری بدین شرح است: قرآن کریم کتاب هدایت، رحمت و زندگی است؛ کتابی که انسان را به اندیشیدن، عدالت، راستی، همدلی، تلاش و خدمت به مردم فرا می‌خواند و جامعه را به سوی عزت، پیشرفت و کرامت انسانی رهنمون می‌سازد. چنانچه در قرآن می‌خوانیم: «إن هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم.» بی‌تردید، قرآن به استوارترین و درست‌ترین راه هدایت می‌کند. این پیام الهی حقیقتی روشن پیش روی ما قرار می‌دهد که هرگاه آموزه‌های قرآن در متن زندگی فردی و اجتماعی جاری شود، جامعه به سوی عدالت، اخلاق، همبستگی و خیر عمومی حرکت خواهد کرد و ثمره آن استحکام خانواده، ارتقای سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت خواهد بود. هفدهمین دوره مسابقات قرآن کریم جامعه کار و تولید، جلوه‌ای معنوی از پیوند فرهنگ کار، تلاش و تولید با فرهنگ نورانی قرآن است. این رویداد مبارک الهام‌بخش این تفکر ارزشمند است که آبادانی ایران، افزون بر سرمایه و فناوری، نیازمند انسان‌های مؤمن، درستکار، مسئولیت‌پذیر و امیدوار است که با عمل به آموزه‌های قرآنی، کار را عبادت، خدمت را افتخار و صداقت را اساس پیشرفت می‌دانند. امروز بیش از هر زمان دیگری، جامعه ما به همدلی، وفاق، اخلاق، انصاف و احساس مسئولیت نیازمند است. قرآن کریم بهترین راهنمای ما برای تقویت این سرمایه‌های گران‌سنگ است که می‌تواند جامعه را در برابر دشواری‌ها مقاوم‌تر ساخته و مسیر پیشرفت، عدالت و توسعه پایدار را هموار کند. به هر میزان بتوانیم آموزه‌های قرآنی را در محیط‌های کار، تولید، مدیریت و زندگی اجتماعی جاری سازیم، به همان اندازه بهره‌مندی، آرامش و امید در جامعه افزایش خواهد یافت.

اینجانب با قدردانی از برگزارکنندگان، دست‌اندرکاران و همه شرکت‌کنندگان این رویداد ارزشمند، بویژه کارگران، کارآفرینان، فعالان عرصه تولید و خانواده بزرگ جامعه کار و تولید، از درگاه خداوند متعال توفیق روزافزون قاریان، حافظان، پژوهشگران، خادمان قرآن کریم و همه تلاشگران عرصه کار و تولید را در مسیر خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ساختن آینده‌ای آباد، سرافراز و امیدبخش برای میهن عزیزمان مسألت دارم.

غریب‌آبادی: تفاهم ایران و عمان درباره ترتیبات تنگه هرمز در آستانه نهایی شدن است

معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه از نزدیک شدن تفاهم ایران و عمان درباره ترتیبات جدید تردد کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز به مرحله نهایی خبر داد و تأکید کرد که این تفاهم به معنای بازگشایی کامل تنگه هرمز نیست، بلکه مدلی جدید و متفاوت از رویه ۶۰ ساله گذشته است که بخش قابل توجهی از مسیر عبوری کشتی‌ها را از آب‌های سرزمینی ایران عبور خواهد داد. کاظم غریب‌آبادی در گفت‌وگو با ایرنا، با تشریح جزئیات این مذاکرات از دریافت پیام‌هایی از سوی آمریکا مبنی بر آمادگی برای بازگشت به تعهدات پیشین در تفاهم‌نامه خبر داد.

این دیپلمات ایرانی با اعلام اینکه بیش از سه هفته است که با دولت عمان در حال رایزنی و گفت‌وگو درباره تعیین ترتیبات عبور کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز و مقدمات مربوط به ترتیبات مدیریت آینده تنگه هرمز هستیم، بیان کرد: «گفت‌وگوهای ما با دولت عمان، گفت‌وگوهای ساده‌ای نبودند. از یک‌سو، ما شاهد ازسرگیری درگیری‌ها و تجاوز نظامی مجدد آمریکا به خاک جمهوری اسلامی ایران و پا گذاشتن بر تمام تعهداتش ذیل یادداشت تفاهم اسلام‌آباد بودیم. از سوی دیگر، با توجه به این حساسیت‌ها و دشواری‌هایی که با آن مواجه هستیم، باید سوابق تاریخی دهه‌های معاصر در رابطه با تنگه هرمز را نیز اضافه کنیم که ورود و خروج کشتی‌های تجاری و ترافیک دریایی کلاً از آب‌های سرزمینی عمان صورت می‌گرفت.»

معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه افزود: «بر اساس درخواست جدی جمهوری اسلامی ایران، دولت عمان خود را آماده کرد تا تغییرات کلیدی، اساسی و محتوایی در مسیرهای ورود و خروج کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز انجام شود. آخرین وضعیت به این صورت است که تقاضای ما این بود که مسیرهای عبور و مرور از تنگه هرمز باید تغییر کند، زیرا مسیرهای قدیمی دیگر پاسخگوی شرایط دشوار کنونی که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره انداخته است، نیست.»

غریب‌آبادی ادامه داد: «تقریباً روی تمامی موضوعات مطرح‌شده، از جمله نقشه مسیرهای ورود و خروج ترافیک دریایی و ابعاد جانبی آن با عمان، تفاهمات اصولی انجام شده است و این پیشرفت‌ها در آستانه نهایی شدن قرار دارد.» وی با بیان اینکه اینها به معنی باز کردن تنگه هرمز نیست، تأکید کرد: «اجرای این تفاهمی که ما با عمان انجام می‌دهیم، الزامات خاص خود را دارد. اگر قرار است که وضعیت در تنگه هرمز به حالت عادی دربیاید، باید فرمول نهایی بین ایران و عمان، به عنوان دو کشور ساحلی، مورد توافق قرار بگیرد.»

غریب‌آبادی تصریح کرد: «برابر این تفاهم، مسیر شمالی که در نزدیک جزیره لارک ایجاد شده بود و مسیر جنوب که در آب‌های داخلی عمان است، بسته خواهند شد، چون اینها مسیرهای کاملاً موقتی بودند. اگر این تفاهم جدید که بین ایران و عمان در حال شکل‌گیری است (با برآورده شدن آن الزامات) وارد فاز اجرا شود، این مسیر جدید برای عبور کشتی‌ها اجرایی خواهد شد. بخش قابل توجهی از این مسیر جدید در آب‌های سرزمینی ایران و بخشی از آن هم در آب‌های سرزمینی عمان قرار دارد؛ یعنی به گونه‌ای طراحی شده که هم در مسیر ورود و هم در بخش‌هایی از مسیر خروج، کشتی‌های تجاری از آب‌های سرزمینی ایران عبور خواهند کرد.» معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ادامه داد: «ما شاهد یک مدل جدید هستیم که مبتنی بر دغدغه‌های امنیت ملی و تأمین منافع ملی بوده و راهبرد جدید جمهوری اسلامی ایران برای اعمال حاکمیت مؤثر در تنگه هرمز است. ما امیدوار هستیم با این تفاهمی که شکل می‌گیرد و با برآورده شدن الزامات آن، اگر تصمیم مقامات عالی نظام این شد که وارد فاز دوم شویم؛ مطمئن هستیم که منافع ملی ما و امنیت ملی ما، با این مذاکرات جدیدی که با عمان داشتیم و این تفاهمات، هرچه بیشتر، ان‌شاءالله تأمین خواهد شد.»

غریب‌آبادی همچنین با بیان اینکه اجرا شدن این تفاهم الزاماتی دارد، عنوان کرد: «بخش اعظم یا حتی تمامی آن بستگی به آمریکا دارد. محاصره، ازسرگیری جنگ، وضعیت لبنان، تحریم‌هایی که مجدداً آمریکا وضع کرده، تحریم‌هایی که رفع شده بود و دوباره بازگردانده شد، پول‌های بلوکه‌شده ایران و وجود یک تعهد محکم برای ادامه این مسیر و اجرای تعهدات در آینده تماماً مربوط به آمریکا است و به جمهوری اسلامی ایران ارتباطی ندارد. پس اگر قرار باشد تفاهم ایران و عمان وارد فاز اجرایی شود، منوط به این است که طرف مقابل این الزامات را برآورده سازد.»

این دیپلمات ایرانی همچنین با اشاره به پیام های طرف آمریکایی به تهران اعلام کرد: «ما پیام‌هایی را از سوی آمریکا دریافت کرده‌ایم و حاکی از آن است که آمریکا آمادگی کامل برای بازگشت به تعهدات خود را دارد. این پیام‌ها دریافت شده و در واقع خود آمریکایی‌ها آن را اعلام کرده‌اند. اما اینکه آیا ما تصمیم به ورود به مرحله دوم گرفته‌ایم یا خیر، باید بگویم این تصمیم همچنان اتخاذ نشده و با توجه به پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی که عرض کردم، در دست بررسی است.»

یادداشت

علیرضا کاظمی
وزیر آموزش و پرورش

رسانه؛ شریک راهبردی تحول در آموزش و پرورش

در جهان امروز، هیچ تحول پایداری بدون همراهی افکار عمومی به سرانجام نمی‌رسد و هیچ افکار عمومی آگاهی نیز بدون رسانه‌ای مسئول، حرفه‌ای و حقیقت‌جو شکل نمی‌گیرد. از این منظر، رسانه صرفاً روایتگر رویدادها نیست؛ بلکه یکی از ارکان شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی است.

این حقیقت، در حوزه آموزش و پرورش اهمیتی مضاعف دارد. مدرسه، محل تربیت نسل آینده و آموزش و پرورش، زیربنای توسعه هر کشور است. از همین رو، هر گامی در مسیر تحول این نظام، نیازمند گفت‌وگویی مستمر با جامعه است و این گفت‌وگو، بدون حضور فعال و مسئولانه رسانه‌ها ممکن نخواهد بود.

اصحاب رسانه، تنها ناقلان اخبار آموزش و پرورش نیستند؛ آنان با نقد منصفانه، مطالبه‌گری مسئولانه، تبیین سیاست‌ها، بازتاب دغدغه‌های معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها و روایت صادقانه دستاوردها و چالش‌ها به ارتقای کیفیت حکمرانی آموزشی کمک می‌کنند. ما در وزارت آموزش و پرورش، رسانه را نه ناظر بیرونی، بلکه شریک راهبردی در تحقق عدالت آموزشی، ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت و اجرای سند تحول بنیادین می‌دانیم. امروز بیش از هر زمان دیگری، جامعه نیازمند روایت‌های دقیق، مستند و امیدآفرین از مدرسه است. در روزگاری که سرعت انتشار اخبار و اطلاعات گاه بر دقت و صحت آن پیشی می‌گیرد، مسئولیت حرفه‌ای خبرنگاران در پاسداری از حقیقت، افزایش آگاهی عمومی و تقویت اعتماد اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در آینده نظام تعلیم و تربیت دارد.

بی‌تردید، مدرسه زمانی به کانون تحول اجتماعی تبدیل خواهد شد که رسانه، خانواده، معلمان، نخبگان و مسئولان با نگاهی مشترک و مسئولانه در کنار یکدیگر قرار گیرند. این هم‌افزایی، پشتوانه تحقق عدالت آموزشی و تضمین‌کننده آینده‌ای روشن‌تر برای فرزندان ایران خواهد بود.

روز خبرنگار، فرصت قدردانی از همه خبرنگاران، عکاسان، تصویربرداران، دبیران سرویس و فعالان عرصه رسانه است که با تعهد، انصاف و مسئولیت‌پذیری، در مسیر آگاهی‌بخشی جامعه گام برمی‌دارند. از همراهی ارزشمند آنان با خانواده بزرگ آموزش و پرورش صمیمانه سپاسگزارم و امیدوارم این تعامل سازنده، بیش از پیش در خدمت اعتلای نظام تعلیم و تربیت و پیشرفت ایران عزیز باشد.

اخبار

سخنگوی وزارت خارجه:

بیانیه مشترک ایران و عمان در مرحله تدوین نهایی است

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه درباره آخرین تحولات مرتبط با تنگه هرمز روند مذاکرات بین ایران و عمان را حرفه‌ای و رو به جلو ارزیابی و تصریح کرد: مختصات جغرافیایی مسیر مد نظر طرفین مورد تفاهم قرار گرفته و چنانچه برخی طرف‌های ثالث در این زمینه کارشکنی نکنند، بیانیه مشترک دو کشور مشتمل بر ملاحظات و نکات عمده مورد توافق نیز در مرحله بررسی و تدوین نهایی است. بقایی همچنین درباره تأثیر تفاهم دوجانبه ایران-عمان بر وضعیت امنیتی و کشتیرانی تجاری در تنگه هرمز خاطرنشان کرد: بسته‌شدن تنگه هرمز ناشی از تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و پیامدهای امنیتی آن برای کل منطقه بود و قاعدتاً تفاهم ایران-عمان فی‌نفسه نمی‌تواند به معنای امن شدن تنگه برای کشتی‌های عبوری باشد چراکه عوامل ناامن‌کننده تنگه هرمز از سوی آمریکا بویژه محاصره دریایی و دیگر اقدامات تجاوزکارانه و تهدیدآمیز علیه ایران و منافع آن همچنان وجود دارد. سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسش دیگری درباره احتمال سفر وزیر امور خارجه یا رئیس مجلس به پاکستان یا قطر در پایان این هفته، گفت: برنامه‌ای برای سفر به این کشورها نداریم. البته پاکستان و قطر به تلاش‌های خود برای کاهش تنش‌ها ادامه می‌دهند و جمهوری اسلامی ایران نیز با آنها در تماس و تبادل نظر است.

سفیر جدید پاکستان در دیدار با وزیر کشور:

آماده گسترش همکاری‌ها با ایران هستیم

عمران احمد صدیقی، سفیر جدید پاکستان در تهران با حضور در وزارت کشور با اسکندر مؤمنی، وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران، دیدار و گفت‌وگو کرد. سفیر جدید پاکستان در این دیدار دوجانبه بر آمادگی سفارت پاکستان برای هماهنگی و توسعه مناسبات دوجانبه در دوره جدید تأکید کرد.

رسیدگی به پرونده کلاهبرداری یک شرکت مهاجرتی با حدود ۳۰۰ شاکی

دادستان تهران گفت: «در فرآیند رسیدگی به یک پرونده کثیرالشاکی کلاهبرداری با موضوع مهاجرت با پلمب شرکت متخلف، حدود ۲ همت از اموال منقول و غیرمنقول آن در مرحله تحقیقات قضایی، شناسایی و توقیف شد.»

به گزارش قوه قضائیه، علی صالحی با اشاره به اینکه تعداد شکات پرونده کلاهبرداری یک شرکت مهاجرتی تاکنون ۳۰۰ نفر و در حال افزایش است، اظهار کرد: «میزان وجوه کلاهبرداری، حدود ۴ همت است و پرونده در مرحله تحقیقات بوده و تلاش بر تسریع در انجام تحقیقات در دستورکار این دادستانی است.» دادستان تهران افزود: «متهمان پرونده با تأسیس یک شرکت سهامی خاص و اخذ مجوزهای گوناگون از مراجع رسمی و دولتی برای شرکت‌های متعدد با عناوین مؤسسه حقوقی، دفتر مشاوره شغلی و کاریابی خارجی، به‌طور مستقیم و یا توسط اشخاص زیرمجموعه اقدام به کلاهبرداری، قاچاق ارز، نگهداری ارز قاچاق و فرار مالیاتی کرده‌اند.» وی تصریح کرد: «شیوه فعالیت‌های مجرمانه متهمان به این صورت بوده که با تبلیغات گسترده و مانورهای متقلبانه اقدام به جلب اعتماد متقاضیان مهاجرت کرده و سپس با انعقاد قراردادهایی با موضوع دریافت اقامت دائم کشورهای خارجی و تسهیل مقدمات مورد نیاز آن ازجمله تهیه مدرک زبان، وجوهی را به صورت دلاری از متقاضیان دریافت کرده و در ادامه از انجام تعهدات خود شانه خالی کرده‌اند.» صالحی با تأکید بر ضرورت افزایش آگاهی‌های حقوقی و قضایی مردم و لزوم هوشیاری در مقابل کلاهبرداران، عنوان کرد: «پرونده در مرحله تحقیقات قضایی است.»

پزشکیان در پیامی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب مشروطه:

مشروطه؛ نماد بیداری، قانون‌گرایی و مردم‌سالاری ملت ایران است

دولت

گروه سیاسی

مسعود پزشکیان در پیامی که در همایش بزرگداشت یکصدوبیستمین سالگرد پیروزی انقلاب مشروطه در سالن پتروشیمی تبریز برای حاضران قرائت شد با تبریک فرارسیدن یکصد و بیستمین سال این رویداد تاریخی، اظهار کرد: «۱۲۰ سال از فراز تاریخی انقلاب مشروطه می‌گذرد؛ آرمان ملی که با همبستگی و وفاق اجتماعی به ثمر نشست و رویدادی که نقطه عطفی شکوهمند در تاریخ معاصر و نشانه روشن از بیداری، هوشمندی و آزادی‌خواهی ملت بزرگ ایران است.»

به گزارش ایرنا، وی افزود: مشروطه، پاسخ آگاهانه جامعه ایرانی به تنبه ناشی از چالش‌های تاریخی و منطقه‌ای بود؛ حرکتی اصیل که تحت هدایت و حمایت علمای بزرگ و با همبستگی بی‌نظیر آحاد مردم، حاکمیت قانون، عدالت‌خواهی و استقلال‌طلبی را به عنوان خواست عمومی تثبیت کرد.

پزشکیان ادامه داد: این جنبش پیشگام که اولین تجربه نظام پارلمانی و قانون‌گرایی را در خاورمیانه رقم زد، نشان داد که مردم‌سالاری و شورا ریشه در اندیشه و معارف دینی این مرز و بوم دارد؛ حقیقت والایی که با تمسک به تعبیر شریف قرآن که می‌فرماید «وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ»، زینت‌بخش نهاد قانونگذاری در ایران شد و الگویی ماندگار از حکمرانی متکی بر خواست مردم را پیش روی ملت‌های منطقه نهاد.

او با اشاره به جایگاه آذربایجان در نهضت مشروطه، تصریح کرد: در این میان، نقش خطه قهرمان‌پرور آذربایجان و تبریز سرافراز، نقشی ماندگار و بی‌بدیل است. آذربایجان که همواره دژ استوار ایران‌زمین در برابر بیگانگان بوده است، در عصر مشروطه نیز با پایمردی مجاهدانی چون ستارخان و باقرخان و به پشتیبانی مردمی فهیم، به سنگر شکست‌ناپذیر دفاع از قانون و حقوق ملت تبدیل شد.

همچنین رئیس‌جمهوری با بیان اینکه تدوین متمم قانون اساسی و ایستادگی در برابر استبداد محمدعلی‌شاه، ثمره همین نگاه هوشمندانه بود که جایگاه فرزندان این دیار را در کنار دیگر آزادی‌خواهان این سرزمین در گنجینه افتخارات میهن جاودانه ساخت، تأکید کرد: خوانش دقیق تاریخ مشروطه به ما یادآور می‌شود که حرکت در مسیر تحقق آزادی، استقلال، قانونمداری و توسعه، یک جریان پویا و مستمر است. مشروطه نه یک حادثه محصور در گذشته، بلکه سرآغاز فرآیندی است که در طول یک قرن اخیر با فراز و نشیب‌های گوناگون تعمیم یافته و با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی به مرحله‌ای نو و بومی از مردم‌سالاری دینی رسید.

وی افزود: امروز ایران اسلامی با اتکا به نهادهای قانونی، حضور آگاهانه مردم در عرصه تصمیم‌گیری و ظرفیت‌های باشکوه علمی و ملی خود، راه دستیابی به پیشرفت و آبادانی را با صلابت ادامه می‌دهد. پاسداشت واقعی مشروطه فراخوانی است برای وفاق ملی، عقلانیت جمعی و تکیه بر حاکمیت قانون.

پزشکیان با تبریک یکصد و بیستمین سالگرد این رویداد بزرگ و گرامیداشت یاد و خاطره همه شهدای آزادی‌خواه و مجاهدان این راه، از تمامی نخبگان، فرهیختگان و پژوهشگران حوزه سیاست و تاریخ خواست از طریق بازخوانی تحلیلی و تبیینی این میراث گرانبها، ابعاد گوناگون آن را برای نسل امروز و آینده تبیین کنند تا با بهره‌گیری از این تجربه تاریخ‌ساز، گام‌هایی استوارتر در مسیر عزت، اقتدار و سرافرازی ایران عزیز برداشته شود.

گفت‌وگوی تلفنی رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس با رئیس‌جمهوری

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگوی تلفنی با خلیل الحیه رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) با تبریک انتصاب وی به این مسئولیت، ابراز امیدواری کرد که پذیرش این مسئولیت با توفیق الهی، منشأ خدمت به ملت فلسطین و مردم مقاوم غزه و زمینه‌ساز عزت و سربلندی هرچه بیشتر آنان باشد.

رئیس‌جمهوری در ادامه با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای فلسطین، بویژه در ایام سالگرد شهادت اسماعیل هنیه، این ضایعه را تسلیت گفت و با اشاره به شهادت وی در جریان سفر به جمهوری اسلامی ایران، این اقدام را جنایتی ناجوانمردانه از سوی رژیم صهیونیستی توصیف کرد.

پزشکیان با تجلیل از صبر، استقامت و مقاومت مردم فلسطین در برابر جنایات رژیم صهیونیستی، تأکید کرد که قلب و روح ملت و مسئولان جمهوری اسلامی ایران همواره در کنار مردم مظلوم فلسطین است و جمهوری اسلامی ایران تا حد ممکن از ملت فلسطین حمایت و پشتیبانی خواهد کرد.

رئیس‌جمهوری از نقش و مدیریت خلیل الحیه در ایجاد هماهنگی میان گروه‌های فلسطینی قدردانی کرد و گفت: جمهوری اسلامی ایران از هر تدبیر، ابتکار و تصمیمی که رهبران فلسطینی در روند مذاکرات اتخاذ کنند، حمایت خواهد کرد.

رئیس‌جمهوری با اشاره به تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه خاک جمهوری اسلامی ایران و شرایط منطقه، تصریح کرد: به‌رغم این مشکلات، مسأله فلسطین همچنان جایگاه محوری خود را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حفظ کرده و از نگاه مسئولان، سیاست‌گذاران و رهبر جمهوری اسلامی ایران دور نمانده است و همچنان مسأله اول جهان اسلام به شمار می‌رود.

پزشکیان با آرزوی سلامتی، عزت و پیروزی برای ملت فلسطین، بر تداوم حمایت جمهوری اسلامی ایران از مردم فلسطین تأکید و اظهار کرد: ایران از هیچ تلاشی برای کمک به ملت فلسطین دریغ نخواهد کرد.

رئیس‌جمهوری همچنین خواستار تقویت وحدت، انسجام و همگرایی میان کشورهای اسلامی برای دفاع از منافع امت اسلامی شد.

پزشکیان در بخش دیگری از این گفت‌وگو، با درخواست ابلاغ سلام خود به سایر مجاهدان و مسئولان فلسطینی، اظهار کرد: وحدت و همبستگی کشورهای اسلامی می‌تواند زمینه غلبه حق بر باطل را فراهم کند.

رئیس‌جمهوری تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره حامی ملت مظلوم، مقاوم و قهرمان فلسطین بوده و خواهد بود و تلاش خواهد کرد با گسترش همکاری‌ها با کشورهای اسلامی، اختلافات موجود کاهش یافته و امت اسلامی در برابر دشمنان به وحدت و انسجام بیشتری دست یابد.

> مشروطه، پاسخ آگاهانه جامعه ایرانی به تنبه ناشی از چالش‌های تاریخی و منطقه‌ای بود؛ حرکتی اصیل که تحت هدایت و حمایت علمای بزرگ و باهمبستگی بی‌نظیر آحاد مردم، حاکمیت قانون، عدالت‌خواهی و استقلال‌طلبی را به عنوان خواست عمومی تثبیت کرد

در این گفت‌وگوی تلفنی آقای خلیل الحیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) نیز با گرامیداشت یاد شهید اسماعیل هنیه، شهادت وی در جمهوری اسلامی ایران را نمادی از وحدت خون، سرنوشت، رویکرد و مواضع مشترک امت اسلامی در قبال مسأله فلسطین دانست.

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس با اشاره به همزمانی آغاز مسئولیت آقای پزشکیان در مقام ریاست جمهوری با شهادت اسماعیل هنیه، از مدیریت جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف و عبور از شرایط حساس منطقه‌ای تجلیل کرد و این روند را نشانه مدیریت مسئولان دولت جمهوری اسلامی در مواجهه با چالش‌ها و تحولات منطقه‌ای توصیف کرد.

الحیه با اشاره به تحولات اخیر منطقه و حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی را عامل اصلی بی‌ثباتی و تهدید امنیت منطقه دانست و تأکید کرد که این رژیم، با وجود حمایت‌های آمریکا، در مسیر افول قرار دارد.

رئیس دفتر سیاسی حماس همچنین با تمجید از ایستادگی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدها، اظهار کرد که ایران توانسته معادلات جدیدی در منطقه ایجاد کند و ابراز اطمینان کرد جمهوری اسلامی ایران در ادامه نیز به دستاوردهای خود دست خواهد یافت، دستاوردهایی که به سود ایران، منطقه و جهان اسلام خواهد بود.

خلیل الحیه همچنین با ابراز امیدواری نسبت به آینده محور مقاومت، تأکید کرد که این جریان در کشورهای مختلف منطقه در نهایت به اهداف و آرمان‌های خود دست خواهد یافت. رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس با اشاره به ادامه جنگ در غزه و وضعیت کرانه باختری، قدس و مسجدالاقصی، از استمرار حمایت جمهوری اسلامی ایران از ملت فلسطین قدردانی کرد و گفت: مردم فلسطین با وجود تداوم حملات و فشارها، بر آرمان‌های خود و خون شهدای فلسطین پایبند خواهند ماند.

الحیه در ادامه با اشاره به روند مذاکرات سیاسی، اظهار کرد که جنبش حماس این مذاکرات را با مشارکت و هماهنگی سایر گروه‌های فلسطینی دنبال می‌کند و همان‌گونه که در میدان نبرد ایستادگی کرده است، در عرصه دیپلماسی نیز اجازه نخواهد داد رژیم صهیونیستی به اهدافی دست یابد که در میدان جنگ به آن نرسیده است.

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس همچنین خواستار بهره‌گیری از تجربیات جمهوری اسلامی ایران و مسئولان ایرانی در روند مذاکرات، در راستای تأمین منافع ملت فلسطین شد و ابراز امیدواری کرد تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک نیز در کنار مقاومت میدانی به تحقق اهداف ملت فلسطین منجر شود.

خلیل الحیه با اشاره به عملیات طوفان الاقصی، ابراز امیدواری کرد پایان این روند با آزادی فلسطین و قدس شریف همراه باشد.

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس همچنین با گرامیداشت یاد رهبران و فرماندهان شهید محور مقاومت، بر تداوم همکاری و همگرایی میان جریان‌های همسو تأکید کرد و گفت که در چارچوب مسئولیت‌های خود برای تقویت وحدت امت اسلامی تلاش خواهد کرد و ابراز امیدواری کرد در آینده نزدیک با رئیس‌جمهوری کشورمان دیدار کند.

رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم:

دولت در این ۱۴ ماه کار بزرگی کرده است

خبر

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی، رئیس جمهوری اسبق کشورمان، در دیدار جمعی از وزیران و معاونان رئیس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، در ارتباط با خدمات دولت در یک سال گذشته و در زمان جنگ اظهار کرد: «در این ۱۴ ماه دولت کار بزرگی کرده است. درست است مشکلات وجود دارد، گرانی و تورم هست، اما در عین حال، قحطی نشده، کالا به اندازه کافی هست. مردم اگر چیزی بخواهند در فروشگاه‌ها وجود دارد. علی‌رغم اینکه امروز ما در محاصره هستیم و این محاصره بی‌سابقه بوده است.»

به گزارش ایرنا، رئیس جمهوری اسبق کشورمان افزود: «ما باید کاری کنیم که تجاوز دشمن زودتر خاتمه یابد. روابط با همسایگان که باید برادرانه شود و به آن روابط برادرانه زودتر برسیم. تحریم از سر مردم برداشته شود. تورم مهار شود، مردم از لحاظ ذهنی و فکری آرامش بیشتری پیدا کنند. این جزو وظیفه همه ماست و باید در این راه تلاش کنیم و آنچه که رهبر شهیدمان در تمام طول زندگی دنبال آن بودند که کشور ایران عظمت داشته باشد، کشور جایگاه بلندی در جهان داشته باشد، مردم در آسایش باشند؛ ما همان راه و همان مسیر را ادامه بدهیم ان‌شاءالله و بتوانیم به نقطه‌ای برسیم که مطلوبِ ملت و خواست مردم است.»

وی تسلیم نشدن ایران را یادگار رهبر شهید در تاریخ عنوان کرد و گفت: «آمریکا و اسرائیل می‌خواستند ایران تسلیم شود ولی رهبری ایستادگی کرد و نشان داد که ایران تسلیم نخواهد شد ولو اینکه جان خودش را در این راه داد و به شهادت رسید.»

روحانی با بیان اینکه آمریکا و اسرائیل درباره تاب‌آوری مردم ایران دچار اشتباه محاسباتی شدند، اظهار کرد: «واقعاً باید به این ملت بزرگ آفرین گفت که آن همه عزیزانشان شهید شدند، رهبرشان شهید شد و دیدند که متجاوزین تا چه حد جانی هستند که مدرسه میناب یک نمونه آن بود، اما تسلیم نشدند. من بعید می‌دانم که آمریکایی‌ها در مدرسه میناب اشتباه کرده باشند و بگویند ما قبلاً اطلاعاتی داشتیم، بعد از ۵ یا ۶ سال اطلاعات قبلی تغییر کرده و ما نفهمیدیم. کسی که این همه پهپاد و هواپیما و ماهواره دارد، این همه جاسوس دارد و اطلاعاتش به روز و به لحظه است، نمی‌تواند این کارش از روی اشتباه باشد. اینها خواستند دژخیمی و سبعیت خودشان را نشان دهند. خواستند بی‌رحمی خودشان را نشان بدهند. خواستند روحیه مردم را بشکنند.»

وی هدف آمریکا را در اختیار گرفتن نفت و اقتصاد کشور و تسلط بر ایران به خاطر جایگاه استراتژیک آن دانست و افزود: «تمام ادعاهایی که امروز ترامپ مطرح می‌کند که ما بالاخره روزی خارک را می‌گیریم. روزی تنگه هرمز را می‌گیریم، به نظر من اینها ادعاهای واهی و بی‌ارزشی بیش نیست. لاف زدن‌ها و حرف‌های توخالی است. به دلیل اینکه اگر هم حماقت کنند و این کار را بکنند و بخواهند تنگه هرمز را بگیرند، بخواهند جزیره خارک را بگیرند، بخواهند جزایر دیگر را بگیرند، آن وقت یک رسوایی بزرگی برای دولت آمریکا در تاریخ خواهد ماند.» رئیس جمهوری ایران در دوره‌های یازدهم و دوازدهم با تأکید بر اینکه رهبر شهید هیچ وقت دنبال جنگ نبودند، گفت: «هر جایی که دشمن می‌خواست یا دوست نادان می‌خواست، یا دیگران می‌خواستند آتش جنگی را شعله‌ور کنند، ایشان با صلابت می‌ایستاد. این صلابت و شجاعت فقط در برابر دشمن نبود. گاهی در برابر هیجانات و احساسات دوست هم بود. گاهی ممکن است هیجان دوست هم کار دست کشور بدهد و رهبری آنجا هم باید هیجان را مهار کند. همان‌طوری که باید دشمن را مهار کرد، گاهی هم باید دوست را مهار کرد، گاهی هم باید دوست را هدایت کرد.»

روحانی با ارزشمند دانستن تحمیلی خواندن جنگ‌هایی که علیه ایران اتفاق افتاده، اظهار کرد: «گاهی چاره‌ای نیست، چون جنگ تحمیل شده باید مقابله و ایستادگی کرد. البته مقاومت و دفاع خیر است و لازم. بازدارندگی خیر است و ضروری. ایستادگی در برابر مهاجم وظیفه است. اما اگر بتوانیم جنگ را یک روز زودتر تمام کنیم بهتر است. همان‌طور که رهبری یک بار فرمودند که درباره تحریم، اگر بتوانیم یک روز زودتر تحریم را تمام کنیم باید آن را انجام دهیم.»

رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم با قدردانی از هدایت‌های رهبر شهید و مقام معظم رهبری، نیروهای مسلح و دولت برای تأمین زندگی و معیشت مردم در این ۱۴ ماه سخت گفت: «همه تلاش کردند، اما کار، ایستادگی و مقاومت مردم، فوق‌العاده بود. ما باید کاری کنیم که تجاوز دشمن زودتر خاتمه یابد. زودتر به روابط برادرانه با همسایگان برسیم. تحریم از سر مردم برداشته شود. تورم مهار شود، مردم از لحاظ ذهنی و فکری آرامش بیشتری پیدا کنند. این جزو وظیفه همه ماست و باید در این راه تلاش کنیم. بدانیم برای ادامه جنگ یا پایان جنگ و شرایط آینده کشور، تصمیم‌گیر اصلی ملت بزرگ ایران است.»

علی مطهری:

پیروزی‌های میدان پشت میز مذاکره به نتیجه می‌رسد

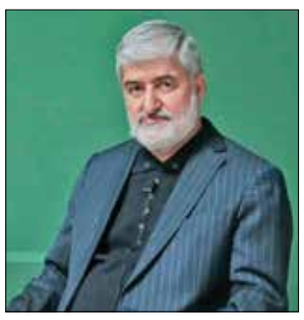

نایب رئیس مجلس دهم با بیان اینکه پیروزی‌هایی را که در جنگ کسب می‌کنیم در مذاکره نقد می‌کنیم، گفت: «دشمن از آغاز جنگ اهدافی چون از بین بردن نظام و تجزیه ایران را دنبال می‌کرد همین که نتوانست به اهدافش دست یابد به معنی پیروزی ماست.» علی مطهری درباره دوقطبی کاذب جنگ یا مذاکره برای کشور به ایرنا گفت: «جایی که منافع کشور با جنگ تأمین شود می‌جنگیم و جایی که با مذاکره تأمین شود، مذاکره می‌کنیم. در واقع پیروزی‌هایی را که در جنگ کسب می‌کنیم در مذاکره نقد می‌کنیم.» نایب رئیس مجلس دهم در واکنش به اظهارات برخی جریان‌های سیاسی مخالف مذاکره که می‌گویند وقتی ما به آمریکا به علت نقض عهدهای مکرر اطمینانی نداریم چرا باید دوباره دست به مذاکره بزنیم، اظهار کرد: «تا زمانی که سردمداران آمریکا تصور کنند ایران ضعیف است، نقض عهد خواهند کرد. بنابراین باید آنها را به نقطه‌ای برسانیم که دریابند با جنگ نمی‌توانند به خواسته‌های خود برسند. البته آنها به ادراک این نقطه نزدیک شده‌اند.» وی تصریح کرد: «مذاکره کردن نشان می‌دهد ما جنگ‌طلب نیستیم و به دنبال توافق عادلانه هستیم. اگر مذاکره نکنیم، ممکن است عده‌ای بگویند فرصت را از دست دادیم. لذا ما هیچ وقت نباید میز مذاکره را ترک کنیم. تفاهمنامه اسلام‌آباد در مجموع به نفع ایران و به ضرر رژیم صهیونیستی است و به همین دلیل صهیونیست‌ها در تلاش هستند تا آن را از بین ببرند، همان طور که برجام را از بین بردند.»

مطهری در ارزیابی آسیب‌های دو قطبی کاذب «جنگ یا مذاکره» به توان چانه‌زنی مذاکره کنندگان ارشد کشور و نیز «اتحاد مقدس» مردم تأکید کرد و گفت: «اگر افراد یا جریان‌هایی بر طبل اختلاف بکوبند و به عنوان مثال مذاکره را خیانت معرفی کنند یا در طرف مقابل کسانی ایستادگی نیروهای مسلح را به حساب تندروی بگذارند، هر دو رویه از بین برنده وحدت و انسجامی است که طی ۱۵۰ روز گذشته بر کشور ما حاکم شده است. باید بدانیم که مقامات عالی کشور از روی عقل و تدبیر تصمیم می‌گیرند.» مطهری در ارزیابی مفهوم «پیروزی» در مواجهه با دشمن آمریکایی - صهیونی گفت: «همین که آنها نتوانستند به اهداف خود در جنگ دست یابند و دچار سردرگمی هستند به معنای پیروزی ماست. دشمنان جنگ را با هدف از بین بردن نظام و تجزیه ایران آغاز کردند و دیدید که دست به چه ترورهایی زدند.» مطهری در ارزیابی نقش نخبگان در پیشگیری از دوقطبی کاذب جنگ یا مذاکره و ارسال پیام ضعف به خارج از کشور گفت: «نخبگان اولاً باید شرایط کشور و موقعیت حساس فعلی را برای مردم تشریح کنند و ثانیاً اگر نقدی دارند، منصفانه باشد تا وحدت و انسجام کشور آسیب نبیند.»

تغییر در زمانبندی شارژ حساب کالابرگ خانوارها

معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: «شارژ اعتبار کالابرگ الکترونیکی از مردادماه با زمانبندی جدید بر اساس رقم آخر کد ملی ایرانیان مقیم کشور انجام می‌شود.»

یعقوب اندایش با اعلام این خبر افزود: «از این پس فرآیند واریز اعتبار به حساب سرپرستان خانوار در سه بازه زمانبندی ۱۵ هر ماه، ۲۵ هر ماه و پنجم ماه بعد انجام می‌شود؛ به‌طوری که سرپرستان خانواری که رقم آخر کد ملی‌شان ۰، ۱ و ۲ باشد و خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی و نیروهای مسلح، پانزدهم هر ماه، سرپرست خانوارهای با رقم آخر کد ملی ۳ تا ۶، روز بیست‌وپنجم هر ماه و سرپرست‌های با کد ملی رقم ۷ تا ۹ روز پنجم ماه بعد اعتبار کالابرگی خود را دریافت می‌کنند.»

وی افزود: «به عبارت روشن‌تر، در مردادماه، روز پانزدهم، حساب سرپرست‌های خانوار با رقم آخر کد ملی ۰ تا ۲، خانواری حمایتی و نیروهای مسلح، روز بیست و پنجم حساب سرپرست‌های خانوار با رقم آخر کد ملی ۳ تا ۶ و روز پنجم شهریورماه حساب سرپرست‌های با رقم آخر کد ملی ۷ تا ۹ شارژ خواهد شد.»

معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خاطرنشان کرد: «همه مطالبات فروشگاه‌های طرف قرارداد طرح کالابرگ تا پایان تیرماه تسویه شده و فرآیند تسویه حساب با فروشندگان بدون وقفه حداکثر طی سه تا چهار هفته در حال انجام است.»

اندایش اظهار کرد: «از هموطنان درخواست می‌شود برای اطلاع از زمان دقیق شارژ حساب، از طریق سامانه‌های رسمی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی استعلام بگیرند و فقط پیامک‌های ارسالی از سرشماره v.refah مورد تأیید است و هیچ‌گونه لینکی در این پیام وجود ندارد.»

وی افزود: «راه‌های استعلام مانده اعتبار و مشاهده فروشگاه‌های مجاز از طریق پیام‌رسان «بله» و درگاه و برنامه «شمیم» امکان‌پذیر است و سامانه‌ها و راه‌های ثبت درخواست آن دسته از هموطنانی که تاکنون متقاضی دریافت یارانه نبوده‌اند، طی اطلاعیه‌های دیگر اعلام خواهد شد.»

معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پایان تأکید کرد: «برای هر فرد ماهانه یک میلیون تومان اعتبار برای کالابرگ اختصاص می‌یابد.»

رئیس جمهوری در مصاحبه‌ای تصویری از شرایط آغاز به کار دولت، مدیریت جنگ، رابطه با رهبری و تلاش برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور گفت

رو راست با مردم نجیب

دولت

گروه سیاسی

مسعود پزشکیان در پایبندی به رسم گفت‌وگوی صادقانه با مردم، در آستانه آغاز سومین سال از عمر دولتش، اقدامات و دستاوردهای دولت در دو سال گذشته را تبیین کرد و در پاسخ به پرسش نمایندگانی از افکار عمومی درباره موضوعات مهم روز بویژه موضوع جنگ و مذاکرات سخن گفت. رئیس جمهوری در این گفت‌وگو که بخش اول آن شامگاه چهارشنبه و پس از بخش خبری ساعت ۲۱ سیمای جمهوری اسلامی منتشر شد، با یادآوری مشکلات و مصایبی که از روز آغاز پیش روی دولت چهاردهم قرار گرفت، از عملکرد مجموعه دولت و نیروهای مسلح که با وجود همه این سختی‌ها و مشکلات کشور را به جایی رساندند که در سراسر جهان از ایران به عنوان کشوری قدرتمند و با عزت بسیار بالا نام برده شود، دفاع کرد. رئیس جمهوری در بخشی از این گفت‌وگو با بیان اینکه از نگاه او «منظور از مردم مستقل از عقیده، باور، نگاه، جنسیت و قومیتشان، همه کسانی هستند که در این مملکت زندگی می‌کنند» و «حاکمیت وظیفه دارد بر اساس عدالت با آنان برخورد و بحق با آنها رفتار کند»، گفت: «تنها کسانی که در خیابان بودند، ایران ما را نگه نداشتند؛ همه مردمی که این سختی‌ها را می‌بینند و تحمل می‌کنند، برای ایران و کشورشان این کار را انجام می‌دهند. ما خود را خدمتگزار و منت‌دار این مردم می‌دانیم و از خدا می‌خواهیم کمک کند تا شرمنده آنان نشویم.» یکی از فرازهای مهم دیگر این گفت‌وگو به مکاتبات و دیدارهایی ارتباط داشت که رئیس جمهوری در این مدت با آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب داشته‌اند. پزشکیان در این باره با بیان اینکه «شخصیتی که من از ایشان دیدم، از نظر اخلاق، منطق و تواضع واقعاً استثنایی بودند»، تصریح کرد: «ایشان فردی کاملاً منطقی و بسیار بردبار هستند. من هرچه در دل داشتم، صریحاً بیان کردم تا در جریان مسائل قرار بگیرند و ایشان نیز با مهربانی، منطق و برخوردی بسیار مناسب با ما مواجه شدند. به همین دلیل، مطالبی که گاهی از قول ایشان مطرح می‌شود، با شخصیتی که من دیده‌ام تطابق ندارد. چهره‌ای که برخی از ایشان ترسیم می‌کنند، با واقعیت متفاوت است.» مشروح بخش اول گفت‌وگوی رئیس جمهوری با مردم در آستانه آغاز سال سوم ریاست‌جمهوری بدین شرح است:

آقای دکتر! خیلی ممنونم از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. اکنون در آغاز سومین سال ریاست‌جمهوری شما هستیم؛ اگر بخواهید این دو سال را توصیف کنید، چه تعبیری از آن خواهید داشت؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. دو سال که گذشت دیگر؛ آنچه عیان است، چه حاجت به بیان است. از همان روز اولی که خواستیم مسئولیت را بر عهده بگیریم میهمان عزیزمان، اسماعیل هنیه را شبانه شهید کردند. پس از آن نیز مشکلاتی وجود داشت که همچنان ادامه پیدا کرد؛ ناترازی‌هایی که داشتیم و نگرانی از اینکه ممکن است در زمستان برق و گاز نداشته باشیم و مردم با مشکل مواجه شوند. وضعیت آب نیز نامناسب بود که البته سال بعد بدتر هم شد. خشکسالی که سال ۱۴۰۴ وجود داشت، در ۵۰ سال گذشته بی‌سابقه بود و واقعاً شرایط بسیار سختی را ایجاد کرد.

در نهایت، بحث اسنپ‌بک را به راه انداختند، جنگ ۱۲روزه را آغاز کردند و اتفاقاتی که در ۱۸ و ۱۹ دی رخ داد، بر مشکلات افزود. نقشه‌هایی کشیده بودند و تصور می‌کردند می‌توانند ایران را مانند سوریه، مثلاً ظرف ۴۸ ساعت، تصرف کنند. جنگ رمضان و شهادت بزرگان و عزیزانی که از دست دادیم نیز بسیار دردناک و سخت بود.

با وجود همه این سختی‌ها و مشکلات، دولت، مدیران، استانداران، فرمانداران، بخشداران، کارمندان، مردم و نیروهای مسلح، کشور را تا اینجا رساندند؛ به‌گونه‌ای که امروز از ایران به‌عنوان کشوری قدرتمند و با عزت بسیار بالا نام می‌برند. این کار ساده‌ای نبود.

در میان همه این مشکلات، دولت تا جایی که از دستش برآمده و توانسته است، تلاش کرده مردم آن احساسی را که طراحان این جنگ‌ها و نقشه‌ها به‌دنبال ایجاد آن بودند تا فروپاشی اجتماعی ایجاد کنند، تجربه نکنند. آنان می‌خواستند جامعه ما را به هم بریزند، اما این اتفاق رخ نداد و کشور تا امروز با قدرت اداره شده است.

آقای پزشکیان! یکی از واژه‌های پرتکرار در دوران ریاست‌جمهوری شما، واژه «مردم» بوده است. این سؤال وجود دارد که منظور شما کدام مردم است؟ مردمی که اصلاً رأی ندادند، مردمی که در دی‌ماه اعتراض کردند یا مردمی که این ۱۵۰ روز در خیابان بودند؟ آیا میان مردم تفکیکی قائل می‌شوید یا منظورتان از مردم، همان ۹۵ میلیون ایرانی است؟

خیلی روشن است. اگر به قرآن و باورهای دینی‌مان نگاه کنید، خداوند به حضرت داوود می‌فرماید: «یا داوود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین‌الناس بالحق ولا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله». یعنی ما تو را خلیفه قرار دادیم تا بین مردم، یعنی همه مردم، به حق حکم کنی و تابع هوای نفس نباشی. قرآن پر از این آیات است. تابع هوای نفس بودن یعنی اینکه گروه، جناح و دسته خودت را در نظر بگیری؛ در حالی که باید با مردم به‌درستی رفتار کرد.

حضرت علی(ع) نیز در دستور خود به مالک اشتر می‌فرمایند: «واشعر قلبک الرحمة للرعیة والمحبة لهم واللطف بهم»؛ یعنی قلبت را از محبت، رحمت و لطف نسبت به مردم مالامال کن. بعد می‌فرمایند: «فانهم صنفان، اما اخ لک فی‌الدین او نظیر لک فی الخلق»؛ مردم دو دسته‌اند: یا از نظر اعتقادی با تو یکی هستند یا در خلقت با تو برابرند.

ممکن است دچار لغزش شوند و عمداً یا به خطا اشتباه کنند. تو به‌عنوان حاکم از آنان بگذر و با مهربانی با آنها برخورد کن. این امتحان سختی است که خداوند از تو می‌گیرد. بعد هم می‌فرمایند: «ولا تنصبن نفسک لحرب الله»؛ خودت را در مقابل خدا قرار نده. یعنی اگر ما با مردم با مهربانی، عطوفت و به‌صورت خدمتگزارانه برخورد نکنیم، در حال جنگ با خدا هستیم.

منظور از مردم، همه کسانی هستند که در این مملکت زندگی می‌کنند؛ مستقل از عقیده، باور، نگاه، جنسیت و قومیتشان. حاکمیت وظیفه دارد بر اساس عدالت با آنان برخورد و به‌حق با آنها رفتار کند. متأسفانه ما در این زمینه مشکلات زیادی داریم و برای اینکه بتوانیم این روند را اصلاح کنیم، به فرصت نیاز داریم.

در این مدت تمام تلاش این بوده است که ما را از هم بپاشند. اگر تا امروز مانده‌ایم، به‌خاطر مردم نجیب ایران بوده است که ما را نگه داشته‌اند؛ نه‌فقط آن‌هایی که در خیابان بودند، بلکه آن‌هایی که در دلشان عقده‌ها و گلایه‌هایی داشتند، اما به‌خاطر ایران به خیابان نیامدند و مشکلی ایجاد نکردند؛ نه‌تنها مشکل ایجاد نکردند، بلکه همراهی، همدلی و هم‌صدایی کردند.

تنها کسانی که در خیابان بودند، ایران ما را نگه نداشتند؛ همه مردمی که این سختی‌ها را می‌بینند و تحمل می‌کنند، برای ایران و کشورشان این کار را انجام می‌دهند. ما خود را خدمتگزار و منت‌دار این مردم می‌دانیم و از خدا می‌خواهیم کمک کند تا شرمنده آنان نشویم.

به هر حال، اوضاعی که اکنون با آن مواجهیم، سخت‌ترین شرایط ممکن در طول تاریخ پس از انقلاب بوده است. تحریم‌ها وجود داشت و شدیدتر شد. پس از آن، بانک‌ها و روند مالی ما را نیز تحریم کردند. به این قناعت نکردند و جنگ به راه انداختند. باز هم به این قناعت نکردند و ما را محاصره کردند. یعنی در بدترین شرایط ممکن می‌خواهند ما را زمینگیر کنند.

اما وقتی با مردم باشیم، هیچ قدرتی نمی‌تواند ما را زمینگیر کند؛ به‌شرط آنکه این را از ته دل بپذیریم و باور کنیم.

اگر تا امروز مانده‌ایم، به‌خاطر مردم نجیب ایران بوده است که ما را نگه داشته‌اند؛ نه‌فقط آنهایی که در خیابان بودند، بلکه آنهایی که در دلشان عقده‌ها و گلایه‌هایی داشتند، اما به خاطر ایران به خیابان نیامدند و مشکلی ایجاد نکردند این مردم نجیب‌اند؛ برای ایران، کشور و آینده کشورشان ایستاده‌اند و خواهیم ایستاد. ما نیز به این مردم عزیز قول می‌دهیم تا جان در بدن داریم و نفس می‌کشیم، با تمام وجود به آنان خدمت کنیم

اکنون تمام نقشه‌هایی که آنها می‌کشند و فشارهایی که وارد می‌کنند، برای این است که مردم را ناراضی و به‌اصطلاح به اعتراض وادار کنند. اما این مردم نجیب‌اند؛ برای ایران، کشور و آینده کشورشان ایستاده‌اند و خواهیم ایستاد. ما نیز به این مردم عزیز قول می‌دهیم تا جان در بدن داریم و نفس می‌کشیم، با تمام وجود به آنان خدمت کنیم.

آقای رئیس جمهور! بر اساس گفتمان وفاق، دو برداشت در جامعه شکل گرفت: یکی اینکه آیا دولت، شرکت سهامی است که از هر جریان و جناحی سهمی در آن در نظر گرفته شود؛ یا اینکه منظور از وفاق، توافق و تفاهم با نیروهای مختلف و همه مردم برای حل مشکلات کشور است؟ از دیدگاه شما، وفاق به معنای دولت سهامی است یا توافق و تفاهم برای حل مشکلات؟

از نظر اعتقادی خداوند می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ». اینکه یکی زن است و دیگری مرد، یکی کرد است و دیگری عرب، عجم، ترک یا بلوچ؛ یکی سیاه است، یکی سفید و دیگری زرد، هیچ‌کدام نشانه برتری نیست. نشانه برتری، تقواست.

می‌دانید تقوا یعنی چه؟ آنچه من از تقوا می‌فهمم، حرکت بدون خطاست. من پزشک، اگر بیمار را درست، بدون عارضه و با کیفیت خوب عمل کنم، متقی هستم. ممکن است پزشکی نماز بخواند، نماز شب بخواند و همه آن چارچوب‌هایی را که می‌گویند رعایت کند و ظاهرش نیز خیلی حزب‌اللهی باشد؛ اما وقتی بیمار را عمل می‌کند، بیمار با عارضه از اتاق عمل بیرون بیاید یا با مشکلی مواجه شود. در مقابل، ممکن است فردی به باورهای من معتقد نباشد، اما بیمار را درست عمل کند. آن فرد از منی که ادعا دارم، متقی‌تر است.

اگر با این نگاه به جامعه نگاه کنیم، ملاک همکاری با افراد و کار کردن با یکدیگر، عملکرد بدون خطاست؛ چه در اقتصاد، چه در صنعت، کشاورزی، هنر، مدیریت و هر حوزه دیگری. اگر بر این مبنا با انسان‌ها برخورد کنیم، دیگر این‌گونه نخواهد بود که چون من وابسته به فلان دسته و گروه هستم، پس برترم. آن کسی که توانمندتر و کم‌خطاتر است، حتی اگر در باور و ذهنیتش ما را قبول نداشته باشد، حق با اوست. «ان اکرمکم عندالله اتقاکم»؛ یعنی کسی که باتقواتر، عالم‌تر و توانمندتر است.

من بارها این موضوع را درباره قرآن گفته‌ام. خیلی‌ها قرآن می‌خوانند. سوره الرحمن را می‌دانید؛ وقتی در مجالس شرکت می‌کنیم، در پایان سوره الرحمن را می‌خوانند. روزی وقتی این سوره را می‌خواندم، یک جهان‌بینی را مطرح می‌کند: «الرحمن، علم القرآن، خلق الانسان، علمه البیان، الشمس والقمر بحسبان، والنجم والشجر یسجدان، والسماء رفعها ووضع المیزان». وقتی این جهان‌بینی را مطرح می‌کند، بعد می‌فرماید: «الا تطغوا فی المیزان، واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان»؛ یعنی وزن‌ها را بر اساس عدالت قرار دهید، کم و زیادش نکنید.

یک جهان‌بینی را بیان می‌کند و بعد می‌گوید این کار را نکنید. ما همین آیات را برای مرده‌ها می‌خوانیم. اگر به همین آیات عمل کنیم، پست را به آدم ناتوان نمی‌دهیم، عده‌ای آدم بی‌سواد را بر آدم‌های باسواد حاکم نمی‌کنیم و مدیریت را به کسانی که وزنشان کمتر است، نمی‌سپاریم؛ زیرا می‌گوید تمام دنیا حساب‌وکتاب دارد. پس تو چرا این کار را می‌کنی؟

ما در حال انجام همین کارها هستیم. اگر همین آیاتی را که برای مرده‌ها می‌خوانیم، در عمل و اجرا به کار می‌بستیم، مشکلی نداشتیم. همه باید حضور داشته باشند؛ اما بر اساس لیاقت، توانمندی و عرضه‌شان، نه بر اساس حزب، جناح، دسته و نگرششان. این همان چیزی است که باید به آن توجه کنیم.

آقای رئیس جمهور! در این جنگ جنایت کم رخ نداد؛ هریک از این جنایت‌ها می‌تواند پرونده یک جنایت جنگی باشد. اتفاقاتی که در جنگ اخیر رخ داد چه مقدار به نگاه شما در مبحث حقوق بشر و بحث سازمان‌های بین‌المللی در دفاع از انسانیت اثر گذاشت؟

من بارها گفته‌ام مباحثی که درباره حقوق بشر، حقوق حیوانات، آزادی‌ها و موضوعات مشابه مطرح می‌کنند، پیش از این هم در ذهن من چندان باورپذیر نبود؛ اما اکنون دیگر کاملاً فروریخته است. اولین سؤال این است که رهبر ما را به چه دلیل و به چه جرمی شهید کردند؟ فرماندهان و دانشمندان ما را به چه جرمی به شهادت رساندند؟ چرا کودکان ما را هدف قرار دادند؟ هرچه فکر می‌کنم، هیچ منطق و توجیهی برای این اقدامات نمی‌بینم.

آنها با هر نمادی از توانمندی، ایستادگی، ابتکار و خلاقیت ما مشکل دارند. دانشگاه‌ها، مراکز هوافضا و مراکز فعال در حوزه هوش مصنوعی را هدف قرار می‌دهند و استادان دانشگاهی را که دانشمند، خلاق و توانمندند به شهادت می‌رسانند. آنها نمی‌خواهند ما انسان‌های توانمند داشته باشیم.

در میان مدیران و فرماندهان نیز کسانی را هدف قرار می‌دهند که واقعاً جان‌فدا بودند؛ نه فقط در کلام، بلکه در عمل تمام زندگی خود را برای این مردم گذاشته بودند. آنها نباید باشند تا افرادی باقی بمانند که یکی به نعل و یکی به میخ بزنند و مردم نیز از عملکردشان ناراضی شوند و بپرسند اینها چه کسانی هستند که مدیر ما شده‌اند؟

بسیاری از فرماندهان و دانشمندانی که شهید شدند، زندگی بسیار ساده‌ای داشتند. بروید زندگی‌شان را ببینید؛ بعضی از آنها خانه نداشتند و خانه برخی دیگر بسیار کوچک بود. دارایی قابل‌توجهی نداشتند. همین شیوه زندگی، نشانه صداقت و فداکاری آن‌هاست؛ انسان‌هایی که در آن جایگاه‌ها قرار داشتند، اما خود و خانواده‌شان مانند مردم عادی زندگی می‌کردند.

آقای دکتر! وقتی خبر شهادت ۱۲۰ کودک را شنیدید چه حسی داشتید؟

ببینید، همان‌طور که گفتم، احساس را نمی‌شود با کلمات بیان کرد. حسی شبیه بغضی است که در گلو می‌ترکد و فقط با اشکی که از چشم انسان جاری می‌شود، خودش را نشان می‌دهد؛ اما نمی‌توان گفت چه چیزی انسان را وادار کرده که اشک از چشمانش سرازیر شود.

دست‌کم من نمی‌توانم این احساس را توصیف کنم. فقط می‌دانم که ناخودآگاه، اشک از چشمان انسان جاری می‌شود.

روز ۹ اسفندماه رهبر معظم انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند، شما چه زمانی از شهادت ایشان مطلع شدید و چه حسی داشتید؟

ما همین‌جا جلسه داشتیم که این محل را زدند و در حقیقت همان‌جا احساس کردم این اتفاق افتاده است؛ چون با نحوه‌ای که حمله کرده بودند و با توجه به اینکه گفته می‌شد رهبر عزیزمان آنجا حضور دارند، طبیعی بود چنین احساسی به انسان دست بدهد؛ همان حسی که گفتم و توصیف‌کردنی نیست.

به‌هرحال، ما سرمایه و پشتوانه بزرگی را از دست دادیم؛ بویژه دولت که ایشان مانند کوه پشت آن ایستاده بودند و پشتیبانی می‌کردند. من صادقانه همه حرف‌هایمان را با ایشان در میان می‌گذاشتم. شاید اکنون بسیاری از مطالب را نگفته باشم که آنجا در محضر رهبر عزیزمان مطرح می‌کردم. ایشان واقعاً به ما کمک و همراهی می‌کردند. اگر حمایت ایشان نبود احتمال تنش‌های اجتماعی زودتر از زمانی که اتفاق افتاد ممکن بود خودش را نشان بدهد. دشمن روی این مسأله حساب باز کرده بود که با شلیک موشک و تخریب مملکت را ساقط خواهند کرد. اما پشتیبانی ایشان اجازه نداد. وقتی مستأصل شدند مقام معظم رهبری را شهید کردند. کار بسیار وحشیانه آنها انجام گرفت و گمان می‌کردند که دیگر کشور دچار فروپاشی خواهد شد، اما ادامه یافت و رهبر عزیز ما انتخاب شد. ولی اکنون وجود رهبر جدید و عزیزمان نقطه قوت بسیار بزرگی برای ماست تا بتوانیم این مسیر را ادامه دهیم، هرچند ارتباط با ایشان اکنون بسیار دشوار است.

در همین موضوعی که مطرح شد، پیامی از ایشان منتشر شد که «علی الاصول موافق نبودم»، اما در نهایت اجازه دادند این روند شکل بگیرد. عده‌ای که به‌دنبال تفرقه و زنده کردن شکاف‌ها بودند و می‌خواستند به اهداف حزبی خود برسند، این موضوع را بزرگ کردند؛ در حالی که سخن ایشان کاملاً درست بود.

ایشان دیدگاهی داشتند و پس از جمع‌بندی‌ای که در همان شورا انجام شد، گزارش‌ها به خدمتشان ارائه شد. فرمودند اگر سه‌چهارم آرا را به دست آورد، من می‌پذیرم. این تصمیم به‌جای سه‌چهارم، رأی ۱۲ نفر از ۱۳ نفر را به دست آورد و ایشان نیز پذیرفتند. این یعنی نظر کارشناسی را پذیرفتند و بر اساس نظر کارشناسی تصمیم گرفتند.

اما همین موضوع بهانه‌ای در اختیار عده‌ای قرار گرفت تا شکاف ایجاد کنند و سخنانی بگویند که نه منصفانه بود و نه صادقانه. تلاش کردند مسأله را به‌گونه‌ای جلوه دهند که دیگران چنین و چنان‌اند. انصاف هم چیز خوبی است.

شهید دکتر بهشتی در کتاب «حق و باطل از دیدگاه اسلام» با استناد به قرآن و روایات می‌فرمایند احادیث فراوانی وجود دارد که می‌گوید انصاف نیمی از دین است؛ اما ایشان می‌گویند من معتقدم انصاف تمام دین است. چیزی را که برای خود نمی‌پسندی، نباید برای دیگران نیز بپسندی. واقعیت این است که من در این رفتارها انصافی نمی‌بینم.

آقای رئیس جمهور، در دوران جنگ موضوع بازگشت ایرانیان خارج از کشور بسیار مطرح شد. ظاهراً شما در همان مقطع درباره این مسأله با رهبر شهید نیز گفت‌وگو کرده بودید. در آن گفت‌وگو چه مباحثی مطرح شد و نگاه ایشان به بازگشت ایرانیان خارج از کشور چه بود؟

بله، من این موضوع را با ایشان مطرح کرده بودم و قرار شد نامه‌ای خدمتشان بنویسیم. به وزارت امور خارجه و همکاران خودمان نیز گفتم پیگیری کنند تا به دستگاه‌های امنیتی ابلاغ شود هر ایرانی که می‌خواهد به کشور بازگردد، برای ورودش مشکل ایجاد نکنند. اگر فردی پیش از ورود مسأله‌ای دارد، همان ابتدا به او اعلام کنند که نیاید یا از همان جا بازگردد؛ نه اینکه وارد کشور شود، او را بازداشت کنند و اجازه بازگشت هم ندهند. هر ایرانی باید بتواند به‌راحتی وارد ایران شود و برای او مانع ایجاد نکنند.

آیا رهبر شهید در همراهی با شما می‌خواستند این اقدام انجام شود و آن را تأیید می‌کردند، یا این صرفاً نظر شخصی شما بود؟

اگر ایشان باور و اطمینان نداشتند، آن را تأیید نمی‌کردند. رهبری این‌گونه نیستند که صرفاً به‌خاطر ما تصمیمی بگیرند.

یکی از رخدادهای مهم جنگ ۱۲روزه، ماجرای سوءقصد به شما در عصر ۲۵ خرداد بود. آقای حاجی میرزایی در گفت‌وگویی روایت کردند که شما بلافاصله پس از آن ترور به ملاقات رهبر انقلاب رفتید. وقتی ایشان متوجه شدند شما هدف سوءقصد قرار گرفته‌اید، چه واکنشی نشان دادند و در آن دیدار چه سخنانی میان شما ردوبدل شد؟

آن روز قرار بود ساعت پنج خدمت رهبری برسیم. حدود ساعت چهار و نیم، هنگامی که در جلسه بودیم، آنجا را بمباران کردند و در نتیجه نتوانستیم در زمان مقرر به دیدار برویم. به‌هرحال زنده ماندیم و از محل بیرون آمدیم؛ در حالی که تمام بدنمان خاکی شده بود و پا و زانوهایمان نیز زخمی شده بود.

بعد به ما گفتند آقا همچنان منتظر شما هستند. حدود ساعت شش‌وچهل‌وپنج دقیقه به دیدار ایشان رسیدیم و ایشان فقط منتظر بودند ما را ببینند. ماجرا را خدمتشان توضیح دادیم؛ ایشان نیز دستوراتی دادند و برای ما دعا کردند. پس از پایان جلسه هم به خانه بازگشتیم. ایشان مانند یک کوه در پشتیبانی از دولت حامی بودند و اگر دستاوردی داشته‌ایم به دلیل پشتیبانی ایشان بود. اکنون که عده‌ای زمینه را فراهم دیده‌اند و حرف‌هایی را بیان می‌کنند یا بی‌اطلاع هستند یا نسبت به وضعیت آگاه نیستند یا بی‌انصاف هستند.

آقای دکتر، در مکاتبات و دیدارهایی که با آقا مجتبی داشتید، مهم‌ترین ویژگی‌هایی که از شخصیت، نگاه و شیوه گفت‌وگوی رهبر انقلاب در ذهن شما شکل گرفت، چه بود؟

ببینید، من بارها این موضوع را چه علنی و چه در جلسات خصوصی گفته‌ام. شخصیتی که من از ایشان دیدم، از نظر اخلاق، منطق و تواضع واقعاً استثنایی بودند. به همین دلیل معتقدم هرچه بتوانیم مسائل و دردل‌هایمان را صریح‌تر با ایشان در میان بگذاریم، بهتر می‌توانیم به تفاهم برسیم.

ایشان فردی کاملاً منطقی و بسیار بردبار هستند. من هرچه در دل داشتم، صریحاً بیان کردم تا در جریان مسائل قرار بگیرند و ایشان نیز با مهربانی، منطق و برخوردی بسیار مناسب با ما مواجه شدند.

به همین دلیل، مطالبی که گاهی از قول ایشان مطرح می‌شود، با شخصیتی که من دیده‌ام تطابق ندارد. چهره‌ای که برخی از ایشان ترسیم می‌کنند، با واقعیت متفاوت است. تصور من این است که اگر ارتباط ما با ایشان بیشتر و دسترسی‌ها بیشتر شود، حتماً تعامل نیز بهتر خواهد شد. اگر ایشان مشکلات ما را از نزدیک ببینند، حتماً کمک و همراهی خواهند کرد. متأسفانه وضعیت فعلی تا حدی فضا را برای برخی خناسان فراهم کرده است تا مسائل را به‌گونه‌ای دیگر تعریف و چهره‌ای متفاوت از ایشان ارائه کنند.

شخصیتی که من از ایشان (رهبر معظم انقلاب) دیدم، از نظر اخلاق، منطق و تواضع واقعاً استثنایی بودند. ایشان فردی کاملاً منطقی و بسیار بردبار هستند. من هرچه در دل داشتم، صریحاً بیان کردم تا در جریان مسائل قرار بگیرند. تصور من این است که اگر ارتباط ما با ایشان بیشتر و دسترسی‌ها بیشتر شود، حتماً تعامل نیز بهتر خواهد شد

برش

در اولین جلسه‌ای که درباره آسیب‌دیدگان حوادث دی برگزار شد، چه موضوعاتی با رهبری شهید مطرح شد؟

ایشان بسیار ناراحت بودند و ما هم به‌شدت ناراحت بودیم؛ چون اقداماتی که صورت گرفته بود واقعاً بسیار وحشیانه بود. از طرفی، به‌دلیل نبود آمادگی لازم در مدیریت ماجرا، افراد زیادی آسیب دیدند. جوانان زیادی جان باختند و شهید شدند و عده‌ای نیز اعضای بدن خود را از دست دادند. این حادثه هنوز هم از ذهن من خارج نمی‌شود و نمی‌توانم آن را فراموش کنم. ما نباید اجازه می‌دادیم کار به اینجا برسد.

خود ترامپ نامرد هم صریحاً گفت که این افراد را مسلح کرده و از آنها پشتیبانی می‌کرده‌اند؛ بنابراین روشن بود که چه هدفی داشتند. با این حال، عده‌ای از افراد بی‌گناه نیز در میان آنها قرار گرفته بودند. واقعیت این است که ما مشکلاتی داشتیم و همچنان هم داریم. عده‌ای بحق مشکلات خود را مطرح می‌کردند، اما گروهی دیگر می‌خواستند از این فضا برای تحقق نیت‌های شوم و پلید خود استفاده کنند و همین مسأله باعث شد روند درهم‌آمیخته شود.

می‌گویند:
حقیقت سرایی است آراسته
هوا و هوس گرد برخاسته
نبینی که جایی که برخاست گرد
نبیند نظر، گرچه بیناست مرد
وقتی یک اعتراض به شورش تبدیل می‌شود، دیگر تشخیص دوست و دشمن آسان نیست و روند به نقطه‌ای می‌رسد که حوادث سختی رخ می‌دهد.
شما دیدید برخی رسانه‌ها و خبرنگاران مدعی شدند در ایران ۴۰ هزار یا ۶۰ هزار نفر کشته شده‌اند. وقتی دیدیم چنین فضایی شکل گرفته است، گفتیم اسامی و کد ملی همه جان‌باختگان و شهدا را اعلام کنند و هر کس نام فرد دیگری را دارد، ارائه دهد. اما کسانی که در خارج از کشور نشسته‌اند و خود را دلسوز، آگاه و گاهی روشنفکر و دانشمند نشان می‌دهند، یک آمار حدود سه‌هزارنفری را به ۳۰ یا ۴۰ هزار نفر تبدیل کردند و افکار عمومی را به انحراف کشاندند. این رفتار نشان می‌دهد که چقدر نامرد و وطن‌فروش هستند.

این موضوع تأیید شده بود و قرار بود تا پایان پیگیری شود، اما متأسفانه فرصت نشد آن نامه را از ایشان بگیریم. ان‌شاءالله بتوانیم این کار را با رهبر عزیزمان به نتیجه برسانیم. هر ایرانی که در خارج از کشور زندگی می‌کند، ایران خانه اوست؛ باید بتواند بیاید و به‌راحتی بازگردد و ما نباید برایش مانع ایجاد کنیم.

اگر قرار است کسی اجازه ورود نداشته باشد، باید از ابتدا صریحاً به او گفته شود که نیاید؛ نه اینکه وارد کشور شود و بعد او را بگیرند و نگذارند بازگردد. این کار نامردی است.

سعید سیدآقابنی‌هاشمی، استاد دانشکده روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «ایران» از نقش مؤلفه جدید در جنگ می‌گوید

ردپای هوش مصنوعی در ترورهای هدفمند؛ از هنیه تا جنگ ۴۰ روزه

گفت و گو

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی- از میدان نبرد تا میز مذاکره، هوش مصنوعی به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت در جهان امروز تبدیل شده است؛ فناوری‌ای که آثار آن را می‌توان به‌روشنی در جنگ‌های مدرن، تصمیم‌گیری‌های راهبردی و حتی مناسبات دیپلماتیک میان کشورها مشاهده کرد. سعید سیدآقابنی‌هاشمی، عضو هیأت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به نقش هوش مصنوعی در جنگ چهل‌روزه، معتقد است آمریکا و اسرائیل با اتکا به داده‌های گسترده و بهره‌گیری از نقش سامانه‌های هوش مصنوعی در شناسایی اهداف، تحلیل اطلاعات و تصمیم‌سازی عملیاتی از سوی دشمن می‌گوید؛ موضوعی که به گفته او در اجرای برخی عملیات‌ها از جمله ترور شماری از شخصیت‌های سیاسی و نظامی نقش مؤثری ایفا کرد. وی با تأکید بر اینکه فاصله ایران با کشورهای پیشرو در حوزه هوش مصنوعی همچنان قابل توجه است، می‌گوید این شکاف موجب شده در برخی عرصه‌ها، امکان بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های این فناوری برای ایجاد بازدارندگی و انجام عملیات‌های متقابل، از جمله هدف قرار دادن چهره‌های اصلی طرف مقابل فراهم نباشد. بنی‌هاشمی همچنین معتقد است موازنه قدرت در آینده بیش از هر زمان دیگری به سرمایه‌گذاری در این فناوری وابسته خواهد بود و میزان بهره‌گیری کشورها از آن می‌تواند بر توازن قدرت میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی تأثیرگذار باشد.

از «جنگ چهل‌روزه» به عنوان جنگی یاد می‌شود که به اعتقاد برخی، برای اولین بار هوش مصنوعی در آن در مقیاسی گسترده به کار گرفته شد و حتی از آن با عنوان «نخستین جنگ هوش مصنوعی» نام برده می‌شود. با توجه به این ارزیابی، درباره نقش و کاربرد هوش مصنوعی در این جنگ و تأثیر آن بر روند عملیات‌ها توضیح دهید.

بحث هوش مصنوعی در واقع به الگوریتم‌هایی بازمی‌گردد که داده‌های موجود را تحلیل کرده و بر اساس آنها خروجی ارائه می‌کنند. برای نمونه، زمانی که شما پرسشی را از ChatGPT مطرح می‌کنید، این سامانه با اتکا به حجم عظیمی از داده‌هایی که طی سال‌ها در شرکت‌های مختلف گردآوری شده‌اند، آن پرسش را بر مبنای مقالات، سخنرانی‌ها و تمامی مطالب مرتبط مورد تحلیل قرار داده و پاسخ مناسب را ارائه می‌دهد. بنابراین، بنیان هوش مصنوعی بر داده و تحلیل داده استوار است.

رژیم اسرائیل طی سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در این حوزه انجام داده است.

طی چند سال گذشته داده‌های مرتبط با ایران از جمله اطلاعات ترافیکی، مسیرهای رفت‌وآمد مسئولان و سایر اطلاعات مشابه جمع‌آوری شده است. این داده‌ها یا از طریق افرادی که در داخل ایران فعالیت داشته‌اند و یا از طریق نفوذ و هک سامانه‌های اطلاعاتی به دست آمده‌اند.

برای نمونه اگر به اولین عملیات آنها یعنی ترور شهید هنیه توجه کنیم، این اقدام بر پایه داده‌هایی انجام شد که از آن مرکز خاص اطلاعاتی جمع‌آوری کرده بودند و با اتکا به اطلاعاتی که طی سال‌ها جمع‌آوری کرده بودند موفق به اجرای آن عملیات شدند.

آمریکا تا چه اندازه از این فناوری در جریان جنگ استفاده کرده است؟ آیا میزان بهره‌گیری ایالات متحده از هوش مصنوعی در این جنگ بیش از رژیم صهیونیستی بوده یا می‌توان آن را در همان سطح ارزیابی کرد؟

اسرائیل و آمریکا را باید در این حوزه یک مجموعه واحد در نظر گرفت. در واقع هر اطلاعاتی که یکی از آنها در اختیار دارد، طرف دیگر نیز به آن دسترسی دارد. بنابراین، نباید این دو را از یکدیگر تفکیک کرد. همان دانشی که رژیم صهیونیستی در حوزه هوش مصنوعی در اختیار دارد، آمریکایی‌ها نیز از آن برخوردارند.

علاوه بر این، بر اساس پیمان‌ها و همکاری‌هایی که میان آنها وجود دارد، اطلاعات و داده‌های خود را به‌صورت مستمر با یکدیگر تبادل می‌کنند. به عبارت دیگر، داده‌هایی که درباره ایران در اختیار دارند، به‌صورت مستمر میان دو طرف تبادل می‌شود. به عنوان مثال اگر اطلاعاتی درباره محل حضور من در اختیار داشته باشند، از نگاه آنها امکان بهره‌گیری از این اطلاعات برای اجرای عملیات ترور وجود دارد و هرگونه داده مورد نیاز را در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند.

آقای دکتر، فارغ از نقشی که هوش مصنوعی در شناسایی اهداف و عملیات‌های ترور ایفا کرده، آیا در رهگیری موشک‌ها و پهپادها نیز نقشی تعیین‌کننده دارد؟

بله، این سامانه‌ها با توجه به داده‌هایی که از ماهواره‌ها و منابع اطلاعاتی مختلف در اختیار دارند، از هوش مصنوعی برای تحلیل اطلاعات و کمک به فرآیند رهگیری و شناسایی استفاده می‌کنند.

البته یکی از نکات مهم درباره هوش مصنوعی این است که این فناوری همچنان امکان بروز خطا دارد. برای مثال، اگر به یک سامانه هوش مصنوعی دستور داده شود هر مکانی را که با عناوینی مانند «سپاه»، «پلیس» یا «کلانتری» شناسایی کرد، به‌عنوان هدف در نظر بگیرد، ممکن است صرفاً بر اساس تطبیق واژه‌ها و داده‌های موجود، فرآیند شناسایی و تصمیم‌گیری را انجام دهد.

در جریان جنگ چهل‌روزه نیز نمونه‌ای مانند حمله به پلیس نشان داد که خطا در داده‌ها یا فرآیند تحلیل اطلاعات می‌تواند پیامدهایی به همراه داشته باشد. در این مورد، بر اساس آنچه مطرح شده، سامانه هوش مصنوعی صرفاً به دلیل وجود واژه «پلیس» در داده‌های خود، این مکان را به‌عنوان هدف شناسایی کرد و در نهایت مورد حمله قرار گرفت. این نمونه بار دیگر نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت‌های گسترده هوش مصنوعی در پردازش و تحلیل اطلاعات، این فناوری همچنان نیازمند نظارت، ارزیابی و تأیید انسانی است و نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای تصمیم‌گیری نهایی قرار گیرد.

آیا پیشرفت در هوش مصنوعی می‌تواند به ایجاد موازنه بازدارندگی میان ایران و رقبای منطقه‌ای و جهانی منجر شود؟

ببینید، من از سال ۱۳۸۴ در دانشکده روابط بین‌الملل مشغول تدریس هستم و همواره موضوعاتی مانند هوش مصنوعی، نظریه بازی‌ها و فناوری‌های نوین در دیپلماسی نوین را دنبال کرده‌ام. اینها از جمله موضوعاتی هستند که در چارچوب دیپلماسی نوین مورد توجه قرار می‌گیرند.

اگر نام من، سعید سیدآقا بنی‌هاشمی را در اینترنت جست‌وجو کنید، بسیاری از رخدادهایی که میان ایران و سایر کشورها از جمله روسیه و اوکراین، ایران و عربستان، ایران و جمهوری آذربایجان و کره شمالی و آمریکا رخ داده، در تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های ارائه‌شده مورد بررسی قرار گرفته است.

نکته‌ای که وجود دارد این است که متأسفانه در ایران هنوز درک و باور لازم نسبت به ظرفیت‌های هوش مصنوعی در این سطح ایجاد نشده است. اگر آن دیدگاه‌ها و نکاتی که در زمان بروز اختلافات میان ایران و عربستان منتشر شد، مورد توجه قرار می‌گرفت، شاید لازم نبود هشت سال در وضعیت تنش با عربستان قرار داشته باشیم تا در نهایت با میانجیگری چین، مسیر گفت‌وگو و بهبود روابط شکل بگیرد. این در حالی است که با استفاده از فناوری‌های جدید، می‌توان بسیاری از روندها و رخدادها را پیش‌بینی کرد و از تصمیم‌ها و اقداماتی که ممکن است به منافع ملی آسیب وارد کند، جلوگیری کرد.

با این حال، متأسفانه معتقدم ما هنوز در ایران به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که این موضوع به یک باور عملی در سطح تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری تبدیل شود. من خودم در سازمان‌ها، وزارت امور خارجه و مجموعه‌های مختلف حضور داشته‌ام و مشاهده می‌کنم که هنوز فاصله زیادی میان ظرفیت‌های موجود و میزان استفاده عملی از هوش مصنوعی وجود دارد.

به اعتقاد من، مسأله تنها داشتن دانش و فناوری نیست، بلکه مهم این است که این باور در نظام تصمیم‌گیری ایجاد شود که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر در پیش‌بینی، تحلیل و اتخاذ تصمیم‌های دقیق‌تر مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، از نظر من، ایران همچنان فاصله قابل‌توجهی با سطح مطلوب در زمینه استفاده و فهم کاربردهای هوش مصنوعی دارد.

با توجه به نقش فناوری‌های نوین در تحولات جهانی به نظر شما هوش مصنوعی چه تأثیری می‌تواند بر شکل‌گیری نظم‌های جدید منطقه‌ای یا جهانی داشته باشد؟

بسیار زیاد. شما اگر یک پروژه به من بدهید و بگویید سناریویی طراحی کنید که بتوانیم بر اساس آن آینده را تحلیل و پیش‌بینی کنیم، این ظرفیت وجود دارد.

نکته مهم این است که علم باید وارد عرصه حل مسائل واقعی کشور شود. وقتی آقای پزشکیان تأکید می‌کند که دانشگاهیان باید وارد میدان شوند، منظور همین است؛ یعنی ظرفیت علمی دانشگاه‌ها باید برای پاسخ به چالش‌ها و مسائل کشور به کار گرفته شود. برای مثال، می‌توان به دانشکده‌های روابط بین‌الملل مأموریت داد که با استفاده از هوش مصنوعی بررسی کنند چه سیاستی باید دنبال شود تا منافع ملی کشور بیش از پیش تأمین شود.

> وقتی آقای پزشکیان تأکید می‌کند که دانشگاهیان باید وارد میدان شوند، منظور همین است؛ یعنی ظرفیت علمی دانشگاه‌ها باید برای پاسخ به چالش‌ها و مسائل کشور به کار گرفته شود. برای مثال، می‌توان به دانشکده‌های روابط بین‌الملل مأموریت داد که با استفاده از هوش مصنوعی بررسی کنند چه سیاستی باید دنبال شود تا منافع ملی کشور بیش از پیش تأمین شود

به نظر من، یکی از مشکلات اساسی این است که دانشگاه‌های ما از نظام حکمرانی جدا هستند. اساتید در دپارتمان‌های مختلف پژوهش انجام می‌دهند، دانشجویان پایان‌نامه می‌نویسند و مدرک دریافت می‌کنند اما بسیاری از این مطالعات و پژوهش‌ها در نهایت تأثیری در فرآیند حکمرانی ندارند و در بایگانی دانشگاه‌ها باقی می‌مانند.

ما در ایران حدود دو هزار و ۵۰۰ مرکز آموزشی و پژوهشی داریم؛ در حالی که کشوری مانند چین با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر نیز تقریباً همین تعداد مرکز آموزشی و پژوهشی دارد. بنابراین، مسأله ما کمبود ظرفیت علمی نیست، بلکه مسأله این است که چگونه از این ظرفیت برای حل مشکلات جامعه استفاده کنیم. در حال حاضر دانشگاه‌ها عمدتاً مسیر علمی و پژوهشی خود را دنبال می‌کنند و گاهی دولت‌ها پروژه‌هایی را به دانشگاه‌ها واگذار می‌کنند اما این اتصال میان دانشگاه و سیاست‌گذاری به شکل نظام‌مند وجود ندارد.

الگوی کشورهای پیشرفته در پیوند دادن دانشگاه‌ها، هوش مصنوعی و تصمیم‌گیری‌های کلان چیست؟

در کشورهای پیشرفته، دانشگاه‌ها بخشی از فرآیند حکمرانی و طراحی مسیرهای آینده هستند. در پنج سالی که در ژاپن حضور داشتم، این موضوع را از نزدیک مشاهده کردم. برای مثال، در دوران کرونا، دولت ژاپن از دانشگاه‌ها خواست راهکارهایی ارائه دهند که چگونه می‌توان آسیب‌های ناشی از این بحران را کاهش داد. دانشگاه‌ها وارد این فرآیند شدند و با استفاده از فناوری‌های نوین، از جمله هوش مصنوعی، پیشنهادهایی برای مدیریت بحران ارائه کردند. نتیجه این بود که ژاپن توانست یکی از موفق‌ترین مدیریت‌ها را در دوران کرونا داشته باشد.

بنابراین اگر ما از ظرفیت هوش مصنوعی و دانش دانشگاهی استفاده نکنیم، نه‌تنها فرصت‌های توسعه را از دست می‌دهیم، بلکه حتی منابع انسانی ما نیز در مواجهه با بحران‌هایی مانند کرونا و سایر چالش‌های پیچیده با تهدید مواجه خواهند شد.

> در حال حاضر دانشگاه‌ها عمدتاً مسیر علمی و پژوهشی خود را دنبال می‌کنند و گاهی دولت‌ها پروژه‌هایی را به دانشگاه‌ها واگذار می‌کنند اما این اتصال میان دانشگاه و سیاست‌گذاری به شکل نظام‌مند وجود ندارد

اگر هوش مصنوعی را ابزار تحلیل داده و نظریه‌بازی‌ها را چارچوب تحلیل رفتار بازیگران بدانیم، تلفیق این دو چه تأثیری بر آینده دیپلماسی، مذاکرات و تصمیم‌گیری‌های کلان خواهد داشت؟

ببینید، تعریف ساده نظریه‌بازی‌ها مطالعه شرایط و موقعیت‌های استراتژیک است؛ یعنی بررسی اینکه یک تصمیم‌گیرنده، اعم از دیپلمات، نظامی، سیاستمدار یا هر فردی که در جایگاه حکمرانی قرار دارد، در یک موقعیت خاص چه گزینه‌ها و راهبردهایی پیش روی خود دارد و کدام تصمیم می‌تواند بهترین نتیجه را برای او ایجاد کند.

نظریه‌بازی‌ها به ما کمک می‌کند در شرایطی مانند مذاکره، جنگ، بحران‌های اجتماعی یا سایر موقعیت‌های پیچیده بررسی کنیم که چه راهبردی می‌تواند احتمال موفقیت را افزایش دهد. برای مثال، در یک مذاکره چه تصمیمی می‌تواند به پیروزی منجر شود یا در یک بحران اجتماعی، چه سیاستی می‌تواند بهترین خروجی را برای حاکمیت ایجاد کند.

اگر حاضر به ما کمک کند در شرایطی مانند مذاکره، جنگ، بحران‌های اجتماعی یا سایر موقعیت‌های پیچیده بررسی کنیم که چه راهبردی می‌تواند احتمال موفقیت را افزایش دهد. برای مثال، در یک مذاکره چه تصمیمی می‌تواند به پیروزی منجر شود یا در یک بحران اجتماعی، چه سیاستی می‌تواند بهترین خروجی را برای حاکمیت ایجاد کند

> نظریه‌بازی‌ها به ما کمک می‌کند در شرایطی مانند مذاکره، جنگ، بحران‌های اجتماعی یا سایر موقعیت‌های پیچیده بررسی کنیم که چه راهبردی می‌تواند احتمال موفقیت را افزایش دهد. برای مثال، در یک مذاکره چه تصمیمی می‌تواند به پیروزی منجر شود یا در یک بحران اجتماعی، چه سیاستی می‌تواند بهترین خروجی را برای حاکمیت ایجاد کند

آیا این مسأله بر موازنه قدرت در برابر رقبایی مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی تأثیر می‌گذارد؟

بله، نکته‌ای که مطرح می‌کنید درست است و این موضوع می‌تواند یکی از عواملی باشد که در برخی عرصه‌ها، موازنه میان ایران و آمریکا و رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار دهد.

من معتقدم همواره باید نقاط قوت و ضعف خود را به‌صورت واقع‌بینانه بررسی کنیم. ما در حوزه موشکی توانمندی‌های قابل توجهی داریم و باید از تلاش‌ها و مجاهدت‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، قدردانی کرد. اما در هر جنگی، علاوه بر توجه به نقاط قوت، باید مراکزی مانند دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها وجود داشته باشند که نقاط ضعف را شناسایی کنند و برای رفع آنها برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری انجام دهند.

با این حساب می‌توان گفت در جنگ‌های مدرن هوش مصنوعی به یکی از تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه‌های قدرت، به‌ویژه در حوزه نظامی تبدیل شده است؟

بله، البته نه فقط در حوزه قدرت نظامی، بلکه در حوزه‌های قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز همین‌گونه است. ما اکنون در دوره‌ای قرار داریم که از آن با عنوان Permacrisis یاد می‌شود؛ یعنی دورانی که کشورها به‌طور مداوم با بحران‌های همزمان و لحظه‌ای مواجه هستند. ایران نیز نمونه مناسبی از این وضعیت است. در چنین شرایطی باید از ظرفیت هوش مصنوعی به‌عنوان یک دستیار بهره گرفت تا بتوان آینده را ساخت.

منظور این نیست که صرفاً سناریوهای مختلف را پیش‌بینی کنیم، بلکه باید با استفاده از هوش مصنوعی آینده را طراحی و مدیریت کنیم. هر مدیری چه در عرصه نظامی و چه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی باید بر اساس داده‌هایی که در اختیار دارد، با کمک هوش مصنوعی آینده را بسازد.

همان‌گونه که رهبر شهیدمان نیز تأکید کردند، اگر امروز به هوش مصنوعی توجه نکنیم، فردا مستعمره کشورهای دیگر خواهیم شد.

متأسفانه من به‌عنوان فردی که در سازمان‌های مختلف تدریس می‌کنم، معتقدم فاصله ما با استانداردهای جهانی در حوزه فرهنگ و به‌کارگیری هوش مصنوعی، فارغ از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان، بسیار زیاد است. در پنج سالی که در ژاپن حضور داشتم، از نزدیک مشاهده کردم که در منطقه غرب آسیا، برنامه‌ریزی بر این اساس است که تا سال ۲۰۳۰ فرآیندهای تصمیم‌گیری و حکمرانی به هوش مصنوعی واگذار شود. در واقع، هوش مصنوعی به ابزاری برای کمک به حکمرانی تبدیل شده و هدف آنها این است که این فناوری را در تمامی ابعاد حکمرانی، از آموزش و بهداشت گرفته تا سایر حوزه‌ها، به کار گیرند.

اما نکته‌ای که مایلم بر آن تأکید ویژه داشته باشم این است که ما از ظرفیت دانشگاه‌های برجسته کشور از جمله دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه تهران و دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی که همگی دانشکده‌های هوش مصنوعی دارند، به‌درستی استفاده نکردیم. اگر در همان مقطع، پس از ترور شهید هنیه، این دانشگاه‌ها ذیل یک فرماندهی منسجم گرد هم می‌آمدند و برای طراحی و اجرای برنامه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی اقدام می‌کردند، این ظرفیت می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد.

اما چنین اقدامی صورت نگرفت و طرف مقابل به مسیر خود ادامه داد و فرماندهان و دانشمندان ما یکی پس از دیگری هدف عملیات ترور قرار گرفتند.

آقای دکتر، با توجه به اهمیتی که برای هوش مصنوعی در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی قائل هستید، آیا در حال حاضر در ساختار وزارت امور خارجه بخشی مشخص و تخصصی با عنوان هوش مصنوعی وجود دارد؟

تا جایی که من اطلاع دارم، در وزارت امور خارجه بخشی با عنوان مشخص «هوش مصنوعی» وجود ندارد. البته یک اداره‌کل فناوری در این وزارتخانه فعالیت می‌کند، اما اینکه مجموعه‌ای مستقل با عنوان اداره یا بخش هوش مصنوعی وجود داشته باشد، من اطلاعی ندارم.

من حتی یک‌بار در این خصوص سؤال کردم و گفته شد که چنین بخشی وجود دارد، اما زمانی که درباره محل و ساختار آن پرس‌وجو کردم، توضیح مشخصی ارائه نشد. بنابراین، تا جایی که اطلاع دارم، در ساختار رسمی وزارت امور خارجه بخشی با عنوان هوش مصنوعی تعریف نشده است.

البته خود من در زمینه آموزش برخی موضوعات مرتبط با فناوری‌های نوین به دیپلمات‌ها فعالیت‌هایی داشته‌ام؛ چرا که دانشکده روابط بین‌الملل، محل آموزش دیپلمات‌های وزارت امور خارجه است و بخشی از مأموریت آن، تربیت و آموزش نیروهایی است که وارد دستگاه دیپلماسی می‌شوند.

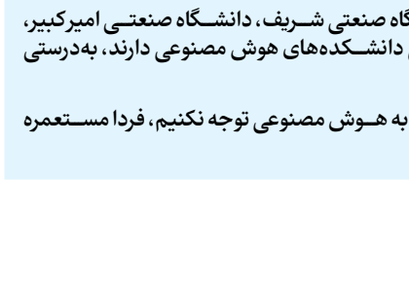

> هنوز در ایران نگاه عمومی به هوش مصنوعی تا حد زیادی محدود به ابزارهایی مانند ChatGPT است. در حالی که ChatGPT و ابزارهای مشابه، تنها بخشی از ظرفیت گسترده هوش مصنوعی محسوب می‌شوند و نمی‌توان تمام مفهوم هوش مصنوعی را به آنها محدود کرد

آیا ایران نیز در جریان جنگ چهل روزه از ظرفیت‌های هوش مصنوعی ولو در سطح محدودتر برای طراحی و اجرای عملیات‌های نظامی خود استفاده کرد؟

این اطلاعات در حوزه مسائل محرمانه قرار می‌گیرد و من دسترسی‌ای ندارم که بتوانم درباره جزئیات آن اظهارنظر کنم. اما به‌عنوان یک ایرانی باید از تلاش‌ها و مجاهدت‌هایی که دوستان ما در صنایع موشکی و حوزه‌های مختلف انجام داده‌اند، قدردانی کنیم.

اما سؤال من این است که اگر هوش مصنوعی در این حوزه به کار گرفته می‌شود، چرا تاکنون شاهد استفاده کامل از این ظرفیت‌ها برای دستیابی به دقت و اثربخشی بالاتر نبوده‌ایم؟ چرا با وجود چنین فناوری‌هایی، امکان هدف قرار دادن چهره‌های اصلی طرف مقابل مانند نتانیاهو فراهم نشده است؟

در جریان جنگ چهل‌روزه نمونه‌ای مانند حمله به پارک پلیس نشان داد که خطا در داده‌ها یا فرآیند تحلیل اطلاعات می‌تواند پیامدهایی به همراه داشته باشد. در این مورد سامانه هوش مصنوعی صرفاً به دلیل وجود واژه «پلیس» در داده‌های خود، این مکان را به عنوان هدف شناسایی کرد و در نهایت مورد حمله قرار گرفت.

ما از ظرفیت دانشگاه‌های برجسته کشور، از جمله دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه تهران و دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی که همگی دانشکده‌های هوش مصنوعی دارند، به‌درستی استفاده نکردیم.

همان‌گونه که رهبر شهیدمان نیز تأکید کردند، اگر امروز به هوش مصنوعی توجه نکنیم، فردا مستعمره کشورهای دیگر خواهیم شد.

برش

- طی چند سال گذشته داده‌های مرتبط با ایران از جمله اطلاعات ترافیکی، مسیرهای رفت‌وآمد مسئولان و سایر اطلاعات مشابه جمع‌آوری شده است.
- اسرائیل و آمریکا با اتکا به هوش مصنوعی و داده‌هایی که در اختیار داشتند، اقداماتی را در ایران انجام دادند که نباید رخ می‌داد.
- اگر به اولین عملیات آنها، یعنی ترور شهید هنیه، توجه کنیم، این اقدام بر پایه داده‌هایی انجام شد که از یک مرکز خاص و با اتکا به اطلاعاتی که طی سال‌ها جمع‌آوری کرده بودند، موفق به اجرای آن عملیات شدند.
- اگر از زمان ترور شهید هنیه، فرآیند جمع‌آوری داده‌ها را به صورت جدی آغاز می‌کردیم و می‌توانستیم یکی از مسئولان رژیم صهیونیستی را با همین روش هدف قرار دهیم، آنها دیگر جرأت نمی‌کردند دامنه اقدامات خود را گسترش دهند.
- اگر هوش مصنوعی در این حوزه به کار گرفته می‌شود، چرا تاکنون شاهد استفاده کامل از این ظرفیت‌ها برای دستیابی به دقت و اثربخشی بالاتر نبوده‌ایم؟ چرا با وجود چنین فناوری‌هایی، امکان هدف قرار دادن چهره‌های اصلی طرف مقابل مانند نتانیاهو فراهم نشده است؟
- در جریان جنگ چهل‌روزه نمونه‌ای مانند حمله به پارک پلیس نشان داد که خطا در داده‌ها یا فرآیند تحلیل اطلاعات می‌تواند پیامدهایی به همراه داشته باشد. در این مورد سامانه هوش مصنوعی صرفاً به دلیل وجود واژه «پلیس» در داده‌های خود، این مکان را به عنوان هدف شناسایی کرد و در نهایت مورد حمله قرار گرفت.
- ما از ظرفیت دانشگاه‌های برجسته کشور، از جمله دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه تهران و دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی که همگی دانشکده‌های هوش مصنوعی دارند، به‌درستی استفاده نکردیم.
- همان‌گونه که رهبر شهیدمان نیز تأکید کردند، اگر امروز به هوش مصنوعی توجه نکنیم، فردا مستعمره کشورهای دیگر خواهیم شد.

عبدالرحمن السید، نامزد منتقد اسرائیل در انتخابات مقدماتی سنای دموکرات‌ها در میشیگان پیروز شد

شکست جریان اصلی در حزب دموکرات

گزارش

عکس: Getty Images

عبدل السید، نامزد جناح مترقی، در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات برای سنای آمریکا در ایالت میشیگان پیروز شد و توانست هیلی استیونز، نماینده میانه‌رو کنگره را در رقابتی که شکاف‌های ایدئولوژیک در حزب دموکرات را آشکار کرد، شکست دهد.

شبکه ان‌بی‌سی اولین رسانه‌ای بود که پس از شمارش طولانی آرا، پیروزی السید را اعلام کرد. این نتیجه یک پیروزی مهم برای جناح مترقی در یکی از ایالت‌های رقابتی آمریکا محسوب می‌شود؛ ایالتی که میانه‌روها معتقد بودند استیونز در انتخابات نهایی شانس بیشتری برای شکست نامزد جمهوری‌خواهان دارد.

رقابت تا بخش زیادی از شب آن‌قدر نزدیک بود که امکان اعلام برنده وجود نداشت، زیرا نتایج شهرستان وین، محل شهر دیترویت، با سرعتی کند اعلام می‌شد. السید در ابتدای شمارش آرا پیش افتاد و هرچند استیونز فاصله را کاهش داد، اما نتوانست از او پیشی بگیرد.

این انتخابات مقدماتی پرهزینه به صحنه‌ای برای رقابت میان جریان اصلی حزب دموکرات و جناح مترقی آن در سطح ملی تبدیل شد. اگرچه نامزدهای مترقی در سال‌های اخیر در شهرهای به‌شدت دموکرات پیروزی‌هایی کسب کرده‌اند، اما پیروزی السید در ایالت رقابتی میشیگان احتمالاً به عنوان آزمونی مهم‌تر برای سنجش قدرت این جریان ارزیابی خواهد شد.

السید، مدیر پیشین اداره بهداشت شهرستان وین، با برنامه‌هایی مانند اجرای بیمه درمان همگانی، اصلاح نظام تأمین مالی انتخابات و پایان دادن به کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل وارد رقابت شد. در مقابل، استیونز، نماینده چهار دوره کنگره، کارزار خود را بر حمایت از بخش تولید، اقتصاد و سابقه‌اش در پیروزی در انتخابات‌های رقابتی متمرکز کرده و استدلال می‌کرد که بهترین گزینه برای شکست دادن مایک راجرز، نامزد جمهوری‌خواهان، در انتخابات نوامبر است. استیونز از حمایت چاک شومر، رهبر اقلیت دموکرات‌ها در سنا، برخوردار بود و از ده‌ها میلیون دلار هزینه تبلیغاتی گروه‌های بیرونی نیز بهره برد؛ از جمله حمایت گسترده گروه‌های حامی اسرائیل به رهبری آیپک. در مقابل، السید از سوی برنی سندرز، سناتور آمریکایی، حمایت شد و با شعار مقابله با جریان حاکم وارد رقابت شد. او استدلال می‌کرد که دموکرات‌ها باید نفوذ شرکت‌های بزرگ در سیاست را کنار بگذارند و برنامه‌ای مترقی‌تر را دنبال کنند.

السید در نهایت باید در انتخابات نهایی ۳ نوامبر با مایک راجرز، نامزد جمهوری‌خواه، روبه‌رو شود؛ کسی که در انتخابات مقدماتی حزب جمهوری‌خواه بدون رقیب پیروز شد. راجرز، نماینده پیشین کنگره میشیگان، در اولین تلاش خود برای ورود به سنا در سال ۲۰۲۴ با اختلافی اندک شکست خورد و امسال حمایت دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا را به دست آورده است.

عبدل السید کیست؟

السید، ۴۱ ساله و فرزند مهاجران مصری، در صورت پیروزی اولین سناتور مسلمان تاریخ آمریکا خواهد بود. او از حمایت چهره‌های برجسته جناح مترقی، از جمله برنی سندرز، سناتور ایالت ورمونت و الکساندریا اوکاسیو-کورتز، نماینده کنگره از نیویورک، برخوردار است.

به گزارش بی‌بی‌سی، السید در کارزار انتخاباتی خود بر موضوعاتی مانند اجرای نظام درمان همگانی، افزایش مالیات بر میلیاردرها و انحلال اداره مهاجرت و گمرک آمریکا تأکید کرده است. نظرسنجی‌های یک سال گذشته نشان می‌دهد هزینه‌های درمان، در کنار افزایش قیمت بنزین، مواد غذایی و مسکن، همچنان از مهم‌ترین دغدغه‌های رأی‌دهندگان است.

السید پیش‌تر گفته بود اگر حزب دموکرات بیشتر به مشکلات مردم عادی توجه می‌کرد، «برای همان سیاست‌هایی مبارزه می‌کرد که من برای آنها می‌جنگم.» با وجود مواضع چپ‌گرایانه، او عضو جناح «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» نیست و معتقد است برچسب «سوسیالیست» کمکی به پیشبرد اهدافش نمی‌کند. با این حال، او می‌گوید از هم‌حزبی‌های سوسیالیست دموکرات خود، بویژه زهران ممدانی، شهردار نیویورک، درس گرفته است؛ فردی که حضور پررنگ در شبکه‌های اجتماعی و تمرکز بر مسأله هزینه‌های زندگی، به پیروزی او در سال گذشته کمک کرد.

هرچند نامزدهای چپ‌گرای دموکرات در انتخابات مقدماتی تابستان امسال، از جمله در کلرادو، پیروزی‌های متعددی به دست آورده‌اند، اما هنوز مشخص نیست آیا خواهند توانست رأی‌دهندگان طبقه کارگر ناامید را که در سال ۲۰۲۴ به ترامپ روی آوردند، دوباره جذب کنند یا خیر؟

> السید اقدامات اسرائیل در غزه را «نسل‌کشی» توصیف کرده است. او همچنین بارها به ارتباط رقیبش با آیپک، کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل، اشاره کرده است. این لابی حامی اسرائیل نزدیک به ۳۰ میلیون دلار برای حمایت از کارزار انتخاباتی استیونز هزینه کرده است

مخالفت با اسرائیل

عبدل السید همچنین به‌صراحت با نقش‌آفرینی آمریکا در خاورمیانه، از جمله کمک‌های نظامی و مالی واشنگتن به اسرائیل، مخالفت کرده است.

نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که پس از جنگ علیه ایران، شمار فزاینده‌ای از رأی‌دهندگان آمریکایی معتقدند ایالات‌متحده بیش از حد از متحد دیرینه خود، اسرائیل، حمایت می‌کند. این موضوع در میشیگان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا این ایالت دومین جمعیت بزرگ عرب‌تبار آمریکا را در خود جای داده است.

به گزارش واشنگتن‌پست، السید اقدامات اسرائیل در غزه را «نسل‌کشی» توصیف کرده است. او همچنین بارها به ارتباط رقیبش با آیپک، کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل، اشاره کرده است.

این لابی حامی اسرائیل نزدیک به ۳۰ میلیون دلار برای حمایت از کارزار انتخاباتی استیونز هزینه کرده است.

در همین رابطه، مؤسسه AdImpact برآورد کرده است که مجموع هزینه تبلیغات و زمان تبلیغاتی رزروشده تا پایان ماه ژوئیه به ۹۸.۲ میلیون دلار رسیده و این رقابت را به سومین انتخابات مقدماتی پرهزینه سنای آمریکا در تاریخ این کشور تبدیل کرده است.

یکی از بزرگ‌ترین هزینه‌کنندگان، پروژه دموکراسی متحد، کمیته اقدام سیاسی وابسته به لابی حامی اسرائیل، و کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل، بوده است. تبلیغات این گروه از هیلی استیونز حمایت می‌کرد و همزمان به عبدل السید حمله می‌کرد.

السید که سال‌ها از نفوذ شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌های کلان در سیاست آمریکا انتقاد کرده است، این حجم از حمایت مالی از رقیبش را به محور تبلیغات انتخاباتی خود تبدیل کرد و در مواردی کارزارش را به نبرد کتاب مقدس میان «داوود و جالوت» تشبیه کرد.

در مقابل، هیلی استیونز مانند بسیاری از دموکرات‌های میانه‌رو، از حامیان سرسخت اسرائیل است و گفته از ادامه کمک‌های آمریکا به اسرائیل بدون هیچ شرطی حمایت می‌کند. با این حال، او از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، نیز انتقاد کرده که این انتقاد با واکنش تند نتانیاهو در یک مصاحبه با CNN روبه‌رو شد. اگرچه حزب دموکرات عمدتاً در مخالفت با جنگ ترامپ علیه ایران موضعی مشترک داشته است، اما جنگ اسرائیل و غزه همچنان یکی از دشوارترین موضوعات اختلاف‌برانگیز برای این حزب به شمار می‌رود.

به گفته لری ساباتو، مدیر مرکز سیاست دانشگاه ویرجینیا، دموکرات‌ها از گذشته برای پیروزی در انتخابات به آرای هر دو جامعه یهودیان و عرب‌تباران متکی بوده‌اند. او گفت: «آنها ناچارند یک انتخاب انجام دهند. هر دو طرف هم تلاش می‌کنند این انتخاب را تا حد ممکن برای دموکرات‌ها پرهزینه و دشوار کنند.»

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

پروژه ای برای جذب معلمان یهودی آمریکا و کانادا

از سال ۲۰۲۳ و پس از طوفان، میزان خروج از سرزمین‌های اشغالی وارد مرحله جدیدی شده و به باور بسیاری از تحلیلگران اسرائیلی ورود به دوران جدیدی از مهاجرت معکوس را هشدار می‌دهد.

تحولات اخیر در حوزه مهاجرت و بازار کار اسرائیل نشان می‌دهد این رژیم هم‌زمان با افزایش خروج شهروندان، با چالش فزاینده‌ای در تأمین نیروی انسانی متخصص روبه‌رو شده است. دو تحول مهم در ماه‌های اخیر، یعنی ادامه روند مهاجرت معکوس اسرائیلی‌ها و راه‌اندازی برنامه جذب معلمان یهودی از آمریکای شمالی، بیانگر تلاش دولت اسرائیل برای جبران کمبود سرمایه انسانی در بخش‌های کلیدی اقتصاد و خدمات عمومی است. براساس تحلیل پژوهشگران دانشگاه تل‌آویو از داده‌های اداره مرکزی آمار اسرائیل(CBS)، روند خروج شهروندان اسرائیلی در سال‌های اخیر به بالاترین سطح خود در دهه‌های گذشته رسیده است. در سال ۲۰۲۴ حدود۹۱ هزار و۵۰۰ نفر اسرائیل را برای حداقل سه ماه ترک کردند؛ این رقم در سال ۲۰۲۳ نیز بیش از ۸۶ هزار نفر بود، در حالی که میانگین سالانه خروج از کشور در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ تنها حدود ۶۰ هزار نفر بوده است. لذا اسرائیل در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ برای اولین بار طی دهه‌های اخیر با تراز مهاجرتی منفی مواجه شده است؛ یعنی شمار خروجی‌ها از ورودی‌ها پیشی گرفته است. کارشناسان مجموعه‌ای از عوامل را در این روند مؤثر می‌دانند؛ از جمله ادامه جنگ و ناامنی پس از حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، افزایش هزینه‌های زندگی، بی‌ثباتی سیاسی، اختلافات داخلی و نگرانی از آینده اقتصادی. آنچه این روند را برای سیاست‌گذاران اسرائیلی نگران‌کننده‌تر کرده، ترکیب جمعیتی مهاجران است؛ زیرا بخش قابل توجهی از افرادی که کشور را ترک می‌کنند را نیروهای متخصص، فعالان صنعت فناوری، پزشکان، پژوهشگران دانشگاهی و خانواده‌های جوان تشکیل می‌دهند. از همین رو، برخی اقتصاددانان نسبت به تشدید پدیده «فرار مغزها» و کاهش توان رقابتی اقتصاد اسرائیل هشدار داده‌اند. هم‌زمان با این روند، کمبود نیروی متخصص در برخی بخش‌های خدمات عمومی نیز آشکارتر شده است. یکی از نمونه‌های بارز آن، نظام آموزشی اسرائیل است که با کمبود هزاران معلم، بویژه در رشته‌های زبان انگلیسی، ریاضیات، علوم و آموزش ویژه مواجه است. به گفته وزارت آموزش اسرائیل، بخشی از معلمان فعلی فاقد گواهینامه کامل تدریس هستند یا در رشته‌ای غیر از تخصص خود فعالیت می‌کنند؛ مسأله‌ای که کیفیت آموزش را تحت تأثیر قرار داده است. در واکنش به این وضعیت وزارت آموزش و وزارت مهاجرت، برای اولین بار طرحی با عنوان برنامه ملی جذب معلمان یهودی از ایالات متحده و کانادا را راه‌اندازی کرده‌اند. این طرح امکان معادل‌سازی مدارک، دریافت مجوز تدریس و هماهنگی استخدام را پیش از مهاجرت فراهم می‌کند تا افراد بتوانند بلافاصله پس از ورود به سرزمین‌های اشغالی در مدارس مشغول به کار شوند. برگزارکنندگان امیدوارند صدها معلم برای سال تحصیلی ۲۰۲۷-۲۰۲۸ از طریق این برنامه جذب شوند. مجموع این تحولات نشان می‌دهد اسرائیل با یک چالش دووجهی روبه‌روست؛ از یک سو، افزایش مهاجرت معکوس و خروج بخشی از نیروهای متخصص و از سوی دیگر، تلاش برای جایگزینی این سرمایه انسانی از طریق تشویق مهاجرت یهودیان. به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران هرچند ممکن است این سیاست‌ها بتواند بخشی از کمبود نیروی کار را جبران کند، اما در صورت تداوم عوامل داخلی مانند نااطمینانی امنیتی، پیامدهای ماندگار ۷ اکتبر، افزایش هزینه‌های زندگی و بی‌ثباتی سیاسی، جذب مهاجران جدید به‌تنهایی برای جبران روند خروج شهروندان و حفظ سرمایه انسانی اسرائیل کافی نخواهد بود.

چگونه پناهجویان کوبایی قربانی سخت‌گیری‌های مهاجرتی ترامپ شدند؟

جایگزینی دکترین «اخراج» به‌جای «استقبال»

ترجمه

کسرا اصفهانی
مترجم

دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا، همچنان به دنبال یک کارزار اخراج تهاجمی است که مقامات فدرال را (ظاهراً برای بازداشت هرچه بیشتر افراد بدون مدرک و با مدرک) به شهرهای ایالات متحده کشانده است. بسیاری از افراد دستگیر شده متعاقباً در بازداشتگاه نگهداری و از کشور اخراج می‌شوند. برای بسیاری از آمریکایی‌ها، جریان مداوم جنجال، درام و رسوایی، درک میزان گستردگی اقدامات دولت را دشوار می‌کند. ترامپ تحت هدایت استفن میلر، یکی از تهاجمی‌ترین کارزارهای اخراج در تاریخ اخیر را آغاز کرده است. برخلاف باراک اوباما رئیس جمهوری سابق - که او نیز اخراج گسترده مهاجران را کلید زد تا جایی که منتقدان به او لقب «رئیس جمهوری اخراج‌کننده» داده بودند - دیگر هیچ‌گونه تلاش یا تمایلی وجود ندارد که در ازای این موضع‌گیری سخت‌گیرانه، مسیری برای اعطای تابعیت یا شهروندی هموار شود.

«جولیان ای. زلیزر» ستون‌نویس فارن پالیسی و استاد تاریخ و امور عمومی در دانشگاه پرینستون، در مقاله‌ای برای «فارن پالیسی» نوشت، یکی از چشمگیرترین شواهد در مورد میزان تغییر نگرش‌های سیاسی در مورد مهاجرت، بر مهاجران کوبایی در ایالات متحده متمرکز است که مدت‌ها از سیاست‌های ضدکمونیستی سخت‌گیرانه حمایت می‌کردند و اغلب در شهرهایی مانند میامی به جمهوری‌خواهان رأی می‌دهند. در سال ۱۹۶۶، کنگره «قانون تعدیل کوبا» را تصویب کرد که حمایت‌های ویژه‌ای را برای افرادی که از کوبا گریخته بودند، فراهم می‌کرد. اما ۶۰ سال بعد، کوبایی‌هایی که زمانی برای دهه‌ها از حمایت‌های ویژه مهاجرتی بهره‌مند بودند، اکنون به‌اندازه سایر غیرشهروندان در معرض اخراج قرار دارند. قبل از شروع تابستان، ایالات متحده بیش از ۴۳۰۰ کوبایی را به مکزیک اخراج کرده بود. همزمان با تشدید لفاظی‌های تهدیدآمیز دولت ترامپ در مورد کوبا و با پیش‌بینی اقدام نظامی احتمالی پس از محاصره اقتصادی، شواهد کمی وجود دارد که پناهندگانی که به ایالات متحده رسیده‌اند، بتوانند آسوده‌تر بیاسایند. این سیاست‌ها نشان‌دهنده تغییر چشمگیر در نحوه تفکر بسیاری از آمریکایی‌ها در مورد مهاجران، پناهندگان و افراد تبعیدی در دهه ۱۹۶۰ است. در آن زمان، سیاست عمومی بر باز کردن درهای کشور و بهره‌گیری از میراث مهاجرتی کشور برای تقویت ایالات متحده در مبارزه با خطرناک‌ترین دشمنانش متمرکز بود. به‌جای تأکید بر طرد و اخراج، استقبال از تازه‌واردان ستون اصلی سیاست ایالات متحده در روزگاران گذشته بود.

چرخش تاریخی آمریکا در قبال مهاجرت

در ژانویه ۱۹۵۹، روابط ایالات متحده و کوبا زمانی که کاسترو رژیم «فولخنسیو باتیستا» را سرنگون کرد، دگرگون شد. کاسترو به‌سرعت قدرت را تثبیت و یک حکومت سوسیالیستی تأسیس کرد که روابط نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی برقرار ساخت. کوبا تنها ۹۰ مایل از فلوریدا فاصله داشت و سیاست‌گذاران آمریکایی عمیقاً از چشم‌انداز یک دولت کمونیستی که تا این حد به ایالات متحده نزدیک بود، نگران بودند. در ۳ ژانویه ۱۹۶۱، ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود را با کوبا قطع کرد.

در ابتدا، سیاست‌گذاران آمریکایی به دنبال مقابله با کاسترو از طریق نیروی نظامی بودند. در آوریل ۱۹۶۱، سازمان سیا از حمله ناموفق «خلیج خوک‌ها» حمایت کرد که به فاجعه ختم شد و ضربه بزرگی به دولت جدید «جان اف کندی» وارد کرد. ۱۸ ماه بعد، کندی در جریان «بحران موشکی کوبا»، زمانی که نظارت ایالات متحده نشان داد که اتحاد جماهیر شوروی موشک‌های هسته‌ای را در کوبا مستقر کرده که قادر به هدف قرار دادن بخش بزرگی از ایالات متحده هستند، جایگاه خود را بازیافت. این بحران بدون شلیک حتی یک گلوله پایان یافت، اگرچه دو ابرقدرت به طرز خطرناکی به جنگ هسته‌ای نزدیک شدند. در پی آن، ایالات متحده همچنان از به‌رسمیت شناختن دولت کاسترو خودداری کرد و همچنان متعهد به منزوی کردن دولت او بود.

اما با گذشت زمان، واقعیت آشکار شد. رئیس جمهوری لیندون بی. جانسون بخش زیادی از توجه خود را از سرنگونی کاسترو - اگرچه این هدف همچنان برای سیا در اولویت بود - به کمک به پناهندگان کوبایی که موفق به رسیدن به ایالات متحده شده بودند، معطوف کرد. از زمان انقلاب، هزاران کوبایی از این جزیره گریخته بودند؛ صاحبان املاک، متخصصان و بازرگانان از اولین کسانی بودند که آنجا را ترک کردند. تا سال ۱۹۶۲، برنامه‌هایی برای کمک به تقریباً ۲۵۰ هزار کوبایی که قبلاً به ایالات متحده رسیده بودند، وجود داشت که اکثر آنها در منطقه میامی ساکن شدند. با این حال، هجوم پناهندگان کوبایی یک چالش بود. پس از کاهش شدید پناهندگان به دنبال بحران موشکی کوبا، مهاجرت بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ دوباره افزایش یافت، زمانی که کاسترو به تعداد بیشتری از اتباع کوبایی اجازه خروج داد. طبق قانون مهاجرت موجود (قانون مهاجرت و تابعیت ۱۹۵۲)، همه مهاجرانی که به دنبال اقامت دائم بودند، عموماً ملزم به ترک ایالات متحده و درخواست ویزا از طریق کنسولگری ایالات متحده در کشور دیگری بودند.

> در سال ۱۹۶۶، کنگره «قانون تعدیل کوبا» را تصویب کرد که حمایت‌های ویژه‌ای را برای افرادی که از کوبا گریخته بودند، فراهم می‌کرد. اما ۶۰ سال بعد، کوبایی‌هایی که زمانی برای دهه‌ها از حمایت‌های ویژه مهاجرتی بهره‌مند بودند، اکنون به‌اندازه سایر غیرشهروندان در معرض اخراج قرار دارند

با حمایت جانسون، کنگره تصمیم به اقدام گرفت. جنگ سرد یک منطق و توجیه قوی برای امنیت ملی ارائه داد؛ توجیهی که بر پایه سنتی دیرینه استوار بود که به «قانون افراد بی‌خانمان سال ۱۹۴۸» و سایر اقداماتی بازمی‌گشت که پس از جنگ جهانی دوم درهای کشور را به روی پناهجویان گشود. «جیکوب گیلبرت» نماینده دموکرات نیویورک، لایحه‌ای را برای اعطای مسیر دستیابی به اقامت دائمی به پناهجویان کوبایی ارائه داد. این لایحه از حمایت حیاتی «ایمانوئل سلر» نماینده نیویورک، رئیس لیبرال و پرنفوذ کمیته قضایی مجلس نمایندگان و از طراحان اصلی اصلاحات قوانین مهاجرت برخوردار شد.

«جورج بال» معاون وزیر امور خارجه، در حمایت از این اقدام شهادت داد و از کنگره خواست تا این قانون را تصویب کند. او از هدف بشردوستانه این قانون دفاع کرد. در طول جلسات بحث‌وبررسی، اعضای کمیته بادقت تأکید کردند که بررسی این قانون، مشروعیت حکومت کوبا را به رسمیت نمی‌شناسد. در نهایت، حامیان این قانون بر انتقادات محافظه‌کارانی که معتقد بودند تعداد زیادی از کوبایی‌ها در حال حاضر در ایالات متحده پذیرفته شده‌اند و همچنین لیبرال‌هایی که نگران ازدست‌دادن شغل کارگران آمریکایی بودند، غلبه کردند؛ چرا که حمایت از کمک به مهاجرت و کمک به پناهندگان فراری از کشورهای کمونیستی، انگیزه‌ای قوی در بدنه سیاسی بود. سناتور «تد کندی» از ماساچوست به تصویب این قانون در سنا کمک کرد. این قانون با حمایت گسترده دوحزبی تصویب شد و جانسون در ۲ نوامبر ۱۹۶۶ آن را امضا و به قانون تبدیل کرد. جانسون پس از امضای این قانون اعلام کرد: «آمریکای زیبای ما توسط ملتی از غریبه‌ها ساخته شده است. از صدها مکان مختلف یا بیشتر، آنها به سرزمینی خالی سرازیر شده و در یک موج قدرتمند و مقاومت‌ناپذیر به‌هم‌پیوسته و درهم آمیخته‌اند.»

این قانون به دروازه‌ای مهم برای کوبایی‌ها تبدیل شد که به‌دنبال‌آمدن به ایالات متحده بودند و بسیاری از آنها در منطقه میامی ساکن شدند. برای دهه‌ها، مهاجران کوبایی از وضعیت حقوقی متمایز و مسیر روشن‌تری برای اقامت دائم نسبت به اکثر گروه‌های مهاجر دیگر برخوردار بودند. تا اواسط دهه ۱۹۹۰، سیاست ایالات متحده عموماً از کوبایی‌ها حمایت‌های ویژه‌ای کرده و ماندن در این کشور را برای بسیاری از کسانی که به سواحل ایالات متحده می‌رسیدند، آسان‌تر می‌ساخت. جمهوری‌خواهان اغلب به دلیل مخالفت شدید با کاسترو، حتی پس از پایان جنگ سرد در بین رأی‌دهندگان کوبایی -آمریکایی عملکرد خوبی داشتند. برخی از کارشناسان معتقدند که تصمیم رئیس جمهوری بیل کلینتون برای بازگرداندن «الیان گونزالس» به کوبا (پسر ۶ ساله کوبایی که در سال ۱۹۹۹ در دریا پیدا شده بود) آرای حیاتی ال گور، معاون رئیس جمهور را در فلوریدا که تعیین‌کننده انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۰ بود، از دست داد.

با گذشت زمان، قانون سال ۱۹۶۶ با انتقادات فزاینده‌ای مواجه شد. پس از پایان جنگ سرد، برخی استدلال می‌کردند که رفتار ویژه با مهاجران کوبایی ناهماهنگ با زمانه شده است، درحالی‌که دیگران (از جمله مارکو روبیو، سناتور وقت که خودش فرزند مهاجران کوبایی بود) به سوءاستفاده‌هایی که از این سیاست می‌شد اشاره می‌کردند. از آنجا که دولت کوبا به‌صورت دوره‌ای به گروه‌های بزرگی از مردم اجازه خروج به مقصد ایالات متحده را می‌داد - که بسیاری از آنها با مهاجران متخصص و ثروتمندِ سال‌های نخست پس از انقلاب متفاوت بودند - این تصور که آنان به‌اصطلاح «مهاجران نمونه» هستند تضعیف شد و انتقادها از این برنامه شدت گرفت.

نقطه عطف کلیدی در سال ۱۹۸۰ رخ داد؛ زمانی که کاسترو در جریان «عملیات ماریل» برای تخلیه اجباری مهاجران، به تقریباً ۱۲۵ هزار کوبایی اجازه خروج داد. در میان آنها افرادی با سوابق کیفری و افراد دیگری بودند که دولت کوبا آنها را نامطلوب می‌دانست؛ تحولاتی که برداشت عمومی از مهاجران کوبایی را در بخش‌هایی از حوزه‌های انتخابیه تغییر داد. در سال ۱۹۹۵، کلینتون کنترل‌های سخت‌گیرانه‌تری را بر مهاجرت کوبایی‌ها اعمال کرد؛ هرچند همزمان مشروعیت برخی از مسیرهای ورود به کشور را مجدداً تأیید نمود. این اقدام با سیاست «پای خیس، پای خشک» انجام شد که طبق آن، مهاجران کوبایی که در دریا متوقف می‌شدند عموماً به کوبا بازگردانده می‌شدند، اما کسانی که خود را به خاک آمریکا می‌رساندند اجازه ماندن می‌یافتند و می‌توانستند بعدتر برای دریافت اقامت دائمی درخواست دهند. باراک اوباما به کاهش جنبه‌هایی از رفتار ویژه‌ای که مدت‌ها به کوبایی‌ها ارائه می‌شد، ادامه داد و ترامپ بسیار فراتر رفته و اقدامات مرتبط با اخراج را گسترش داده و درعین‌حال دستور کار مهاجرتی محدودتری را دنبال می‌کند. دولت او همچنین مهاجران کوبایی را در معرض رویه‌های اخراج سریع قرار داده است.

منبع: foreign policy

از دهه ۱۹۶۰ تا امروز

برش

دهه ۱۹۶۰ از نظر نحوه تفکر سیاستمداران جریان اصلی در مورد مهاجرت، دوران متفاوتی بود. اگرچه «بومی‌گرایی» همچنان نیرویی قدرتمند و بخشی پایدار از سنت سیاسی ایالات متحده بود، اما در دوران ریاست‌جمهوری جانسون، این باور قوی نیز وجود داشت که ورود تازه‌واردان به نفع ملت است. مهاجران به‌عنوان بخشی از آنچه ایالات متحده را بزرگ می‌کرد، دیده می‌شدند. دلایل بشردوستانه‌ای برای گشودن درها به روی مهاجران وجود داشت و همان‌طور که بسیاری از محافظه‌کاران تشخیص دادند، مزایای ملی نیز وجود داشت. در چارچوب جنگ سرد، استقبال از پناهندگان، نمایشی قدرتمند از آزادی‌ها و فرصت‌هایی بود که ایالات متحده مدعی تجسم آنها بود. فضای سیاسی فعلی کاملاً با آن روزها تفاوت دارد. فضایل مهاجرت و ارزش ارائه حمایت به کسانی که از شرایط دشوار فرار می‌کنند، تا حد زیادی از بحث‌های ملی حذف شده است. در عوض، بحث‌های سیاسی بر مرزهای سخت‌گیرانه‌تر، سیاست‌های اخراج تهاجمی و هزینه‌هایی که مهاجران جدید ممکن است بر کشور تحمیل کنند، متمرکز شده است. این روند تا آنجا پیش رفته که حتی بسیاری از دموکرات‌های واقع‌گرا نیز از نظر سیاسی نگران‌اند که درباره مهاجرت با کلماتی غیر از اجرا و سخت‌گیری حرف بزنند.

اخبار

زائران اربعین علائم بیماری را جدی بگیرند

ستاد مرکزی اربعین در اطلاعیه‌ای اعلام کرد:« زائران در صورت بروز هرگونه علائم بیماری، بلافاصله به مراکز امدادی و درمانی مستقر در طول مسیر و شهرهای زیارتی مراجعه کنند.با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، آب آشامیدنی بهداشتی و بسته‌بندی شده به قدر نیاز زائرین در دسترس قرار گرفته است؛ بنابراین درخواست می‌شود از آب‌های غیربسته‌بندی استفاده نکنید و در صورت بروز هرگونه علائم بیماری، بلافاصله به مراکز امدادی و درمانی مستقر در طول مسیر و شهرهای زیارتی مراجعه کنید.»

همچنین ستاد مرکزی اربعین توصیه کرد: «به‌منظور مدیریت بهتر وسایل نقلیه عمومی و ارائه خدمات مطلوب به زائران درخواست می‌شود زائرین گرامی در مسیر برگشت استفاده از همه مرزها را در اولویت برنامه‌ریزی خود قرار دهند و مجدد تأکید می‌شود با توجه به خستگی مفرط ناشی از شرایط سفر، هموطنانی که با خودروی شخصی سفر می‌کنند، برای حفظ سلامت و جان خود و سایر سرنشینان به خصوص فرزندان عزیز، قبل از رانندگی و در طول سفر حتماً استراحت کنند.»

براساس عرف معمول، اکثر مواکب عراقی از بعدازظهر روز اربعین نسبت به جمع‌آوری موکب‌ها اقدام می‌کنند و سطح خدمات‌دهی کاهش می‌یابد؛ بنابراین زائران توجه لازم در خصوص مدیریت پایان سفر خود را اعمال کنند و نیز برابر پیش‌بینی‌های صورت گرفته، تعدادی از مواکب ایرانی تا دو روز پس از مراسم اربعین در کشور عراق و پایانه‌های مرزی فعال است و به زائران گرامی خدمت‌رسانی می‌کنند اما به دلیل کثرت جمعیت زائران تأکید می‌شود در صورت امکان برگشت خود را به روزهای بعد از اربعین موکول نکنند.» ستاد مرکزی اربعین اعلام کرد:« پایان عملیات خدمت‌رسانی به زائران اربعین حسینی در پایانه‌های مرزی جمهوری اسلامی ایران، ۲۲ ماه صفر مصادف با روز پنجشنبه ۱۵ مرداد خواهد بود و بعد از آن، مرزهای اربعینی به حالت عادی خود برمی‌گردند.»

آموزش ۳۰ هزار مشاور و مربی پیشگیری اعتیاد در مدارس

زهرا عابدینی مدیرکل پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر از اجرای طرح ملی و مشترک با همکاری وزارت آموزش و پرورش برای تربیت نیروهای متخصص در حوزه پیشگیری خبر داد و گفت: «امسال آموزش ۳۰ هزار مشاور و مربی به‌طور ویژه در دستورکار قرار گرفته است.» عابدینی گفت: «این دوره‌های آموزشی با هدف توانمندسازی کادرهای تخصصی و با تمرکز بر سه گروه دانش‌آموزان، والدین و کارکنان آموزشی طراحی و اجرا می‌شود.»

او در پاسخ به این سؤال که آیا آمار دقیقی از دانش‌آموزان معتاد وجود دارد و اینکه مربوط به چه رده سنی است؛ توضیح داد: «براساس داده‌های موجود، نرخ اعتیاد در میان نوجوانان اغلب مربوط به دوره دوم متوسطه است و حدود یک درصد تخمین زده می‌شود.» به گزارش ایرنا، مدیرکل پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر تأکید کرد: «همه فعالیت‌ها و اقدامات پیشگیرانه در این گروه سنی، تحت پوشش همکاری‌های مشترک با وزارت آموزش و پرورش ساماندهی می‌شود.»

عابدینی به وضعیت کودکان کار نیز اشاره کرد و گفت: «این گروه سنی در چارچوب همکاری‌های مشترک با سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) فعال در این حوزه تحت پوشش برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد قرار دارند؛ البته برای شناسایی و رسیدن به آمار دقیق شیوع اعتیاد در بین کودکان کار، نیازمند انجام مطالعات تخصصی و طراحی‌شده هستیم اما در حال حاضر آمار قطعی در این زمینه موجود نیست.»

مدیرکل پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر به آمار زنان متجاهر نیز اشاره کرد و گفت: «میزان ابتلا به اعتیاد در این گروه کمتر از یک درصد است اما با توجه به شیوه مصرف نمی‌توان اظهارنظر دقیق و قطعی ارائه کرد.»

نوسازی ۱۵ هزار کلاس درس در تهران

طبق اعلام مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران، نوسازی ۱۵ هزار کلاس درس در دستور کار قرار گرفته است. به گزارش ایرنا، عباس زارع درباره ضرورت اجرای برنامه‌های منسجم در حوزه ایمن‌سازی و نوسازی مدارس، گفت: «در حالی که آغاز و پیگیری پروژه‌های نوسازی در برخی مناطق با روند مطلوب‌تری همراه است در پاره‌ای دیگر از نقاط استان به‌دلیل پراکندگی مدیریت‌ها و نبود برنامه‌ریزی یکپارچه، روند ساخت و تخریب مدارس با چالش مواجه می‌شود.»

او با اشاره به تفاوت وضعیت آموزشی در شهرستان‌ها و نیز مناطق شهری استان تهران توضیح داد: «برخی پروژه‌ها به‌صورت مقطعی اجرا می‌شوند و این موضوع می‌تواند به جای بهبود شرایط، سبب ایجاد اختلال در فرآیندهای عمرانی و آموزشی شود.»

زارع با بیان اینکه هدف اصلی نوسازی مدارس، ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای دانش‌آموزان است، گفت: «باید به جای حرکت‌های پراکنده و موردی، برنامه‌ریزی بر مبنای نیازسنجی و اولویت‌بندی انجام شود تا هم زمان‌بندی پروژه‌ها دقیق‌تر شود و هم از تداخل وظایف دستگاه‌های مختلف جلوگیری به عمل آید. اجرای طرح‌های تخریب و بازسازی، در صورت هماهنگی میان مدیریت شهری، دستگاه‌های مربوط و برنامه‌های نظارتی، می‌تواند به نتیجه مطلوب برسد. در غیراین صورت، تأخیرها و تصمیم‌های غیرهماهنگ، اثرگذاری پروژه‌ها را کاهش می‌دهد.»

به گفته زارع، تحقق برنامه‌های نوسازی، مستلزم تعیین اولویت‌ها، تأمین منابع و نظارت مستمر بر روند اجرایی پروژه‌هاست که می‌تواند به بهبود کیفیت فضای آموزشی و ارتقای ایمنی مدارس منجر شود.

همزمان با هفته جهانی ترویج تغذیه با شیر مادر، از سوی رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت اعلام شد

فعالیت ۱۹ بانک شیر در کشور گامی مؤثر برای تغذیه حیاتی نوزادان نارس

گزارش خبری

محدثه جعفری

گروه اجتماعی

مطالعات نشان می‌دهد اگر همه مادران حداقل ۶ ماه به نوزادشان شیر بدهند، جلوی مرگ و میر حداقل ۶۰۰ هزار نوزاد در جهان گرفته می‌شود. شیرمادر علاوه بر اینکه شرایط تغذیه بهینه را فراهم می‌کند، سیستم ایمنی بدن کودک را نیز تقویت کرده و پیوند منحصر به فرد بین مادر و کودک ایجاد می‌کند. اما طی سال‌های گذشته نرخ شیردهی در سرتاسر جهان کمتر از حد طبیعی اعلام شده است. با اینکه ایران در سال‌های گذشته آمار قابل قبولی در تغذیه با شیرمادر داشت، اما در این سال‌ها شرایط تغییر کرده و به گفته مسئولان وزارت بهداشت فقط ۴۷ درصد نوزادان ایرانی تغذیه انحصاری با شیر مادر دارند. شیر مادر کامل‌ترین منبع تغذیه برای نوزادان است اما همه نوزادان فرصت استفاده از شیر مادرشان را ندارند. در چنین شرایطی، بانک شیر مادر با جمع‌آوری و آماده‌سازی شیر اهدایی، نقش مهمی در حفظ سلامت نوزادان نارس و محروم از شیر مادر ایفا می‌کند.

رضا سعیدی، رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه دهم تا شانزدهم مردادماه هفته جهانی ترویج تغذیه با شیر مادر نام‌گذاری شده است، از اهمیت تغذیه نوزادان بویژه در ۶ ماهه اول تولد به «ایران» می‌گوید: «شیر مادر مهم‌ترین منبع تغذیه برای شیرخواران است. هنگامی که نوزاد تازه متولد شده با شیرمادرش تغذیه می‌شود، مهر مادر و شیر او را با هم دریافت می‌کند، موضوعی که در طبیعت جایگزینی ندارد. بهترین غذا برای نوزادان از همان ساعات اولیه تولد تا ۶ ماه کامل فقط شیرمادر است و از ۶ماه تا ۱۲ ماه در کنار شیر مادر غذاهای کمکی مخصوص شیرخوار به آنها داده شود. همچنین از ۱۲ تا ۲۴ماهگی کودک یعنی تا پایان دو سالگی والدین می‌توانند فرزندشان را با غذاهای سفره در کنار شیر مادر سیر کنند.»

رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت با اشاره به اینکه تغذیه با شیر مادر باعث می‌شود بیماری هم در مادر و هم نوزاد کاهش پیدا کند، توضیح می‌دهد: «این اقدام منجر به کاهش بیماری‌های جسمی، روحی، اضطراب و استرس‌ها در مادر و نوزاد می‌شود. همچنین براساس نتایج علمی، نوزادانی که شیر مادر می‌خورند، نسبت به افرادی که شیر خشک مصرف کرده‌اند، حداقل ۸ شماره آی‌کیو (IQ) آنها بیشتر است.»

به گفته او، تغذیه با شیرمادر می‌تواند انواع بیماری‌های گوارشی، عفونی، آلرژی و حساسیت، سرطان‌ها و همچنین بیماری‌های قلبی عروقی را در سنین بالاتر نوزادان کاهش دهد. حتی کودکانی که با شیرمادر تغذیه شدند، کمتر دچار مشکل کم خونی می‌شوند.

کاهش مرگ و میر نوزادان با مصرف شیرمادر

مادرانی که نوزادانشان را با شیر خودشان تغذیه می‌کنند در آینده احتمال ابتلای آنها به بیماری‌هایی مثل سرطان پستان و رحم کاهش پیدا می‌کند. رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت با اشاره به این موضوع توضیح می‌دهد: «براساس مطالعات انجام شده، اگر همه مادران حداقل ۶ ماه به طور انحصاری نوزادشان را شیر دهند، جلوی مرگ و میر حداقل ۶۰۰ هزار نوزاد در جهان گرفته می‌شود.» او با بیان اینکه در گذشته حداقل ۷۵ درصد نوزادان ایرانی تغذیه با شیرمادر داشتند، نسبت به کاهش این آمار در سال‌های اخیر هشدار می‌دهد و می‌گوید: «آمار تغذیه با شیرمادر در کشورهای مختلف متفاوت است و این طور نیست که همه شرایط یکسانی داشته باشند. ۷۵ درصد کودکان ایرانی در گذشته تغذیه انحصاری با شیرمادر داشتند و فقط ۲۵ درصد به دلایل مختلف تغذیه انحصاری‌شان دچار مشکل می‌شد. اما در حال حاضر تغذیه انحصاری با شیرمادر کاهش پیدا کرده و حدود ۴۷ درصد نوزادان ایرانی تغذیه انحصاری با شیر مادر دارند. بنابراین باید به این نکته توجه کنیم، این آمار به این معنی نیست که فقط ۴۷ درصد مادران، کودکانشان را شیر می‌دهند، بلکه ۴۷ درصد مادران کودک‌شان را فقط با شیرخودشان سیر می‌کنند، یعنی همان تغذیه انحصاری.»

> اگر مادر به هر دلیلی نتواند به نوزادش شیر بدهد، از طریق این بانک‌های شیر، شیر مورد نیاز به او داده می‌شود تا نوزادش را با شیر مادر تغذیه کند. این اقدام برای نوزادان نارس که مدت طولانی در بخش مراقبت‌های ویژه نگهداری می‌شوند، بسیار مهم است

فاصله ۱۳ درصدی با هدفگذاری WHO در تغذیه با شیرمادر

سازمان جهانی بهداشت برای سال ۲۰۲۵ هدفگذاری‌هایی نسبت به تغذیه انحصاری با شیرمادر انجام داده بود مبنی براینکه تا این تاریخ ۵۰ درصد نوزادان تغذیه انحصاری با شیر مادر داشته باشند. این فوق تخصص نوزادان بیمارستان کودکان مفید با اشاره به این موضوع درباره رسیدن به این هدفگذاری می‌گوید: «ایران تا هدف ۲۰۲۵ حدود دو تا سه درصد فاصله دارد، چون حدود ۴۷ درصد کودکان‌مان تغذیه انحصاری با شیرمادر دارند. البته سازمان جهانی بهداشت در هدفگذاری بعدی برای سال ۲۰۳۰ مبنای افزایش تغذیه با شیرمادر را به ۶۰ درصد رسانده است. به این ترتیب ایران برای رسیدن به این هدف حدود ۱۲ تا ۱۳ درصد فاصله دارد، به همین دلیل باید با فرهنگ‌سازی درست این آگاهی را به خانواده‌ها بویژه مادران بدهیم که در ۶ماهه اول تولد فرزندشان، هیچ تغذیه‌ای بهتر از شیرمادر نیست.» سعیدی درباره ضرورت وجود (بانک شیر) برای نوزادان می‌گوید: «بانک شیر از چندین دهه قبل در کشورهای مختلف برای کمک به مادرانی که به هر دلیلی نمی‌توانند نوزادشان را شیر دهند، راه‌اندازی شد. مثلاً کودکانی که هنگام تولد دچار مشکلاتی هستند و ممکن است برای مدتی در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بستری شوند، پرستاران معمولاً برای تغذیه آنها از شیرهای موجود در (بانک شیر) استفاده می‌کنند. براساس آمارهای موجود، استقبال از این بانک‌های شیر بسیار مثبت ارزیابی شده به طوری که در کشوری مثل برزیل حدود ۷۳ درصد منجر به کاهش مرگ و میر نوزادان شده است. ما در کنار مراکز NICU (بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان) قسمت‌هایی داریم تا مادرانی که شیر اضافه دارند یا به هر دلیلی نمی‌توانند شیرشان را به فرزند خودشان بدهند، شیر خود را به بانک شیر اهدا کنند. اگر مادر به هر دلیلی نتواند به نوزادش شیر بدهد، از طریق این بانک‌های شیر، شیر مورد نیاز به او داده می‌شود تا نوزادش را با شیر مادر تغذیه کند. این اقدام برای نوزادان نارس که برای مدت طولانی در بخش مراقبت‌های ویژه نگهداری می‌شوند، بسیار مهم است چون باعث می‌شود، ریسک ابتلا به بیماری‌هایی مثل نکروز روده در آنها کاهش پیدا کند.»

به گفته او، در حال حاضر ۱۹ بانک شیر در کشور راه‌اندازی شده و هر سه دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران و شهید بهشتی یک بانک شیر مخصوص دارند و نه تنها نوزادان بستری در بیمارستان‌ها بلکه اگر تقاضا برای دریافت شیر از (بانک شیر) خارج از مراکز درمانی وجود داشته باشد، به آنها داده می‌شود. طبق برنامه‌ریزی‌های وزارت بهداشت مقرر شده است، امسال پنج بانک شیر دیگر هم راه‌اندازی شود.

برش

تغذیه با شیر خشک، ۶ برابر خطر مرگ نوزاد را افزایش می‌دهد

مریم السادات شجاعی مدیرگروه جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران به مناسبت هفته جهانی ترویج تغذیه با شیرمادر و اهمیت این تغذیه انحصاری در رشد جسمی، روانی، اجتماعی وعاطفی نوزادان به «ایران» می‌گوید: «از ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد، شیر دایه برای تغذیه شیرخواران محروم از شیر مادر استفاده می‌شد و پس از آن شیر خشک مبتنی بر شیر گاو به دلیل نگرانی از شیردایه‌ها به خاطر سبک زندگی دایه‌ها، خطر عفونت و تغذیه ضعیف جایگزین شیر مادر شد. در اوایل قرن ۲۰ ثابت شد که تغذیه با شیر خشک، ۶ برابر خطر مرگ نوزاد را افزایش می‌دهد به همین دلیل برای جلوگیری تغذیه نوزادان محروم از شیر مادر و بخصوص نوزادان نارس، بانکی با سرمایه شیر احداث کردند.» او با بیان اینکه چه مادرانی می‌توانند اهدا کننده شیر باشند، توضیح می‌دهد: «مادرانی که بارداری و زایمان نرمال داشته‌اند و حال عمومی مادر پس از زایمان مناسب باشد و توانایی اهدای شیر مازاد بر مصرف نوزاد هم وجود داشته باشد.»

او درباره نحوه اهدای شیر هم توضیح می‌دهد: «گام اول مصاحبه با مادر و آگاهی دادن به او در خصوص اهمیت اهدای شیر در نجات جان و سلامتی نوزادان نارس است. در قدم بعد افراد می‌توانند با عضویت در گروه بانک شیر مادر تهران (اگر ساکن تهران هستند) در پیام رسان بله نسبت به این امر خیرخواهانه اقدام کنند. قدم بعدی، انجام آزمایش‌های سرولوژیک برای اهداکننده است و در صورت داشتن شرایط مناسب، می‌توانند با تماس با مسئول بانک شیر مادر با شماره تلفن ۰۲۱۶۱۱۹۲۰۴۲ در بیمارستان ولیعصر(عج) و هماهنگی برای تحویل شیرهای جمع‌آوری شده اقدام کنند.»

شجاعی با اشاره به اینکه سالانه چقدر شیر به بانک شیر اهدا می‌شود، می‌گوید: «اطلاعات ما محدود به بیمارستان ولیعصر است اما به طور متوسط سالانه ۴۰۰ لیتر شیر، به بانک شیر دانشگاه علوم پزشکی تهران اهدا می‌شود که گاهی بیش از ظرفیت نگهداری در بانک شیر بیمارستان ولیعصر است. با توجه به اینکه بخش‌های NICU زیادی راه‌اندازی شده ، نیاز به افزایش بانک‌های شیر هم وجود دارد. چون تغذیه با شیرمادر در نوزادان نارس بسیار حائزاهمیت است و سبب کاهش خطر ابتلا به عفونت، کاهش بیماری مزمن ریه، کاهش رتینوپاتی نارس و کاهش مدت بستری نوزاد در(اِن آی سیو) می‌شود. همچنین کاهش عدم تحمل تغذیه و کاهش خطر NEC (بیماری روده‌ای حاد در نوزادان که باعث التهاب و در مراحل پیشرفته موجب سوراخ شدن روده می‌شود) خواهد شد.»

مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با «ایران» خبر داد

اجرای طرح «مراقب همراه خانواده‌های دارای فرزند چندقلو» در ۶ استان کشور

عکس: ایرنا

گزارش خبری

سمیه افشین‌فر

گروه اجتماعی

تولد دوقلوها و چندقلوها همزمان با شیرینی برای بسیاری از خانواده‌ها هزینه‌ها و مسئولیت‌هایی ایجاد می‌کند که گاهی از توان اقتصادی و جسمی والدین خارج است. براساس آمارهای منتشرشده درباره سال ۱۴۰۱، بیش از ۱۸ هزار مورد تولد دوقلو، ۶۰۲مورد تولد سه‌قلو و ۲۵ مورد تولد چهارقلو در کشور ثبت شده است. تهران بیشترین تعداد تولد چندقلویی را داشته و پس از آن استان‌های خراسان رضوی، خوزستان و اصفهان قرار گرفته‌اند. این آمار نشان می‌دهد موضوع حمایت از خانواده‌های چندقلویی، مسأله‌ای محدود به چند خانواده نیست و به برنامه‌ریزی ملی در حوزه سلامت، رفاه، مسکن و تأمین اجتماعی نیاز دارد.

کارشناسان معتقدند، قانون جوانی جمعیت اگرچه حمایت‌هایی برای خانواده‌های دارای فرزند بیشتر در نظر گرفته، اما شرایط چندقلوها با خانواده‌هایی که فرزندانشان با فاصله سنی متولد می‌شوند، تفاوت اساسی دارد. در خانواده دارای فرزند چندقلو، هزینه و نیاز به مراقبت از همان روز اول به‌طور همزمان افزایش می‌یابد. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در مهرماه ۱۴۰۰ به تصویب رسید و برای خانواده‌های دارای دوقلو و چندقلو، حمایت‌هایی مانند افزایش مرخصی زایمان، تسهیلات قرض‌الحسنه تولد فرزند، برخی حمایت‌های مسکن و کمک‌های مرتبط با دهک درآمدی را پیش‌بینی کرد. برخلاف خانواده‌هایی که فرزندانشان با فاصله سنی متولد می‌شوند، والدین چندقلو باید از چند کودک همزمان مراقبت کنند. ممکن است چند نوزاد در یک زمان گرسنه، بیمار یا نیازمند تعویض پوشک باشند؛ شرایطی که بدون کمک خانواده، پرستار یا مراقب آموزش‌دیده، بسیار دشوار خواهد بود.

مریم خاک‌رنگین، مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان سازمان بهزیستی کشور، از اجرای پایلوت طرح «مراقب همراه خانواده‌های دارای فرزند چندقلو» خبر می‌دهد و به «ایران» می‌گوید: «تولد چندقلوها اگرچه نعمتی بزرگ برای خانواده‌هاست، اما مسئولیت‌های مراقبتی سنگینی را نیز به همراه دارد. مراقبت همزمان از چند کودک خردسال، بویژه در سال‌های اول زندگی، فشار زیادی را بر والدین وارد می‌کند و در بسیاری از موارد، مادران با خستگی مزمن، فرسودگی جسمی و روانی و محدود شدن فرصت استراحت و فعالیت‌های اجتماعی مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، پدران نیز علاوه بر مسئولیت تأمین معیشت خانواده، بخش قابل توجهی از مسئولیت مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند که این موضوع می‌تواند فشار مضاعفی را بر خانواده تحمیل کند.» به گفته خاک‌رنگین، به همین دلیل سازمان بهزیستی کشور برای اولین بار مدل تخصصی «مراقب همراه» را طراحی کرده است تا با حضور نیروهای آموزش‌دیده در کنار خانواده، بخشی از این بار مراقبتی کاهش پیدا کند. او می‌گوید: ««این طرح با هدف کاهش فشارهای جسمی، روانی و اقتصادی خانواده‌های دارای فرزند چندقلو، ارتقای سلامت روان والدین، افزایش کیفیت مراقبت از کودکان و تقویت تاب‌آوری خانواده‌ها طراحی و تدوین شده است.»

> در اولویت اول، خانواده‌های دارای فرزند سه‌قلو و بیشتر تحت پوشش سازمان بهزیستی، سپس خانواده‌های دارای فرزند دوقلو با خانوار پنج نفره و بیشتر و سایر خانواده‌های دارای فرزند چندقلوی زیر شش سال مشمول دریافت خدمات خواهند بود

استفاده از ظرفیت زنان سرپرست خانوار در طرح مراقب همراه

مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان سازمان بهزیستی کشور با بیان اینکه این طرح در سال ۱۴۰۵ به شکل آزمایشی اجرا می‌شود، می‌گوید: «در مرحله اول، برنامه در استان‌های تهران، فارس، خوزستان، خراسان رضوی، اصفهان و گلستان به اجرا درمی‌آید و پس از ارزیابی نتایج، رفع چالش‌های احتمالی و تأمین منابع لازم، زمینه توسعه آن در سایر استان‌های کشور فراهم خواهد شد.» خاک‌رنگین درباره جامعه هدف این طرح توضیح می‌دهد: «در اولویت اول، خانواده‌های دارای فرزند سه‌قلو و بیشتر تحت پوشش سازمان بهزیستی، سپس خانواده‌های دارای فرزند دوقلو با خانوار پنج نفره و بیشتر و سایر خانواده‌های دارای فرزند چندقلوی زیر شش سال مشمول دریافت خدمات خواهند بود. همچنین اگر ظرفیت کافی وجود داشته باشد، خانواده‌های دارای فرزند چندقلوی غیر تحت پوشش نیز می‌توانند از خدمات این طرح بهره‌مند شوند.»

او درباره نحوه اجرای طرح می‌گوید: «پس از شناسایی خانواده‌های واجد شرایط، مراقبان همراه که از میان زنان واجد شرایط و آموزش‌دیده انتخاب می‌شوند، پس از طی فرآیند ارزیابی، آموزش تخصصی، کاروزی و تأیید صلاحیت، برای ارائه خدمات به خانواده‌ها معرفی می‌شوند.» به گفته خاک رنگین، در این میان از ظرفیت زنان سرپرست خانوار واجد شرایط نیز استفاده خواهد شد. مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان سازمان بهزیستی کشور می‌گوید: «این مراقبان در ساعت‌های توافق‌شده در منزل خانواده حضور یافته و خدماتی از جمله کمک در تغذیه و مراقبت از کودکان، رعایت اصول بهداشتی، ایجاد نظم در برنامه خواب، آموزش مهارت‌های مراقبتی، حمایت عاطفی از مادر، همراهی در مراجعات درمانی و انجام امور سبک مرتبط با نگهداری کودکان را ارائه می‌کنند.»

مراقب همراه جایگزین مادر نیست

او تأکید می‌کند: «مراقب همراه به هیچ عنوان جایگزین مادر نیست، بلکه در کنار مادر قرار می‌گیرد تا با افزایش کیفیت مراقبت از کودکان، فرصت استراحت، بازیابی توان جسمی و روانی و کاهش فشارهای ناشی از مراقبت همزمان از چند کودک را برای خانواده فراهم کند.» خاک‌رنگین درباره ساعات حضور مراقبان می‌گوید: «مدت حضور مراقب همراه بر اساس نیاز هر خانواده و با توافق طرفین تعیین می‌شود و حداقل زمان حضور در هر نوبت سه ساعت است. تعداد دفعات حضور نیز متناسب با شرایط خانواده و سقف اعتبارات سالانه برنامه‌ریزی خواهد شد.»

او با تأکید بر اینکه امنیت و آرامش خانواده‌ها از مهم‌ترین اصول اجرای این طرح است، می‌گوید: «از آنجا که مراقبان وارد محیط خصوصی خانواده‌ها می‌شوند، فرآیند انتخاب آنان با حساسیت بسیار بالا انجام می‌شود. تمامی مراقبان باید فاقد سوءپیشینه مؤثر کیفری باشند، سلامت جسم و روان آنان توسط پزشک معتمد سازمان تأیید شود، حسن‌شهرت داشته باشند و بیش از ۹۰ ساعت آموزش تخصصی شامل آموزش‌های نظری، عملی و کاروزی را با موفقیت طی کنند. همچنین فعالیت آنان تنها پس از قبولی در آزمون، تأیید کمیته‌های تخصصی و امضای تعهدنامه‌های حرفه‌ای آغاز می‌شود و عملکرد آنان به شکل مستمر توسط مددکاران اجتماعی، مؤسسات مجری و کمیته‌های تخصصی سازمان بهزیستی مورد نظارت و ارزیابی قرار خواهد گرفت.»

برش

کاهش فشار مراقبتی از دوش خانواده‌ها

خاک‌رنگین درباره منابع مالی اجرای طرح توضیح می‌دهد: «هزینه خدمات برای خانواده‌های تحت پوشش از محل اعتبارات حمایتی سازمان بهزیستی تأمین می‌شود. سازمان تا سقف تعرفه تعیین‌شده، هزینه خدمات مراقب همراه را برای افراد تحت پوشش پرداخت می‌کند. همچنین برای خانواده‌های غیر تحت پوشش نیز در صورت وجود ظرفیت اعتباری و نبود متقاضی از میان مددجویان در استان، یارانه‌ای از سوی سازمان در نظر گرفته می‌شود تا این خانواده‌ها نیز بتوانند با هزینه کمتر از خدمات بهره‌مند شوند. پرداخت این یارانه مشروط به استفاده خانواده‌ها از مراقبان همراه معرفی‌شده توسط سازمان بهزیستی است.» مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان سازمان بهزیستی کشور درباره حق‌الزحمه مراقبان همراه می‌گوید: «پرداخت‌ها بر اساس ساعات حضور انجام می‌شود. تعرفه خدمات برای خانواده‌های تحت پوشش برای دوقلوها ۲۰۰ هزار تومان، سه‌قلوها ۲۵۰ هزار تومان و چهارقلو و بیشتر ۵۰۰ هزار تومان به ازای هر ساعت است و برای خانواده‌های غیر تحت پوشش نیز تعرفه‌ها به ترتیب ۳۰۰، ۴۵۰ و ۷۰۰ هزار تومان در هر ساعت تعیین شده است.»

مدیرکل دفتر امور خانواده و بانوان سازمان بهزیستی کشور معتقد است: «اجرای این طرح علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌های دارای فرزند چندقلو، زمینه رشد بهتر کودکان را نیز فراهم می‌کند؛ چراکه کودکان در محیطی آرام‌تر، ایمن‌تر و با مراقبت تخصصی‌تر پرورش می‌یابند و والدین نیز فرصت بیشتری برای ایفای نقش تربیتی و عاطفی خود خواهند داشت.» مریم خاک‌رنگین با بیان اینکه طرح «مراقب همراه خانواده‌های دارای فرزند چندقلو» فقط یک خدمت مراقبتی نیست، می‌گوید: «این طرح الگویی نوین از حمایت اجتماعی مبتنی بر خانواده است که با تکیه بر خدمات تخصصی در منزل، به دنبال کاهش فشارهای ناشی از چندقلوزایی، ارتقای سلامت روان والدین، افزایش کیفیت مراقبت از کودکان و تقویت بنیان خانواده است. از این رو، توسعه خدماتی از جنس «مراقب همراه» می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد محیطی حمایتگر برای خانواده‌ها و تقویت سیاست‌های جمعیتی کشور ایفا کند.»

رئیس اتاق اصناف تهران در تشریح مطالبات صنفی پس از نشست با معاون اول رئیس جمهور

از تصمیم‌سازی تا نظارت؛ اصناف نقش مؤثرتری در بازار می خواهند

گزارش

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، به‌تازگی در نشستی با مدیران اتاق اصناف تهران از آمادگی دولت برای واگذاری بخشی از اختیارات حوزه بازار به اتحادیه‌ها و اصناف خبر داد. در همین زمینه، حمیدرضا رستگار، رئیس اتاق اصناف تهران تأکید کرد: «اصناف نباید صرفاً به‌عنوان بازوی نظارتی دولت و ابزاری برای شناسایی تخلفات دیده شوند، بلکه باید از مرحله سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی تا تولید، توزیع، تنظیم بازار و نظارت، حضور مؤثر و قانونی داشته باشند.» رئیس اتاق اصناف تهران در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» با اشاره به جلسه اخیر با معاون اول رئیس جمهور اظهار کرد: «پیش از بررسی موضوع واگذاری اختیارات به بخش خصوصی و اصناف، باید جایگاه اصناف و بخش خصوصی در قوانین اصلی کشور، از جمله قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد. قانون اساسی در حوزه اقتصاد، تقسیم کار میان سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی را به رسمیت شناخته است و اصناف نیز به‌عنوان بخشی از بخش خصوصی، از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین تشکل‌های مردمی، غیردولتی و دارای جایگاه اجتماعی و اقتصادی در کشور محسوب می‌شوند.» وی افزود: «اصناف و کسبه یک پایگاه اقتصادی مردم‌نهاد هستند و این ظرفیت، هم یک ظرفیت اقتصادی و هم یک سرمایه اجتماعی برای کشور است. بنابراین باید مشخص شود که کشور چگونه می‌خواهد از این ظرفیت بهره بگیرد.»

حمیدرضا رستگار ادامه داد: «موضوعی که به عنوان رئیس اتاق اصناف تهران در دیدارها و پیگیری‌ها با رئیس جمهوری، رئیس قوه مقننه، قوه مجریه و در آخرین جلسه با معاون اول رئیس جمهور مطرح کردم، همین استفاده از ظرفیت اجتماعی اصناف بود. این موضوع مورد تأکید رهبر شهید نیز بوده و در اصل ۴۴ قانون اساسی بارها بر استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی تأکید شده است. اگر قرار است اقتصاد کشور پیشرفت کند، چاره‌ای جز بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی که به عنوان سرمایه در کشور وجود دارد، نداریم.»

وی گفت: «محور گفت‌وگوهای ما با معاون اول رئیس جمهور نیز همین بود که این ظرفیت اجتماعی وجود دارد و اصناف در حوزه کسب‌وکار، تولید، توزیع و خدمات، هم متخصص هستند و هم نیروی متخصص در اختیار دارند. در این جلسه همچنین موضوعاتی درباره رفع موانع، رفع مشکلات و مسائل موجود مطرح شد که معاون اول رئیس‌جمهور نیز بر بخش زیادی از این دیدگاه‌ها تأکید و آنها را تأیید کرد.»

ضرورت حضور اصناف در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی

رئیس اتاق اصناف تهران در پاسخ به این پرسش که آیا مرز دقیق اختیاراتی که قرار است به اصناف واگذار شود مشخص شده است و آیا اصناف فقط قرار است بازوی نظارتی دولت برای شناسایی تخلف باشند یا در تصمیم‌گیری‌ها، تعیین ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع کالا نیز نقش داشته باشند، اظهار کرد: «پذیرش مسئولیت از سوی اتاق‌های اصناف و اتحادیه‌ها، با توجه به اینکه این نهادها برای کسب سود تشکیل نشده‌اند، به‌خودی‌خود مزیت اقتصادی برای آنها محسوب نمی‌شود. ما به دلیل اینکه نماینده مردم و منتخب فعالان اقتصادی در حوزه اصناف هستیم، وظیفه داریم مسائل و خواسته‌های آنان را منتقل کنیم و در چارچوب قانون برای حل مشکلات بازار مشارکت داشته باشیم.» وی افزود: «تأکید و تأیید دولت این بوده که می‌خواهد از ظرفیت اصناف استفاده کند و بخشی از مسئولیت‌ها را انتقال دهد. پیشنهاد ما این است که دولت در حوزه سیاست‌گذاری، نظارت و موضوعاتی که قانون برعهده او گذاشته، همچنان نقش خود را حفظ کند و حمایت‌های دولت نیز وجود داشته باشد، اما در حوزه اجرای امور اقتصادی، کار باید به بازار، کسب‌وکارها و بنگاه‌های اقتصادی سپرده شود.»

رستگار گفت: «منظور از مشارکت بازار در اجرای امور اقتصادی این است که فعالان واقعی هر حوزه از ابتدای زنجیره تصمیم‌گیری حضور داشته باشند. اگر قرار است درباره تولید، توزیع یا عرضه یک کالا تصمیمی گرفته شود، باید اتحادیه‌های صنفی، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و سایر فعالان مرتبط در فرآیند تصمیم‌سازی حضور داشته باشند. این مشارکت باید تا انتهای زنجیره و مرحله عرضه به مصرف‌کننده ادامه یابد.» وی افزود: «هر جا قرار است درباره بازار تصمیم‌گیری شود، باید این اختیارات به بازار سپرده شود. تنظیم بازار باید در اتاق اصناف انجام شود. بخشی از همکاران ما در حوزه تولید فعالیت می‌کنند و باید در همان مرحله تولید نیز حضور داشته باشند. اصناف باید در تمام مراحل تا انتهای زنجیره حضور داشته باشند تا بتوانند پاسخگو باشند.» رئیس اتاق اصناف تهران با انتقاد از روند برخی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی گفت: «اکنون بسیاری از اتفاقات اقتصادی رخ می‌دهد و بسیاری از تصمیمات توسط بانک مرکزی یا در حوزه سیاست‌های اقتصادی گرفته می‌شود، در حالی که اصناف در آن حضور ندارند و حتی از آن بی اطلاع اند در حالی که آگاهی و حضور ما می‌تواند کمک زیادی به مردم و فعالان اقتصادی کند.»

وی ادامه داد: «درخواست ما برای مردم و بهبود شرایط اقتصادی آن‌هاست. وقتی ارتباط معناداری میان ابتدا و انتهای زنجیره وجود داشته باشد، بسیاری از رانت‌ها، تخلف‌ها و تصمیم‌های نادرست قابل پیشگیری است.»

واگذاری اختیار باید با پاسخگویی همراه باشد

رستگار درباره نقش اصناف در نظارت بر بازار و تأثیر آن بر کنترل نوسان قیمت‌ها گفت: «یکی از تکالیفی که قانون برای اتاق اصناف و اتحادیه‌ها تعیین کرده، نظارت بر بازار است. اتحادیه‌ها و اتاق‌های اصناف بر اساس قانون باید بر بازار نظارت کنند، اما ابزار نظارت نیز باید در اختیار آنان قرار گیرد.»

> رئیس اتاق اصناف تهران: هر جا قرار است درباره بازار تصمیم‌گیری شود، باید این اختیارات به بازار سپرده شود. تنظیم بازار باید در اتاق اصناف انجام شود

وی افزود: «نظارت بر بازار هزینه‌هایی دارد و این هزینه‌ها باید طبق روال قانونی تأمین شود، اما متأسفانه این موضوع اکنون پراکنده است. تصمیماتی که در ارگان‌های مختلف گرفته می‌شود هر کدام ترکیب و ساختار جداگانه‌ای دارد. این امور باید در چارچوب قانون بازار و کسب‌وکار به صورت متمرکز پیگیری شود.» رئیس اتاق اصناف تهران تأکید کرد: «اتحادیه صنفی باید اختیار داشته باشد تا بتواند وظایف نظارتی خود را پیگیری کند. اتحادیه‌های صنفی باید تقویت شوند.»

وی گفت: «گاهی گروه‌هایی تحت عنوان انجمن یا تشکل‌های مشابه فعالیت می‌کنند، در حالی که ما قانون نظام صنفی داریم. اصناف ما قدمتی دست‌کم یک‌قرنی دارند و در تمام موضوعات اجتماعی حضور فعال و جدی داشته‌اند و همواره کمک کشور و مردم بوده‌اند. سؤال این است که چرا از این ظرفیت موجود استفاده نمی‌شود؟ اینها نکاتی است که باید به آن توجه شود. اگر قرار است بازار سامان بگیرد و نظارت مؤثر باشد، باید ظرفیت قانونی و اجتماعی اصناف به رسمیت شناخته شده و به اتحادیه‌ها اختیار لازم داده شود.»

عدالت مالیاتی و حمایت از مشاغل آسیب دیده

رئیس اتاق اصناف تهران در بخش دیگری از سخنان خود، درباره عدالت مالیاتی و فشار مالیاتی بر اصناف، به‌ویژه در شرایط جنگی، گفت: «مالیات یک تکلیف قانونی است و همه باید آن را انجام دهند. هر شخص ایرانی که در کشور درآمدی دارد، چه دولتی باشد، چه غیردولتی، چه آزاد و چه در هر جایگاه دیگر، باید مالیات بپردازد و در اصل موضوع پرداخت مالیات بحثی وجود ندارد.»

وی افزود: «اما باید پذیرفت که برخی شغل‌ها در جنگ آسیب دیده‌اند و برخی مشاغل نیز در حوادثی که از سال گذشته و سال قبل در کشور رخ داده، متضرر شده‌اند.

این افراد به عنوان شهروند، حقوقی دارند و باید مورد توجه قرار گیرند. بر اساس قانون اساسی و قانون مالیاتی، سازمان امور مالیاتی اختیار دارد تمهیدات و تسهیلاتی در امور مالیاتی در نظر بگیرد.»

رستگار گفت: «چه اشکالی دارد برای بخشی از جامعه که بزرگ‌ترین بخش جامعه هستند، کارآفرینی می‌کنند، اشتغال‌زا هستند، امنیت‌آفرین‌اند و موجب پویایی جامعه می‌شوند، حمایت مالیاتی در نظر گرفته شود؟ کشور باید برای حفظ این بخش هزینه کند تا این مشاغل از بین نروند و دچار حاشیه‌ها و مشکلاتی نشوند که در نهایت به ضرر جامعه است.»

انتقاد از رسیدگی‌های مالیاتی سال‌های گذشته

وی ادامه داد: «باید تمام تلاش خود را برای حفظ مشاغل به کار بگیریم؛ به‌ویژه مشاغلی که مستقیم یا غیرمستقیم آسیب دیده‌اند. ممکن است یک واحد صنفی بر اثر رخدادهای مرتبط با جنگ تحمیلی تخریب شده باشد، اما برخی واحدهای صنفی نیز تخریب فیزیکی نشده‌اند، با این حال تعطیل شده‌اند یا فعالیت آنها متوقف شده است. برای اینکه این واحدها بتوانند ادامه فعالیت دهند، باید از آنها حمایت شود.»

رئیس اتاق اصناف تهران گفت: «حداقل حمایت این است که مالیات این واحدها کاهش یابد یا برای آنها بخشودگی مالیاتی در نظر گرفته شود. اگر واحدی در سال جاری شش یا سه ماه کار نکرده، سازمان امور مالیاتی می‌تواند آن مدت را از مالیات او معاف کند. این نوعی تشویق و حمایت است و مردم نیز متوجه می‌شوند که دولت شرایط آنها را درک کرده و به آن توجه دارد.»

رستگار تأکید کرد: «باید میان کسب‌وکارها و سازمان‌های دولتی درک متقابل وجود داشته باشد. در کنار این مسأله، برخی مجموعه‌ها ممکن است برای برخی واحدهای صنفی مشکلاتی را به وجود بیاورند که همه این موضوعات باید با اتاق اصناف و اتحادیه صنفی مربوطه در میان گذاشته شود تا مشکلات از طریق قانونی حل و فصل شود.»

وی گفت: «بسیاری از ارگان‌ها و سازمان‌های کشور دلسوز هستند و برای جلوگیری از تخلف تلاش می‌کنند، اما اگر هماهنگی با اتحادیه مربوطه و اتاق اصناف وجود داشته باشد، تصمیم‌ها دقیق‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود. همه ما در این کشور تکلیف داریم؛ هم باید از خدمتگزاران کشور در دولت تشکر کنیم و هم باید مراقب باشیم تصمیمی نگیریم که مردم و فعالان صنفی و اقتصادی آسیب ببینند.»

رئیس اتاق اصناف تهران افزود: «مجموعه مطالبی که مطرح شد، مطالبات و پیشنهادهایی است که اتاق اصناف پیگیری می‌کند. معاون اول رئیس جمهور نیز این موارد را شنیدند و بخش‌هایی از آن را تأیید کردند. البته دولت نیز از اصناف انتظار دارد و این انتظار بجاست. موضوعاتی مانند گرانفروشی، کم‌فروشی، احتکار و تخلفاتی که باعث سوءاستفاده و نارضایتی مردم می‌شود، باید با جدیت پیگیری شود.»

وی گفت: «اصناف در این مسیر حرکت خواهند کرد و تمام‌قد در کنار مردم عزیز و دولت قرار دارند تا بتوانند به مردم خدمت کنند.»

مزایده عمومی شماره ۱۴۰۵/۰۳

فروش املاک مازاد بانک صادرات هرمزگان با شرایط استثنایی

بانک صادرات ایران

بانک صادرات ایران مدیریت شعب استان هرمزگان درنظردارد املاک مازاد خودرا با مشخصات ذیل از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. لذا متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۱۴ روز، همه روزه از ساعت ۸ الی ۱۳ به‌جز ایام تعطیل جهت کسب اطلاعات بیشتر ومطالعه مدارک و بازدید از املاک و دریافت اسناد مزایده وتسلیم پیشنهادات به نشانی: بندرعباس، بلوار امام خمینی (ره)، گلشهر جنوبی، چهارراه رسالت، ساختمان ادارات مرکزی بانک صادرات هرمزگان، طبقه اول، دایره تدارکات وساختمان مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۶۳۳۶۷۰۳۷۰ تماس حاصل نمایند و پاکت‌های حاوی پیشنهادات خرید را تا قبل از ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ به دایره دبیرخانه تحویل و رسید اخذ نمایند.

تاریخ بازگشایی پاکت‌ها رأس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷ درمحل دفتر مدیریت طبقه چهارم اداره مرکزی می‌باشد. ضمنا کلیه هزینه‌ها اعم از مالیات، عوارض شهرداری (نوسازی) ، هزینه پایان کار، هزینه ارزیابی ، آگهی برگزاری مزایده ، هزینه مالیات نقل و انتقال ، هزینه‌های حق الثبت و حق التحریر و استعلامات و شارژ ساختمان و غیره، هزینه‌ها در دفتر خانه اسناد رسمی و هزینه اخذ استعلامات مربوطه، هرنوع هزینه مرتبط با ملک یا زمین چه از قبل و چه بعد از مزایده به‌عهده برنده مزایده می‌باشد.

درصورتیکه ملک یا زمین مورد نظر در منطقه آزاد باشد هر نوع هزینه و عوارض نیز برعهده برنده مزایده مذکور می‌باشد، بانک در این خصوص تعهدی نخواهد داشت و برنده هرگونه ادعا در این خصوص را از خود سلب و اسقاط می‌نماید و حق مراجعه به بانک را ندارد.

حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده آنها با معرفی‌نامه درجلسه بازگشایی پاکت‌ها اختیاری است .

توضیحات و شرایط

۱) مبلغ سپرده شرکت در مزایده می‌بایست به‌حساب شماره ۰۱۰۴۲۴۱۵۳۲۰۰۸ (شماره شبا IR۴۱۰۱۹۰۰۰۰۰۰۰۱۰۴۲۴۱۵۳۲۰۰۸) شناسه واریز ۳۵۲۲۷۵ به‌نام دایره تدارکات و ساختمان بانک صادرات هرمزگان واریز شود و یا چک بانکی تضمین شده بانک صادرات ایران و یا ضمانت‌نامه بانکی غیر از بانک صادرات ایران بی‌قید و شرط که مدت اعتبار آن ۳ ماه و قابل تمدید باشد اخذ و ارائه گردد. ضمناً جهت خرید پاکات مزایده و اسناد و اوراق مزایده ارائه فیش واریزی به مبلغ ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌حساب شماره ۰۱۰۴۲۴۱۵۳۲۰۰۸ به شناسه واریز ۳۵۲۲۷۵ الزامی است.

۲) بازدید از املاک و مطالعه مدارک و سوابق مربوط قبل از شرکت در مزایده ضروری می‌باشد درصورت عدم بازدید مسؤولیت به‌عهده پیشنهاد دهنده می‌باشد.

۳) کلیه املاک عرضه شده با وضعیت موجود به‌فروش می‌رسد.

۴) بانک در رد و یا قبول هریک از پیشنهادها یا ابطال مزایده مختار است

۵) در شرایط مساوی بودن قیمت پیشنهادی، اولویت با فروش نقدی است یا حصه نقدی بالاتر

۶) درصورت انصراف یا امتناع برنده از پرداخت ثمن در موعد مقرر و انعقاد قرارداد، تضمین شرکت در مزایده وی ضبط می‌گردد.

۷) املاکی که دارای متصرف می‌باشد تخلیه ملک و طرح اقامه دعوی در مراجع قضایی به‌عهده خریدار می‌باشد و بانک هیچ گونه تعهدی در هیچ زمینه‌ای ندارد.

۸) درصورت فروش نقد و اقساط به باقیمانده قیمت مورد معامله برابر نرخ مصوب بانک به‌شرح ذیل:

۱)تجاری ۲۳٪ ۲)مسکونی ۲۳٪ ۳)صنعتی ۲۳٪ سود تعلق خواهد گرفت.

کلیه املاک عرضه شده با هریک از شرایط ذیل به‌فروش می‌رسد.

ردیف	میزان پرداخت نقدی	شرایط بازپرداخت الباقی مانده به‌صورت اقساط
۱	٪۱۰۰	------
۲	٪۷۰	٪۳۰ الباقی به‌صورت اقساط از ۳۶ ماهه تا حداکثر ۶۰ ماه با سود مصوب بانکی
۳	٪۶۰	٪۴۰ الباقی به‌صورت اقساط از ۳۶ ماهه تا حداکثر ۶۰ ماه با سود مصوب بانکی
۴	٪۵۰	٪۵۰ الباقی به‌صورت اقساط از ۳۶ ماهه تا حداکثر ۶۰ ماه با سود مصوب بانکی
۵	٪۴۰	٪۶۰ الباقی به‌صورت اقساط از ۳۶ ماهه تا حداکثر ۶۰ ماه با سود مصوب بانکی
۶	٪۳۰	٪۷۰ الباقی به‌صورت اقساط از ۳۶ ماهه تا حداکثر ۶۰ ماه با سود مصوب بانکی
۷	٪۲۰	٪۸۰ الباقی به‌صورت اقساط از ۳۶ ماهه تا حداکثر ۶۰ ماه با سود مصوب بانکی
۸	٪۱۰	٪۹۰ الباقی به‌صورت اقساط از ۳۶ ماهه تا حداکثر ۶۰ ماه با سود مصوب بانکی
۹	اولویت با پرداخت نقدی ردیف ۱	
۱۰	درصورت فروش نقد و اقساط با پیشنهاد قیمت مساوی اولویت با حصه نقدی بالاتر می‌باشد.	
۱۱	درصورت فروش نقد و اقساط با پیشنهاد قیمت و حصه نقدی مساوی اولویت با پیشنهاد بازپرداخت اقساط در مدت زمان کمتر می‌باشد.	

ردیف	شناسه ملک	استان/ منطقه	عنوان ملک	آدرس ملک	پلاک و شماره ثبتی	نوع ملک (ساختمان/ آپارتمان و...)	نوع مالکیت	کاربری	وضعیت تصرف	عرصه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	مبلغ پایه در مزایده	میزان سپرده تودیعی جهت شرکت در مزایده	نوع عقد	شرایط واگذاری (با درج میزان نقد و اقساط)	توضیحات کامل ملک جهت درج در آگهی مزایده
۱	۹۷۶۹	هرمزگان	واحد تجاری- اداری	استان هرمزگان جزیره قشم - بلوار ولی عصر	۱۹۳۹-۲۷۰۳۶	واحد تجاری- اداری	تملیکی	اداری	دارد	*	*	۲،۳۲۰،۸۴۲،۵۶۰،۰۰۰	۱۱۶،۴۴۸،۰۵۳،۲۶۱	اجاره به شرط تملیک	۱۰ درصد نقد الباقی حداکثر تا اقساط ۶۰ ماهه	با وضع موجود، بازدید اجباری می‌باشد. ملک مشاعی است.
۲	۱۱۳۲۵	هرمزگان	واحد تجاری	بندرعباس خیابان دانشگاه - مجتمع علاالدین	۶۴۶۵۰	واحد تجاری	تملیکی	تجاری	ندارد	همکف ۱۳۱/۷۳ نیم‌طبقه فوقانی ۱۶۹/۱۳	همکف ۱۳۱/۷۳ نیم‌طبقه فوقانی ۱۶۹/۱۳	۵۳۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۲۶،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰	اجاره به شرط تملیک	۳۰ درصد نقد الباقی حداکثر تا اقساط ۴۸ ماهه	با وضع موجود، بازدید اجباری می‌باشد.
۳	۱۱۳۲۶	هرمزگان	زمین	مازندران -فریدون کنار	۲۴۱۷	زمین	تملیکی	زمین	ندارد	۲۲۳۴		۵۲،۰۷۸،۷۲۸،۰۰۰	۲،۶۰۳،۹۳۶،۴۰۰	اجاره به شرط تملیک	۱۰ درصد نقد الباقی حداکثر تا اقساط ۶۰ ماهه	با وضع موجود، بازدید اجباری می‌باشد. ملک مشاعی است.
۴	۷۱۵۵	هرمزگان	واحد صنعتی پارسیان	استان هرمزگان شهرستان پارسیان- شهرک صنعتی پارسیان	۷۷۴۷	واحد صنعتی	تملیکی	صنعتی	ندارد	۵۱۰۱/۹۹	۵۱۰۱/۹۹	۱۹۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۹،۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰	اجاره به شرط تملیک	۲۰ درصد نقد الباقی حداکثرتا اقساط ۶۰ ماهه	با وضع موجود، بازدید اجباری می‌باشد.
۵	۶۶۵۲	هرمزگان	واحد تجاری - اداری	استان هرمزگان جزیره کیش میرمهنا بلوار سفین	۵۶۲۱	واحد تجاری	ملکی	تجاری - اداری	ندارد	۱۱۳/۳۶	۱۱۳/۳۶	۱۴۹،۶۳۵،۲۰۰،۰۰۰	۷،۴۸۱،۷۶۰،۰۰۰	اجاره به شرط تملیک	۲۰ درصد نقد الباقی حداکثرتا اقساط ۶۰ ماهه	با وضع موجود، بازدید از ملک اجباری است.
۶	۱۱۳۸۲	هرمزگان	واحد تجاری - اداری	بندرعباس خیابان دانشگاه - مجتمع علاالدین	۶۴۶۵۷	واحد تجاری	تملیکی	تجاری - اداری	ندارد	همکف ۳۵/۵۲ نیم‌طبقه ۳۴/۵۲	همکف ۳۵/۵۲ نیم‌طبقه ۳۴/۵۲	۱۳۱،۹۵۰،۰۰۰،۰۰۰	۶،۵۹۷،۵۰۰،۰۰۰	اجاره به شرط تملیک	۳۰ درصد نقد الباقی حداکثرتا اقساط ۴۸ ماهه	با وضع موجود، بازدید از ملک اجباری است.
۷	۱۰۷۰۳	هرمزگان	واحد تجاری - اداری	بندرعباس چهارراه پردیس - ساختمان پردیسان طبقه ۳	۹۷۵	واحد تجاری	تملیکی	تجاری	ندارد	۲۶۷/۹۷	۲۶۷/۹۷	۲۵۳،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۲،۶۵۰،۰۰۰،۰۰۰	اجاره به شرط تملیک	۴۰ درصد نقد الباقی حداکثرتا اقساط ۴۸ ماهه	با وضع موجود، بازدید از ملک اجباری است.

چرا مصرف بنزین با وجود تغییرات قیمتی همچنان رو به افزایش است؟

بنزین؛ روایتی از یک ناترازی چندلایه

گزارش

ایران در فاصله‌ای کوتاه از صادرکننده بنزین به واردکننده این فرآورده راهبردی تبدیل شد؛ تغییری که نمی‌توان آن را فقط با افزایش تعداد خودروها یا مصرف بالای ناوگان داخلی توضیح داد. رشد جمعیت و شهرنشینی، افزایش تقاضای سفر، ضعف حمل‌ونقل عمومی، قیمت‌گذاری یارانه‌ای، توزیع نابرابر یارانه سوخت، قاچاق و فاصله میان ظرفیت تولید و مصرف، مجموعه عواملی هستند که تراز بنزین کشور را تحت فشار قرار داده‌اند. خودروهای پرمصرف یکی از اضلاع این مسأله‌اند، اما ناترازی بنزین پیش از آنکه فقط مسأله‌ای فنی یا خودرویی باشد، حاصل شکاف میان سیاست‌گذاری، الگوی مصرف و ظرفیت‌های تولیدی کشور است.

از صادرات تا واردات بنزین

ایران در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، با بهره‌برداری از پالایشگاه ستاره خلیج فارس، توانست نیاز داخلی به بنزین را تأمین کند و از شهریور ۱۳۹۹ نیز با ایجاد مازاد تولید، صادرات این فرآورده را آغاز کرد. بر اساس آمار گمرک، ایران در ۱۲ ماهه سال ۱۳۹۹، با وجود تحریم‌ها، بیش از ۷.۸ میلیون تن بنزین صادر کرده است. این روند اما پایدار نماند. افزایش مستمر مصرف، رشد تعداد خودروها و موتورسیکلت‌ها، توسعه سفرهای شهری و افزایش تقاضا برای جابه‌جایی، به‌تدریج فاصله میان تولید و مصرف را کاهش داد. در نتیجه، کشوری که برای مدتی در جایگاه صادرکننده بنزین قرار گرفته بود، بار دیگر برای تأمین نیاز داخلی به واردات این فرآورده نیاز پیدا کرد.

مصرف روزانه بنزین که در سال ۱۳۸۰ حدود ۴۸ میلیون لیتر بود، در نیمه اول سال ۱۴۰۴ به ۱۳۲.۳ میلیون لیتر رسید؛ رقمی که بالاترین سطح ثبت‌شده تاکنون عنوان شده است. برخی کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند مصرف روزانه بنزین در سال ۱۴۰۵ به حدود ۱۳۷ میلیون لیتر برسد.

یارانه‌ای که بر اساس مصرف توزیع می‌شود

بخش مهمی از مسأله ناترازی بنزین به شیوه توزیع یارانه مربوط است. در ساختار فعلی، یارانه سوخت عمدتاً بر اساس میزان مصرف توزیع می‌شود، نه بر مبنای نیاز خانوارها. به این ترتیب، افرادی که چند خودرو در اختیار دارند یا بیشتر از خودروی شخصی استفاده می‌کنند، عملاً سهم بیشتری از یارانه عمومی دریافت می‌کنند. در مقابل، خانوارهای فاقد خودرو یا افرادی که به دلیل هزینه‌های سوخت، فاصله محل سکونت و کار یا دسترسی به حمل‌ونقل عمومی کمتر از خودروی شخصی استفاده می‌کنند، از بخش قابل توجهی از این یارانه بهره‌مند نمی‌شوند. بنابراین، یارانه بنزین برخلاف ظاهر عمومی خود، الزاماً به شکل برابر میان شهروندان توزیع نمی‌شود.

بر اساس اطلاعات پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، حدود ۲۴ میلیون دستگاه خودرو در کشور وجود دارد، در حالی که از مجموع حدود ۲۷ میلیون خانوار، نزدیک به ۱۳.۵ میلیون خانوار فاقد خودروی شخصی هستند. این آمار نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی از خانوارها مستقیماً از یارانه بنزین استفاده نمی‌کنند، اما هزینه‌های ناشی از واردات، تولید، آلودگی و ترافیک را به شکل‌های مختلف تحمل می‌کنند. در همین راستا، طرح اتصال کارت سوخت به کارت بانکی که از قانون بودجه سال ۱۴۰۴ در دستورکار قرار گرفت، در قانون بودجه امسال نیز تمدید شد. هدف اعلام‌شده از این طرح، شفاف‌سازی شبکه توزیع، تسهیل دسترسی به سهمیه و مدیریت هوشمند انرژی است. با این حال، موفقیت چنین طرحی به نحوه اجرا، شفافیت داده‌ها، جلوگیری از شکل‌گیری رانت و مشخص‌بودن شیوه حمایت از خانوارهای فاقد خودرو بستگی دارد.

مصرف بنزین فقط به خودرو مربوط نیست

در بسیاری از شهرها، شهروندان برای دسترسی به محل کار، مراکز آموزشی، درمانی و خدماتی، ناچارند مسافت‌های طولانی‌تری را طی کنند. وقتی شبکه حمل‌ونقل عمومی نتواند این نیاز را پوشش دهد، خودروی شخصی به ابزار اصلی جابه‌جایی تبدیل می‌شود؛ حتی اگر قیمت سوخت افزایش پیدا کند.

در تهران حدود ۷۴ درصد جابه‌جایی‌ها با خودروی شخصی انجام می‌شود. این رقم نشان می‌دهد مسأله فقط میزان مصرف هر خودرو نیست، بلکه تعداد سفرها و سهم بالای خودروی شخصی در جابه‌جایی‌های روزانه نیز اهمیت دارد. توسعه مترو و اتوبوس، افزایش پوشش مسیرها، کاهش زمان انتظار، نوسازی ناوگان و بهبود کیفیت خدمات، می‌تواند بدون اعمال فشار مستقیم بر خانوارها، بخشی از تقاضای بنزین را کاهش دهد.

ردپای قیمت و قاچاق سوخت

قیمت پایین بنزین در ایران نسبت به کشورهای همسایه، یکی از عوامل افزایش مصرف و قاچاق سوخت است. اختلاف قیمت، انگیزه اقتصادی قدرتمندی ایجاد می‌کند؛ بویژه در مناطق مرزی که انتقال سوخت می‌تواند برای شبکه‌های غیررسمی سودآور باشد. قیمت پایین همچنین بر رفتار مصرف‌کنندگان اثر می‌گذارد. وقتی هزینه استفاده از خودروی شخصی در مقایسه با هزینه‌های دیگر زندگی پایین باشد، انگیزه برای استفاده بیشتر از خودرو، انجام سفرهای غیرضروری و انتخاب مسیرهای طولانی‌تر افزایش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، مصرف‌کننده هزینه واقعی تأمین سوخت را احساس نمی‌کند و بخش اصلی آن از طریق منابع عمومی پرداخت می‌شود.

با این حال، اصلاح قیمت بنزین موضوعی پیچیده است. افزایش ناگهانی قیمت می‌تواند بر هزینه حمل‌ونقل، قیمت کالاها، تورم و معیشت خانوارها اثر بگذارد. از سوی دیگر، ثابت نگه‌داشتن قیمت نیز به تداوم مصرف بالا، قاچاق و فشار بر بودجه عمومی منجر می‌شود. به همین دلیل، اصلاح قیمت باید تدریجی، شفاف و همراه با سیاست‌های جبرانی باشد و درآمد حاصل از آن نیز به‌طور مشخص در توسعه حمل‌ونقل عمومی و حمایت از خانوارهای کم‌مصرف یا فاقد خودرو هزینه شود.

خودروهای پرمصرف؛ یکی از عوامل ناترازی

در کنار عوامل اقتصادی و سیاستی، فناوری خودروها نیز در افزایش مصرف بنزین نقش دارد. مدیرعامل شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران، مصرف سوخت خودروهای داخلی را حدود ۸ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر اعلام کرده و فاصله فناوری خودروهای داخلی با استانداردهای روز را یکی از عوامل مصرف بالا دانسته است. حسن مرادی، کارشناس انرژی و استاد حقوق انرژی دانشگاه تهران، افزایش جمعیت، ورود خودروهای بیشتر به ناوگان، توسعه جاده‌ها و افزایش جابه‌جایی‌ها را از عوامل رشد تقاضای بنزین می‌داند. به اعتقاد او، جوان‌بودن جمعیت و تداوم تولید خودرو نیز به این روند دامن زده است. او در عین حال، فناوری خودروها را یکی دیگر از عوامل مؤثر بر مصرف سوخت می‌داند و معتقد است، در صنعت خودروی کشور توجه کافی به کاهش مصرف سوخت وجود نداشته است. از نگاه مرادی، توسعه خودروهای برقی، خودروهای دوگانه‌سوز و گازسوز و جایگزینی خودروهای کم‌مصرف می‌تواند بخشی از مسیر مدیریت مصرف را هموار کند.

سهمیه؛ راهکار ضروری یا راه‌حل ناکافی؟

مرادی درباره اثر قیمت بنزین بر رفتار مصرف‌کنندگان معتقد است: «حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد شهروندان نیاز خود را با دو سهمیه اول پوشش می‌دهند و در نتیجه، بخش بزرگی از مصرف‌کنندگان عملاً با نرخ پنج‌هزار تومانی مواجه نمی‌شوند.» او می‌گوید: ««قیمت بنزین را باید در مقایسه با سایر کالاها سنجید. اگر روند قیمت زمین، مسکن و طلا از سال ۱۳۸۵ تاکنون بررسی شود، افزایش قیمت بنزین در مقایسه با بسیاری از کالاها رشد متعادلی داشته است.» مرادی اصلاح سهمیه‌ها را یکی از ابزارهای مدیریت مصرف می‌داند، اما تأکید می‌کند که این سیاست به‌تنهایی نمی‌تواند ناترازی را برطرف کند. به گفته او، دولت باید با کاهش میزان سهمیه‌ها، بخشی از هزینه‌های تأمین بنزین را جبران کند؛ زیرا هزینه تولید، پالایش، انتقال، حمل‌ونقل، توزیع و تأمین بنزین وارداتی، از مبلغی که از مصرف‌کننده دریافت می‌شود بیشتر است. او توضیح می‌دهد: «امروز هزینه تأمین بنزین، شامل هزینه‌های تولید، پالایش، انتقال، حمل‌ونقل و توزیع و همچنین هزینه تأمین بنزین وارداتی، از مبلغی که از مصرف‌کننده دریافت می‌شود بیشتر است و عملاً درآمد قابل‌توجهی از محل فروش بنزین برای دولت باقی نمی‌ماند. مبلغ دریافت‌شده از مصرف‌کنندگان عمدتاً صرف پوشش بخشی از هزینه‌های زنجیره تأمین و توزیع بنزین می‌شود. بنابراین، چه بخواهیم و چه نخواهیم، دولت باید در این زمینه تجدیدنظر کند.» به اعتقاد این کارشناس، بازنگری در سهمیه‌ها باید با تغییر ترکیب ناوگان، توسعه حمل‌ونقل عمومی و فراهم‌کردن امکان استفاده از خودروهای برقی و کم‌مصرف همراه باشد. در غیر این صورت، کاهش سهمیه برای بخشی از مردم فقط به افزایش هزینه‌های رفت‌وآمد منجر می‌شود، بدون آنکه امکان واقعی برای تغییر شیوه جابه‌جایی وجود داشته باشد.

> امروز هزینه تأمین بنزین شامل هزینه‌های تولید، پالایش، انتقال، حمل‌ونقل و توزیع و همچنین هزینه تأمین بنزین وارداتی، از مبلغی که از مصرف‌کننده دریافت می‌شود بیشتر است و عملاً درآمد قابل‌توجهی از محل فروش بنزین برای دولت باقی نمی‌ماند. مبلغ دریافت‌شده از مصرف‌کنندگان عمدتاً صرف پوشش بخشی از هزینه‌های زنجیره تأمین و توزیع بنزین می‌شود

موانع توسعه خودروهای برقی و کم‌مصرف

مرادی معتقد است، دولت تاکنون اهتمام کافی برای توسعه خودروهای برقی و کم‌مصرف نداشته و خودروسازان نیز به دلیل نبود صرفه اقتصادی، انگیزه لازم برای حرکت به سمت این محصولات را پیدا نکرده‌اند. او تعرفه‌های بالای واردات را نیز یکی از موانع توسعه خودروهای برقی می‌داند و معتقد است، سیاست‌های فعلی، انگیزه بخش خصوصی برای ورود به این حوزه را کاهش داده است.

وی در این‌باره می‌گوید: «وقتی گفته می‌شود برای واردات خودرو باید تقریباً به اندازه قیمت خود خودرو عوارض و حقوق گمرکی پرداخت شود، طبیعی است که کسی به سمت واردات خودروهای برقی نرود. اگر امکان تولید خودروهای کم‌مصرف در داخل وجود ندارد، باید تعرفه واردات کاهش پیدا کند تا مردم و بخش خصوصی به واردات خودروهای برقی و کم‌مصرف تشویق شوند.»

راه‌حل چندلایه برای یک مسأله چندلایه

در کوتاه‌مدت، استفاده بیشتر از مترو و اتوبوس، کاهش سفرهای غیرضروری، مدیریت ترافیک، بهبود عملکرد تاکسیرانی و انتخاب مقاصد نزدیک‌تر می‌تواند به کاهش فشار بر تراز سوخت کمک کند. در میان‌مدت، اصلاح نظام سهمیه‌بندی، مقابله با قاچاق، شفاف‌سازی یارانه‌ها و توسعه حمل‌ونقل عمومی ضروری است. در بلندمدت نیز اصلاح صنعت خودرو، تولید خودروهای کم‌مصرف و فراهم‌کردن امکان واردات خودروهای باکیفیت و برقی باید دنبال شود. مرادی، عملکرد مدیریت تاکسیرانی در سال‌های گذشته را نیازمند اصلاح می‌داند و معتقد است، پایین‌بودن نرخ کرایه‌ها و نبود تعادل در این نظام، استفاده از خودروی شخصی را برای بسیاری از شهروندان به گزینه مطلوب‌تری تبدیل کرده است. او در عین حال تأکید دارد که کاهش سهمیه نباید تنها ابزار مدیریت مصرف باشد. به اعتقاد این کارشناس، تولید خودروهای کم‌مصرف در داخل یا فراهم‌کردن امکان واردات خودروهای باکیفیت و کم‌مصرف، از مهم‌ترین راهکارهای بلندمدت برای کاهش مصرف بنزین است؛ اما این سیاست باید در کنار اصلاح قیمت‌گذاری، توسعه حمل‌ونقل عمومی، کنترل قاچاق و بازنگری در شیوه توزیع یارانه اجرا شود. ناترازی بنزین، نتیجه یک تصمیم یا یک رفتار منفرد نیست. این ناترازی از سال‌ها رشد مصرف بدون اصلاح زیرساخت‌ها، تولید خودرو بدون توجه کافی به بهره‌وری، توسعه شهری بدون حمل‌ونقل عمومی متناسب، قیمت‌گذاری ناکارآمد و توزیع نابرابر یارانه شکل گرفته است. به همین دلیل، راه‌حل آن نیز نمی‌تواند فقط افزایش تولید یا کاهش سهمیه باشد. مدیریت پایدار مصرف بنزین زمانی ممکن است که سیاست انرژی، سیاست حمل‌ونقل، سیاست شهری و سیاست صنعتی در یک مسیر مشترک قرار گیرند.

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی:

استفاده از پرداخت‌های غیرنقدی با هدف اختفای درآمد جرم است

خبر

محبوبه خال

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی سازمان امور مالیاتی با اشاره به تبلیغات واهی برخی سودجویان درخصوص امکان کتمان درآمد با استفاده از دستگاه‌های پرداخت غیرنقدی از کسب و کارها و مردم خواست نسبت به پیامدهای قانونی هر فعالیتی که با هدف اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد صورت می‌گیرد، هوشیار باشند.

سیدمحمدرضا احمدی، رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی با اشاره به اینکه اخیرا برخی سودجویان در صدد القای این شبهه هستند که کسب و کارها با استفاده از دستگاه‌های پرداخت غیرنقدی معروف به (Cashless) می‌توانند نسبت به کتمان درآمد خود اقدام کنند، گفت: براساس مقررات قانونی هرگونه تلاش برای کتمان درآمد از طریق جابه‌جایی وجوه در حساب‌های شخصی یا استفاده از ابزارهای پرداخت غیرمتعارف، نه تنها مانع از تشخیص مالیات متعلقه نخواهد بود، بلکه موجب تعلق جرایم سنگین غیرقابل بخشش و در برخی موارد خاص، مشمول مجازات‌های ناظر بر فرار مالیاتی نیز خواهد شد.

احمدی با اشاره به تبلیغات نادرست صورت گرفته که با هدف افزایش فروش این دستگاه‌ها صورت می‌گیرد، گفت: ادعای تبلیغ‌کنندگان مبنی بر عدم دسترسی سازمان امور مالیاتی کشور به اطلاعات هویتی، مکانی، مالی و یا ریز تراکنش‌های صورت‌گرفته ازطریق این دستگاه‌ها کذب است و چنانچه مبالغی بابت فعالیت‌های تجاری به‌حساب‌های بانکی متفرقه و غیرتجاری واریز شود و در اظهارنامه مالیاتی ابراز نشود درآمد کتمان شده تلقی خواهد شد.

احمدی با رد تبلیغات نادرست سودجویان مبنی بر اینکه تراکنش‌های صورت‌گرفته ازطریق دستگاه‌های پرداخت غیرنقدی مشمول مالیات قرار نمی‌گیرد، تصریح کرد: برخلاف تبلیغات خلاف واقع صورت‌گرفته در فضای مجازی، این دستگاه‌ها قادر به پنهان‌سازی تراکنش‌های صورت پذیرفته از طریق آنها نیستند. چرا که آنها مستقیما به شبکه شتاب و شاپرک متصل بوده و هر تراکنشی که ازطریق آنها انجام می‌شود همانند تراکنش‌های صورت‌پذیرفته در سایر روش‌های بانکی (همچون کارت به کارت یا انتقال وجه)، حاوی اطلاعات مرتبط با کد پیگیری، شماره کارت مبدأ و مقصد و کد ملی مالکِ پذیرنده است. لذا سازمان امور مالیاتی از طریق دسترسی به داده‌های بانک مرکزی، از میزان واریزی‌ها به‌حساب یک شخص از هر طریق و ابزاری همچون عابربانک، پرداخت غیرنقدی و... مطلع است.

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی همچنین با تشریح اینکه سازمان امور مالیاتی اساسا به جای تمرکز بر «ابزار پرداخت»، بر «حساب بانکی» و رفتارهای مالی حاکم بر این حساب‌ها تمرکز دارد، تشریح کرد: براساس قانون مالیات‌های مستقیم، مالیات به درآمد تعلق می‌گیرد، نه صرفا به تراکنشی که از دستگاه کارتخوان (POS) عبور می‌کند. فرقی نمی‌کند پول از طریق کارتخوان، پرداخت غیرنقدی، کارت به کارت، چک یا حتی نقد دریافت شود؛ اگر آن واریزی ماهیت درآمدی داشته باشد، مشمول مالیات است.

وی با اشاره به اینکه طبق مصوبات بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی، رفتار تمام حساب‌های بانکی اعم از تجاری و غیرتجاری به‌صورت مستمر رصد می‌شود، گفت: درصورت مشاهده هرگونه رفتار غیرعادی و یا مشکوک در یک حساب، آن حساب بانکی به‌عنوان حساب «مشکوک به فعالیت تجاری» شناسایی می‌شود. لذا قویا تأکید می‌شود فارغ از نوع ابزار مورداستفاده، رخداد هرگونه تراکنش مالی در حساب‌های بانکی غیرتجاری از طریق هرگونه ابزار مالی از جمله ابزارهای موسوم به پرداخت غیرنقدی، تحت‌رصد و پایش سازمان امور مالیاتی بوده و ابعاد درآمدی حاصل از این فعالیت‌ها به هیچ عنوان از دامنه رصد سازمان امور مالیاتی کشور قابل اختفا نخواهد بود.

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی ضمن تأکید بر مسوولیت همه نهادها و دستگاه‌ها در راستای افزایش شفافیت مالی و اقتصادی اظهار داشت: به نظر می‌رسد برخی خلأهای نظارتی زمینه‌ساز تبلیغات واهی و استفاده سودجویان از عرضه بی‌ضابطه دستگاه‌های پرداخت غیرنقدی به کسب و کارها شده است.

وی با تأکید بر اینکه برخی اقدام‌ها برای رفع این خلأها در سطوح مختلف حاکمیتی ضروری به نظر می‌رسد، گفت: رفع این خلأ مستلزم یک همکاری سه‌جانبه میان «بانک مرکزی» برای کنترل ابزار، «سازمان امور مالیاتی» برای کنترل درآمد و «قوه قضاییه/پلیس فتا» برای برخورد با بازاریابی غیرقانونی است.

احمدی با تشریح اقدامات سازمان برای مقابله با فرارهای مالیاتی صورت گرفته از طریق پرداخت غیرنقدی گفت: در سال‌های اخیر و به ویژه از سال ۱۴۰۲ به بعد، سازمان امور مالیاتی با همکاری بانک مرکزی، عملیات گسترده‌ای را برای شناسایی و جریمه فراریان مالیاتی که از دستگاه‌های پرداخت غیرنقدی و روش‌های کارت به کارت استفاده می‌کنند، آغاز کرده است.

در این مدت هزاران حساب بانکی مشکوک (و تراکنش‌های تفکیک‌شده) شناسایی شده است و با اعضای متخلف برخی صنوف در این زمینه برخورد شده است. در موارد زیادی نیز کسانی که درآمد مشمول مالیات خود را کتمان کرده‌اند، جریمه‌های سنگینی برای آنها اعمال شده است. مسدودسازی کد پذیرندگی دستگاه نیز از دیگر اقداماتی بوده است که در این دوره بسیاری از متخلفان با آن روبه‌رو شده‌اند.

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی سازمان همچنین با تأکید بر نقش ظرفیت‌های مردمی برای مبارزه با فرار مالیاتی، از مردم خواست هرگونه فعالیت غیرقانونی درخصوص اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد را از طریق مجاری ارتباطی سازمان امور مالیاتی کشور همچون مرکز ارتباط مردمی ۱۵۲۶ و یا سامانه سوت‌زنی گزارش کنند.

دستورالعمل تسعیر ارز در راستای تسهیل فضای کسب و کار تجار و بازرگانان ابلاغ شد:

تشریح نحوه تعیین نرخ ارز فعالان اقتصادی درخصوص واردات بدون انتقال ارز

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور با ابلاغ دستورالعمل تسعیر ارز به ادارات کل امور مالیاتی، نحوه تعیین نرخ ارز برای محاسبه درآمدها و هزینه‌های (بهای تمام شده) فعالان اقتصادی به‌منظور تعیین درآمد مشمول مالیات آنها را تشریح کرد. در این دستورالعمل تأکید شده است در مواردی که واردات بدون انتقال ارز صورت می‌گیرد، تعیین نرخ ارز مورداستفاده در محاسبه بهای تمام‌شده کالای وارداتی مستند به اسناد و مدارک مثبته خواهد بود و اگر چنین اسناد و مدارکی در دسترس نباشد نرخ فروش اسکناس صرافی ملی ایران استفاده خواهد شد.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور با ابلاغ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۱۴۰۵/۳۷ به ادارات کل امور مالیاتی کشور نحوه تعیین نرخ ارز را تشریح کرد. براساس این دستورالعمل، در مواردی که واردات بدون انتقال ارز صورت می‌گیرد، تعیین نرخ ارز مورد استفاده در محاسبه بهای تمام شده کالای وارداتی که برای حسابرسی مالیاتی ملاک عمل است، براساس نرخ ارز مستند به اسناد و مدارک مثبته خواهد بود. اما اگر چنین اسناد و مدارکی در دسترس نباشد، برای این بخش از رویدادها و معاملات ارزی از نرخ فروش اسکناس صرافی ملی ایران، استفاده خواهد شد.

در این دستورالعمل تأکید شده است در مواردی که واردات بدون انتقال ارز صورت گرفته است اگر متعاقبا تأمین ارز توسط مراجع ذیربط صورت پذیرد، ضروری است آثار مالیاتی آن در زمان رسیدگی مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس این دستورالعمل، با توجه به شرایط اقتصادی کشور و الزامات موجود، این امکان وجود دارد که بخشی از رویدادها و معاملات ارزی مشمول الزامات و تکالیف ارزی تعیین شده توسط مراجع ذیصلاح (از جمله بانک مرکزی) بوده و بابت مابقی آن تکلیفی پیش‌بینی نشده باشد؛ لذا بابت آن بخش که مشمول الزامات و تکالیف تعیین شده توسط مراجع ذیصلاح می‌باشد، نرخ ارز تعیین شده توسط مراجع مذکور در حسابرسی مالیاتی ملاک عمل قرار خواهد گرفت.

در این دستورالعمل همچنین درباره رفع تعهد ارزی از طریق واردات در مقابل صادرات مودی به موجب استانداردهای حسابداری مکلف به شناسایی آثار تسعیر ارز می‌باشد، درصورت عدم انجام تکلیف مذکور، ماموران مالیاتی ذیربط می‌بایست نسبت به محاسبه سود تسعیر ارز و اعمال مقررات مرتبط، اقدام نمایند. چنانچه برای سود تسعیر ارز معافیت/نرخ صفر مالیاتی پیش‌بینی شده باشد درصورت ابراز اقلام دارایی/بدهی ارزی مرتبط با سود تسعیر ارز در اظهارنامه، معافیت/نرخ صفر مالیاتی به سود مذکور حسب مورد تا میزان ابرازی یا تعیین شده توسط ماموران مالیاتی قابل اعمال خواهد بود.

استانداردهای حسابداری، مقرر شده است.

به موجب پاسخ استعلام به‌عمل آمده از سازمان حسابرسی به‌شماره ۱۴۰۱/۱۵۳۸۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۷، «با توجه به شرایط کنونی اقتصادی و وضع تحریم‌های بین‌المللی، هرگاه وصول مطالبات ارزی یا تسویه بدهی‌های ارزی با ابهام قابل ملاحظه مواجه باشد، تسعیر این‌گونه اقلام پولی ارزی و در نتیجه شناسایی سود و زیان تسعیر ارز از این بابت تا زمان رفع ابهام مربوط، به تعویق می‌افتد»؛ بنابراین چنانچه با بررسی اسناد و مدارک مربوطه شرایط مذکور محرز شود و مودی مطابق با مقرره فوق اقدام به شناسایی سود تسعیر ارز ننموده باشد، شناسایی سود تسعیر ارز از این بابت توسط ماموران مالیاتی و متعاقبا مطالبه مالیات از این حیث فاقد موضوعیت است.

در این دستورالعمل، اعمال معافیت و نرخ صفر مالیاتی نسبت به سود تسعیر ارز منوط به رعایت سایر مقررات از جمله مقررات موضوع تبصره (۱) ماده (۱۴۶) مکرر قانون مالیات‌های مستقیم است. در این خصوص همچنین تأکید شده است در مواردی که تأکید شده است اگر هیچ‌گونه اسناد و مدارک مثبته‌ای در این زمینه در دسترس نباشد، برای این بخش از رویدادها و معاملات ارزی نیز از نرخ ارز (خرید/ فروش حسب مورد) مرکز مبادله ارز و طلای ایران، استفاده خواهد شد.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور همچنین تصریح کرده است نرخ تسعیر ارز مرتبط با بازه زمانی قبل از راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلای ایران، مطابق با بخش‌نامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۷۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ تعیین خواهد شد.

در این دستورالعمل درخصوص پذیرش زیان حاصل از تسعیر ارز به‌عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی با استناد به بند (۲۴) ماده (۱۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم آمده است: زیان حاصل از تسعیر ارز براساس اصول متداول حسابداری مشروط بر اتخاذ یک روش یکنواخت طی سال‌های مختلف از طرف مؤدی به‌عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی شده است. بر این اساس، به‌منظور پذیرش زیان حاصل از تسعیر ارز، علاوه بر رعایت سایر مقررات مرتبط، مودی مکلف به شناسایی آثار تسعیر ارز در کلیه مواردی است که به موجب

بر اساس مصوبه مراجع ذی‌ربط صورت گرفت:

تمدید مهلت ارائه اظهارنامه اشخاص حقوقی و صاحبان مشاغل و فرم مالیات مقطوع تبصره ماده (۱۰۰) قانون مالیات‌های مستقیم و پرداخت مالیات متعلق تا پایان شهریورماه ۱۴۰۵

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور با ابلاغ بخش‌نامه‌ای به ادارات کل امور مالیاتی کشور از تمدید مهلت ارائه اظهارنامه اشخاص حقوقی، صاحبان مشاغل و فرم مالیات مقطوع تبصره ماده (۱۰۰) قانون مالیات‌های مستقیم و پرداخت مالیات متعلق تا پایان شهریورماه سال جاری خبر داد.

تمدید مواعد ارائه اظهارنامه با عنایت به شرایط حاکم بر کشور و در راستای تسهیل امور مؤدیان صورت گرفته است.

در بخش‌نامه رئیس کل سازمان امور مالیاتی که براساس مصوبه مراجع قانونی ذی‌ربط ابلاغ شده است، مواعد ارائه اظهارنامه اشخاص حقوقی و صاحبان مشاغل و فرم مالیات مقطوع تبصره ماده (۱۰۰) قانون مالیات‌های مستقیم به شرح زیر تمدید شده است:

مهلت ارائه اظهارنامه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و پرداخت مالیات متعلق که تاریخ انقضای آن در بازه زمانی ۱۴۰۵/۰۳/۰۱ تا ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ است تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱ تمدید می‌شود.

مهلت ارائه اظهارنامه مالیات بر درآمد مشاغل، فرم مالیات مقطوع تبصره ماده (۱۰۰) قانون مالیات‌های مستقیم و پرداخت مالیات متعلق بابت عملکرد سال ۱۴۰۴ تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱ تمدید می‌شود.

بررسی جامعه‌شناسی محبوبیت چهره‌های جدید مجازی

نسل جدید، بی سواد و سطحی نیست

گزارش

سمیه افشین‌فر
گروه گزارش

هزاران نوجوان برای دیدن یک اینفلوئنسر در یک گردهمایی (ایونت) صف می‌کشند، خیابان‌ها مملو از جمعیت می‌شود، فیلم‌ها در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود و بحثی داغ درباره چرایی این استقبال شکل می‌گیرد. چند سال قبل نیز میلیون‌ها نفر در مراسم تشییع یک خواننده حضوری کم‌سابقه رقم زدند؛ حضوری که بسیاری از تحلیلگران را شگفت‌زده کرد. در مقابل، کم نیستند نویسندگان، استادان دانشگاه، هنرمندان برجسته و اندیشمندانی که دهه‌ها برای فرهنگ و هنر این سرزمین زحمت کشیده‌اند، اما در سکوت و با حضور افرادی اندک بدرقه شده‌اند. آیا جامعه ارزش‌های خود را تغییر داده است؟ آیا تخصص دیگر اهمیتی ندارد؟

واقعیت این است که مسأله نه این یوتیوبر جوان است، نه مرتضی پاشایی و نه هیچ چهره مشهور دیگری. مصطفی آب‌روشن، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه درباره این اتفاق به «ایران» می‌گوید: «امروز شهرت با سرعتی بسیار بیشتر از اعتبار تولید می‌شود و شبکه‌های اجتماعی، کارخانه‌های شبانه‌روزی تولید چهره‌های مرجع شده‌اند. در چنین فضایی، دیگر مدرک دانشگاهی، سال‌ها تجربه یا جایگاه حرفه‌ای، تضمین‌کننده اثرگذاری نیست؛ آنچه تعیین‌کننده است، توانایی جلب توجه است. ما وارد عصر اقتصاد توجه شده‌ایم؛ عصری که در آن، هر کس بتواند نگاه‌های بیشتری را به خود معطوف کند، قدرت اجتماعی بیشتری نیز به دست می‌آورد، حتی اگر از نظر علمی یا تخصصی جایگاه برجسته‌ای نداشته باشد.»

مرز باریک مشهور بودن و صاحب‌نظر بودن

بسیاری از خانواده‌ها حتی با نام این افراد هم آشنایی ندارند و حتی نمی‌دانند که این افراد چه محتوایی را به نوجوانان ارائه می‌دهند. اینکه چرا نوجوانان بیش از هر گروه دیگری جذب این چهره‌ها می‌شوند، سؤالی است که آب‌روشن در مورد آن می‌گوید: «پاسخ را باید در نیازهای نسلی جست‌وجو کرد که بیش از هر زمان دیگری با بحران هویت، تنهایی، اضطراب و نیاز به دیده شدن روبه‌رو است.» این جامعه‌شناس معتقد است نوجوان امروز کمتر به دنبال استاد سخن می‌رود و بیشتر به دنبال کسی است که احساس کند او را می‌فهمد. آب‌روشن بیان می‌کند: «اینفلوئنسرها با زبان ساده، شوخی، هیجان، روایت زندگی روزمره و حضور دائمی در تلفن همراه مخاطب، رابطه‌ای عاطفی می‌سازند؛ رابطه‌ای که بسیاری از نهادها از ایجاد آن ناتوان مانده‌اند. نوجوان برای این چهره‌ها، صرفاً طرفدار نیست؛ احساس تعلق دارد. او خود را عضوی از یک جامعه مجازی می‌بیند که در آن دیده می‌شود، نظر می‌دهد، واکنش می‌گیرد و هویت پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی نیز این احساس را تقویت می‌کنند. هرچه فردی بیشتر دیده شود، بیشتر پیشنهاد می‌شود و هرچه بیشتر پیشنهاد شود، محبوب‌تر به نظر می‌رسد. به این ترتیب، محبوبیت نه الزاماً از کیفیت، بلکه از تکرار و دیده شدن تغذیه می‌کند. این چرخه باعث می‌شود نوجوان تصور کند اگر میلیون‌ها نفر فردی را دنبال می‌کنند، پس او مهم‌ترین و معتبرترین چهره جامعه است. در چنین شرایطی، تخصص به‌راحتی زیر سایه جذابیت رسانه‌ای قرار می‌گیرد و مرز میان مشهور بودن و صاحب‌نظر بودن کمرنگ می‌شود.»

از نگاه جامعه‌شناختی، نوجوانان در بستری قرار گرفته‌اند که نهادهای سنتی (خانواده و مدرسه) قدرت تأثیرگذاری سابق خود را تا حدودی از دست داده‌اند. آب‌روشن با بیان این موضوع می‌گوید: «از زاویه‌ای دیگر، این پدیده را باید نشانه‌ای از خلأهای اجتماعی نیز دانست. هر جامعه‌ای برای هدایت افکارعمومی به نهادهای مرجع نیاز دارد؛ خانواده، مدرسه، دانشگاه، رسانه، انجمن‌های علمی، نهادهای فرهنگی و روشنفکران، همگی در گذشته بخشی از این مرجعیت را برعهده داشتند، اما زمانی که این نهادها به هر دلیل از نسل جدید فاصله می‌گیرند یا زبان مشترک خود را با جوانان از دست می‌دهند، فضای خالی به سرعت توسط چهره‌های رسانه‌ای پر می‌شود.

استقبال میلیونی از مراسم خاکسپاری مرتضی پاشایی نیز صرفاً سوگواری برای یک خواننده نبود؛ آن مراسم به فرصتی برای تخلیه احساسات جمعی، همدلی اجتماعی و تجربه یک «ما»ی مشترک تبدیل شد. بنابراین چنین رویدادهایی بیش از آنکه درباره یک فرد باشند، در مورد نیازهای انباشته جامعه سخن می‌گویند.

به همین دلیل نباید محبوبیت یک اینفلوئنسر یا یک هنرمند را صرفاً به حساب توانایی فردی او گذاشت؛ این محبوبیت، محصول شرایط اجتماعی نیز هست. جامعه‌ای که نتواند برای نسل جدید امید، معنا، تعلق و امکان مشارکت خلق کند، ناخواسته این وظیفه را به شبکه‌های اجتماعی واگذار می‌کند.»

این استاد دانشگاه با هشدار درباره برخورد با این پدیده‌ها تأکید می‌کند: «اشتباه بزرگ آن است که این پدیده را با برچسب‌هایی مانند سطحی شدن نسل جدید یا بی‌سوادی نوجوانان توضیح دهیم. چنین قضاوت‌هایی نه‌تنها مسأله را حل نمی‌کند، بلکه شکاف میان نسل‌ها را عمیق‌تر می‌کند. نوجوان امروز الزاماً ضدعلم یا ضدفرهنگ نیست؛ او فقط الگوهای خود را در جایی دیگر پیدا کرده است.

اگر یک استاد دانشگاه، یک نویسنده، یک پژوهشگر یا یک هنرمند نتواند با زبان امروز با مخاطب ارتباط برقرار کند، طبیعی است که میدان را به کسی واگذار می‌کند که این مهارت را دارد.»

نخبگان از رسانه‌های نوین فاصله نگیرند

آب‌روشن ادامه می‌دهد: «واقعیت تلخ این است که بسیاری از نهادهای فرهنگی هنوز با منطق قرن گذشته فعالیت می‌کنند، در حالی که نسل جدید در جهان الگوریتم‌ها، ویدیوهای کوتاه و ارتباطات لحظه‌ای زندگی می‌کند.

در چنین جهانی، صرف داشتن حرف درست کافی نیست؛ باید بتوان آن را به شیوه‌ای جذاب، ساده و قابل فهم نیز ارائه کرد. اگر نخبگان از رسانه‌های نوین فاصله بگیرند، جای آنان را کسانی پر خواهند کرد که الزاماً دانش بیشتری ندارند، اما مخاطب را بهتر می‌شناسند. این یک رقابت نابرابر نیست؛ بلکه نتیجه ناتوانی ما در بازتعریف شیوه‌های ارتباط با نسل جدید است.» اینکه چنین پدیده‌ای چقدر آسیب‌زاست، موضوعی است که این جامعه‌شناس در مورد آن توضیح می‌دهد: «راه برون‌رفت از این وضعیت نه تخریب چهره‌های محبوب و نه محدود کردن شبکه‌های اجتماعی است.

تاریخ نشان داده است حذف یک چهره، تنها به ظهور چهره‌ای دیگر می‌انجامد، زیرا مسأله در افراد نیست، بلکه در بستر اجتماعی است که آنان را تولید می‌کند. راهکار واقعی، بازسازی مرجعیت اجتماعی است؛ از مدرسه‌ای که تفکر انتقادی را آموزش می‌دهد تا رسانه‌ای که اعتماد عمومی را بازسازی می‌کند و از خانواده‌ای که گفت‌وگو با نوجوان را جایگزین نصیحت می‌کند تا دانشگاهی که بتواند با زبان مردم سخن بگوید.»

> **برش**
>
> **ضرورت تبدیل سواد رسانه‌ای از شعار به مهارت**
>
> آب‌روشن توضیح می‌دهد: «مهم‌تر از همه باید سواد رسانه‌ای را از یک شعار به یک مهارت عمومی تبدیل کنیم تا نسل جدید بیاموزد میان تعداد دنبال‌کنندگان و اعتبار، میان شهرت و شایستگی و میان سرگرمی و مرجعیت تفاوت قائل شود.
> در غیر این صورت، هر چند ماه یک‌بار نام یک چهره جدید بر سر زبان‌ها خواهد افتاد، دوباره همان پرسش‌ها تکرار خواهد شد و باز هم به جای واکاوی ریشه‌های مسأله، همه نگاه‌ها به فردی دوخته می‌شود که تنها محصول شرایط زمانه خویش است. آنچه باید مورد نقد قرار گیرد، نه یک اینفلوئنسر یا یک خواننده، بلکه جامعه‌ای است که معیارها در آن تغییرکرده و هنوز نتوانسته برای این تغییر پاسخی متناسب و آینده‌نگر پیدا کند.»

فصل نوین ساخت مسکن درکیش

بنگاه

ایران آنلاین-کیش- جزیره کیش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قطب‌های اقتصادی و گردشگری کشور، با چالش جدی تأمین مسکن برای اقشار کلیدی جامعه مواجه است. این معضل که زنگ خطر خروج نیروهای متخصص و ناپایداری منابع انسانی را به صدا درآورده، سازمان منطقه آزاد کیش را بر آن داشت تا با طراحی یک برنامه جامع و چندلایه، از مسکن بومیان تا اسکان کارگران، به‌صورت ریشه‌ای به این مسأله ورود کند. معاون عمرانی این سازمان جزئیات این طرح‌ها را که شامل مدل‌های نوینی همچون تأمین مالی توکن‌محور و احداث هزاران واحد خدمتی و سازمانی است، برای اولین بار تشریح کرده است. مهدی مسلم‌خانی، معاون عمرانی و زیربنایی سازمان منطقه آزاد کیش، در نشست تخصصی اعضای انجمن سرمایه‌گذاران و کارآفرینان جزیره، از تدوین و اجرای یک برنامه جامع و چندبخشی برای تأمین مسکن بومیان، شاغلان دولتی و خصوصی و همچنین نیروهای کارگری خبر داد و آن را پاسخی به بحران فزاینده هزینه‌های مسکن و تهدید ماندگاری نیروی انسانی در جزیره دانست. مسلم‌خانی با اشاره به اینکه معلمان، کادر درمان، کارکنان خدمات‌رسان و نیروهای بخش خصوصی با وجود نقش حیاتی در اقتصاد جزیره، با مشکل تأمین مسکن مناسب مواجه هستند، خاطرنشان کرد: «این شرایط نه‌تنها برای کارکنان، بلکه برای کارفرمایانی که حفظ نیروی متخصص برای‌شان دغدغه است، به یک چالش جدی تبدیل شده است و به همین دلیل، مسکن به‌عنوان یک مأموریت ویژه در دستور کار معاونت عمرانی قرار گرفته است.»

جزئیات طرح‌های مسکن

معاون عمرانی سازمان منطقه آزاد کیش با تأکید بر اینکه سازمان به یک الگوی واحد محدود نشده است، برنامه‌های خود را در قالب پنج طرح مجزا تشریح کرد. مسلم‌خانی با اشاره به ثبت‌نام‌های سال‌های گذشته بومیان که بی‌نتیجه مانده بود، از تعریف پروژه‌ای مشارکتی خبر داد و گفت: «سهم سازمان در این پروژه، در قالب قراردادهای اجاره به شرط تملیک بلندمدت، به بومیان واجد شرایط واگذار خواهد شد و شرایط پرداخت متناسب با توان اقتصادی آنها تنظیم می‌شود. سامانه ثبت‌نام این طرح راه‌اندازی شده و انبوه‌ساز اجرایی نیز انتخاب شده است.» طرح مسکن خدمت که برای کارکنان دولت و بخش خصوصی با سابقه و تعهد خدمت مشخص در جزیره طراحی شده، شامل واگذاری مسکن به قیمت تمام‌شده است. ظرفیت این طرح دو هزار واحد برآورد شده که نیمی از آن در فراخوان اول عرضه و فاز دوم آن آماده جذب سرمایه‌گذار است. مدیریت این طرح به شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش واگذار شده و ۱۳ سرمایه‌گذار پیشنهادهای خود را ارائه کرده‌اند. مسلم‌خانی با اشاره طرح اسکان کارگری وشناسایی زمین‌های مورد نیاز، از برگزاری سه فراخوان و بازنگری در مدل اجرایی برای افزایش جذابیت اقتصادی خبر داد و تصریح کرد: «این طرح به‌جای قطعه‌بندی کوچک، به‌صورت سازه‌های سبک یک‌طبقه با ظرفیت اسکان ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر و همراه با خدمات رفاهی تعریف شده است.» در طرح مسکن سازمانی، این واحدها که در چند پروژه مشارکتی پیش‌بینی شده، به مالکیت کارکنان درنمی‌آید و صرفاً برای اسکان دوره‌ای نیروهای اداری، انتظامی، امنیتی و خدمات‌رسان در نظر گرفته شده است.

مسلم‌خانی همچنین از موافقت کلی با طرح مسکن پرسنلی و مشخص‌شدن زمین‌ها خبر داد و گفت: «اجرای آن منوط به نهایی‌شدن مدل حقوقی و مشارکت هتل‌ها و مجموعه‌های اقتصادی در یک کارگروه مشترک است.»

نوآوری در تأمین مالی

یکی از بخش‌های برجسته این گزارش، اعلام دو مدل نوین تأمین مالی توسط معاون عمرانی بود. وی دراین باره گفت: «برای جلوگیری از توقف پروژه‌ها، از مدل «تأمین مالی توکن‌محور» استفاده می‌شود تا منابع متقاضیان به‌تدریج جذب شده و پروژه در میانه کار با کمبود نقدینگی روبه‌رو نشود. همچنین، مدل «توکن‌سازی زمین» نیز با رعایت الزامات قانونی و برای کمک به تاب‌آوری کسب‌وکارهای خرد در دوره‌های رکود، در دستور کار قرار گرفته است.

مسلم‌خانی در پایان با تأکید بر نقش تنظیم‌گری سازمان در کنار معاونت اقتصادی، هدف غایی این برنامه‌ها را افزایش تولید و عرضه مسکن در جزیره دانست و اظهار کرد: «این پروژه‌ها هیچ‌گاه رقیب طرح‌های لوکس و سرمایه‌گذاری نیستند، بلکه مکمل آنها هستند و صرفاً برای تأمین مسکن شاغلان و نیروهای مورد نیاز جزیره طراحی شده‌اند تا بومیان، کارکنان و فعالان اقتصادی بتوانند متناسب با شرایط خود، به مسکن یا محل اسکان مناسب دسترسی داشته باشند.»

قطران
آگهی مزایده فروش عمومی
شرکت پالایش قطران ذغالسنگ اصفهان (سهامی عام)
در نظر دارد انواع گریدهای دوده صنعتی خود را از طریق مزایده به‌فروش برساند. علاقه‌مندان از تاریخ انتشار آگهی تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ مهلت دارند تا نسبت به بازدید به آدرس اصفهان، سه راه سیمین ابتدای خیابان سهروردی، نبش خیابان فرهنگ، پلاک یک (دفتر تدارکات) مراجعه نمایند.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۳۱۳۷۷۵۴۱۲۰ و ۰۳۱۳۷۷۵۳۲۱۵ تماس حاصل فرمایید.
شرکت پالایش قطران ذغالسنگ (سهامی عام)

قطران
آگهی خرید مناقصه یک مرحله‌ای
خرید خدمات پوشش بیمه‌ای
شرکت پالایش قطران ذغالسنگ اصفهان (سهامی عام) در نظر دارد جهت اخذ خدمات بیمه‌ای خود از شرکت‌های معتبر بیمه، اقدام نماید.
علاقه‌مندان می‌توانند جهت دریافت و تکمیل اسناد مناقصه از تاریخ انتشار آگهی تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ ساعت ۱۶ به آدرس اینترنتی www.ctr-co.com قسمت چندرسانه (اطلاعیه‌ها) و یا به آدرس اصفهان، سه راه سیمین، ابتدای خیابان سهروردی، نبش خیابان فرهنگ، پلاک یک (دفتر تدارکات) مراجعه نمایند.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۳۱۳۷۷۵۴۱۲۰ و ۰۳۱۳۷۷۵۳۲۱۵ تماس حاصل فرمایید.
شرکت پالایش قطران ذغالسنگ (سهامی عام)

آگهی فراخوان عمومی ۵/۱۱۷۶ق
شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر در نظر دارد از طریق فراخوان عمومی نسبت به شناسایی تولیدکنندگان و تامین کنندگان مواد اولیه فولادسازی اقدام نماید.
متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد فراخوان از طریق تماس با شماره های ۰۳۴-۳۱۲۹۴۰۷۶ و ۰۹۱۳۱۷۸۷۰۴۷ به نام آقای حیدری نسب اقدام نمایند.
- نشانی محل تحویل پاکت های فراخوان:
۱- دفتر کارخانه: سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده شیراز، کیلومتر ۵ جاده اختصاصی معدن گل گهر، کد پستی ۷۸۱۷۹۹۹۷۳۸ - دبیرخانه کمیسیون معاملات تلفن : ۳۱۲۹۴۰۷۶ - ۰۳۴.
۲- دفتر تهران: میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان سی و یکم غربی، پلاک ۲۲، کد پستی ۱۵۱۶۶۴۶۱۱۱- تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۹۷۶۷۰-۴ نمابر: ۰۲۱-۸۸۱۹۹۴۰۳.
- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های ۰۳۴-۳۱۲۹۴۰۷۶ و ۰۹۱۳۱۷۸۷۰۴۷ و آدرس ایمیل a.heidari@gisdco.ir بنام آقای حیدری نسب در روزهای شنبه الی چهارشنبه در ساعات اداری تماس حاصل فرمایید.
توجه :
شایان ذکر است به پیشنهادهایی که دارای شرایط مشخص شده در فراخوان نبوده و همچنین خارج از زمان و مکان مقرر ارسال گردند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- آخرین مهلت ارسال مدارک : ۱۴۰۵/۰۵/۲۸
خاطر نشان می‌گردد بارگذاری تمامی اسناد در فرم‌های مربوط به هر صفحه بایستی در سامانه SRM شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر (srm.gisdco.ir) صورت پذیرد و در صورت عدم ثبت نام و تکمیل اطلاعات در سامانه مذکور، پاکات بررسی نخواهد شد.
شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر
GOLGOHAR IRON & STEEL DEVELOPMENT CO.
دبیرخانه کمیسیون معاملات

شهرداری شاهرود
اصلاحیه
آگهی تجدید مناقصه عمومی
بدین‌وسیله در خصوص آگهی تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک‌مرحله‌ای (انتقال پساب تصفیه خانه فاضلاب شاهد شهر شهریار به شهرهای هشت گانه شهرستان شهریار) با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۳۸۹۷۰۰۰۰۱۰ در سامانه ستاد ایران که در ۲ نوبت در این روزنامه به چاپ رسیده به شرح ذیل اصلاحاتی اعمال گردید: ۱- مهلت دریافت اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ ساعت ۱۲:۰۰ از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تمدید گردید. ۲- مهلت زمان ارسال پاکت‌های پیشنهاد تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ ساعت ۱۰:۰۰ تمدید گردید. ۳- زمان بازگشایی پیشنهادات به تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ ساعت ۱۳:۰۰ تغییر یافت. سایر شرایط به قوت خود باقیست.
علی ملکی - شهردار شهریار

IRAN DAILY
www.newspaper.iran-daily.com
1877
ایران

شهرداری اندیشه در نظر دارد به استناد مجوز شورای اسلامی شهر اندیشه نسبت به تجدید مزایده عمومی ۸ واحدتجاری درمجتمع اداری تجاری نور واقع درفاز ۳ اندیشه و فروش ۱۷ واحدتجاری، طبقه دوم مجتمع اداری تجاری نور واقع درفاز ۳ اندیشه به اشخاص حقیقی و حقوقی واجدالشرایط به‌صورت نقد یا اقساط اقدام نماید:
آگهی تجدید مزایده عمومی
نوبت دوم
۱- تجدید مزایده ۸ واحدتجاری، طبقه اول، مجتمع اداری تجاری نور
* مهلت دریافت اسناد مزایده: یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۸ وتاریخ بازگشایی: شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۳۱
۲- تجدید مزایده فروش ۱۷ واحد تجاری از طبقه دوم، مجتمع اداری تجاری نورواقع در فاز ۳ اندیشه
* مهلت دریافت پیشنهادات: چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۸
* تاریخ بازگشایی پیشنهادات: شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۳۱
* شرایط شرکت در مزایده عمومی شامل مبلغ فروش، تضمین شرکت در مزایده، مدارک لازم جهت دریافت اسناد، مهلت ومحل دریافت اسناد، مهلت ومحل تسلیم پیشنهادات و تاریخ ومحل بازگشایی پیشنهادات در سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) درج گردیده است.
برای کسب اطلاعات بیشتر بارکد اسکن شود
● چاپ نوبت اول ۱۴۰۵/۵/۸ ● چاپ نوبت دوم ۱۴۰۵/۵/۱۵
بهروز کاویانی - شهردارشهر اندیشه

بررسی «ام جی ۵» مدل ۲۰۲۶

چشم‌ها را باید شست!

یک سدان اقتصادی که باورهای سنتی در مورد خودروی چینی را تغییر می‌دهد

عکس: ایران

نقد فنی

ارسلان سلیمانیان
گروه خودرو

تـا همین پنـج، شـش سـال پیش «خودروهای چینی» در دید بسـیاری از مردم (خاصـه ایرانی‌ها) محصولات درجه‌چنـدم و دم‌دسـتی بودنـد که صرفاً قیمت مناسـبی دارنـد و نباید خیلی روی آنها حسـاب باز کـرد. اما در چنـد سـال اخیـر خیلـی چیزها عوض شـده. حالا طیـف جدیدتری از خودروهـای چینـی بـه بازارهـای جهانی و به‌دنبال آن بـه ایران عرضه شـدند که شـباهتی به اسـلاف خود ندارند. آنهـا آمده‌اند تا بگویند چین، دیگر چینِ سـابق نیسـت! اگر شما هم مثـل نگارنـده، آدم سـختگیر و بدبینی نسبت به صنعت خودروسازی چین هسـتید، بهتر است مقاومت را کنار بگذارید و طـور دیگری به ماجرا نگاه کنیـد. واقعیـت این اسـت که آنها بزرگ شـده‌اند! آنها دیگر همان چینی‌های یکی دو دهه قبل نیستند کـه خودروهایشـان مـورد تمسـخر واقع می‌شـد! آنهـا واقعاً پیشـرفت کرده‌انـد. کافـی اسـت نگاهـی بـه محصولات روز آنها بیندازید. از کلاس هاچ‌بک تا شاسـی‌بلند فول‌سـایز و حتـی سوپراسـپرت‌ها! در کمـال تعجـب خواهید دیـد که بسـیاری از این محصولات بـرای بـزرگان ژاپنی، آمریکایـی و اروپایـی خـط و نشـان می‌کشـند. این موضوع حتی در رده خودروهای ارزان‌قیمت نیز به چشـم می‌خـورد. ام جـی ۵ یکـی از همین محصولات جدید است که توسط برند چینی-انگلیسـی MG معرفی شده و اخیراً در بازار کشـورمان شانس خود را امتحـان می‌کنـد. فرصتی دسـت داد تا از نزدیک با این خودرو بیشـتر آشنا شویم.

چهره ظاهری

چهره ظاهـری ام‌جی ۵ کاملاً سـاده اما امـروزی اسـت. برخـلاف رقبای پرطمطراق کـره‌ای و ژاپنـی، دیگر از آن طراحی‌های شـلوغ و پرزرق و برق خبری نیسـت. این خودرو در کلاس سدان‌های سایز کوچک قرار می‌گیرد که پیش‌تر رقبایی چون «کیا سراتو» و «هیوندای الانترا» در آن حضور پررنگ داشـتند. طراحـی ام‌جـی ۵ مـدل ۲۰۲۶ نه آنقدر ساختارشـکن اسـت که چشـم‌ها را به خود خیره سـازد و نه آنقدر کسـل‌کننده که بیننده را به این زودی‌ها خسـته کند. با این حال می‌توان بـه تلاش طراحان شـرکت MG نمره قبولی داد. در داخل کابین نیز با یک طراحی ساده مواجه هستیم که همه مسـائل ارگونومیـک رعایت شده اسـت. طراحی کنسـول میانی و فرمان خودرو جالـب توجه بوده و دسـت‌کم در برخورد اول، از کیفیت بالایـی برخوردار اسـت. با نشسـتن در داخـل کابیـن ام‌جـی ۵ و قیاس آن با محصـولات نه چنـدان قدیمی چینی، خیلی سریع به پیشرفت چشم بادامی‌های سختکوش پی می‌بریم.

توانایی‌های دینامیکی

وقتـی صحبـت از یـک خـودروی اقتصادی چینی در میان باشد، نباید پرتوقع بود. با این حـال ام‌جی ۵ در این زمینـه نیز چندان دسـت‌خالی نیسـت. این خودرو به یک پیشرانه ۱/۵ لیتری از نوع GDI مجهز شده که می‌تواند ۱۲۷ اسب بخار قدرت و ۱۶۰ نیوتن مترگشـتاور در اختیار راننده قرار دهد. پیشرانه مذکور توانایی آن را دارد کـه محصول جدیـد ام‌جی را ظرف مدت ۱۰ ثانیه از حالت سکون به مرز سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت برساند که این رقم برای یک خودروی اقتصادی آن هم از نـوع چینی، رقم قابل‌قبولی به شـمار می‌آیـد. این خـودرو ۱۳۵۰ کیلوگرم وزن داشـته که تقسیم وزن به صورت ۵۰-۵۰ روی محور جلو و عقـب آن صورت گرفته و این موضوع سبب بهبود هندلینگ ام جی ۵ شده است. طول، عرض و ارتفاع خودرو بـه ترتیب ۴۶۰۰، ۱۸۱۵ و ۱۴۸۹ میلی‌متر اعلام شـده است. با آنکـه نمونه مـورد بررسـی از نوع دنده اتوماتیک بود امـا نباید از قلم انداخت کـه ام‌جی ۵ بـا گیربکس ۶سرعته دسـتی نیز قابل خریداری است.

> این خودرو به یک پیشرانه ۱/۵ لیتری از نوع GDI مجهز شده که می‌تواند ۱۲۷ اسب بخار قدرت و ۱۶۰ نیوتن مترگشتاور در اختیار راننده قراردهد. پیشرانه مذکور توانایی آن را دارد که محصول جدید ام‌جی را ظرف مدت ۱۰ ثانیه از حالت سکون به مرز سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت برساند

قیمت چند؟!

اما رسیدیم به اصل ماجرا! قابل انکار نیست وقتی صحبت از یک محصول چینی به میان آید، مهم‌ترین موضوعی که جلـب توجـه می‌کنـد قیمت آن است. تجربه نشـان داده که چینی‌ها به لطـف قیمـت رقابتـی محصولات خود توانسـته‌اند در بازارهای جهانی (بخصـوص در بازارهـای نوظهـور از جملـه خاورمیانـه) فـروش فراتر از انتظاری را تجربه کننـد. این موضوع در مورد محصـول جدیـد ام جی نیز صادق اسـت. قیمت پایـه ام جی ۵ اتوماتیـک مـدل ۲۰۲۶ در بازارهـای جهانـی از حـدود ۱۳۰۰۰ دلار شـروع می‌شـود که آن را در زمره محصولات ارزان قیمت برقی قرار می‌دهد. اما این خودرو در بازار مناطق آزاد کشورمان با برچسب قیمت ۱۷الی ۱۷/۵ هزار دلار دست به دست می‌شود. با این حساب می‌توان فهمید که چرا ام‌جی ۵ برای خودروهای ساخت داخل یک چالش بسیار جدی به‌شمار می‌آید.

خداحافظی با شاسی‌بلندهای کوپه هنوز زود است

شاسی‌بلند آلمانی زنده می‌ماند

آئودی Q8 جدید در راه است

ترجمه

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

با وجـود انتقادهایی کـه در فضـای مجازی به شاسـی‌بلندهای کوپه وارد می‌شـود، این خودروها همچنان مشـتریان زیـادی دارند و برای خودروسازان لوکس به محصولاتی سودآور تبدیل شـده‌اند. آئودی نیز یکی از برندهایی است که حضور جدی در این بخش دارد و حالا مشخص شده است که نسل دوم آئودی Q8 نیز در راه خواهد بـود؛ خودرویی که می‌تواند بار دیگـر در برابر رقبایی مانند مرسـدس‌بنز GLE کوپه قرار بگیرد.

داستان شاسی‌بلندهای کوپه از حدود سال ۲۰۰۷ و بـا معرفـی نسـل اول ب‌ام‌و X6 وارد مرحله تازه‌ای شد. ترکیب ارتفاع و کاربرد یک شاسی‌بلند با سقف شیب‌دار و ظاهر اسپرت خودروهای کوپه در ابتدا چندان جدی گرفته نمی‌شـد، اما خیلی زود مشخص شد که این ترکیب برای مشـتریان جذاب اسـت. از آن زمان، بسیاری از برندهای لوکس به این بخش وارد شدند و آئودی نیز با مدل‌هایی مانند Q8 و نسخه‌های اسپرت‌تر محصولات خود، سهمی از این بازار به دست آورد.

آئودی بالاخره برای Q8 تصمیم گرفت

وقتـی گرنـوت دولنـر در سـپتامبر ۲۰۲۳ مدیرعامل آئودی شد، سرنوشت نسل بعدی Q8 هنوز مشـخص نبود. حتـی در آن زمان تصمیم قطعی بـرای ادامه تولیـد این خودرو گرفته نشده بود. اما مدیریت جدید آئودی در نهایت ادامه مسیر Q8 را تأیید کرد.

دولنـر در گفت‌وگویی بـا Edmunds اعلام کرده، زمانی که به آئودی پیوسـت، برخلاف انتظارش هنوز تصمیمی برای ساخت جانشین Q8 وجود نداشـت، اما این موضوع در دوره مدیریت جدید تغییر کرده است.

این تصمیـم در شـرایطی اهمیت بیشـتری پیـدا می‌کند که آئـودی طی سـال‌های اخیر مشغول کاهش و ساده‌سازی سبد محصولات خود بوده است. مدل‌هایی مانند آئودی A1، آئودی Q2، آئـودی TT و آئـودی R8 از برنامه تولید کنار گذاشته شده‌اند و سدان پرچمدار A8 نیز در حال پایان دادن به مسیر خود است. در چنین شرایطی، باقی ماندن Q8 در برنامه آینده نشان می‌دهد این شاسی بلند همچنان برای آئودی اهمیت تجاری دارد.

Q8 جدید چه زمانی از راه می‌رسد؟

فعلاً خبری از تصاویر جاسوسـی نسـل دوم Q8 نیسـت، اما مدیرعامل آئـودی از عرضه این خودرو در آینده‌ای نزدیک‌تر صحبت کرده است. این عبارت نشـان می‌دهد Q8 جدید پیش از پایـان دهه جـاری میـلادی معرفی خواهد شد، اما احتمالاً نباید منتظر رونمایی آن در یکـی دو سـال آینده باشـیم. برآوردها نشان می‌دهد معرفی نسـل جدید احتمالاً از سـال ۲۰۲۸ به بعد اتفاق خواهـد افتاد. یکی از جذاب‌ترین پرسش‌ها درباره نسل جدید، طراحی آن است. آئودی در سال‌های اخیر زبان طراحی تازه‌ای را دنبال کرده و کانسپت‌هایی مانند کانسپت C و نووالاری نیز مسیر احتمالی آینده این برند را نشان داده‌اند. هنوز مشخص نیسـت Q8 جدید تا چه اندازه از این رویکرد اسـتفاده خواهد کرد. البته باید توجه داشت که طراحی نهایی یک خودرو معمولاً سـال‌ها پیش از ورود آن به بازار نهایی می‌شود. بنابراین ممکن است طراحی نسـل دوم Q8 پیش از آنکه زبان طراحی جدید آئودی به شکل کامل معرفی شود، نهایی شده باشد.

یک Q7 با ظاهری متفاوت؟

از نظر فنی، انتظار می‌رود نسـل دوم Q8 نیز اشتراکات زیادی با Q7 داشته باشد. این یعنی آئودی می‌تواند همانند نسل فعلی، بخش قابل توجهی از ساختار فنی و مهندسی را میان این دو خودرو مشترک نگه دارد و در عوض با تغییر فرم بدنه، محصولی متفاوت‌تر و اسپرت‌تر به بازار عرضه کند.

در چنین شـرایطی، Q8 را می‌توان نسخه‌ای با سقف شـیب‌دارتر و طراحی اسـپرت‌تر از Q7 دانست؛ خودرویی که در عین حفـظ ابعـاد و قابلیت‌های یک شاسی‌بلند، ظاهر جذاب‌تری برای مشـتریان علاقه‌مند به خودروهای کوپه ارائه می‌دهد. این مدل همچنیـن می‌تواند جایگزین اقتصادی‌تری برای محصولاتی مانند پورشه کاین کوپه و لامبورگینی اوروس باشد. تولید نسل جدید Q8 نیز احتمالاً در کارخانه براتیسـلاوا در اسـلواکی انجام خواهد شد؛ همان مجموعـه‌ای که میزبـان تولید برخی محصـولات هم‌پلتفـرم گـروه فولکس‌واگن است.

SQ8 و RS Q8 هم برمی‌گردند؟

احتمال عرضه نسـخه‌های قدرتمندتر Q8 را هم نباید نادیده گرفت. آئودی برای Q7 جدید و اولین نسل Q9 نسخه‌های اسـپرت S را در نظر گرفته است، بنابراین عرضه آئودی SQ8 در نسل جدید چندان دور از ذهن نیست.

اگر این اتفاق رخ دهد، احتمال استفاده از یک موتور قدرتمند، حتی یک پیشـرانه V8 وجود خواهد داشت. البته هنوز برای صحبت قطعی درباره مشخصات فنی SQ8 زود است.

در مـورد آئـودی RS Q8 نیز فعـلاً اطلاعاتی وجود نـدارد، اما حـذف کامل ایـن گزینه را نمی‌توان قطعی دانسـت. بـازار خودروهای شاسـی‌بلند فوق‌اسـپرت همچنـان داغ اسـت و حضور مدل‌هایی مانند پورشه کاین و لامبورگینـی اوروس نشـان می‌دهد چنین محصولاتـی می‌توانند بـرای برندهای لوکس جذابیت بالایی داشته باشند.

Q8 برخلاف بعضی مدل‌ها حذف نمی‌شود

تأیید نسل دوم Q8 تا حدی غیرمنتظره است؛ چراکه آئودی در سال‌های اخیر شمشیر حذف را بالای سر چندین محصول خود گرفته است. این شـرکت به دنبال کاهش تنـوع مدل‌ها و تمرکز بیشتر روی خودروهای سودآورتر است و در همین مسیر، محصولاتی مانند A1، Q2، TT و R8 کنار گذاشته شـده‌اند. با این حال، Q8 ظاهراً توانسته جایگاه خود را حفظ کند. شاید دلیل این تصمیم هم ساده باشد؛ نسل جدید Q8 احتمالاً بخش زیادی از زیرسـاخت فنی خود را با Q7 مشترک خواهد داشت و بنابراین توسـعه آن می‌تواند نسـبت به سـاخت یک محصول کاملاً جدید هزینه کمتری برای آئودی داشته باشد. در نهایت، آئودی نشان داده که هنوز شاسـی‌بلندهای کوپه را بخشی مهم از آینده خـود می‌داند. نسـل دوم Q8 احتمالاً همان فرمول آشـنای ترکیب شاسـی بلند و طراحـی کوپه را حفـظ خواهد کـرد، اما باید دید آیا آئودی برای این مدل، زبان طراحی تازه خود را هم به کار می‌گیرد یا همچنان به فرمول آشنای نسل فعلی وفادار می‌ماند.

ماشین وارداتی

رانا پلاس یا سهند S؟

بازگشت یک سدان اصیل به بازار

سری ۳ ب‌ام‌و برای بسـیاری از علاقه‌مندان خودرو در ایران نامی آشناست. خودرویی که از نسـل‌های قدیمی‌ترمانند E46 و E90 گرفته تا F30، همیشـه جایگاه ویژه‌ای میان سـدان‌های وارداتی داشـته اسـت. با ممنوعیت واردات خودرو، حضور سری ۳ نیز در بازار ایـران متوقف شـد و F30 330i را می‌تـوان آخرین نماینده جدی این خانواده در ایران دانسـت. حالا پس از چند سال، نسل هفتم سـری ۳ با کد G20 دوباره به بازار کشور بازگشته است؛ این بار در قالب ب‌ام‌و 318i مدل ۲۰۲۴ که از مسـیر سهمیه ایثارگری وارد شده است. سری 3 G20 اولین بار در سال ۲۰۱۸ معرفی شد و نسخه 318i به یک موتور چهار سیلندر ۲ لیتری توربوشارژ از خانواده B48 مجهز است. این پیشرانه در ضعیف‌ترین تنظیمات خود، ۱۵۶ اسب‌بخار قدرت و ۲۵۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند و نیروی آن از طریق یک گیربکس هشت سرعته اتوماتیک به چرخ‌های عقب منتقل می‌شود. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر سـاعت ۸.۶ ثانیه و حداکثر سرعت ۲۲۳ کیلومتر بر ساعت اعلام شده است؛ اعدادی که نشـان می‌دهند 318i بیشتر برای اسـتفاده روزمره و رانندگی متعادل طراحی شده تا رقابت با نسخه‌های قدرتمندتر. در بخش فنی، سیستم تعلیق مک‌فرسـون در جلو و مولتی لینک در عقب قرار گرفته و هر چهار چرخ به ترمز دیسـکی مجهز هسـتند. وزن خودرو ۱۵۷۵ کیلوگرم است و مصرف سـوخت ترکیبی آن حدود ۶.۵ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر اعلام شده اسـت. استاندارد آلایندگی یورو ۶ نیز نشـان می‌دهد این نسـخه مطابـق الزامـات بازارهای سخت‌گیرانه‌تر توسعه پیدا کرده است. از نظر طراحی، G20 برخلاف برخی محصولات جدید ب‌ام‌و که با جلوپنجره‌های بزرگ و فرم‌های بحث‌برانگیز از زبان سنتی برند فاصله گرفتند، همچنان چهره‌ای آشنا دارد. چراغ‌های کشـیده، جلوپنجره دو تکه معروف ب‌ام‌و و خطوط نسبتاً ساده بدنه، ترکیبی از همان فرم کلاسیک سری ۳ با المان‌های مدرن هستند. در بخش تجهیزات نیز مواردی مانند تهویه مطبوع اتوماتیک، ورود بدون کلید، استارت دکمه‌ای، کروز کنترل هوشمند، سنسور نور و باران، چراغ‌های LED، سنسور پارک جلو و عقب، حالت‌های رانندگی و پایش فشار باد تایرها دیده می‌شود. شش ایربگ، کنترل پایداری DSC، نوربالای خودکار و کروز کنترل تطبیقی نیز بخشی از تجهیزات ایمنی و کمک‌راننده خودرو هستند.

معرفی خودرو

در بازار خودروهـای اقتصادی ایران، انتخاب خریدار معمولاً به چند گزینه محدود می‌شود؛ خودروهایی که شاید روی کاغذ تفاوت زیادی با یکدیگر نداشته باشند، اما در استفاده روزمره تجربه متفاوتی ارائه می‌کنند. رانا پلاس و سـهند S در همین دسـته قرار می‌گیرند. هر دو سـدان‌های اقتصادی بازار هستند و برای خریدارانی طراحی شدند که بیشتر از هیجان و امکانات لوکـس، به هزینه نگهداری، مصرف سوخت و کاربرد روزمره اهمیت می‌دهند. با این حـال، تفـاوت در طراحی، فضـای کابین، پیشرانه و امکانات باعث می‌شـود انتخاب میان این دو چندان ساده نباشد.

مزیت رانا پلاس

یکی از مهم‌تریـن نقاط قوت رانـا پلاس، ابعاد جمع و جور و وزن نسـبتاً پایین آن اسـت. این ویژگی در اسـتفاده شـهری خودش را بیشـتر نشـان می‌دهد؛ جایی که خودرو باید به‌راحتی در خیابان‌های شلوغ حرکت کند و جای پارک پیدا کند. رانا پلاس از پیشرانه ۱.۶ لیتری TU5 اسـتفاده می‌کند؛ موتوری قدیمی اما شناخته شده که سـال‌ها در بازار خدمات یدکی حضور داشته اسـت. دسترسی مناسـب به قطعات و آشـنایی تعمیرکاران با این پیشرانه باعث شده هزینه‌های نگهداری آن برای بسیاری از مالکان قابل پیش‌بینی باشد. در کنار این موارد، مصرف سوخت نسبتاً مناسب و عملکرد قابل قبول در رانندگی شـهری از دیگر مزیت‌های این خودرو است.

مزیت سهند S

در مقابل، سـهند S محصول جدیدتـری در بازار محسوب می‌شود و مهم‌ترین برگ برنده آن را باید در طراحی و فضای کابین جست‌وجو کرد. شرکت تولیدکننده این خودرو تلاش کرده ظاهر قدیمی‌تر محصولات اقتصادی خود را تـا حدی کنار بگذارد و چهره‌ای به‌روزتر ارائه دهد. طراحی داشـبورد و کابین نیز نسـبت به خودروهایی مانند سـاینا و تیبا تغییر کرده و حس مدرن‌تری دارد. سـهند S از موتور ۱.۵ لیتـری M15i اسـتفاده می‌کند که نسخه بهینه شده پیشـرانه قدیمی M15 است. این موتور با توجه به ساختار ساده خود، همچنان برای استفاده روزمره مناسب است و از نظر تعمیر و تأمین قطعات نیز وضعیت نسبتاً قابل قبولی دارد. سـهند S از نظر تجهیزات نیـز در برخی بخش‌ها دست بالاتری دارد. امکاناتی مانند کنترل پایداری، سیستم پایش فشـار باد تایرها و برخی تجهیزات رفاهی باعث شده این خودرو نسبت به محصولات قدیمی‌تر این خودروسـاز یک قدم جلوتر باشد. فضای کابین نیز برای استفاده خانوادگی مناسب است و صندوق عقب آن می‌تواند نیازهای روزمره را پوشش دهد.

معایب هر دو خودرو

اما رانـا پلاس و سـهند S هـر دو نقـاط ضعف مشـخصی دارند. رانا پـلاس با وجود پیشـرانه شناخته شـده، طراحی قدیمی کابین و کیفیت نه‌چندان بالای برخی قطعـات داخلی، چندان مدرن به نظر نمی‌رسـد. فضـای ردیف عقب نیز برای سرنشـینان قدبلند محدود است و از نظر امکانات رفاهی نمی‌توان آن را خودرویی پرآپشن دانست.

سـهند S هم با وجـود ظاهر جدیدتـر، همچنان از محدودیت‌های خودروهـای اقتصادی داخلی فاصله زیادی نگرفته است. پیشرانه M15i از نظر قدرت و فناوری چندان هیجان‌انگیز نیست و برای کسانی که شـتاب و عملکرد اسپرت می‌خواهند، گزینه جذابی نخواهد بـود. کیفیت کابین نیز در حد یک خودروی اقتصادی باقی می‌ماند و نباید از آن انتظار کیفیت خودروهای گران‌تر را داشت. در نهایت، انتخاب میان رانا پلاس و سهند S بیشتر به اولویت خریدار بستگی دارد. رانا پلاس با موتور شناخته شـده، وزن کمتر و هزینه نگهداری قابل پیش‌بینی، گزینه‌ای سـاده و آشناست. سهند S اما با طراحی جدیدتـر، کابین به‌روزتر و تجهیزات ایمنی بیشتر، انتخابی مدرن‌تر در همین محدوده محسـوب می‌شـود. اگر سادگی و شـناخت فنی اولویت باشد، رانا پلاس منطقی‌تر است اما برای خریداری کـه ظاهر جدیدتـر و امکانات بیشـتر می‌خواهد، سهند S گزینه بهتری خواهد بود.

نفس تازه در جان محله‌های کهن بندرعباس

بنگاه

ایران‌آنلایـن- بندرعبـاس- میراثـی در دل جنوب؛ شهری که با بافت‌های کهنش نفس می‌کشـد. بندرعبـاس، ایـن روزهـا نه فقط به‌عنـوان دروازه تجـارت خلیج‌فـارس که با چشـم‌اندازی تازه به سـمت احیـای هویت تاریخـی خـود گام برمـی‌دارد. در نشسـتی تخصصی با حضور مدیران ارشد میراث فرهنگی و شهری، از ضرورت بازآفرینی بافت‌های تاریخی سـخن به میان آمد؛ رویکردی کـه حفاظت صرف را کنـار نهاده و به دنبـال حیاتی دوباره برای محله‌های قدیمی، از سورو تا خواجه‌عطا، در قالب گذرهای گردشگری، اقتصاد بومی و سرمایه‌گذاری هوشمند است.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هرمزگان بر ضرورت احیای بافت‌های تاریخی بندرعباس با رویکردی جامع شـامل حفاظت از هویت فرهنگی، بازآفرینی شهری و توسعه اقتصاد گردشگری تأکید کرد.

به گزارش خبرنگار ما، عادل شهرزاد در نشست بررسـی بافت‌های تاریخی بندرعباس اظهار کرد:«بافت‌های تاریخی هر شهر نه‌تنها بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی، بلکه سرمایه‌های اقتصـادی ارزشـمندی بـه شـمار می‌رونـد و برنامه‌ریـزی اصولی برای احیـا، حفاظت و بهره‌برداری هوشـمندانه از ایـن ظرفیت‌ها، می‌تواند نقش مؤثـری در رونق گردشـگری شـهری و ارتقای کیفیت زندگی شـهروندان ایفا کند.»

وی افزود:«رویکرد این اداره کل در ساماندهی بافت‌های تاریخی بندرعباس، صرفاً حفاظت کالبدی از بناها نیسـت، بلکه هـدف اصلی، احیـای حیـات اجتماعـی و اقتصـادی این محدوده‌ها از طریق تعریف مسیرها و گذرهای گردشگری، تقویت فضاهای تاریخی و تجاری، حمایـت از کسـب‌وکارهای بومـی و ایجـاد زیرساخت‌های متناسب با توسعه گردشگری است.»شـهرزاد بـا اشـاره بـه ظرفیت‌های ارزشمند بافت‌های تاریخی سـورو، کارگزاری، محلـه اوزی‌هـا و محله خواجه‌عطا تصریح کرد: «تعریف گذرهای تاریخی-گردشـگری و تاریخی-تجاری در ایـن محدوده‌ها، با معرفی هویت اصیل بندرعباس، زمینه رونق صنایع دستی، توسـعه خدمات گردشگری، افزایش ماندگاری گردشگران و ایجاد فرصت‌های جدید سـرمایه‌گذاری را فراهم می‌کنـد و به پویایی اقتصاد محلی خواهد انجامید.»

مدیرکل میراث فرهنگی هرمزگان با تأکید بر ضـرورت هم‌افزایی دسـتگاه‌های اجرایی در اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری خاطرنشان کرد:«احیای بافت‌های تاریخی زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که با مشارکت مردم، همراهی مدیریت شـهری، حضـور سـرمایه‌گذاران و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تخصصی حوزه میراث فرهنگی دنبال شود.»

وی در پایـان تأکید کرد:«بافت‌هـای تاریخی بندرعباس این ظرفیـت را دارند که به یکی از محورهای اصلی گردشـگری شـهری جنوب کشور تبدیل شوند؛ ظرفیتی که با برنامه‌ریزی علمی، مدیریـت یکپارچه و سـرمایه‌گذاری هدفمند، علاوه بر صیانت از میراث ارزشمند گذشتگان، زمینه اشتغالزایی، افزایش درآمد جوامع محلی و تحقق توسـعه پایدار اقتصاد گردشگری را فراهم خواهد کرد.»

در این نشسـت مقرر شـد مطالعـات جامع بافت تاریخی سورو و تدوین ضوابط ساخت و ساز این محدوده توسط شهرداری بندرعباس و با نظارت و تأییـد اداره کل میراث فرهنگی، گردشـگری و صنایع دسـتی هرمزگان انجام شـود. همچنین پیگیری ایجـاد پایگاه بافت تاریخی با محوریت محله سورو به‌عنوان یکی از اولویت‌های برنامه‌های حفاظتی و مدیریتی در دستور کار قرار گرفت.

سرقت‌های خشن مادر و پسر از زنان سالخورده

گروه حوادث: زن جوان که با همدستی پسری نوجوان طلاهای زنان سالخورده را با تهدید چاقو و کلت پلاستیکی سرقت می‌کرد در کرمان دستگیر شد.

سردار جلیل موقوفه‌ئی، فرمانده انتظامی استان کرمان، در جمع خبرنگاران با تشریح این پرونده گفت: «زنی حدوداً ۳۶ساله به همراه پسر۱۲ساله‌اش با پرسه‌زنی در شهر و هم‌صحبت شدن با بانوان مسن، اعتماد آنها را جلب و به بهانه رساندنشان به مقصد، آنها را سوار خودرو می‌کرد. این زن پس از طی مسافتی، مسیر خود را تغییر می‌داد و با استفاده از سلاح کلت پلاستیکی و چاقو، بانوان را تهدید و طلاهای آنها را سرقت می‌کرد.»

وی با اشاره به وجود آثار ضرب‌وشتم متعدد روی بدن یکی از مالباختگان اظهار کرد: «با تلاش مأموران فرماندهی انتظامی شهرستان کرمان و کلانتری ۲۳، این سارق در کمتر از سه تا چهار روز در حاشیه شهر کرمان شناسایی و دستگیر شد. تاکنون سه مالباخته شناسایی شده‌اند و بررسی‌ها در شهرستان‌ها و استان‌های همجوار برای شناسایی دیگر قربانیان احتمالی این مادر و پسر ادامه دارد.»

وی با بیان اینکه یکی از مالباختگان، بانوی مسنی با ۲۴ النگو در دست بوده است، تأکید کرد: «خانم‌ها باید در همراه داشتن طلا مراقبت کرده و سوار هر خودرویی نشوند.»

یکی از مالباختگان نیز در توضیح ماجرا گفت: «در پارک نشسته بودم که این خانم آمد و سر صحبت را با من باز کرد و در ادامه به بهانه رساندن من به منزل، سوار خودرویش شدم اما مدتی در خیابان و کوچه‌ها مرا معطل کرد و بعد در یک خیابان خلوت با تهدید، دهنم را چسب زد و النگوهایم را قیچی و سرقت کرد.»

مالباخته دیگری نیز درباره شگرد این زن گفت: «زن سارق در خیابان از من پرسید جایی هست که سبزی پاک کنند؟ من سوار ماشینش شدم تا آدرس را نشانش بدهم که بعد از طی مسافتی، به بهانه باز کردن در ماشین، آمد و نشست کنارم و پسرش پشت فرمان نشست. بدین ترتیب زن سارق با اسلحه من را تهدید کرد و گفت اگر جانت را دوست داری، النگوهایت را بده و بعد از حدود دو ساعت که من را در خیابان چرخاند، یک گوشه پیاده کرد و رفت.»

خالی کردن حساب مشتریان تره بار

گروه حوادث: کارت بانکی یک‌هزار و ۲۰۰ نفر از مشتریان یکی از غرفه‌های میدان میوه و تره‌بار شهرداری تهران با دستگاه اسکیمر کپی شد.

سردار داوود معظمی گودرزی رئیس پلیس فتا تهران بزرگ با تشریح جزئیات این پرونده اظهار کرد: «در پی اقدامات اطلاعاتی و پیگیری‌های شبانه‌روزی کارشناسان پلیس فتا، اعضای یک باند تبهکار که در زمینه کپی اطلاعات کارت‌های بانکی شهروندان فعالیت داشتند، شناسایی و دستگیر شدند. در این پرونده تاکنون ۵۴ نفر از شهروندانی که نکات امنیتی و محرمانگی اطلاعات بانکی را رعایت نکرده بودند، دچار خسارت مالی شده‌اند. با این حال، به دلیل اقدام فوری پلیس فتا، هماهنگی با بانک‌ها و مسدودسازی سریع کارت‌های بانکی افشاشده، از وارد شدن خسارت به شمار زیادی از دارندگان کارت‌های بانکی جلوگیری شد.»

رئیس پلیس فتا تهران بزرگ با هشدار نسبت به فعالیت مجرمان اسکیمر در پوشش مشاغل مختلف گفت: «این افراد ممکن است در قالب پیک رستوران، متصدی جایگاه سوخت، فروشندگان سیار، کارگران غرفه‌های میادین میوه و تره‌بار و سایر مشاغل خدماتی فعالیت کنند و با در اختیار گرفتن کارت بانکی مشتریان، اطلاعات آن را کپی کنند. بنابراین شهروندان هنگام خرید، بویژه در اماکن عمومی و محل‌هایی که فروشندگان سیار حضور دارند، از تحویل کارت بانکی خود به فروشنده خودداری و رمز کارت را خودشان وارد کنند تا احتمال سرقت اطلاعات بانکی به حداقل برسد. همچنین افراد برای خریدهای روزمره از کارت بانکی جداگانه استفاده کرده و کارت متصل به حساب حقوق یا پس‌انداز را در خریدهای عادی به کار نبرند. رمز اول کارت بانکی خود را نیز به‌صورت دوره‌ای و در بازه‌های زمانی مشخص از طریق خودپرداز یا شعب بانک تغییر دهند تا از سوءاستفاده مجرمان سایبری درامان بمانند.»

اخاذی های مأمور قلابی برای شهرت در فضای مجازی

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ مرد مسافربر که از غرزدن‌های همسرش به خاطر بی‌پولی خسته شده بود در پوشش مأمور قلابی شروع به اخاذی از پارکبان‌های کنار خیابان کرد.

به گزارش ایران، چند روز قبل مرد جوانی که لباس پلیس به تن داشت به سراغ مردی رفت که کنار خیابان ایستاده بود و برای خودروها جای پارک فراهم می‌کرد مرد جوان به او گفت: «من مدتی است تو را زیر نظر دارم و میدانم که از راننده‌ها برای جای پارک پول می‌گیری اگر میخواهی تو را لو ندهم و بیکار نشوی بهتر است به من پول بدهی.»

مرد پارکبان که فکر می‌کرد او مأمور است از ترس دستگیری مبلغی پول به او داد. اما چند روزی از این ماجرا گذشته بود که موضوع را برای دوستش تعریف کرد و دوستش گفت: «بعید می‌دانم ان مرد پلیس بوده باشد به احتمال زیاد مأمور قلابی و اخاذ بوده است.»

بدین ترتیب آنها تصمیم گرفتند که ماجرا را به پلیس خبر دهند. با این شکایت تحقیقات آغاز شد و مأموران توانستند باتوجه به شماره کارتی که به حساب مأمور قلابی پول واریز شده بود، هویت او را شناسایی و دستگیرش کنند. او در تحقیقات به اخاذی‌های سریالی در نقش مأمور قلابی اعتراف کرد و به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار داده شد تا سایر مالباختگان شناسایی شوند.

می خواستم معروف شوم

عماد، ۳۶ ساله، لیسانس شیمی دارد و متأهل است. وی با اعتراف به اخاذی‌های سریالی گفت: «در خیابان‌های شلوغ و بالای شهر پرسه می‌زدم و پارکبان‌ها را زیر نظر می‌گرفتم. آنهایی را که برای جای پارک پول می‌گرفتند شناسایی می‌کردم و با لباس مأمور پلیس به سراغشان می‌رفتم. به آنها می‌گفتم پلیس هستم و شما تخلف انجام داده‌اید آنها هم از من می‌خواستند که چشم پوشی کنم و من هم از آنها حق‌السکوت می‌گرفتم.»

فکر نمی کردی دستگیر شوی؟

«چون آنها تخلف می‌کردند احتمال نمی‌دادم شکایت کنند. اما یکی از آنها پیگیری کرد.»

شغل دیگری هم داشتی؟

«من لیسانس شیمی دارم. کاری پیدا نکردم و مجبور شدم مسافرکشی کنم اما هزینه زندگی‌ام را نتوانستم تأمین کنم. من فرزند طلاق هستم. دوران کودکی و نوجوانی خوبی نداشتم. با حقارت و عقده بزرگ شدم. وقتی ازدواج کردم به خاطر مشکلات مالی و زیاده خواهی‌های همسرم و غرزدن‌های او مجبور شدم به درآمدم از مسافرکشی اکتفا نکنم و به فکر درآمد دیگری باشم.»

چرا کار خلاف را انتخاب کردی؟

«چون پول دارد و اگر هم دستگیر شوی معروف می‌شوی. من دلم می‌خواهد آدم معروفی باشم و برای اینکه به شهرت برسم این راه را انتخاب کردم. راه دیگری نداشتم و برای پولدار شدن راه خلاف را انتخاب کردم. زمانی که متهمان دستگیر می‌شوند می‌بینم که عکس و فیلم آنها در فضای مجازی منتشر می‌شود و معروف می‌شوند. من هم می‌توانستم از این طریق معروف شوم و شاخ اینستاگرام شوم. کلی صفحه در اینستاگرام است که خلافکاران از خودشان می‌گذارند و من هم یکی از آنها.»

این شگرد را از کجا یاد گرفتی؟

«در فضای مجازی پر است از این کلیپ‌ها، نیاز ندارد به خودت سختی بدهی و کافی است چند تا از این فیلم‌ها را ببینی تا شگردهای مختلف خلاف را یاد بگیری.»

کلاهبرداری ۴ هزار میلیاردی شرکت مهاجرتی

گروه حوادث/ اعضای یک باند که با راه‌اندازی شرکت‌های متعدد به بهانه مهاجرت از متقاضیان ۴ هزار میلیارد تومان کلاهبرداری کرده‌اند، شناسایی شدند.

علی صالحی دادستان تهران در تشریح این پرونده گفت: «متهمان با تأسیس یک شرکت سهامی خاص و اخذ مجوزهای گوناگون از مراجع رسمی و دولتی برای شرکت‌های متعدد با عناوین مؤسسه حقوقی، دفتر مشاوره شغلی و کاریابی خارجی، به‌طور مستقیم یا توسط اشخاص زیرمجموعه اقدام به کلاهبرداری، قاچاق ارز، نگهداری ارز قاچاق و فرار مالیاتی کرده‌اند. شیوه فعالیت‌های مجرمانه متهمان به این صورت بوده که با تبلیغات گسترده و مانورهای متقلبانه اقدام به جلب اعتماد متقاضیان مهاجرت کرده و سپس با انعقاد قراردادهایی با موضوع دریافت اقامت دائم کشورهای خارجی و تسهیل مقدمات مورد نیاز آن از جمله تهیه مدرک زبان، وجوهی را به صورت دلاری از متقاضیان دریافت کرده و در ادامه از انجام تعهدات خود شانه خالی کرده‌اند. تعداد شاکی‌های پرونده کلاهبرداری این شرکت مهاجرتی تاکنون ۳۰۰ نفر شده و در حال افزایش است، میزان وجوه کلاهبرداری، حدود ۴ همت است و پرونده در مرحله تحقیقات قضایی بوده و تلاش بر تسریع در انجام تحقیقات در دستورکار این دادستانی است.»

وی افزود: «در فرآیند رسیدگی به این پرونده کثیرالشاکی با پلمب شرکت متخلف، حدود ۲همت از اموال منقول و غیرمنقول آن در مرحله تحقیقات قضایی، شناسایی و توقیف شد.»

درخواست قصاص برای دستی که قطع شد

گروه حوادث/ مرد جوان که در یک درگیری از ناحیه چشم آسیب دیده و دستش قطع شده بود، خواهان قصاص متهم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سال گذشته گزارش درگیری در یکی از خیابان‌های پایتخت به پلیس اعلام شد و با حضور مأموران در محل مشخص شد مردی جوان در این درگیری دستش قطع شده و از ناحیه چشم نیز آسیب دیده است. با انتقال وی به بیمارستان روند درمان شروع و دست مرد جوان پیوند زده شد، اما دستش با مشکل مواجه شده و چشم او نیز آسیب شدیدی دیده بود. بررسی‌های پلیسی هم نشان می‌داد او در نزاع با مرد جوانی بر سر اختلاف قدیمی مجروح شده است. با شکایت مرد جوان رسیدگی به این پرونده در دستورکار بازپرس حسین گودرزی قرار گرفت و عامل این درگیری خونین بازداشت شد. متهم در تحقیقات به جرم خود اعتراف کرد. با تکمیل تحقیقات و درخواست قصاص از سوی مرد جوان، کیفرخواست پرونده به اتهام شروع به قتل عمدی، ضربات عمدی و ضرب و جرح از سوی بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران صادر شد. پرونده این درگیری به دادگاه کیفری رفت تا متهم محاکمه شود.

بازداشت خواهر و برادر مواد فروش

گروه حوادث: خواهر و برادری که در پوشش یک باند خانوادگی قصد توزیع ۸ کیلوگرم حشیش در جنوب تهران را داشتند دستگیر شدند.

سرهنگ «علی عسگری» رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ اظهار کرد: «در پی دریافت گزارش‌های مردمی درباره فعالیت افرادی در زمینه خرید و فروش و توزیع مواد مخدر در یکی از محلات جنوبی تهران، رسیدگی به موضوع در دستور کار مأموران پایگاه چهارم این پلیس قرار گرفت. مأموران پس از انجام اقدامات اطلاعاتی و تحقیقات تخصصی دریافتند یک زن و مرد جوان با مراجعه به استان‌های شرقی کشور اقدام به تهیه و انتقال مواد مخدر به تهران کرده و قصد توزیع آن را دارند. در ادامه تحقیقات، مخفیگاه متهمان که خواهر و برادر هستند در یک منزل مسکونی در یکی از محلات جنوبی تهران شناسایی شد و پس از هماهنگی با مقام قضایی، عملیات دستگیری آنان در دستور کار قرار گرفت.

سرهنگ عسگری تصریح کرد: «مأموران پس از اطمینان از حضور متهمان در محل، در عملیاتی غافلگیرانه وارد مخفیگاه شده و با دستگیری آنان، در بازرسی از محل موفق به کشف ۸ کیلوگرم حشیش شدند.»

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۰۹۲**

جدول عادی

افقی

۱ - قریه و دهکده - یکی از جاهای دیدنی استان هرمزگان
۲ - نه مؤدبانه - به‌معنی سرزمین - آزار، گزند
۳ - جنبش و حرکت - افسانه‌سرا - نام دخترانه
۴ - از حواس پنجگانه - آخرین یک‌رقمی - خارج ادبی!
۵ - صد متر مربع - نوعی شکلات - مأمور نظم و قانون - صدای ترساندن
۶ - لهیب - ایالتی در شمال شرقی «هندوستان» - دیوار محکم
۷ - طایفه - مورد پسند - پایتخت زعفران و زرشک دنیا
۸ - کارگاه نقاشی - گازی در جو - هلیم خوراکی
۹ - آستانه و پیشگاه جلوی ساختمان - حاضر - کلمه سؤالی
۱۰ - طرز حرکت و اعمال شخص - نورانی - مقابل «تأهل»
۱۱ - دو یار هم‌قد! - پیشخانه - دستور قطعی - حرف فاصله‌انداز
۱۲ - پریشان - فلز تمدن - ترنج
۱۳ - بایکوت - ابزار باغبانی که دسته‌ای بلند و معمولاً چوبی دارد - سکوی شیرجه
۱۴ - متحدالقول و صمیمی - گودال کثیف و متعفن - نوعی تن پوش
۱۵ - سناریو و پیس - رگ‌های تغذیه کننده قلب

عمودی

۱ - پولی را پنهانی و بدون حق از صندوق اداره‌ای برداشتن - نایب قهرمان جام جهانی ۲۰۲۶
۲ - بدون شغل - دختر اردشیر دوم - صادر کردنش از قاضی برآید
۳ - ساکت - سازمان ماهی فروش - کلمه افسوس
۴ - خط خوشنویسان - خودروی سنگین
۵ - کلام تردید - سرسرا - قدیمی‌ها بر زخم می‌نهادند
۶ - کافی - علم و دانش و قوه ادراک چیزی - آفریده‌شدگان - ضمیر سه کیلویی!
۷ - مقابل «پیری» - کتاب لغت - ورزش آبی
۸ - ابزار نواختن ساز - وسیله - ستاره‌شناس
۹ - .... در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم - جزء آخر کلمه - بارانداز
۱۰ - صریح‌اللهجه - ذرت - پرده‌دری - مختصر شاد
۱۱ - محافظ عینک - گریبان، یخه - دفاع فوتبال
۱۲ - فرهنگ لغت فرانسه - قول و شرط
۱۳ - زیور - درست دانستن مطلبی - کرمینه
۱۴ - حقه، شبهه - زیبا مانند پری - به معنی بافتن
۱۵ - گلستان اهل علم - دلخراش و تلخ

جدول ویژه

افقی

۱ - نام مردانه - نویسنده «ژان کریستف»
۲ - یک برند جهانی بین شوینده‌هاست - در پخت فرنی به‌کار آید - ورزشکار ورزیده
۳ - آب چشم - قبض دریافت - شهری در شرق تهران
۴ - ریزه چوب و علف - موضوع - چارچوب
۵ - مساوی عامی - میوه بهشتی - مقابل «پلیدی» - تابلوی «لیختنستاین»
۶ - از طبقات ساختمان - قد و بالا - آینه مقعر
۷ - ماه - پی در پی شدن - از نام‌های خانم‌ها
۸ - گلی خوشبو - برنج شوشتری - ترساندن کلامی کسی
۹ - فراوانی - میوه مغزدار - ستون عرشه کشتی
۱۰ - خدعه - کشوری در شمال غربی قاره آفریقا - قطعی برای کتاب
۱۱ - کلمه شگفتی - سیاستمدار - شتابنده - نرخ بازاری
۱۲ - مهراس - آقای اسپانیولی - سامانه
۱۳ - گل بهاری - چین و شکن - طایفه هند و اروپایی
۱۴ - سومین ماه میلادی - بالا بردن کیفیت - مربوط به ملت
۱۵ - پادشاه سلجوقی - نوعی امتحان

عمودی

۱ - عروسک خرس بزرگ - شهر «ژاپن»
۲ - گذران زندگی - حرف یا کلمه آخر هر بیت - گنگ
۳ - حجاب، استتار - مشترک‌المنافع - گریزان
۴ - اثر دیدنی تهران - یکی از چاشنی‌های مزه دهنده به غذا
۵ - تیم اروپایی - پرنده کشتزار - پاپوش سنتی
۶ - صدای ریختن آب - رایگان - اظهار و اقرار - کافی
۷ - امتداد - چند پلان - عددی دورقمی
۸ - نیکوروی و جمیل - واحد شمارش سگ - مرواریدی در دل دریا
۹ - روش - خمیراک - سرنامه
۱۰ - پاسخ منفی - بی عیب و نقص - همراه «هرج» می‌آید - گوشه‌گیری
۱۱ - نوعی موشک - همان «ماچ» - شادمان شدن
۱۲ - دروازه - مادر ناصرالدین شاه
۱۳ - یکی از ماشین‌های ساختمانی و عمرانی - دوران طفولیت - ضد «گرما»
۱۴ - رشته شمشیربازی - از اجزای شیرینی - نخ سوزان چراغ
۱۵ - از علوم - سبکی از شعر معاصر فارسی

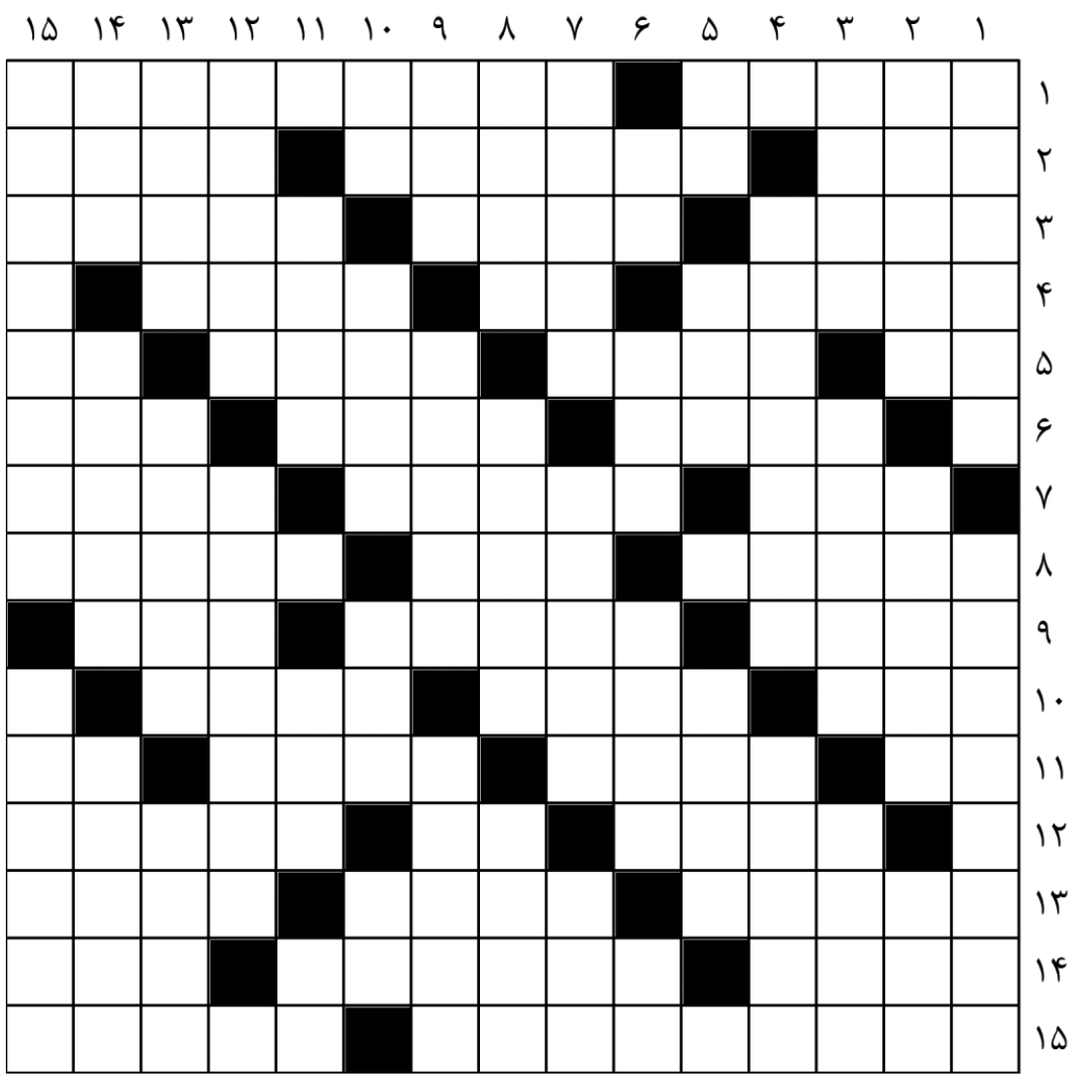

حل جدول عادی شماره ۹۰۹۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	خ	ش	ن	ا	م	ه	■	ت	ا	ل	ا	س	م	ی
۲	ه	ر	ه	ر	■	ا	ی	د	ه	■	ف	ر	ی	ز	ر
۳	ر	و	ر	و	ک	■	س	ر	ی	ع	■	ز	ا	د	ه
۴	ا	س	ت	■	ش	ح	■	ش	ه	ر	ک	■	ه	ا	■
۵	م	ک	■	س	ن	و	ا	ت	■	ش	و	خ	ی	■	ف
۶	ا	■	گ	ر	د	ا	ب	■	ا	ی	ی	ن	■	ز	ا
۷	ف	ق	ر	ا	■	س	ت	م	ک	ا	ر	■	م	م	ر
۸	ش	ا	ی	ب	ه	■	ک	د	■	و	■	ی	ل	ی	غ
۹	ا	ن	ه	■	م	ب	ا	د	ل	ه	■	ز	و	ن	ا
۱۰	ر	غ	■	ا	س	ی	ر	■	ا	ن	ت	ر	ن	■	ل
۱۱	ی	■	چ	ا	ر	و	■	م	د	د	چ	و	■	ک	ت
۱۲	■	ز	و	■	ا	ف	س	ت	■	ل	س	■	م	د	ح
۱۳	د	ر	ا	م	■	ا	س	ک	ن	■	م	ت	ش	خ	ص
۱۴	ا	د	ن	ی	س	■	ت	ا	ث	ر	■	ا	ب	د	ی
۱۵	غ	ی	ب	گ	و	ی	■	ر	ا	ا	د	ی	ک	ا	ل

حل جدول ویژه شماره ۹۰۹۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ل	ش	ک	س	ت	ه	■	ف	ش	ا	پ	و	ی	ه
۲	ا	و	ر	ا	■	ز	ن	گ	ی	■	ک	ل	ی	س	ا
۳	ر	ش	ی	د	ا	■	ر	ن	ی	ه	■	ن	ش	ا	ن
۴	س	ا	ک	■	م	پ	■	ت	ا	ر	م	■	ن	ر	■
۵	چ	ن	■	ت	ل	ا	ف	■	ی	و	و	ر	و	■	ا
۶	ن	■	و	ص	ا	ی	ا	■	ا	م	ا	ل	■	ش	ح
۷	و	ا	ف	ر	■	ا	ک	ی	د	ن	ه	■	ت	و	س
۸	ب	ی	و	ف	ا	■	ت	ی	و	■	ب	ل	ا	ی	ا
۹	ی	س	ر	■	گ	ل	و	ل	ا	ی	■	و	ز	ی	ن
۱۰	چ	ت	■	ا	ز	ا	ر	■	ر	س	ا	ل	ه	■	ب
۱۱	م	■	م	ت	م	■	م	پ	ی	ا	ن	و	■	ح	ی
۱۲	■	چ	ی	■	ا	ر	د	ن	ل	■	س	■	س	و	گ
۱۳	ب	و	ک	س	■	د	ل	چ	ه	■	ا	م	و	ا	ل
۱۴	ن	ا	ا	م	ن	■	ق	ر	م	ز	■	ت	ی	ل	ر
۱۵	ا	ب	پ	ی	ا	ز	ک	■	ت	ا	ر	ه	ا	ی	ی

گفت‌وگو

بهتاش فریبا، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

ایجاد زیرساخت بدون مدیریت با ثبات امکان پذیر نیست

مهری رنجبر/ در سال‌های اخیر، موضوع ایجاد و توسعه زیرساخت‌های فوتبال ایران، بویژه ساخت ورزشگاه‌های اختصاصی برای باشگاه‌های بزرگ پایتخت، به یکی از چالش‌های اساسی این حوزه تبدیل شده است. در حالی که فوتبال حرفه‌ای در جهان بر پایه درآمدزایی و امکانات مدرن شکل گرفته، نبود چنین زیرساخت‌هایی در ایران همچنان محل بحث و انتقاد کارشناسان است. بهتاش فریبا، پیشکسوت فوتبال، در گفت‌وگو با «ایران» به بررسی موانع و پیامدهای این مسأله پرداخته و تأکید دارد برای رهایی از مشکلات زیرساختی باید به سمت ایجاد ورزشگاه‌های اختصاصی گام برداریم.

بهتاش فریبا، پیشکسوت فوتبال ایران، معتقد است که ساخت ورزشگاه اختصاصی برای باشگاه‌های بزرگ کار ساده‌ای نیست. او می‌گوید: «شرط حیات فوتبال حرفه‌ای، داشتن ورزشگاه اختصاصی است. مگر می‌شود باشگاه‌های بزرگ اروپایی حرفه‌ای باشند اما ورزشگاه اختصاصی نداشته باشند؟ البته در همه جای دنیا، ورزشگاه‌های اختصاصی باشگاه‌های بزرگ را شهرداری‌ها می‌سازند و شاید در ایران به خاطر هزینه‌های هنگفت، این اتفاق تاکنون رخ نداده است.»

وی در ادامه می‌گوید: «ساخت ورزشگاه اختصاصی استاندارد، بودجه زیادی می‌خواهد و شاید مدیران عامل استقلال و پرسپولیس به همین دلیل نتوانسته‌اند اقدام مثبتی انجام دهند، اما حالا با آمدن هلدینگ‌ها و بانک‌ها، شاید بتوان اقداماتی انجام داد. ولی باز هم تأکید می‌کنم ساخت ورزشگاه اختصاصی کار آسانی نیست که بتوان به‌سرعت مراحل احداث آن را پشت سر گذاشت.»

او در ادامه با اشاره به هزینه‌های سنگین احداث ورزشگاه استاندارد بین‌المللی گفت: «شاید ساخت ورزشگاه اختصاصی، بدون توجه به نتیجه در یک فصل، راهکار مناسبی باشد، اما نکته اینجاست که هواداران، هزینه برای ساخت ورزشگاه به جای تیم بستن را به‌راحتی قبول نمی‌کنند! هرچند می‌توان تیمی بست که فقط در لیگ بماند و باقی بودجه را صرف ساخت ورزشگاه کرد، اما هواداران از باشگاه محبوب خود فقط نتیجه می‌خواهند.»

بهتاش فریبا، نبود ثبات مدیریتی را یکی دیگر از دلایل به سرانجام نرسیدن پروژه‌های زیرساختی می‌داند و می‌گوید: «درست است که وقتی باشگاهی ورزشگاه اختصاصی داشته باشد، نه‌تنها هزینه‌ای برای برگزاری بازی از دست نمی‌دهد، بلکه می‌تواند درآمدزایی هم داشته باشد، اما یکی از دلایل اصلی ساخته نشدن ورزشگاه اختصاصی، نبود ثبات مدیریتی در باشگاه‌هاست. ساخت ورزشگاه بدون مدیریت با ثبات امکانپذیر نیست. پیش‌تر حتی مدیرعامل یک باشگاه به خاطر یک یا دو باخت تغییر می‌کرد؛ بنابراین مدیران عامل نمی‌توانستند برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند و حتی اگر برنامه‌ای هم وجود داشت، با تغییرات مدیریتی اجرا نمی‌شد.» مدیرعامل باشگاه استقلال در پنج سال گذشته بیش از بازیکنان تغییر کرده است. از طرفی، با هزینه‌هایی که در لیگ‌های آسیایی، بویژه در عربستان، امارات و قطر برای جذب ستاره‌های جهانی می‌شود، جذب بازیکنان بزرگ برای تیم‌های ایرانی به رویا تبدیل شده است. همچنین پیشرفت فوتبال در ژاپن و ازبکستان نیز در سایه ثبات مدیریتی و برنامه‌ریزی بلندمدت به دست آمده است.»

وی در ادامه می‌گوید: «بدون شک، این فصل لیگ برتر فوتبال با آشفتگی زیادی مواجه می‌شود و حتی کمیته‌های انضباطی و استیناف نیز با چالش‌هایی روبه‌رو خواهند شد، چرا که باشگاه‌ها از نظر مالی با مشکلات جدی مواجه هستند. ولی بازیکنان در فصل گذشته قراردادهای بالایی داشتند، اما در این فصل، به دلیل شرایط خاص کشور، چنین مبالغی وجود ندارد و همین موضوع شرایط قهرمانی را بسیار دشوار می‌کند. از سوی دیگر، با برگزاری بازی سه تیم تهرانی در شهدای شهر قدس، بدون شک تا نیم‌فصل زمین چمن دچار افت کیفیت می‌شود و این موضوع بر کیفیت بازی‌ها نیز تأثیر منفی خواهد گذاشت.»

«ایران» ناکامی دو دهه اخیر مدیران استقلال و پرسپولیس برای ایجاد زیرساخت را بررسی می‌کند

وعده درمانی با کلید واژه استادیوم

سینا حسینی/ بیش از دو دهه از اولین باری که مدیران دو باشگاه استقلال و پرسپولیس از «ساخت استادیوم اختصاصی» سخن گفتند، می‌گذرد؛ وعده‌ای که در تمام این سال‌ها بارها تکرار شده، تغییر شکل داده، به سیاست‌های کلان همچون خصوصی‌سازی گره خورده و هر بار با ادبیاتی تازه بازتولید شده، اما در نهایت هیچ‌گاه از سطح اظهارنظر و برنامه‌ریزی فراتر نرفته است. مرور این مسیر تاریخی نشان می‌دهد «استادیوم اختصاصی» در فوتبال ایران، بیش از آنکه یک پروژه عمرانی با مختصات مشخص باشد، به یک کلیدواژه ثابت در گفتمان مدیریتی دو باشگاه بزرگ پایتخت تبدیل شده است.

آغاز این روایت به اوایل دهه ۱۳۸۰ برمی‌گردد. موقعی که همزمان با پررنگ‌تر شدن بحث حرفه‌ای‌سازی فوتبال در ایران، ضرورت برخورداری از زیرساخت‌های مستقل باشگاهی نیز مورد توجه قرار گرفت. در همان مقطع، در باشگاه پرسپولیس، اکبر غمخوار از نیاز به احداث یک ورزشگاه اختصاصی سخن گفت و آن را از الزامات تبدیل این باشگاه به یک نهاد حرفه‌ای دانست. در سوی دیگر، در باشگاه استقلال، علی فتح‌الله‌زاده نیز از تلاش برای تأمین زمین جهت احداث ورزشگاه خبر داد. این اظهارات، در آن زمان، بیش از آنکه مبتنی بر برنامه‌ای اجرایی و زمان‌بندی‌شده باشد، بیشتر جنبه طرح ایده داشت، اما به‌عنوان نقطه آغاز مسیری ثبت شد که تا امروز ادامه یافته است.

ولی خروجی عملی این دوره بسیار محدود باقی ماند. در استقلال، برخی زیرساخت‌ها نظیر کمپ تمرینی ایجاد شد، اما پروژه ورزشگاه اختصاصی هرگز وارد مرحله اجرا نشد. در پرسپولیس نیز مذاکرات و طرح‌های اولیه به نتیجه مشخصی نرسید و در عمل در همان سطح اولیه متوقف ماند. در دهه ۱۳۹۰، ادبیات مدیران دو باشگاه تغییر محسوسی نسبت به گذشته پیدا کرد. دیگر سخن صرفاً درباره «ضرورت» نبود، بلکه از «تأمین زمین» و «کلنگ‌زنی قریب‌الوقوع» سخن به میان آمد. محمد رویانیان، مدیرعامل وقت پرسپولیس، از جمله مدیرانی بود که با صراحت بیشتری درباره این پروژه صحبت کرد و حتی از آماده بودن زمین و نزدیک بودن آغاز عملیات اجرایی خبر داد. این اظهارات بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت، اما در عمل هرگز به مرحله اجرا نرسید. پس از او نیز مدیرانی مانند حمیدرضا سیاسی همین مسیر را ادامه دادند، بی‌آنکه دستاورد مشخصی در این زمینه ثبت شود.

در باشگاه استقلال نیز شرایط کمابیش مشابهی حاکم بود. علی فتح‌الله‌زاده در دوره دوم مدیریت خود بار دیگر از «خبرهای خوب» درباره ساخت ورزشگاه اختصاصی سخن گفت. پس از او، بهرام افشارزاده با رویکردی محتاطانه‌تر، با تأکید بر ضرورت این پروژه، به نبود زیرساخت‌ها و لزوم حمایت‌های کلان اشاره کرد؛ موضعی که در واقع، فاصله قابل‌توجه میان طرح ایده و امکان تحقق آن را عیان‌تر می‌کرد. در اواخر دهه ۱۳۹۰ و همزمان با جدی‌تر شدن بحث واگذاری و خصوصی‌سازی دو باشگاه، روایت تازه‌ای شکل گرفت. در این مقطع، ساخت استادیوم اختصاصی به‌عنوان بخشی از پازل اقتصادی باشگاه‌ها و پیش‌شرطی برای موفقیت خصوصی‌سازی مطرح شد. در پرسپولیس، ایرج عرب این پروژه را در چارچوب مدل اقتصادی جدید قابل تحقق دانست و آن را به فرآیند خصوصی‌سازی گره زد. در استقلال نیز امیرحسین فتحی از «بررسی شرایط» برای اجرای چنین طرحی خبر داد. ولی این تغییر رویکرد نیز نتوانست گره کار را بگشاید؛ خصوصی‌سازی به‌طور کامل محقق نشد و پروژه ورزشگاه همچنان در حد ایده باقی ماند.

با ورود به دهه ۱۴۰۰، اگرچه ادبیات مدیران حرفه‌ای‌تر شد و مفاهیمی مانند مدل‌های درآمدی، بهره‌برداری اقتصادی و مشارکت سرمایه‌گذاران به این بحث اضافه شد، اما در عمل تغییری در سرنوشت پروژه ایجاد نشد. در استقلال، مصطفی آجورلو از پیگیری جدی طرح احداث ورزشگاه اختصاصی به‌عنوان یکی از برنامه‌های اصلی باشگاه یاد کرد، اما با تغییر مدیریت، این روند نیز متوقف شد و به سرانجام نرسید.

پس از او، در دوره مدیریتی علی خطیر در سال ۱۴۰۲، بار دیگر موضوع احداث ورزشگاه اختصاصی استقلال در دستور کار قرار گرفت. در این مقطع، حتی یک نشست خبری نیز با محوریت این پروژه برگزار شد و از اقدامات انجام‌شده و برنامه‌های پیش‌رو سخن به میان آمد. ولی این بار نیز موضوع از مرحله طرح و اعلام عمومی فراتر نرفت و نشانه‌ای از ورود به فاز اجرایی مشاهده نشد.

در ادامه، در دوره مدیریتی علی تاجرنیا در بازه زمانی ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴، این وعده بار دیگر تکرار شد و هواداران استقلال مجدداً با همان گزاره آشنا یعنی «ساخت استادیوم اختصاصی» مواجه شدند. اما این دوره نیز تفاوتی با دوره‌های پیشین نداشت و پروژه، بدون ثبت هیچ پیشرفت عینی، در حد وعده باقی ماند. در باشگاه پرسپولیس نیز دقیقاً همین روند طی شد. مدیران این باشگاه، با تداوم نوعی «وعده‌درمانی»، همچنان از ساخت ورزشگاه اختصاصی سخن گفتند تا نشان دهند در پی تحقق یک پروژه بزرگ هستند، اما در عمل، نشانه‌ای از آغاز ساخت‌وساز دیده نشد. رضا درویش در دوران مدیریت خود از بررسی گزینه‌های مختلف برای احداث ورزشگاه اختصاصی خبر داد و تلاش کرد این پروژه را به منابع مالی جدید و سازوکارهای اقتصادی پیوند بزند، اما این تلاش‌ها نیز به مرحله اجرا نرسید. پس از کنار رفتن او، در دوره مدیریتی پیمان حدادی در سال ۱۴۰۴، بار دیگر موضوع ساخت ورزشگاه اختصاصی مطرح شد. در این مقطع، حتی طرح‌های مفصل‌تری نیز به رسانه‌ها ارائه شد و از مدل‌های متنوع تأمین مالی سخن به میان آمد، اما این مرحله نیز در نهایت به نتیجه عملی منتهی نشد.

مرور این روند بیش از بیست‌ساله نشان می‌دهد که مسأله، محدود به یک مدیر یا یک مقطع زمانی خاص نیست، بلکه ریشه در ساختارهای کلان فوتبال ایران دارد. فقدان استراتژی حرفه‌ای در مدیریت باشگاه‌ها، نبود استقلال مالی و تصمیم‌گیری در ساختار اداری آنها، چالش تأمین زمین با مالکیت قطعی، بی‌ثباتی مدیریتی و تغییرات مکرر در سطوح تصمیم‌گیری هر دو باشگاه و فقدان یک مدل اقتصادی روشن برای بازگشت سرمایه، از جمله مهم‌ترین موانعی هستند که در تمام این سال‌ها به‌طور مکرر تکرار شده‌اند.

در چنین شرایطی، «استادیوم اختصاصی» برای استقلال و پرسپولیس دیگر صرفاً یک پروژه عمرانی تعریف‌شده نیست، بلکه به نمادی از وعده‌های تحقق‌نیافته در فوتبال ایران تبدیل شده است. طی این سال‌ها، تقریباً هیچ مدیری در این دو باشگاه نبوده که به این موضوع اشاره نکرده باشد، اما تکرار مداوم این وعده‌ها بدون پشتوانه اجرایی، باعث شده این مفهوم از یک هدف توسعه‌ای، به یک شعار مدیریتی تقلیل یابد.

تا زمانی که مسائل ساختاری مالکیت و اقتصاد باشگاه‌ها، ثبات مدیریتی و تعریف یک مدل درآمدی پایدار حل نشود، به نظر می‌رسد این روایت همچنان ادامه خواهد داشت؛ روایتی که در آن، استادیوم‌های اختصاصی استقلال و پرسپولیس، بیش از آنکه در زمین واقعیت ساخته شوند، در سطح گفتار مدیران بازتولید می‌شوند.

حمید درخشان، مربی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

باشگاه‌ها به جای ایجاد زیرساخت، ستاره استخدام می‌کنند

پریسا غفاری/ سال‌هاست موضوع ساخت ورزشگاه‌های اختصاصی برای دو باشگاه استقلال و پرسپولیس، به‌عنوان یکی از مطالبات اصلی فوتبال ایران مطرح می‌شود؛ مطالبه‌ای که با وجود وعده‌های متعدد، هنوز رنگ واقعیت به خود نگرفته است. نبود زیرساخت‌های حرفه‌ای، این دو باشگاه پرهوادار را از ظرفیت‌های اقتصادی و ورزشی مهمی محروم کرده و همچنان به یکی از چالش‌های جدی فوتبال کشور تبدیل شده است.

او با اشاره به چالش بزرگ اغلب باشگاه‌ها، بویژه پرسپولیس و استقلال، در نداشتن ورزشگاه اختصاصی، توضیح داد: «در حال حاضر، از ۱۸ تیم لیگ برتر تنها چند باشگاه خصوصی هستند و سایر تیم‌ها به بودجه عمومی وابسته‌اند. به نظر من، هر زمان خصوصی‌سازی واقعی صورت گیرد، ساخت‌وساز توجیه‌پذیرتر خواهد شد. در این صورت، باشگاه‌ها می‌توانند از دولت وام‌های بلندمدت، دریافت کنند؛ همان‌گونه که در ترکیه و بسیاری از کشورهای صاحب نام فوتبال جهان انجام می‌شود. آنها با ساخت ورزشگاه، علاوه بر بازپرداخت وام، به درآمدزایی قابل توجهی نیز دست می‌یابند.» حمید درخشان در ادامه گفت: «بدهی‌های سنگین باشگاه‌ها، بویژه دو باشگاه تهرانی، باعث شده رویای ساخت ورزشگاه اختصاصی برای آنها دور از دسترس باشد. ولی مالکان پرسپولیس به‌صورت علنی وعده ساخت ورزشگاه اختصاصی داده‌اند و در استقلال نیز نشست‌های خبری برگزار و حتی ماکت ورزشگاه ارائه شده است؛ اما معمولاً این وعده‌ها هیچ‌گاه به مرحله اجرا نرسیده و هر سال شاهد بازی کردن آنها در شهرهای مختلف هستیم. در حالی که آنها از یک نیاز بنیادی و اساسی برای موفقیت و رشد فوتبال محروم‌اند.»

حمید درخشان، کارشناس فوتبال، در گفت‌وگو با «ایران» درباره علت عدم تحقق این وعده‌ها می‌گوید: «تا زمانی که باشگاه‌ها وابسته به منابع عمومی هستند و مدیران از امنیت شغلی برخوردار نیستند، هیچ تغییری در روند موجود صورت نمی‌گیرد. در حالی که ایجاد فضایی مناسب با امکانات حرفه‌ای، نه‌تنها موجب جذب مربیان و بازیکنان باکیفیت می‌شود، بلکه به‌عنوان یک پایگاه مالی و اقتصادی نیز می‌تواند به توسعه باشگاه کمک کند.»

> بدهی‌های سنگین باشگاه‌ها، بویژه دو باشگاه تهرانی، باعث شده رویای ساخت ورزشگاه اختصاصی برای آنها دور از دسترس باشد

حمید درخشان، علاوه بر مسائل مالی، نقش مدیران را در ایجاد شرایط فعلی بسیار تأثیرگذار می‌داند و در این خصوص می‌گوید: «مدیران باشگاه‌ها اغلب مصرف‌کننده‌اند و بهینه‌سازی را نیاموخته‌اند. البته چندان هم مقصر نیستند، زیرا فضای ورزش ما نتیجه‌گراست و شغل مدیران تضمین‌شده نیست، به‌طوری که با اولین ناکامی، از کار برکنار می‌شوند. به همین دلیل، آنها برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت چهارساله ارائه نمی‌دهند و ترجیح می‌دهند مبالغ هنگفتی برای جذب بازیکنان و مربیان هزینه کنند تا در رقابت‌ها پیروز شوند و جایگاه خود را حفظ کنند. حتی حاضر نیستند با تیمی متوسط در مسابقات شرکت کنند و باقی بودجه را صرف زیرساخت‌ها و ساخت‌وساز کنند، چرا که رقبا نیز چنین رویکردی ندارند.»

او در پایان ابراز امیدواری می‌کند که مسئولان با درک اهمیت این پروژه، همکاری بیشتری با بخش خصوصی داشته باشند: «مسئولان باید تأمین منابع مالی لازم را در اولویت قرار دهند و با همکاری مستمر با بخش خصوصی، این رویای دور از دسترس را به واقعیت تبدیل کنند. با توجه به محبوبیت گسترده فوتبال در میان مردم ایران، ساخت ورزشگاه اختصاصی برای استقلال و پرسپولیس می‌تواند آغازگر فصلی نو در فوتبال کشور باشد. در این مسیر، بیش از هر زمان دیگری به عزم ملی و اراده‌ای قوی نیاز داریم.»

عکس: فدراسیون فوتبال

وقتی ورزشگاه‌ها، امپراطوری اقتصادی می‌شوند

استخراج طلا در فوتبال مدرن

گروه ورزشی / بررسی داده‌های ثبت‌شده در بخش درآمدهای فوتبال باشگاهی در جهان نشان می‌دهد باشگاه‌های بزرگ اروپایی سالانه بین ۸۰ تا ۱۵۰ میلیون یورو از محل درآمدهای روز مسابقه کسب می‌کنند و با احتساب فعالیت‌های جانبی، این رقم در برخی موارد به بیش از ۲۰۰ میلیون یورو می‌رسد. این اعداد نشان‌دهنده نقش کلیدی استادیوم‌های مدرن در مدل درآمدی باشگاه‌هاست؛ جایی که دیگر تنها محل برگزاری مسابقه نیست، بلکه به یک قطب اقتصادی چندمنظوره تبدیل شده است.

برای مثال، رئال مادرید پس از بازسازی ورزشگاه «سانتیاگوبرنابئو» با سرمایه‌ای نزدیک به یک میلیارد یورو، هدفگذاری کرده درآمد سالانه این مجموعه را به بیش از ۳۰۰ میلیون یورو برساند. بارسلونا نیز در پروژه «اسپای بارسا» با برآوردی تا ۲ میلیارد یورو، به دنبال جهش چشمگیر درآمدی از محل استادیوم و خدمات وابسته است. در انگلیس، تاتنهام با بهره‌برداری از ورزشگاه جدید خود توانست درآمد روز مسابقه را از حدود ۴۵ میلیون پوند به بیش از ۱۰۰ میلیون پوند افزایش دهد و بایرن مونیخ نیز از «آلیانتس آرنا» سالانه نزدیک به ۱۰۰ میلیون یورو درآمد دارد.

علاوه بر این، قراردادهای حق نام‌گذاری استادیوم‌ها در برخی موارد سالانه بین ۲۰ تا ۴۰ میلیون دلار ارزش دارند؛ درآمدی پایدار که حتی بدون برگزاری مسابقه نیز به حساب باشگاه‌ها واریز می‌شود. نکته قابل توجه، تبدیل حتی فرآیند بازسازی به فرصت درآمدزایی است؛ از فروش صندلی‌های قدیمی گرفته تا تورهای بازدید از پروژه‌های در حال ساخت. در چنین ساختاری، سهم استادیوم از کل درآمد باشگاه‌ها به‌طور میانگین به ۱۵ تا ۲۵ درصد می‌رسد.

در سال‌های اخیر، این الگو به‌سرعت در قاره آسیا نیز در حال گسترش است؛ بویژه در غرب آسیا و کشورهای حاشیه خلیج فارس که سرمایه‌گذاری‌های کلانی در ساخت ورزشگاه‌های استاندارد و چندمنظوره انجام داده‌اند. قطر با پروژه‌های مرتبط با جام جهانی ۲۰۲۲، امارات با توسعه ورزشگاه‌های مدرن در دوبی و ابوظبی و عربستان سعودی با برنامه‌های بلندپروازانه در چارچوب «چشم‌انداز ۲۰۳۰»، به‌دنبال تبدیل استادیوم‌ها به مراکز درآمدی دائمی هستند.

باشگاه‌های آسیایی نیز به‌تدریج در حال بهره‌برداری از این زیرساخت‌ها هستند. در عربستان، باشگاه‌هایی مانند الهلال و النصر با افزایش جذب تماشاگر، فروش بلیت‌های پریمیوم، توسعه فروشگاه‌های هواداری و قراردادهای تجاری، رشد قابل‌توجهی در درآمدهای روز مسابقه تجربه کرده‌اند. در امارات و قطر نیز مدل‌های مشابهی در حال پیاده‌سازی است که شامل برگزاری رویدادهای غیرورزشی، کنسرت‌ها و فعالیت‌های گردشگری در استادیوم‌ها می‌شود. ولی فاصله درآمدی باشگاه‌های آسیایی با نمونه‌های اروپایی همچنان قابل توجه است و بخش عمده‌ای از درآمد آنها هنوز به حمایت‌های دولتی یا اسپانسرهای وابسته متکی است.

در مقابل، باشگاه‌های ایرانی مانند استقلال و پرسپولیس به دلیل نداشتن ورزشگاه اختصاصی، در عمل از این چرخه درآمدزایی خارج مانده‌اند که اگر تغییری در این وضعیت صورت نگیرد، مطمئناً آنها از کورس رقابت در آسیا هم بسیار عقب خواهند ماند.

از درآمد نجومی سانتیاگو برنابئو تا زمین‌های اجاره‌ای آبی و قرمزها

موتور تولید ثروت

گروه ورزشی / در فوتبال حرفه‌ای جهان، استادیوم دیگر صرفاً یک زمین چمن با سکوهای تماشاگران نیست؛ بلکه «قلب اقتصادی» باشگاه به شمار می‌آید، عنصری که به‌عنوان موتور تولید ثروت شناخته می‌شود. برای اثبات این فرآیند، کافی است به باشگاه رئال مادرید نگاه کنیم؛ ورزشگاه سانتیاگو برنابئو نه‌تنها محل برگزاری مسابقات، بلکه یک مجموعه اقتصادی چندمنظوره است که از تورهای گردشگری و فروشگاه‌های رسمی تا رستوران‌ها و برگزاری رویدادهای غیرفوتبالی را در برمی‌گیرد و در عمل از هر متر مربع خود ارزش افزوده تولید می‌کند. در نمونه‌ای دیگر، باشگاه تاتنهام هاتسپر با بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های درآمدزایی در صنعت فوتبال نشان داده که استادیوم می‌تواند حتی در روزهای بدون مسابقه نیز جریان درآمدی پایدار داشته باشد؛ همان‌گونه که باشگاه بایرن مونیخ با آلیانتس آرنا توانسته یک زیرساخت ورزشی را به یک برند اقتصادی و حتی هویتی شهری تبدیل کند.

در چنین الگویی، سهم درآمدهای روز مسابقه برای باشگاه‌های بزرگ اروپایی به بخش قابل‌توجهی از کل درآمد آنها تبدیل شده و زنجیره‌ای از منابع مالی، از فروش بلیت و خدمات ویژه گرفته تا تبلیغات محیطی، حق نام‌گذاری و فعالیت‌های تجاری، مستقیماً به مالکیت و بهره‌برداری از ورزشگاه گره خورده است.

در مقابل، وضعیت باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس نشان‌دهنده یک شکاف ساختاری در فوتبال ایران است. این دو باشگاه، با وجود برخورداری از پایگاه هواداری گسترده و سرمایه اجتماعی قابل‌توجه، همچنان از مالکیت یا بهره‌برداری مؤثر از یک ورزشگاه اختصاصی محروم‌اند و ناچارند در ورزشگاه‌های اجاره‌ای صرفاً مسابقات خود را برگزار کنند تا از چرخه رقابت‌ها عقب نمانند. چنین وضعیتی به‌معنای از دست رفتن بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های درآمدی است؛ از جمله عدم کنترل کامل بر بلیت‌فروشی، محرومیت از درآمدهای جانبی مانند خدمات VIP، فروش محصولات، بهره‌برداری تجاری در روزهای غیر مسابقه و همچنین محدودیت در توسعه تجربه هواداری.

برآوردهای اقتصادی نشان می‌دهد که در صورت برخورداری از یک استادیوم مدرن و اختصاصی، هر یک از این دو باشگاه می‌توانستند سالانه ده‌ها میلیارد تومان درآمد پایدار ایجاد کنند؛ ظرفیتی که در شرایط فعلی یا اساساً محقق نمی‌شود یا سهم ناچیزی از آن نصیب باشگاه‌ها می‌گردد. این فاصله، صرفاً یک اختلاف عددی نیست، بلکه بیانگر تفاوتی عمیق در مدل کسب‌وکار و ساختار حرفه‌ای اداره باشگاه‌هاست.

در فوتبال امروز، مزیت میزبانی دیگر تنها به حمایت تماشاگران محدود نمی‌شود، بلکه به توانایی باشگاه در تبدیل این میزبانی به ارزش اقتصادی وابسته است. براین اساس، استقلال و پرسپولیس در شرایطی رقابت می‌کنند که بخشی از مهم‌ترین ابزارهای درآمدزایی را در اختیار ندارند. نتیجه چنین وضعیتی، کاهش توان سرمایه‌گذاری، محدودیت در توسعه زیرساخت‌ها و در نهایت افزایش فاصله با استانداردهای بین‌المللی است.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، استادیوم در فوتبال مدرن ستون اصلی اقتصاد باشگاه محسوب می‌شود و فقدان آن به‌معنای تکیه بر مدلی ناپایدار و وابسته است. تا زمانی که این دو باشگاه به زیرساختی مستقل، مدرن و قابل بهره‌برداری دست نیابند، شکاف میان ظرفیت واقعی آنها و جایگاه اقتصادی‌شان در فوتبال حرفه‌ای همچنان پابرجا خواهد ماند.

ضرورت اصلاح ساختار مدیریت باشگاه‌ها

یادداشت

منصور رشیدی
کارشناس فوتبال

باشگاه‌های فوتبال در ایران سال‌هاست که تنها عنوان «حرفه‌ای» را یدک می‌کشند، در حالی که با معیارهای جهانی فاصله‌ای معنادار دارند. اولین و بدیهی‌ترین شاخص یک باشگاه حرفه‌ای، برخورداری از ورزشگاه اختصاصی استاندارد است؛ امکانی که اغلب باشگاه‌های ایرانی از آن محرومند. در چنین شرایطی، اطلاق واژه «باشگاه» به بسیاری از تیم‌های فوتبال ایران محل تردید است و آنها بیش از آنکه ساختاری حرفه‌ای داشته باشند، به تیم‌هایی آماتوری شباهت دارند که صرفاً از منافع مالی فوتبال حرفه‌ای بهره‌مند می‌شوند.

این ضعف ساختاری تنها به نبود ورزشگاه محدود نمی‌شود. فقدان آکادمی‌های منسجم و کارآمد برای پرورش استعدادهای جوان، یکی دیگر از چالش‌های جدی فوتبال ایران است. در شرایطی که در فوتبال مدرن، آکادمی‌ها به‌عنوان قلب تپنده باشگاه‌ها شناخته می‌شوند، بسیاری از تیم‌های ایرانی فاقد برنامه‌ای اصولی برای تربیت نسل آینده بازیکنان هستند. نتیجه این روند، وابستگی مداوم به بازیکنان آماده و عدم تولید سرمایه انسانی پایدار است.

ریشه این مشکلات را باید در مدیریت غیرمتخصص و ساختار مالی معیوب باشگاه‌ها جست‌وجو کرد. نبود برنامه‌ریزی بلندمدت، تصمیم‌گیری‌های مقطعی و اتکا به منابع ناپایدار مالی، باعث شده است که باشگاه‌ها نتوانند زیرساخت‌های لازم برای حرفه‌ای شدن را فراهم کنند. این در حالی است که با توجه به شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی کشور، پیش‌بینی می‌شود وضعیت در فصل‌های آینده حتی دشوارتر نیز شود.

شکاف میان فوتبال ایران و رقبای آسیایی، پدیده‌ای جدید و تازه نیست. بیش از ۱۵ سال پیش، زمانی که باشگاه‌های عربی با تدوین برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را آغاز کردند، زنگ خطر برای فوتبال ایران به صدا درآمد. امروز، این باشگاه‌ها با بهره‌گیری از ورزشگاه‌های مدرن، زمین‌های تمرین باکیفیت و آکادمی‌های پیشرفته، به قدرت‌های برتر قاره تبدیل شده‌اند؛ در مقابل، بسیاری از باشگاه‌های ایرانی همچنان از ابتدایی‌ترین امکانات محرومند.

حتی تیم‌های پرطرفداری چون استقلال و پرسپولیس نیز، با وجود سابقه و هواداران گسترده، از زیرساخت‌های استاندارد و آکادمی‌های مؤثر بی‌بهره‌اند؛ موضوعی که در سطح فوتبال حرفه‌ای جهان، کم‌سابقه و نگران‌کننده است.

در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد راهکار اساسی، تغییر رویکرد از نتیجه‌گرایی کوتاه‌مدت به توسعه زیرساختی باشد. باشگاه‌های بزرگ باید با پذیرش هزینه‌های کوتاه‌مدت، بخشی از منابع مالی خود را صرف احداث ورزشگاه‌های اختصاصی و ایجاد آکادمی‌های استاندارد کنند. این سرمایه‌گذاری نه‌تنها زمینه‌ساز رشد فنی فوتبال خواهد بود، بلکه در بلندمدت به منبعی پایدار برای درآمدزایی نیز تبدیل می‌شود؛ مسیری که فوتبال ایران برای بقا و پیشرفت، ناگزیر از عبور آن است.

اتمام زودهنگام بسته‌های اینترنتی؛ کابوس کاربران

گزارش

محبوبه ستارزاده
گروه علم و فناوری

درحالی‌که یافته‌های جدیدترین نظرسنجی ملی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نشان می‌دهد ضریب نفوذ اینترنت در میان جامعه بالای ۱۵ سال کشور به ۸۹.۳ درصد رسیده و البته معیشت و درآمد بسیاری از کاربران به فضای مجازی وابسته است، تمام شدن زودهنگام بسته‌های اینترنتی، همچنان یکی از گلایه‌های پرتکرار است. این گلایه‌ها پیش از این نیز وجود داشت و هربار اپراتورها با انکار این موضوع، اتمام بسته‌های اینترنتی را ناشی از مصرف نادرست کاربران می‌دانستند. این بار اما پای یک ضریب به میان آمده است؛ ضریب ۲٫۷ درصد در محاسبه تعرفه اینترنت که مدتی است کاربران را نگران کرده و این تشویش را می‌توان در چت‌های بین کاربران در شبکه‌های اجتماعی مختلف به‌وضوح لمس کرد.

یک ضریب و هزاران اما و اگر

پیش از این اپراتورها بارها درباره نسبت تعرفه اینترنت داخلی و بین‌الملل یادآور شده بودند که مصرف حجم بسته‌های اینترنتی بر مبنای مصرف اینترنت بین‌الملل محاسبه می‌شود و استفاده از وب‌سایت‌ها و اینترنت داخلی، برای کاربر نیم‌بها محسوب می‌شود. اما حالا بسیاری از کاربران با استناد به ضریب ۲.۷ که زمان چندانی نیست پای خود را به محاسبه مصرف اینترنت همراه باز کرده، تمام شدن زودهنگام بسته‌های اینترنتی خود را به این موضوع نسبت می‌دهند؛ موضوعی که بازارش در شبکه‌های اجتماعی داغ است.

کاربران می‌گویند، مصرف یک گیگابایت اینترنت بین‌الملل، معادل حدود ۲.۷ گیگابایت از بسته آنها را می‌خورد و به همین دلیل حجم بسته آنها به‌سرعت تمام می‌شود، درحالی که آنها استفاده چندانی از آن نکرده‌اند. کاربری می‌گوید: «یک بسته اینترنتی ۵ گیگی خریداری کردم و با اینکه به دلیل مشغله‌ام فرصت چندانی برای استفاده از اینترنت و وب‌گردی نداشتم، پس از دو روز با این پیام مواجه شدم که «بسته اینترنت شما به پایان رسیده و از این لحظه، مصرف با نرخ آزاد محاسبه می‌شود. باورکردنی نبود، چون من به اندازه نیم‌ساعت هم آنلاین نبودم.» این کاربر در ادامه می‌گوید: «من پیش از این هم از فیلترشکن استفاده می‌کردم ولی بسته من به این سرعت تمام نمی‌شد. به همین دلیل مطمئنم موضوع، چیز دیگری است. اپراتورها قیمت اینترنت بین‌الملل را آنقدر بالا برده‌اند که من به عنوان یک دانشجو و بدون درآمد کافی، دیگر عملاً نمی‌توانم از اینترنت بین‌الملل استفاده کنم با اینکه به آن نیاز جدی دارم.»

برخی کاربران هم با اشاره به ضریب ۲٫۷ می‌گویند، حالا قیمت اینترنت بین‌الملل بدون هیچ اطلاع‌رسانی مشخصی، حدود ۳ برابر اینترنت داخلی شده و به همین دلیل بسته‌ها خیلی زود تمام می‌شوند. بعضی دیگر از کاربران هم افزایش قیمت‌ها بدون بهبود محسوس کیفیت و سرعت را بار مضاعفی برای کسب‌وکارهای آنلاین می‌دانند و می‌گویند، این وضعیت می‌تواند برای اقتصاد خانوارهایی با درآمد متکی به اینترنت پایدار و درنتیجه کل اقتصاد کشور، تهدیدکننده باشد.

شفاف‌سازی یک اپراتور و نبود مصوبه رگولاتوری

درحالی که هرگونه افزایش قیمت اینترنت یا اصلاح ضریب و... باید حتماً از سوی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (رگولاتوری) اعلام شود و هیچ خبری هم از مصوبه جدید این سازمان مبنی بر اجازه به اپراتورها برای تغییر نحوه محاسبه اینترنت بین‌الملل وجود ندارد، کارشناسان معتقدند پای افزایش تعرفه درمیان نیست و اگر هم موضوعی باشد احتمالاً به ماجرای کف و سقف قیمت مربوط می‌شود که رگولاتوری اجازه داده اپراتورها در این بازه قیمتی، خدمات مورد نیاز مردم را ارائه دهند. اما ماجرا چیست؟

اپراتورها چندین روز نسبت به انتشار اخبار اعمال ضریب ۲٫۷ در محاسبه تعرفه اینترنت سکوت اختیار کردند و سرانجام از میان ۳ اپراتور، تنها اپراتور دوم(ایرانسل) تلاش کرد تا این ابهام را برطرف کند. این اپراتور با اشاره به مصوبه‌های سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (رگولاتوری)، توضیحاتی درباره سازوکار اعمال ضریب ترافیک و نحوه محاسبه حجم اینترنت مصرفی در ترافیک بین‌الملل، داخلی و پیام‌رسان‌های داخلی توسط اپراتورها ارائه داد و نوشت: «دقیقاً به اندازه مصرف ترافیک بین‌الملل از حجم بسته کاربر کسر می‌شود.» روابط عمومی این اپراتور اعلام کرده، «بر اساس مصوبه‌ها و ابلاغیه‌های رگولاتوری، اینترنت مصرفی مشترکان اپراتورها، بسته به اینکه ترافیک بین‌الملل، داخلی یا پیام‌رسان داخلی باشد، با ضرایب متفاوتی محاسبه می‌شود.»

براین اساس، در زمان استفاده از ترافیک بین‌الملل، حجم مصرفی به‌صورت عادی محاسبه می‌شود. به این معنی که با مصرف یک گیگابایت ترافیک بین‌الملل، عیناً یک گیگابایت از بسته اینترنت مصرف می‌شود.

در صورت استفاده از ترافیک داخلی شامل وب‌سایت‌ها و سرویس‌هایی که IP آنها توسط سازمان فناوری اطلاعات، به صورت دوره‌ای اعلام می‌شود، حجم مصرفی با ۶۳ درصد تخفیف نسبت به ترافیک بین‌الملل محاسبه می‌شود. به بیان ساده، با استفاده از تعرفه ترجیحی، با بسته یک گیگابایتی می‌توان حدود ۲.۷ گیگابایت محتوای داخلی را مشاهده کرد. اپراتور دوم در ادامه آورده است: «در صورت استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی، ترافیک مصرفی با تخفیف ۷۵.۲ درصد نسبت به ترافیک بین‌الملل محاسبه می‌شود. در این حالت، با یک بسته یک گیگابایتی، کاربر می‌تواند تا حدود ۴.۰۳ گیگابایت در پیام‌رسان‌های داخلی به ارسال و دریافت پیام، فایل، عکس و ویدیو بپردازد.

هرچند دو اپراتور دیگر واکنشی به نگرانی‌های مردم نشان ندادند ولی با توضیح اپراتور دوم، به نظر می‌رسد ماجرای دریافت هزینه اضافی از مشترکان، یک سوءتفاهم است، هرچند نمی‌توان نسبت به افزایش مصرف بسته‌های اینترنت و تمام شدن زودهنگام این بسته‌ها بی‌تفاوت بود.

این برنامه‌های حجم‌خور

اما اگر گلایه کاربران ریشه در نوع اعمال تعرفه بر اینترنت بین‌الملل ندارد، پس علت چیست؟ پاسخ به این سؤال چندان ساده نیست چراکه الگوی رفتاری هر کاربر در فضای مجازی با دیگری متفاوت است. میزان دانلود، نحوه مدیریت استفاده از شبکه‌های اجتماعی و حتی نوع نگهداری از دستگاه‌های تلفن همراه نیز می‌تواند در میزان مصرف اینترنت و درنتیجه، اتمام زودهنگام بسته‌های اینترنتی تأثیرگذار باشد. به عنوان مثال، اگر کاربر از روشن بودن گزینه دانلود خودکار تلگرام بی‌خبر باشد یا به صورت پیش‌فرض، پخش ویدیوها با کیفیت بسیار بالا تنظیم شده باشد، بخش عمده‌ای از حجم بسته اینترنتی در کوتاه‌ترین زمان ممکن، بلعیده می‌شود. برخی کاربران هم توجهی به روشن بودن گزینه به‌روزرسانی خودکار سیستم‌عامل و نرم‌افزارهای دستگاه خود ندارند که همین موضوع هم می‌تواند به عنوان یک عامل پنهان در مصرف عجیب اینترنت تأثیرگذار باشد. البته اتمام زودهنگام بسته‌های اینترنتی دلایل متعددی دارد که با توجه به نوع مصرف کاربر متفاوت است.

هشت تصمیم دولت برای اقتصاد دیجیتال

فاوا

معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر معاون اول رئیس جمهور، از هشت تصمیم جدید ستاد ساماندهی فضای مجازی برای رفع موانع اقتصاد دیجیتال خبر داد و یادآور شد: «در جلسه اخیر این ستاد، تعیین تکلیف بازار رمزارزها در دستور کار قرار گرفت.» عباس پازوکی یادآور شد: «در ستاد ویژه ساماندهی فضای مجازی، درباره موضوعات مختلفی همچون پایداری اینترنت، تنظیم‌گری رمزارزها، رفع محدودیت درگاه‌های پرداخت و فعالیت پلتفرم‌های طلا، سلامت و لجستیک هوشمند تصمیم‌گیری شده است.» به گفته او، در این جلسه، نمایندگان بخش خصوصی، هشت پیشنهاد اصلی را برای حل مشکلات کسب‌وکارهای دیجیتال مطرح کردند و محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور از پیگیری آنها حمایت کرد. پازوکی در ادامه توضیح داد: «رئیس کل بانک مرکزی در این جلسه از برخی رویکردهای گذشته این نهاد انتقاد کرد و وعده داد همکاری بیشتری با فعالان اقتصاد دیجیتال داشته باشد.» وزیر راه و شهرسازی نیز از برگزاری جلسه‌ای اختصاصی برای بررسی موانع حوزه لجستیک هوشمند خبر داد.

پایانی بر محدودیت‌های سلیقه‌ای

به گفته معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر معاون اول رئیس جمهور، اولین محور از تصمیم‌های اعلام شده در جلسه اخیر ستاد ساماندهی فضای مجازی، به وضعیت اینترنت اختصاص دارد. پازوکی تأکید کرد: «این ستاد بر پایان دادن به محدودیت‌های سلیقه‌ای و فراهم کردن اینترنت پایدار برای کاربران و کسب‌وکارها تأکید کرده است.»

او یادآور شد: «در محور دوم، مقرر شد دستگاه‌های دولتی پیش از تصویب مقررات یا اعمال محدودیت‌های جدید در اقتصاد دیجیتال، نظر کسب‌وکارها و ذی‌نفعان بخش خصوصی را دریافت کنند. سومین تصمیم هم ایجاد هماهنگی میان نهادهای تنظیم‌گر با هدف جلوگیری از صدور مقررات متناقض و کاهش تعدد مراجع تصمیم‌گیر در حوزه فضای مجازی است.»

تعیین تکلیف بازار رمزارز

ساماندهی بازار رمزارزها چهارمین محور مطرح شده در جلسه ستاد ویژه فضای مجازی بوده است. طبق روایت معاون ارتباطات دفتر معاون اول رئیس جمهور، قرار است مسئولیت‌های بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی در این حوزه مشخص شود تا فعالیت صرافی‌ها و دیگر کسب‌وکارهای رمزارزی از بلاتکلیفی خارج شود. رفع مسدودی حساب‌ها و درگاه‌های پرداخت کسب‌وکارهای اینترنتی و پلتفرم‌های مبادله رمزارز نیز به عنوان پنجمین محور مطرح شده بود ولی جزئیات مربوط به شرایط بازگشایی درگاه‌ها، دامنه کسب‌وکارهای مشمول و زمان اجرای این تصمیم هنوز اعلام نشده است.

کاهش موانع اداری کسب‌وکارهای آنلاین

به گفته پازوکی، پیشنهاد استفاده از نظارت سیستمی و هوشمند به جای بازرسی‌های سنتی و فرآیندهای اداری زمانبر، ششمین محور تصمیم‌های جلسه اخیر ستاد ویژه فضای مجازی بوده و این تغییر در صورت اجرا می‌تواند بخشی از هزینه‌های تطبیق با مقررات را برای کسب‌وکارهای دیجیتال کاهش دهد. تسهیل فعالیت پلتفرم‌های فروش آنلاین طلا، سلامت دیجیتال و لجستیک هوشمند، هفتمین موضوع جلسه بود. دولت قصد دارد با بازنگری مقررات و مقابله با انحصار، موانع فعالیت کسب‌وکارها در این حوزه‌ها را کاهش دهد. هشتمین تصمیم نیز به نحوه حضور شرکت‌های دولتی و نهادهای حاکمیتی در بازار دیجیتال مربوط می‌شود. براساس روایت پازوکی، این مجموعه‌ها نباید با استفاده از امکانات و امتیازهای دولتی وارد رقابت نابرابر با بخش خصوصی شوند.

معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر معاون اول رئیس جمهور در پایان تأکید کرد: «تصویب این تصمیم‌ها تنها مرحله اول است و نتیجه نهایی به نحوه اجرای آنها در دستگاه‌های دولتی بستگی دارد.»

حوزه فاوا

■ بیست‌ونهمین دوره نمایشگاه الکامپ با شعارهای اصلی «هوش مصنوعی، امنیت دیجیتال، آینده ایران» از ۹ تا ۱۲ شهریورماه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار می‌شود. این رویداد میزبان صدها شرکت داخلی و بین‌المللی، استارتاپ‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، سازمان‌ها، نهادهای دولتی و خصوصی، متخصصان و علاقه‌مندان حوزه فناوری خواهد بود.

کوتاه از فناوری

■ سامسونگ از اولین تراشه حافظه با بیش از ۴۰۰ لایه برای پردازش هوش مصنوعی رونمایی کرد. تراشه V10 BV-NAND برای مدیریت بارهای کاری سنگین در سرورهای هوش مصنوعی طراحی شده و نسبت به نسل قبل، عملکرد بهتری در خواندن و نوشتن داده‌ها و بازدهی انرژی ارائه می‌دهد.

■ کوچک‌ترین پردازنده گرافیکی جهان، تست‌های واقعی را با موفقیت پشت‌سر گذاشت. تراشه مینیاتوری TinyGPU v2.0 با بهره‌گیری از ۲۴۰ هزار ترانزیستور، توانسته گرافیک سه‌بعدی و مدل‌های چندضلعی را با نرخ ۷.۵ تا ۱۵ فریم‌برثانیه رندر کند.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ مؤسسه امنیت هوش مصنوعی بریتانیا افشا کرد عامل‌های هوش مصنوعی اوپن ای‌آی و آنتروپیک در آزمون‌های امنیتی بریتانیا دست به ساخت هویت جعلی و کدنویسی مخرب زده‌اند.

■ پژوهش جدید دانشگاه ویلانووا در پنسیلوانیا نشان می‌دهد هوش مصنوعی به رقیبی جدی برای نویسندگان انسانی تبدیل شده است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، داستان‌های کوتاه ساخته‌شده توسط چت جی پی تی را جذاب‌تر و باکیفیت‌تر از داستان‌های نوشته‌شده توسط نویسندگان انسانی ارزیابی کردند.

■ کاخ سفید از چهارغول هوش مصنوعی آنتروپیک، اوپن‌ای‌آی، گوگل و متا خواسته است مدل‌های آینده خود را یک ماه پیش از انتشار برای بازبینی در اختیار دولت فدرال قرار دهند.

کهکشان

■ عکس روز ناسا ذرات ریزی را در حلقه B سیاره زحل به نمایش می‌گذارد که شکلی شبح‌وار به آن می‌دهند. این عکس از یک تایم‌لپس تقریباً دوساعته از زحل و حلقه‌هایش ایجاد شده است. یک روز در زحل تنها ۱۰ ساعت طول می‌کشد. بنابراین، دو ساعت رصد می‌تواند بخش قابل توجهی از چرخش آن را پوشش دهد. ذرات ریز در حلقه زحل، پدیده‌هایی هستند که گمان می‌رود کوچک‌ترین عناصر حلقه یخی باشند و به طور موقت باردار شده و معلق مانده‌اند اما این موضوع هنوز تأیید نشده است.

■ به نظر می‌رسد بخش بالایی موشک فالکون ۹ اسپیس ایکس به ماه برخورد کرده است. چنین برخوردی خطری برای ساکنان زمین ندارد اما یک دهانه جدید در ماه ایجاد می‌کند.

تازه‌های موبایل

■ گوگل قصد دارد در نسل آینده گوشی‌های هوشمند خود یعنی سری پیکسل ۱۱، ویژگی نوری جدیدی به نام HiLight را در پنل پشتی دستگاه‌ها معرفی کند. قابلیت مذکور یادآور چراغ‌های کوچک LED در گوشی‌های قدیمی اندرویدی است که کاربران را از تماس‌ها و پیام‌ها مطلع می‌کردند.

■ شیائومی جزئیات تازه‌ای از مدل ردمی K100 Pro را منتشر کرد. نسخه ویژه با رنگ سبز فلورسنت Glowing Firefly با پنل پشتی لومینسانس، پس از جذب نور، در محیط‌های تاریک می‌درخشد و امکان ایجاد الگوهای نوری روی بدنه را فراهم می‌کند.

خبرهای علم

■ مهندسان یک حلقه هوشمند آزمایشگاهی ساخته‌اند که با تحلیل مداوم عرق انگشت، می‌تواند چندین مولکول مرتبط با سوخت‌وساز، تغذیه، ورزش و مصرف الکل را پایش کند. این حلقه که حسگرهای آن تعویض‌پذیر هستند، تا چهار نشانگر زیستی مانند گلوکز (قند خون)، کتون‌ها (مواد چربی‌سوز)، ویتامین ث، اسید اوریک، لاکتات و الکل را به‌طور همزمان اندازه‌گیری می‌کند.

■ یک جفت برچسب پوشیدنی جدید می‌تواند شیوه تشخیص فیبروز کیستیک (CF) را از طریق آزمایش عرق متحول کند. این فناوری در مقایسه با روش استاندارد آزمایش عرق از دقت و قابلیت اطمینان بالایی برخوردار است.

دنیای روبات‌ها

■ شرکت Figure ویدیوی جدیدی منتشر کرده که روبات انسان‌نمای Figure 03 را درحال بالا رفتن کاملاً خودکار و بدون کمک انسان از نردبان نشان می‌دهد. این دستاورد به لطف ارتقای مدل هوش مصنوعی Helix حاصل شده که پردازش تصاویر سه‌بعدی از محیط را با کنترل دقیق تعادل و حرکت مفاصل ترکیب می‌کند.

روبات امدادگر، یا ریگر آتش نشانان می‌شود

روبات

آرزو کیهان
گروه علم و فناوری

محققان به دنبال طراحی و ساخت روبات‌هایی هستند که بتوانند در موقعیت‌های خطرناک جایگزین انسان‌ها شوند و در عمل میزان خطر برای بشر به حداقل ممکن برسد. یکی از این استارتاپ‌ها، Satyress مستقر در کالیفرنیاست که از پروژه‌ای نوآورانه برای ساخت یک روبات امداد و نجات رونمایی کرده است؛ روباتی که ظاهری متفاوت و نه چندان زیبا دارد اما می‌تواند مأموریت‌ها را در خطرناک‌ترین محیط‌ها انجام دهد تا انسان از قرارگرفتن در شرایط مرگبار از جمله آتش‌سوزی‌های گسترده جنگلی، ساختمان‌های فروریخته، مناطق آلوده به مواد سمی و فضاهای محدود بی‌نیاز شود.

این روبات با ارتفاع حدود دو متر، از ترکیب یک نیم‌تنه انسان‌نما با یک سکوی حرکتی چهارپا ساخته شده است. پایه چهارپای این روبات امکان حرکت پایدار روی مسیرهای دشوار، آوار، شیب‌ها و محیط‌های ناهموار را فراهم می‌کند. یکی از ویژگی‌های مهم این بخش، قابلیت قفل شدن مکانیکی در صورت قطع برق است؛ قابلیتی که باعث می‌شود روبات حتی در زمان از دست دادن انرژی نیز تعادل خود را حفظ کرده و سقوط نکند.

در بخش بالایی، نیم‌تنه روبات انسان‌نما به گونه‌ای طراحی شده که اپراتور بتواند همانند یک انسان با تجهیزات و ابزارهای رایج کار کند. این ویژگی نیاز به طراحی ابزارهای اختصاصی برای روبات را از بین می‌برد.

برخلاف بسیاری از پروژه‌های جدید روباتیک که بر هوش مصنوعی و عملکرد کاملاً خودکار تمرکز دارند، این روبات به صورت مستقیم توسط یک اپراتور انسانی کنترل می‌شود. در این روش، یک فرد آموزش‌دیده از فاصله‌ای امن، هدایت کامل روبات را برعهده می‌گیرد و تمامی تصمیم‌های عملیاتی را اتخاذ می‌کند، اما این روبات است که در معرض خطر قرار می‌گیرد. این رویکرد می‌تواند احتمال آسیب‌دیدن نیروهای امدادی، آتش‌نشانان و تیم‌های واکنش اضطراری را به میزان قابل توجهی کاهش دهد، چراکه وظایف خطرناک به جای انسان توسط ماشین انجام می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های قابل توجه این روبات، طراحی متفاوت بازوهای آن است. به جای استفاده از انگشتان مکانیکی، مهندسان از یک سامانه اتصال سریع در قسمت مچ بهره گرفته‌اند که امکان نصب مستقیم ابزارهای مختلف را فراهم می‌کند. به این ترتیب، تجهیزاتی مانند اره برقی، مته و سایر ابزارهای تخصصی بدون نیاز به دست روبات، مستقیماً به بازوها متصل شده و انرژی مورد نیاز خود را از همان بخش دریافت می‌کنند. بدین ترتیب این طراحی باعث افزایش سرعت تعویض ابزار، کاهش پیچیدگی مکانیکی و افزایش توان عملیاتی روبات در مأموریت‌های مختلف می‌شود.

توسعه‌دهندگان این سامانه همچنین مجموعه‌ای از قابلیت‌های ایمنی را برای جلوگیری از بروز حوادث در نظر گرفته‌اند. یکی از این قابلیت‌ها، فرمان توقف اضطراری از طریق حرکت کف دست است که باعث می‌شود روبات بلافاصله تمامی حرکات خود را متوقف کند.

سازندگان این روبات معتقدند، ترکیب پایداری یک روبات چهارپا با توانایی استفاده از ابزارهای انسانی می‌تواند نسل جدیدی از سامانه‌های امداد و نجات را شکل دهد؛ سامانه‌هایی که قادرند در خطرناک‌ترین شرایط عملیاتی وارد عمل شوند و جان انسان‌ها را حفظ کنند.

منبع: Hackster

موبایل

آیپد مینی OLED ضدآب در راه بازار

اپل خود را برای عرضه نسلی متفاوت از آیپد مینی در پاییز امسال آماده می‌کند و برای اولین بار تبلت این شرکت مقاوم در برابر آب خواهد بود. این ویژگی به کاربران اجازه می‌دهد در محیط‌های مرطوب، با نگرانی کمتری از دستگاه خود استفاده کنند. این قابلیت، آیپد مینی را از نظر قابلیت استفاده در محیط‌های مرطوب به کتاب‌خوان‌های الکترونیکی مانند کیندل پیپروایت نزدیک‌تر می‌کند و کاربرانی که از تبلت کنار استخر، در آشپزخانه یا دیگر محیط‌های مرطوب استفاده می‌کنند، کاربردی خواهد بود.

در گوشی‌های آیفون، مقاومت در برابر آب تا حد زیادی با استفاده از چسب‌ها و واشرهای مخصوص در اطراف اجزای مختلف ایجاد می‌شود، اما در آیپد مینی جدید، رویکرد متفاوتی در نظر گرفته شده است. گفته می‌شود اسپیکرهای سنتی که به حفره‌هایی روی بدنه نیاز دارند، با یک سیستم صوتی مبتنی بر لرزش جایگزین خواهند شد. به این ترتیب صدا از طریق لرزش صفحات تخت بدنه تولید می‌شود و دیگر نیازی به حفره‌های معمول اسپیکر نخواهد بود. حذف این منافذ می‌تواند آب‌بندی بدنه را آسان‌تر کند و احتمال نفوذ مایعات به داخل دستگاه را کاهش دهد. در صورت تحقق این امر، آیپد مینی به اولین تبلت اپل با چنین قابلیتی تبدیل خواهد شد. اما مقاومت در برابر آب تنها ویژگی آیپد مینی جدید اپل نیست و گفته می‌شود سامسونگ تولید انبوه پنل‌های OLED برای نسل جدید این تبلت را آغاز کرده است. ظاهراً این آیپد به نمایشگر ۸.۴ اینچی OLED از نوع LTPS با نرخ نوسازی ۶۰ هرتز مجهز خواهد بود و استفاده از OLED می‌تواند کیفیت تصویر، کنتراست و نمایش رنگ مشکی را نسبت به نمایشگرهای LCD بهبود دهد.

ارتقای پردازنده و استفاده از تراشه‌های A19 Pro یا A20 Pro هم از دیگر تغییرات احتمالی است. این تراشه‌ها می‌توانند قدرت پردازشی دستگاه را برای اجرای برنامه‌های سنگین و قابلیت‌های مبتنی بر هوش مصنوعی افزایش دهند. گفته می‌شود اپل ممکن است آیپد مینی جدید را تا مهرماه امسال معرفی کند.

هوش مصنوعی، موتور درآمدزایی اسپیس ایکس شد

هوش مصنوعی

ایلان ماسک در تازه‌ترین گزارش مالی خود از تغییر مهمی در ساختار درآمدی شرکت اسپیس ایکس پرده برداشت. این گزارش از رشد ۹۲ درصدی درآمد اسپیس ایکس در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۶ خبر می‌دهد که البته این افزایش درآمد، عمدتاً به توسعه سرویس اینترنت ماهواره‌ای استارلینک و توسعه هوش مصنوعی بازمی‌گردد.

اجاره توان پردازشی به شرکت‌های بزرگی مانند گوگل و آنتروپیک یکی از دلایل اصلی افزایش درآمد اسپیس ایکس شناخته شده است. ایلان ماسک نیز اعلام کرده است، اسپیس ایکس تا پایان سال به درآمد سالانه ۱۰۰ میلیارد دلاری دست خواهد یافت.

بر اساس آمار منتشرشده، واحد هوش مصنوعی اسپیس ایکس در سه‌ماهه اخیر توانسته ۲.۶ میلیارد دلار درآمد کسب کند؛ رقمی که به‌طور قابل توجهی از درآمد بخش فضایی این شرکت بیشتر است.

درآمد واحد هوش مصنوعی نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از سه برابر افزایش یافته و نشان می‌دهد اسپیس ایکس در حال گسترش حضور خود در بازاری است که رقابت در آن هر روز شدیدتر می‌شود. البته این رشد درآمدی به معنای سودآوری کامل نیست. بخش هوش مصنوعی این شرکت در سه‌ماهه گذشته همچنان ۱.۵ میلیارد دلار زیان ثبت کرده است. البته این رقم نسبت به سال قبل اندکی کاهش یافته و از بهبود تدریجی عملکرد مالی این واحد حکایت دارد.

البته سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های هوش مصنوعی، هزینه‌های سرمایه‌ای اسپیس ایکس را به حدود ۱۸.۴ میلیارد دلار رسانده است.

این شرکت پیش‌تر نیز اعلام کرده بود، بخش مهمی از برنامه‌های توسعه آینده خود را بر ساخت مراکز داده و زیرساخت‌های پردازشی، حتی در فضا، متمرکز خواهد کرد.

ایلان ماسک، مدیرعامل اسپیس ایکس، معتقد است این شرکت می‌تواند سریع‌تر از رقبا ظرفیت پردازش مورد نیاز مدل‌های هوش مصنوعی را توسعه دهد. او تأکید کرده است که افزایش توان محاسباتی، نقش مهمی در پیشرفت نسل آینده مدل‌های هوش مصنوعی این مجموعه خواهد داشت.

در ساختار کنونی اسپیس ایکس، سه بخش اصلی شامل فعالیت‌های فضایی، هوش مصنوعی و ارتباطات ماهواره‌ای فعال هستند. بخش فضایی در سه‌ماهه اخیر حدود ۹۶۲ میلیون دلار درآمد داشته، در حالی که استارلینک با ثبت ۴.۲ میلیارد دلار درآمد همچنان سودآورترین واحد این شرکت محسوب می‌شود.

در همین حال، بخشی از ظرفیت مراکز داده مدل هوش مصنوعی «گراک» که نتوانسته جایگاه قدرتمندی در رقابت با سایر مدل‌های مطرح بازار به دست آورد، به مشتریان دیگر اجاره داده شده تا بازده سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده افزایش یابد. البته اسپیس ایکس مشکلاتی هم دارد. به عنوان مثال توسعه پروژه استارشیپ همچنان هزینه‌های سنگینی به این شرکت تحمیل می‌کند.

این موشک فوق‌سنگین قرار است در آینده نسل جدید ماهواره‌های بزرگ‌تر استارلینک را به مدار زمین منتقل کند؛ ماهواره‌هایی که نقش مهمی در افزایش درآمد و توسعه شبکه اینترنت ماهواره‌ای اسپیس ایکس خواهند داشت.

ایران در «ایران»

تخصیص ۵۰۰ میلیارد تومان برای اشتغال مرزنشینان در کردستان

سنندج- استاندار کردستان با تأکید بر ضرورت حفظ جان مرزنشینان و جلوگیری از حوادث ناگوار برای کولبران، از تدوین طرحی جامع برای ساماندهی و نظارت بر تجارت خرد مرزی خبر داد که بر اساس آن، ورود کالا با مدیریت مرزبانی انجام می‌شود و قاچاق محسوب نخواهد شد.

«آرش زره‌تن لهونی» با اشاره به ریشه‌دار بودن تجارت خرد مرزی در این استان اظهار کرد: «در طول تاریخ، مبادلات تجاری میان مردم کردستان و اقلیم شمال عراق وجود داشته است. در همین راستا پیگیر ارائه طرحی به مرکز هستیم تا با قانونی‌سازی این فرآیند، از کشته شدن مرزنشینان جلوگیری شود.» وی با درخواست از فرماندهی مرزبانی فراجا برای تمهید شرایط تا زمان تصویب نهایی این طرح افزود: «امسال ۵۰۰ میلیارد تومان از محل قانون تجارت مرزنشینان برای ایجاد اشتغال و توسعه زیرساخت‌های مرزی اختصاص می‌یابد؛ البته این قانون به تنهایی پاسخگوی مشکلات معیشتی منطقه نیست و نیازمند توجه ویژه‌تری هستیم.

صدور مجوز نیروگاه ۲۰۰ مگاواتی بروجن برای رفع ناترازی برق

شهرکرد- کارگروه ارزیابی زیست‌محیطی چهارمحال و بختیاری مجوز اجرای بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی استان به ظرفیت ۲۰۰ مگاوات را در شهر نقنه شهرستان بروجن صادر کرد؛ طرحی زیربنایی که با هدف کاهش ناترازی انرژی، مهار انتشار آلاینده‌ها و تنوع‌بخشی به سبد مصرفی برق استان وارد فاز اجرایی می‌شود. «محسن کریمی»، مدیرکل حفاظت محیط زیست چهارمحال و بختیاری با اعلام این خبر اظهار کرد: «جلسه ارزیابی اثرات زیست‌محیطی این پروژه با حضور کارشناسان محیط زیست و نمایندگان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، شرکت توزیع برق، آب منطقه‌ای، منابع طبیعی و جهاد کشاورزی برگزار شد و پس از بررسی‌های تخصصی، مجوز اجرای آن به تصویب رسید.»

کریمی با تأکید بر اینکه توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر از اولویت‌های اصلی سازمان حفاظت محیط زیست است، افزود: «جهت کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و مهار گازهای گلخانه‌ای، تسهیل‌گری ویژه‌ای برای اجرای سریع این طرح‌ها در دستور کار قرار دارد.»

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گیلان در گفت‌وگو با «ایران» از احیای ۲۴۵۰ هکتار آب‌بندان خبر داد

لایروبی، حافظه آبی گیلان را دوباره زنده می‌کند

گزارش

شیما جهان‌بخش
گروه ایران زمین

در دل جلگه‌های سرسبز گیلان، آب‌بندان‌ها سال‌ها به‌عنوان مخازن طبیعی ذخیره آب باران، نقش مهمی در تداوم حیات شالیزارها داشته‌اند. اما این چرخه طبیعی در گذر زمان به‌آرامی دچار اختلال شده و بخشی از کارکرد حیاتی خود را از دست داده است. در اصل در لایه‌های پنهان این اقلیم پرباران، رویدی آرام اما فرساینده‌ای در جریان است؛ رویدی که به کاهش تدریجی ظرفیت آب‌بندان‌ها منجر شده است. این کاهش ظرفیت، نه به دلیل افت بارش‌ها، بلکه به دلیل انباشت مستمر رسوب‌هایی است که طی سال‌ها از ارتفاعات و دشت‌ها به سمت جلگه حرکت کرده‌اند.

این رسوبات به‌تدریج در کف آب‌بندان‌ها ته‌نشین شده و عمق مؤثر این مخازن طبیعی را کاهش داده‌اند؛ تا جایی که در برخی مناطق، کارکرد اصلی آنها به شکل محسوسی تضعیف شده و امکان ذخیره‌سازی آب در حجم گذشته از میان رفته است. در چنین شرایطی، لایروبی و رسوب‌زدایی از آب‌بندان‌ها دیگر یک اقدام صرفاً عمرانی نیست، بلکه به یکی از محورهای اصلی احیای منابع آب در گیلان تبدیل شده است؛ اقدامی که تاکنون در ۲ هزار و ۴۵۰ هکتار از این پهنه‌های آبی اجرا شده است.

رسوب؛ فرسایش خاموش

«صالح محمدی»، رئیس سازمان جهاد کشاورزی گیلان دراین زمینه در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر ضرورت مدیریت علمی منابع آب می‌گوید: «اینکه گیلان از بارندگی مناسب برخوردار است به معنای بی‌نیازی از مدیریت مصرف آب نیست. اتفاقاً در استان‌هایی که منابع آبی ظاهراً مطلوب‌تری دارند نیز باید نگاه بهره‌ورانه و علمی حاکم باشد. امروز در برخی مناطق کشور پیامدهای برداشت غیراصولی از منابع آب را می‌بینیم؛ از فرونشست زمین گرفته تا افت شدید منابع زیرزمینی. ما نباید اجازه دهیم چنین روندهایی در آینده برای گیلان نیز تکرار شود.

وی با تشریح ماهیت تدریجی آسیب در آب‌بندان‌ها توضیح می‌دهد: «آب‌بندان‌ها مانند یک مخزن طبیعی عمل می‌کنند. طبیعی است که در طول زمان رسوبات در آنها انباشته شود و از ظرفیت ذخیره آب بکاهد. اگر این رسوبات تخلیه نشود، آب‌بندان کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهد. به همین دلیل لایروبی و تعمیق این پهنه‌ها یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ما در حوزه مدیریت منابع آب است.» این مقام مسئول ادامه می‌دهد: «در حال حاضر بیش از ۹ هزار هکتار آب‌بندان در گیلان وجود دارد که بخش قابل توجهی از آنها نیازمند احیا و لایروبی هستند. ما با برداشت رسوبات، در واقع ظرفیت از دست‌رفته این مخازن را دوباره فعال می‌کنیم.»

احیای ۲۴۵۰ هکتار از آب‌بندان‌ها

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گیلان با اشاره به روند اجرایی طرح‌ها می‌گوید: «تاکنون حدود ۲ هزار و ۴۵۰ هکتار از آب‌بندان‌های استان با استفاده از اعتبارات سازمان برنامه و بودجه لایروبی و احیا شده است. این اقدام باعث شده ظرفیت ذخیره آب در بسیاری از مناطق افزایش پیدا کند و کشاورزان در فصل زراعی از منابع مطمئن‌تری برخوردار باشند.»

وی تأکید می‌کند: «این فقط یک عدد نیست؛ در بسیاری از روستاها به معنای بازگشت یک منبع آبی از دست‌رفته به چرخه تولید کشاورزی است. آب‌بندان‌هایی که سال‌ها در عمل بلااستفاده شده بودند، دوباره وارد مدار تأمین آب شده‌اند.»

محمدی با اشاره به شرایط ابتدای سال زراعی جاری می‌گوید: «در ماه‌های اول سال، کاهش بارندگی‌ها و افت ذخایر سد سفیدرود نگرانی‌هایی درباره تأمین آب ایجاد کرده بود. در همین شرایط، پیش از تخصیص اعتبارات و در قالب مصوبات شورای پدافند و مدیریت بحران، حدود ۲۵۰ هکتار از آب‌بندان‌های استان به‌صورت فوری لایروبی شد تا ظرفیت ذخیره آب برای فصل کشت حفظ شود.» وی اضافه می‌کند: «خوشبختانه بارش‌های مناسب ماه‌های پایانی سال و ابتدای سال جدید شرایط را بهبود داد و حجم ذخیره سد سفیدرود به بیش از یک میلیارد مترمکعب رسید، اما این تجربه نشان داد که اتکا صرف به بارندگی‌ها کافی نیست و توسعه زیرساخت‌های ذخیره‌آب یک ضرورت دائمی است.»

آب‌بندان‌ها در کنار سد سفیدرود

از مجموع ۲۳۸ هزار هکتار شالیزار گیلان، حدود ۱۷۱ هزار هکتار به آب سد سفیدرود وابسته هستند. این وابستگی گسترده، مدیریت منابع آب را به موضوعی حساس در سطح استان تبدیل کرده است. محمدی دراین‌باره می‌گوید: «در کنار تأمین آب کشاورزی، باید حقابه‌های زیست‌محیطی تالاب انزلی و دریای خزر نیز حفظ شود. بنابراین مدیریت منابع آب تنها به افزایش برداشت محدود نمی‌شود، بلکه باید میان نیازهای کشاورزی و الزامات محیط زیستی تعادل برقرار کرد.» وی تأکید می‌کند: «در این شرایط، آب‌بندان‌ها نقش مکمل شبکه‌های آبیاری را ایفا می‌کنند و می‌توانند بخشی از فشار وارد بر منابع اصلی تأمین آب را کاهش دهند.»

آغاز یک زنجیره مدیریت آب

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گیلان با تأکید بر اینکه لایروبی به‌تنهایی کافی نیست و باید در کنار سایر سیاست‌های مدیریت آب دیده شود، می‌گوید: «در ۳ سال گذشته تلاش کرده‌ایم فرهنگ مصرف بهینه آب را در شالیزارها نهادینه کنیم. به همین منظور تقویم زراعی مشخصی تدوین شد و زمان‌بندی مراحل کشت شامل شخم، خزانه‌گیری، نشاکاری، برداشت و نوبت‌بندی آب به کشاورزان اعلام شده است. همچنین روش آبیاری تناوبی جایگزین غرقاب دائمی شده و نتایج مثبتی به همراه داشته است.»

> تاکنون حدود ۲ هزار و ۴۵۰ هکتار از آب‌بندان‌های استان گیلان با استفاده از اعتبارات سازمان برنامه و بودجه لایروبی و احیا شده است

وی ادامه می‌دهد: «در بخش باغی نیز توسعه سامانه‌های نوین آبیاری با جدیت دنبال شده است. تاکنون حدود ۱۴ هزار هکتار از باغات گیلان به این سامانه‌ها مجهز شده‌اند. علاوه براین، طرح تجهیز و نوسازی اراضی شالیزاری در حدود ۹۰ هزار هکتار اجرا شده است.»

محمدی همچنین بتنی کردن انهار کشاورزی، توسعه ایستگاه‌های پمپاژ و احداث بندهای انحرافی را از دیگر برنامه‌های در حال اجرا برای افزایش بهره‌وری منابع آب عنوان می‌کند.

آینده کشاورزی در گرو مدیریت آب

این مقام مسئول تأکید می‌کند: «هدف ما تولید بیشتر به هر قیمت نیست. حفظ منابع آب، خاک و محیط زیست اولویت اصلی ماست. اگر این منابع آسیب ببینند، جبران آن بسیار دشوار خواهد بود. به همین دلیل تمام برنامه‌های بخش کشاورزی بر اساس اصول علمی و ملاحظات زیست‌محیطی تدوین و اجرا می‌شود.»

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گیلان در جمع‌بندی می‌افزاید: «باید بپذیریم در شرایط فعلی، لایروبی آب‌بندان‌ها دیگر یک پروژه عمرانی محدود نیست؛ بلکه بخشی از راهبرد کلان مدیریت منابع آب در استانی است که بخش مهمی از امنیت غذایی کشور به تولیدات آن وابسته است.»

تلاش گیلان برای عبور از بحران ذخیره‌سازی آب

برش

کاهش ظرفیت ذخیره‌سازی آب، امروز به یکی از چالش‌های اصلی مدیریت منابع در مناطق شمالی کشور تبدیل شده است. آب‌بندان‌ها که به‌عنوان مخازن طبیعی ذخیره آب باران نقش پشتیبان شالیزارها را دارند، به‌تدریج زیر فشار رسوبات انباشته بخشی از کارکرد خود را از دست داده‌اند؛ روندی آرام اما مستمر که در بلندمدت توان این زیرساخت‌های طبیعی را برای تأمین آب کاهش داده است.

در چنین شرایطی، لایروبی و احیای این پهنه‌های آبی از یک اقدام فنی صرف فراتر رفته و به بخشی از راهبرد تأمین امنیت آبی کشاورزی تبدیل شده است. مسئولان بخش کشاورزی اجرای این طرح‌ها را تلاشی برای بازگرداندن ظرفیت‌های از دست‌رفته به چرخه تولید می‌دانند؛ ظرفیتی که مستقیماً بر پایداری شالیزارها و استمرار کشت در فصل زراعی اثرگذار است. تاکنون حدود ۲۴۵۰ هکتار از آب‌بندان‌های استان گیلان لایروبی و احیا شده‌اند؛ اقدامی که هدف آن تقویت توان ذخیره‌سازی و کاهش وابستگی به منابع محدودتر در دوره‌های اوج مصرف است. با وجود این اقدامات، کارشناسان تأکید می‌کنند: مسأله اصلی همچنان پابرجاست: وابستگی تولید کشاورزی به زیرساخت‌هایی که بدون نگهداشت مستمر، به‌تدریج کارایی خود را از دست می‌دهند. از این منظر، لایروبی نه یک پروژه مقطعی، بلکه بخشی از یک چرخه دائمی مدیریت آب است که تداوم آن برای حفظ پایداری تولید کشاورزی ضروری به نظر می‌رسد.

بنگاه

تصویر ذهنی کیش در گرو مسئولیت‌پذیری اصحاب رسانه

دومین نشست راهبردی صیانت از هویت و برند کیش، با محوریت بررسی ویژگی‌های منحصربه‌فرد این جزیره و تبیین مسئولیت‌های اجتماعی و رسانه‌ای در شرایط کنونی کشور، با حضور مسئولان و اصحاب رسانه در همایش‌های بین‌المللی کیش برگزار شد.

«سید شهاب‌الدین طباطبایی»، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت، در این نشست با تأکید بر جایگاه متمایز منطقه آزاد کیش نسبت به سایر مناطق آزاد کشور اظهار کرد: «کیش به دلیل ماهیت جزیره‌ای و فقدان هرگونه راه ارتباطی زمینی، از ویژگی‌ها و شرایط خاص خود برخوردار است و این امر نگاه‌ها به این منطقه را به کلی متفاوت ساخته است.»

طباطبایی با اشاره به شرایط حساس کنونی کشور، بر لزوم پرهیز از هرگونه اقدامات جزیره‌ای و فاصله‌افکنانه تأکید کرد و گفت: «در شرایطی که کشور با جنگ و فشارهای گوناگون مواجه است، هیچ فرد، گروه یا مجموعه‌ای نباید خود را جدا از دیگران بداند. همه ما بخشی از یک پیکره واحد هستیم و باید مسئولیت خود را در قبال مردم و کشور به‌درستی ایفا کنیم.»

عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت با بیان اینکه کوتاهی در انجام وظایف محوله فراتر از یک قصور فردی است، هشدار داد: «هر کس وظیفه‌ای را که بر عهده دارد انجام ندهد یا از انجام کاری که باید صورت گیرد شانه خالی کند، نه‌تنها از یک مسئولیت فردی غفلت کرده، بلکه در حق همه ملت خیانت کرده است.»

طباطبایی همچنین با تأکید بر نقش کلیدی رسانه‌ها و فعالان فضای مجازی در شرایط فعلی خاطرنشان کرد: «فعالیت رسانه‌ای در این دوران به دقت، آگاهی و مسئولیت‌پذیری مضاعف نیاز دارد و هر فرد باید در قبال آثار و پیامدهای محتوای تولیدی یا منتشر شده خود پاسخگو باشد.»

رسانه‌ها؛ معماران تصویر ذهنی جامعه از کیش

«سید حسین احمدنژاد»، سرپرست مدیریت روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد کیش نیز با اشاره به نقش بی‌بدیل رسانه‌ها در حفاظت از برند کیش تصریح کرد: «هر تصویری که از جزیره کیش در ذهن مخاطبان شکل می‌گیرد، حاصل عملکرد رسانه‌هاست و این امر نشان‌دهنده حساسیت فوق‌العاده نقش اصحاب رسانه و فعالان فضای مجازی در فرآیند برندسازی و حفظ اعتبار یک برند است.»

احمدنژاد با خطاب قرار دادن فعالان رسانه‌ای افزود: «همه ما در قبال تصویری که از جزیره کیش منعکس می‌شود مسئول هستیم و باید برای رشد و حفظ این برند ارزشمند، همگام و هماهنگ تلاش کنیم.»

در ادامه جلسه، شرکت‌کنندگان به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعاتی چون صیانت از هویت کیش، تقویت برند منطقه آزاد، نقش رسانه‌ها در معرفی ظرفیت‌ها و مزیت‌های این منطقه، افزایش هماهنگی میان بخش‌های مختلف، استفاده هدفمند از ظرفیت‌های رسانه‌ای و تدوین رویکردی منسجم برای بازنمایی هویت و برند کیش پرداختند.

چتر حمایتی دولت بر سر اقتصاد و گردشگری کیش

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش از دستاوردها و مصوبات حمایتی ویژه در سفر کاری خود به تهران خبر داد و اعلام کرد: «با هدف کاهش فشارهای اقتصادی بر فعالان بخش خصوصی، جبران خسارت‌های ناشی از کاهش ورود گردشگران و بازگشت رونق به جزیره، مجموعه‌ای از تسهیلات بیمه‌ای، استمهال مالیاتی، گشایش‌های تجاری و اعتبارات بانکی به تصویب رسیده و به‌زودی عملیاتی می‌شود.»

«محمد کبیری» با تشریح اهداف و نتایج این رایزنی‌های فشرده اظهار کرد: «در این سفر کاری، موضوعاتی که برای حمایت فوری از کسب‌وکارهای جزیره به اخذ مجوز یا مصوبه دولت نیاز داشت، از طریق تعامل مستقیم با وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری پیگیری شد. خوشبختانه این تلاش‌ها دستاوردهای ملموسی در حوزه‌های تأمین اجتماعی، امور مالیاتی، تعیین تکلیف خروج کالا، واردات تلفن همراه و تأمین مالی سفر به کیش به همراه داشته است.»

وی با اشاره به مهم‌ترین مصوبه این سفر افزود: «با همکاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، مصوبه‌ای از هیأت دولت دریافت شده است که بر اساس آن، سازمان تأمین اجتماعی دریافت سهم بیمه کارفرمایان را برای مدتی به تعویق خواهد انداخت. اجرای این مصوبه بخشی از بار مالی واردشده بر فعالان اقتصادی و صاحبان کسب‌وکار در جزیره را به شکل محسوسی کاهش می‌دهد.»

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در ادامه به پیگیری حمایت‌های مالیاتی تصریح کرد: «در نشست مشترک با مسئولان وزارت اقتصاد و دارایی و رئیس سازمان امور مالیاتی کشور، مقرر شد تسهیلاتی برای کسب‌وکارهای فعال در کیش در نظر گرفته شود تا وصول معوقات مالیاتی آنان تا پایان شهریورماه به تعویق بیفتد و فعالان اقتصادی فرصت تنفس مالی داشته باشند.»

کبیری همچنین از پیگیری درخواست صدور مجوز خروج کالا به ارزش ۴۰ میلیون دلار خبر داد و خاطرنشان کرد: «برخی فعالان اقتصادی، کالاهایی را وارد جزیره کرده‌اند که به دلیل کاهش حضور گردشگران در دوره جنگ، امکان عرضه یا خروج آنها فراهم نشده است. امیدواریم با تصویب این درخواست، زمینه تعیین تکلیف و خروج بخشی از این کالاها فراهم شود.» وی انتخاب کیش به‌عنوان مبدأ کالای ملوانی را از دیگر محورهای موفق این سفر برشمرد و گفت: «بهره‌گیری از این ظرفیت می‌تواند زمینه شکل‌گیری چرخه اقتصادی جدید و پررونقی را برای فعالان و کسب‌وکارهای جزیره فراهم کند.»

وی از دریافت مصوبه مربوط به واردات تلفن همراه به منطقه آزاد کیش پس از مدت‌ها انتظار خبر داد و گفت: «این مصوبه به‌زودی به‌صورت رسمی ابلاغ خواهد شد و تلاش می‌کنیم از این ظرفیت در مسیر توسعه فعالیت‌های اقتصادی و تقویت صنعت گردشگری جزیره حداکثر استفاده را ببریم.»

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با اشاره به برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای رونق‌بخشی به توریسم جزیره اظهار کرد: «در صورت دستیابی به صلح پایدار و بهبود شرایط، مذاکرات و برنامه‌ریزی‌هایی با چند بانک و مؤسسه مالی و اعتباری برای ارائه تسهیلات سفر به کیش انجام شده است تا هموطنان بتوانند با شرایط مناسب‌تری به این جزیره سفر کنند.»

کبیری در پایان ابراز امیدواری کرد که با بهبود شرایط، افزایش مستمر حضور گردشگران و همکاری همه‌جانبه بخش خصوصی و جوامع محلی، زمینه بازگشت رونق کامل اقتصادی به کیش فراهم شود.

وی خاطرنشان کرد: «با اجرای رویدادهای پیش‌بینی‌شده برای فصل پاییز، ارائه تسهیلات بانکی، ایجاد رویه‌های جدید گمرکی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تازه اقتصادی، در ماه‌های آینده بخشی از زیان‌های ناشی از کاهش ورود گردشگران جبران خواهد شد.»

جایگاه اول هرمزگان در صید

«مسعود بارانی»، مدیرکل شیلات هرمزگان از کسب رتبه اول صید کشور توسط استان هرمزگان خبر داد و گفت: «این استان با ثبت ۳۸۶ هزار و ۵۹۴ تن صید- حدود ۵۰ درصد از کل صید جنوب کشور- جایگاه اول تولید و تأمین آبزیان کشور را در بخش صید به خود اختصاص داده است.»

وی با اشاره به ظرفیت‌های کم‌نظیر هرمزگان در حوزه صید و صیادی اظهار کرد: «هرمزگان با برخورداری از بزرگ‌ترین جامعه صیادی کشور، گسترده‌ترین ناوگان صیادی و طولانی‌ترین نوار ساحلی در جنوب ایران، نقش محوری در تأمین امنیت غذایی، رونق اقتصاد دریا محور و تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند.»

بارانی افزود: «از مجموع صید انجام شده در استان، بیش از ۱۳۷ هزار تن آبزیان سطح‌زی‌ریز، بالغ بر ۱۲۸ هزار تن آبزیان کف‌زی، بیش از ۱۱۸ هزار تن آبزیان سطح‌زی درشت و نزدیک به سه هزار تن میگو و سایر آبزیان صید و تخلیه شده که نشان‌دهنده تنوع و ظرفیت بالای ذخایر آبزی استان است.»

مدیرکل شیلات هرمزگان با تأکید بر اهمیت حفاظت از ذخایر آبزیان و بهره‌برداری مسئولانه از منابع دریایی گفت: «در کنار کسب رتبه اول صید کشور، هرمزگان موفق شده با نرخ صید غیرمجاز تنها ۳۴/۱ درصد، کمترین میزان صید غیرقانونی را در میان استان‌های جنوبی کشور به ثبت برساند.»

وی این دستاورد را حاصل همکاری و همراهی صیادان قانون‌مدار، تشکل‌های صیادی، تعاونی‌ها، یگان حفاظت منابع آبزیان و برنامه‌های نظارتی و مدیریتی شیلات دانست و افزود: «پایین بودن نرخ صید غیرمجاز در استانی که بیشترین حجم صید و بزرگ‌ترین ناوگان صیادی کشور را در اختیار دارد، بیانگر موفقیت الگوی مدیریت شیلاتی هرمزگان و حرکت در مسیر صید مسئولانه و پایدار است.»

بارانی خاطرنشان کرد: «امروز هرمزگان نه تنها از نظر میزان تولید در صدر استان‌های کشور قرار دارد، بلکه از منظر حفظ ذخایرآبزی، رعایت ضوابط صید و مدیریت بهره‌برداری نیز در زمره استان‌های پیشرو کشور محسوب می‌شود.»

وی ادامه داد: «استمرار این روند می‌تواند با حفظ سرمایه‌های طبیعی خلیج فارس و دریای عمان برای نسل‌های آینده، زمینه افزایش بهره‌وری اقتصادی، اشتغال پایدار و توسعه هرچه بیشتر اقتصاد دریامحور را در استان هرمزگان فراهم کند.»

مدیرکل شیلات هرمزگان در پایان تأکید کرد: «موفقیت‌های به دست آمده در حوزه صید، حاصل تلاش شبانه‌روزی صیادان، بهره‌برداران، تعاونی‌های صیادی، کارشناسان و مجموعه شیلات هرمزگان بوده و این مسیر با هدف حفظ پایداری ذخایر و ارتقای جایگاه هرمزگان به عنوان قطب صید و صیادی کشور ادامه خواهد یافت.»

گام بلند استان مرکزی برای تقویت زنجیره تأمین نفت و گاز

در راستای تمرکز بر صنایع کلیدی و تقویت زنجیره ارزش صنایع انرژی، اولین نشست شورای راهبری خوشه نفت و گاز استان مرکزی با حضور «حسن آل‌بویه» مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی، اعضای هیأت‌مدیره انجمن نفت و گاز و جمعی از مسئولان ارشد استانی برگزار شد. در این نشست که با هدف تدوین نقشه راه توسعه و تقویت همکاری‌های بین‌بخشی برگزار شد، ظرفیت‌های صنعتی استان مرکزی در حوزه نفت و گاز و فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای ارتقای تولیدات میانی و نهایی مورد ارزیابی قرار گرفت.

ایجاد هماهنگی میان انجمن نفت و گاز و شرکت شهرک‌های صنعتی، تسهیل زیرساخت‌های فعالیت

واحدهای تولیدی، کاهش چالش‌های پیش‌روی صنعتگران و ارتقای سطح فناوری در صنایع انرژی استان از جمله مهم‌ترین محورهای مورد تبادل‌نظر در این جلسه بود.

به روایت خانم وولف

نگاهی به کتاب در جستجوی صدای زنان در ادبیات

نویسندگان زن

بهار خسروی
گروه کتاب

ویرجینیا وولف معمولاً با رمان‌های «خانم دالووی» و «به‌سوی فانوس دریایی» شناخته می‌شود؛ اما بخش مهمی از جایگاه او در تاریخ ادبیات، مدیون جستارها و نقدهای ادبی‌اش است. وولف در این نوشته‌ها نه تنها به ارزیابی آثار و نویسندگان می‌پردازد، بلکه پرسش‌هایی بنیادین را مطرح می‌کند: چه کسانی امکان نوشتن دارند؟ تجربه چه کسانی در ادبیات جدی تلقی می‌شود؟ و نویسنده برای دستیابی به زبان و صدای مستقل خود، نیازمند چه بسترهایی است؟ او در این متون، پیوندی جدانشدنی میان فرم ادبی و عدالت اجتماعی برقرار می‌کند و نشان می‌دهد برای تحول در ادبیات، ابتدا باید شرایط مادی و ساختارهای ذهنی تولید آن را دگرگون کرد. با این حال، نقد وولف صرفاً به مقولات اجتماعی محدود نمی‌ماند و در پی واکاوی امکان آفرینش هنری است. از نگاه او نویسنده برای خلق اثری زنده و ماندگار، باید از تقلید قالب‌های تکراری و داوری‌های کلیشه‌ای فاصله بگیرد. وولف معتقد بود ادبیات نباید فقط ظاهر زندگی یعنی اتفاق‌ها، مکان‌ها و جزئیات بیرونی را نشان بدهد. به نظر او، بخش مهم‌تر زندگی در درون انسان می‌گذرد: در فکرها، خاطره‌ها، احساس‌های لحظه‌ای و در نکاتی که شاید خیلی زود از ذهن عبور کنند. برای همین، نویسنده خوب کسی است که بتواند این حرکت‌های ظریف ذهن را ثبت کند، نه اینکه فقط یک داستان معمولی را تعریف کند.

وولف همچنین نگاه تازه‌ای به زمان در داستان داشته است؛ او معتقد بود زمان فقط آن چیزی نیست که با ساعت و تقویم سنجیده می‌شود، گاهی یک لحظه کوتاه در ذهن انسان آن‌قدر عمیق و مهم است که از چند سال زندگی عادی پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. ادبیات، از نظر او، باید بتواند همین لحظه‌های مهم و درونی را به تصویر بکشد. از طرف دیگر، وولف برای خواننده هم نقش مهمی قائل است. او بر این باور بود که معنی متن فقط همان چیزی نیست که نویسنده از قبل تعیین کرده، بلکه خواننده باید با دقت و حساسیت وارد متن شود و خودش هم در فهم آن شریک باشد. به همین دلیل، نقد ادبی برای وولف فقط داوری کردن نبود، بلکه نوعی گفت‌وگو با اثر ادبی بود. در این نگاه، خواندن هم مانند نوشتن، کاری خلاقانه است. خواننده نباید فقط به دنبال پیام مستقیم یا نتیجه‌گیری قطعی متن باشد. او باید به لحن، سکوت‌ها، تغییر احساس‌ها و ارتباط میان بخش‌های مختلف اثر توجه کند. گاهی معنای اصلی یک داستان در چیزی پنهان است که گفته نمی‌شود، نه در جمله‌هایی که به‌روشنی بیان شده‌اند.

کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» نوشته ویرجینیا وولف و ترجمه سید حسام فروزان که در نشر عینک منتشر شده، گزیده‌ای کم حجم اما پرمضمون از جستارهای انتقادی این نویسنده است. این مجموعه، خواننده را با وجوه مختلف اندیشه وولف درباره داستان مدرن، هنر نوشتن، تجربه روزمره و بویژه جایگاه زنان در سنت ادبی آشنا می‌کند. وولف در این مقاله‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که آفرینش ادبی محصول نبوغ فردی نیست؛ بلکه آموزش، امنیت اقتصادی، برخورداری از زمان، خلوت شخصی و رهایی نسبی از محدودیت‌ها پیش‌نیازهای مهم آن هستند. این کتاب صرفاً یک گلچین ادبی نیست، بلکه تلاشی است برای نمایش کارگاه نویسندگی ویرجینیا وولف. بسیاری از دغدغه‌هایی که وولف در این جستارها مطرح کرده، همان مفاهیمی هستند که او بعدها در رمان‌های «خانم دالووی» و «به سوی فانوس دریایی» آنها را به کمال می‌رساند. یکی از موضوعات مهم در نوشته‌های وولف، رابطه میان زندگی خصوصی و زندگی اجتماعی است. او نشان می‌دهد احساس تنهایی، ترس، خستگی یا ناتوانی یک فرد، همیشه مسأله‌ای کاملاً شخصی نیست، بسیاری از این احساسات به شرایط اجتماعی، جایگاه طبقاتی و محدودیت‌ها مربوط می‌شوند.

در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات

- نویسنده: ویرجینیا وولف
- مترجم: سید حسام فروزان
- انتشارات: عینک
- تعداد صفحات: ۱۳۰ صفحه
- قیمت: ۲۸۰۰۰۰ تومان

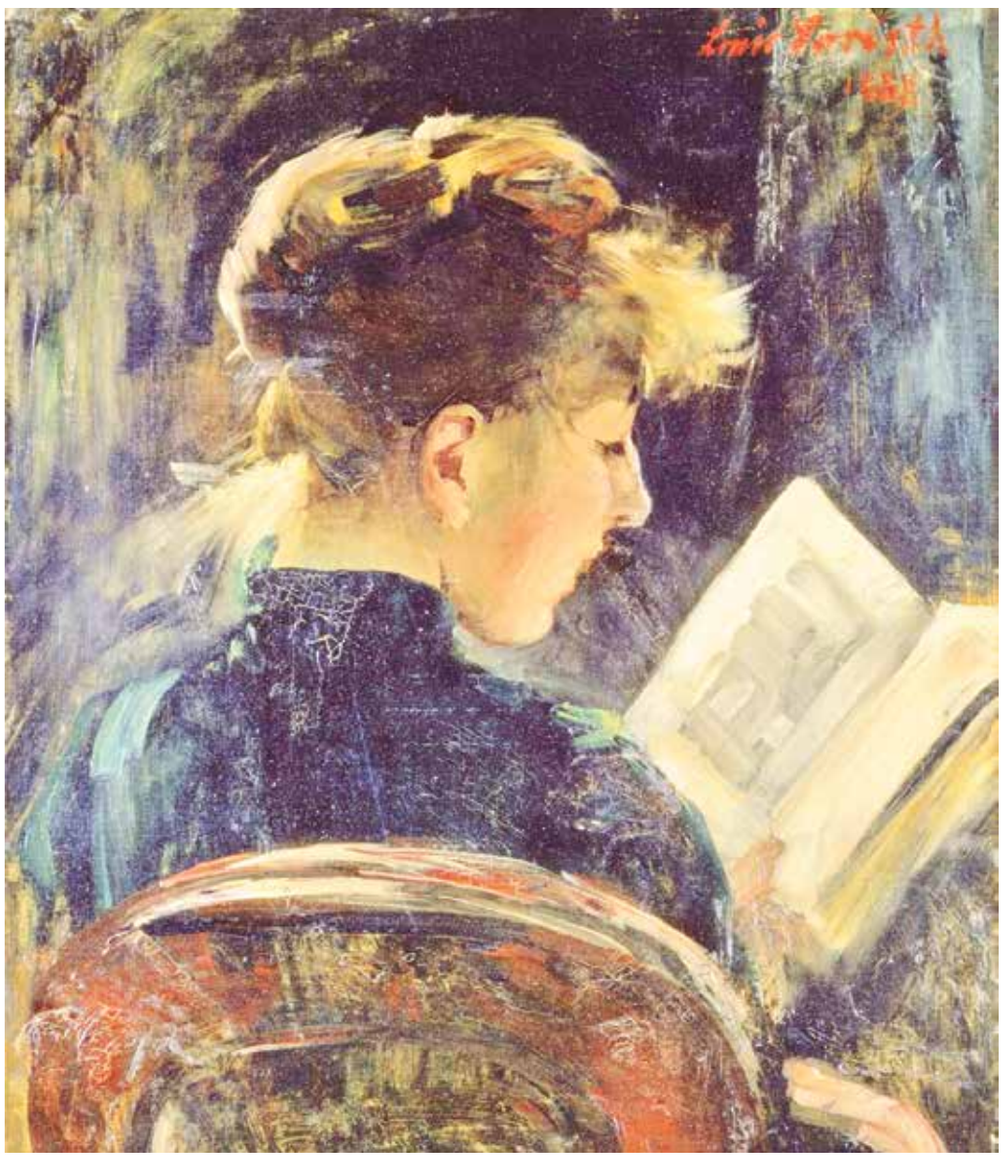

تابلوی زن در حال مطالعه از لوویس کورینت در سال ۱۸۸۸

صدای زنان نویسنده

اندیشه وولف در کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» حول محورهایی چون نقد، نظریه رمان مدرن و شرایط تولید اثر هنری تمرکز دارد.

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های او که در این نوشته‌ها وجود دارد، مشروط بودن خلق آثار هنری به مؤلفه‌های مادی زیست نویسنده است؛ او باور دارد که استعداد به تنهایی تضمین‌کننده نیست، مگر آنکه با ابزارهایی همچون امنیت ذهنی همراه شود. وولف در نقد رئالیسم سنتی، بویژه در جستارهایی نظیر داستان مدرن، بر ثبت واقعیت‌های درونی و ادراک‌های گذرا به جای پیرنگ‌های خطی و توصیفات صرفاً بیرونی تأکید می‌کند.

برای او، فرم ادبی باید آیینه‌ای وفادار برای آگاهی انسان مدرن باشد. در نگاه وولف، خواننده عنصری منفعل نیست، بلکه شریک بازآفرینی متن است و انتخاب قالب جستار به او اجازه می‌دهد حرکت پویای ذهن خود را در مواجهه با مفاهیم فعال کند.

وولف در این مقالات در بررسی آثار نویسندگان زن، رویکردی ادبی و جامعه‌شناختی در پیش گرفته و وضعیت زیست هر نویسنده را در تاروپود متن او ردیابی می‌کند. او، جین آستن را نمونه‌ای خوب از نویسنده‌ای می‌داند که بدون تقلید از الگوها، صدای مستقل خود را پیدا می‌کند. امیلی برونته را برای تخیل نیرومند و اسطوره‌ای‌اش می‌ستاید؛ او را زنی می‌داند که با قدرت تخیل خود از انزوا و محدودیت‌ها فراتر رفته و جهانی پهناور خلق کرده است.

شارلوت برونته از نظر او نویسنده‌ای پرشور اما آسیب‌دیده است. به‌زعم وولف، خشم و رنج ناشی از زندگی‌اش مستقیماً به ساختار هنری آثار او نفوذ کرده و تعادل زیبایی‌شناختی متن‌هایش را تحت‌الشعاع قرار داده است. دوروتی ریچاردسون را نویسنده‌ای پیشگام در مدرنیسم و جریان سیال ذهن می‌داند که تلاش او برای ثبت لایه‌های درونی زنانه را ارج می‌نهد، اگرچه نگاه نهایی‌اش با نوعی احتیاط زیبایی‌شناختی همراه است.

چگونه خواننده بهتری باشیم؟

وولف در این مقالات تعارف ندارد و رک و پوست‌کنده حرف خود را می‌زند. او به راحتی سنت‌های ادبی زمان خودش را نقد می‌کند و می‌گوید چرا آنها دیگر کارآمد نیستند.

وولف در این کتاب ادبیات را جدا از زندگی نمی‌بیند و یکی از بهترین بخش‌های کتاب این است که به مخاطب می‌آموزد چگونه خواننده بهتری باشد، چطور با کتاب‌ها مواجه شود تا بیشترین لذت و معنا را از آنها بگیرد.

وولف وقتی درباره ادبیات صحبت می‌کند، مدام به نویسندگان کلاسیک انگلیسی مثل جین آستن، خواهران برونته یا شکسپیر رجوع می‌کند. اگر خواننده با این نویسندگان و آثارشان آشنا نباشد، ممکن است در بعضی بخش‌ها احساس کند که از موضوع عقب مانده یا متوجه نشود چرا وولف دارد آن نویسنده را نقد می‌کند. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات مختلف است که در زمان‌های گوناگون نوشته شده‌اند برای همین انسجام یک رمان را ندارد و نویسنده دائماً از موضوعی به موضوع دیگر می‌پرد، گاهی خواننده این احساس را دارد که بعضی بحث‌ها نیمه‌کاره رها شده‌اند یا تکراری هستند.

کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» یک گزیده است و تمام مقالات وولف در آن وجود ندارد. برای آن دسته از افرادی که می‌خواهند به صورت تخصصی روی آثار و مقالات وولف کار کنند، این کتاب کافی نیست. بعضی از نقدهای وولف نیز مربوط به وضعیت نشر و نویسندگی در ۱۰۰ سال پیش انگلستان است، برای خواننده امروزی، بعضی از این مثال‌ها و جزئیات تاریخی، کمی دور از ذهن به نظر می‌رسند.

> کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» گزیده‌ای کم حجم اما پرمضمون از جستارهای انتقادی ویرجینیا وولف است. این مجموعه، خواننده را با وجوه مختلف اندیشه او درباره داستان مدرن، هنر نوشتن، تجربه روزمره و بویژه جایگاه زنان در سنت ادبی آشنا می‌کند

جنون نوشتن

آدلاین ویرجینیا وولف، زاده ۲۵ ژانویه ۱۸۸۲ رمان نویس، مقاله نویس، ناشر و منتقد بود. او از جوانی دیدگاه‌های ادبی خود را که متمایل به شیوه‌های بدیع نویسندگانی چون جیمز جویس، هنری جیمز و مارسل پروست بود، در مطبوعات به چاپ می‌رساند. بین سال‌های ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۱، موفق شد در دانشکده زنان کالج سلطنتی لندن درس‌هایی را در زبان یونانی، لاتین، آلمانی و تاریخ بگذراند. سال ۱۹۰۴ ویرجینیا وولف به خانه‌ای در میدان گوردون در منطقه بلومزبری نقل مکان کرد. در آنجا بود که گروه موسوم به حلقه بلومزبری تشکیل شد؛ حلقه‌ای از نویسندگان، هنرمندان و متفکران که در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم کار و زندگی می‌کردند و برای مطالعه، مباحثه و معاشرت گرد هم می‌آمدند.

ویرجینیا که مدت‌ها بود خود را نویسنده می‌دانست، در سال ۱۹۰۵ شروع به نوشتن در ستون کوچکی در ضمیمه ادبی روزنامه «تایمز» کرد. ۳۰ ساله بود و هنوز کتابی منتشر نکرده بود، اگرچه مدت‌ها بود روی رمان «سفر خارج» کار می‌کرد. برادر ناتنی‌اش پذیرفت این رمان را منتشر کند و کتاب در نهایت در سال ۱۹۱۵ منتشر شد. در سال ۱۹۱۷ و پس از پشت سر گذاشتن یک دوره جنون شدید، یک دستگاه چاپ در محل اقامت او و همسرش نصب شد. نشریه «هوگارث» که بعدها جزو مجلات برتر لندن شد، از همین خانه شروع به فعالیت کرد. در همین دوران بود که رمان «شب و روز» را آغاز کرد و آن را در سال ۱۹۱۸ به پایان رساند و سال ۱۹۱۹ منتشرش کرد. سال ۱۹۲۰ نوشتن رمان «اتاق جیکوب» را آغاز کرد، همان سال آن را به پایان رساند و دو سال بعد در انتشارات خود به نام «هوگارث وولفز» منتشرش کرد. سال ۱۹۲۳، رمان «خانم دالووی» را شروع کرد و سال ۱۹۲۵ آن را منتشر کرد. در همین سال در حال کار روی کتاب «به سوی فانوس دریایی» هم بود. «ارلاندو» زندگینامه یک زن و مرد و ادای احترام ویرجینیا به دوستی نزدیکش با ویتا ساکویل وست بود، اثری که به سرعت در فاصله سال‌های ۱۹۲۸- ۱۹۲۷ نوشته و در نهایت در اکتبر ۱۹۲۸ منتشر شد. کتاب «موج‌ها» نیز در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۱ نوشته و بازنویسی شد و در اکتبر ۱۹۳۱ منتشر شد. اما پیش از آن نگارش کتاب «فلاش» را شروع کرده بود؛ داستان سگ خانگی الیزابت بارت براونینگ که موفق بود. در سال ۱۹۳۲ شروع به کار روی اثری کرد که در نهایت با نام «سال‌ها» منتشر شد.

از وولف آثار کوتاه و دو مجموعه کتاب «خواننده معمولی» و «اتاقی از آن خود» نیز به چاپ رسیده است. پس از مرگ دوستش راجر فرای تصمیم گرفت زندگی‌نامه او را به رشته تحریر در بیاورد اما ابتلا به بیماری در سال ۱۹۳۶ این پروژه را به تأخیر انداخت. ویرجینیا در اواخر همان سال به جای ادامه زندگی‌نامه فرای، نگارش جستار طولانی «سه‌گینه» را شروع کرد، که در سال ۱۹۳۸ منتشر شد. در همین دوران و در سال ۱۹۳۷ نیز اثر «سال‌ها» منتشر شد، زمانی که مجدداً کار روی نوشتن زندگی‌نامه فرای را آغاز کرده بود. زندگی‌نامه راجر فرای در تابستان ۱۹۴۰ منتشر شد. او پس از آن، نگارش اثر «در میان نقش‌ها» را آغاز کرد و آن را در فوریه ۱۹۴۱ به پایان رساند. ویرجینیا وولف طی جنگ‌های جهانی اول و دوم بسیاری از دوستان خود را از دست داد که باعث افسردگی شدید او شد. با پایان نگارش کتاب «در میان نقش‌ها» بود که وضعیت روانی‌اش به طرز وحشتناکی رو به وخامت رفت، تا جایی که دیگر قادر به مبارزه و سرکوب حالات جنون و مالیخولیایی‌اش نبود.

صدای پنهان زندگی

«خانم دالووی» یکی از مهم‌ترین رمان‌های ویرجینیا وولف، نویسنده برجسته انگلیسی و از آثار شاخص ادبیات مدرن جهان است. این رمان که سال ۱۹۲۵ منتشر شده، تنها در فاصله یک روز روایت می‌شود؛ روزی در لندن پس از جنگ جهانی اول. اما وولف از دل همین زمان کوتاه، جهانی گسترده از خاطره، تنهایی، اضطراب، مرگ و معنای زندگی می‌سازد. این رمان توسط فرزانه طاهری ترجمه شده و در انتشارات نیلوفر به چاپ رسیده است. شخصیت اصلی رمان، کلاریسا دالووی، زنی از طبقه مرفه جامعه لندن است که در آغاز داستان از خانه بیرون می‌رود تا برای میهمانی شبانه‌اش گل بخرد. در ظاهر، همه چیز ساده و روزمره است: زنی در حال آماده کردن مقدمات یک میهمانی، اما رمان فقط درباره آن میهمانی نیست. وولف از این اتفاق پیش پا افتاده استفاده می‌کند تا به ذهن شخصیت‌ها راه پیدا کند و خاطرات، ترس‌ها، پشیمانی‌ها و احساسات پنهان آنها را آشکار کند.

کلاریسا در مسیر خیابان‌های لندن با صداها، منظره‌ها و چهره‌های شهر به گذشته خود برمی‌گردد؛ به جوانی، عشق‌های قدیمی، انتخاب‌هایی که کرده و زندگی‌ای که اکنون در آن ایستاده است. او در ظاهر زنی موفق، اجتماعی و برخوردار از جایگاه مناسب طبقاتی است، اما در درون خود با پرسش‌هایی جدی درباره هویت، آزادی، انتخاب و معنای زندگی مواجه است. در کنار کلاریسا، شخصیت مهم دیگری در رمان حضور دارد؛ سپتیموس وارن اسمیت، سربازی بازگشته از جنگ جهانی اول که دچار آسیب‌های عمیق روانی شده است. او نمی‌تواند با جهان پیرامون خود ارتباطی آرام و طبیعی برقرار کند و حضورش در رمان، تصویری دردناک از تأثیر جنگ بر روان انسان ارائه می‌دهد. سپتیموس نماینده نسلی است که از جنگ بازگشته، اما دیگر قادر نیست مانند گذشته زندگی کند. هرچند زندگی او و کلاریسا ظاهراً از هم جداست، اما در ساختار معنایی رمان به یکدیگر پیوند می‌خورند.

یکی از مضمون‌های مهم «خانم دالووی»، تنهایی انسان در دل جامعه مدرن است. شخصیت‌های رمان در شهری پرجمعیت زندگی می‌کنند، در میهمانی‌ها حاضر می‌شوند و با دیگران گفت‌وگو دارند، اما هر یک در درون خود تنها هستند. کلاریسا نیز با وجود ارتباط اجتماعی گسترده، نوعی فاصله، خلأ و ناآرامی درونی را تجربه می‌کند. وولف با ظرافت نشان می‌دهد که پشت ظاهر آرام و منظم زندگی اجتماعی، دنیایی پیچیده و آشفته از احساسات و پرسش‌های خاموش وجود دارد. زمان در این رمان نقش مهمی دارد. صدای ساعت‌های لندن بارها در متن شنیده می‌شود و گذر بی‌وقفه زندگی را یادآوری می‌کند. شخصیت‌ها مدام میان زمان حال و گذشته در حرکت‌اند. گذشته برای آنها تمام نشده است؛ خاطرات جوانی، عشق‌های از دست رفته، تصمیم‌های قدیمی و حسرت‌ها همچنان در ذهنشان زنده‌اند و روی لحظه اکنون سایه می‌اندازند.

اهمیت «خانم دالووی» در این است که نشان می‌دهد یک روز معمولی می‌تواند سرشار از معنا باشد؛ روزی که در ظاهر با خرید گل و آماده کردن میهمانی می‌گذرد، اما در باطن با خاطره، اضطراب، زیبایی، تنهایی و اندوه پیوند خورده است. ویرجینیا وولف در این رمان، زندگی درونی انسان را با دقتی کم‌نظیر و زبانی روان‌شناسانه تصویر می‌کند. «خانم دالووی» فقط داستان یک زن در لندن نیست؛ داستان انسان مدرنی است که میان گذشته و حال، زندگی و مرگ، جمع و تنهایی، ظاهر آرام و درون آشفته گرفتار شده است. از همین رو است که این رمان، با گذشت نزدیک به یک قرن از انتشارش، همچنان زنده، خواندنی و تأمل‌برانگیز باقی مانده است.

از این رمان اقتباس‌های سینمایی هم شده است. «خانم دالووی» - Mrs Dalloway - در سال ۱۹۹۷ به کارگردانی مارلین گوریس ساخته شد. این فیلم اقتباسی مستقیم از رمان ویرجینیا وولف است و سعی می‌کند همان فضای ذهنی، خاطره‌ها و رفت‌وآمد میان گذشته و حال را نشان دهد. «ساعت‌ها» -The Hours- فیلم دیگری است که در سال ۲۰۰۲ به کارگردانی استیون دالدری و با بازی نیکل کیدمن ساخته شده است. این اثر سینمایی، اقتباسی مستقیم از «خانم دالووی» نیست، بلکه بر اساس رمانی از مایکل کانینگهام ساخته شده که به‌شدت از «خانم دالووی» و زندگی ویرجینیا وولف الهام گرفته است. در «ساعت‌ها»، سه زن در سه زمان مختلف نشان داده می‌شوند و یکی از خطوط داستانی به خود ویرجینیا وولف مربوط است.

گفت‌وگوی بی واسطه با ویرجینیا

سید حسام فروزان
مترجم کتاب در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات

از همان دوران تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه، علاقه خاصی نسبت به ویرجینیا وولف پیدا کرده بودم. به نظرم شخصیت و آثار او با دیگر نویسندگان اوایل قرن بیستم متفاوت بود. این نویسنده انگار «آن» خاصی داشت. نوشته‌ها و رمان‌های او را خوانده بودم و وقتی نشر عینک، مجموعه مقالات و جستارهای وولف را به من پیشنهاد کرد، احساس کردم با ترجمه مجموعه مقالات و جستارهایش می‌توانم کاری کنم که خوانندگان فارسی‌زبان با جنبه‌های دیگری از شخصیت، ذهنیت و طرز فکر این نویسنده آشنا شوند.

به نظر من، اهمیت عاطفی کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» در این است که بی‌واسطه با ویرجینیا وولف به گفت‌وگو می‌نشینیم و بدین سبب، واسطه قصه و روایت از میان برداشته شده است. مهم‌ترین ویژگی این کتاب این است که خواننده وارد کارگاه اندیشه نویسنده می‌شود؛ در نتیجه به این درک می‌رسد که چه تفکراتی در ویرجینیا وولف منجر به نوشتن کتاب «اتاقی از آن خود» یا آثار دیگرش شده است.

در این مقالات، ویرجینیایی را می‌بینیم که بی‌محابا راجع به موضوعاتی از قبیل رمان، داستان، زنان نویسنده و حتی موقعیت اجتماعی و مشاغل زنان در آن روزگار نظریه‌پردازی می‌کند. در واقع با وجه روشنفکری وولف بیشتر آشنا می‌شویم و با او و آثارش بهتر ارتباط می‌گیریم.

تفاوت نگارش کلاسیک و مدرن

کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» ویژگی‌های بسیاری دارد تا مخاطب امروز را به خود جذب کند. در وهله اول نام ویرجینیا وولف است که به هر حال باعث کنجکاوی اهالی ادبیات خواهد شد. بعد از آن فکر می‌کنم مجموعه جستارهای یک نویسنده مهم، می‌تواند انتخاب خوبی برای اهل کتاب باشد. مقوله «جستار» در سال‌های اخیر در میان فارسی‌زبانان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده و مجموعه جستارهای متنوع و خواندنی نیز به بازار آمده است.

در نهایت، کتاب «در جست‌وجوی صدای زنان در ادبیات» می‌تواند برای کتابخوان‌های حرفه‌ای و علاقه‌مندان جدی ادبیات بسیار مناسب باشد. قطعاً دانشجویان هنر و ادبیات نیز نکات خواندنی و کاربردی در این کتاب پیدا خواهند کرد. به‌خصوص برای کسانی که رمان‌های وولف را خوانده‌اند و آثارش را دوست دارند به نوعی این کتاب، تکمیل‌کننده مطالعات ادبی آنها خواهد بود.

در عین حال، نثر کتاب ساده و روان است و برای عموم خوانندگان می‌تواند انتخاب خوبی باشد. وولف به‌طور مشخص در سه مقاله «نوشتار زنانه در داستان»، «زنان رمان‌نویس» و «زنان و داستان» به مسأله نویسندگی زنان و نقش آنها در تاریخ ادبیات می‌پردازد.

او به ویژگی‌های نوشتار زنانه اشاره می‌کند و تفاوت آن را با نوشتار مردانه می‌سنجد. وولف به «سافو»، شاعر روم باستان و جین آستن به‌عنوان نمونه نویسندگان بزرگ زن اشاره می‌کند که جزئیات عالی را با حس عالی هنری ترکیب می‌کنند.

او نویسندگان زن را دارای قدرت «تحلیل موشکافانه» و نبوغ در تحلیل‌های روانشناسی می‌داند.

در هر صورت، بیشتر مقالات این کتاب و نوشته‌های ویرجینیا وولف برای من جذابیت داشت، اما جستار «داستان مدرن» به نظرم بسیار جالب‌تر بود؛ آنجایی که نویسنده به تفاوت‌های سبک نگارش کلاسیک و مدرن می‌پردازد و از نویسندگان بزرگی مانند هنری فیلدینگ، توماس هاردی و جوزف کنراد نام می‌برد.

استاد کلمات

هر ترجمه‌ای چالش‌های خاص خود را دارد. ویرجینیا وولف استاد کلمات است، برای همین برای من مهم بود که معنا و مفهوم واژگان او به بهترین شکل به فارسی منتقل شود. کلمات علاوه بر معنا، دارای بار تاریخی و اجتماعی هم هستند، پس باید در معادل‌یابی دقت فراوانی صورت گیرد. مثلاً اگر شما به جای «مقاله» بگذارید «جُستار»، سابقه و زمینه تاریخی متفاوتی را وارد متن نویسنده می‌کنید. مهم‌ترین چالش من این بود که لحن و ریتم درونی جملات نویسنده به‌درستی و تمام و کمال در زبان مقصد بنشیند و منتقل شود. این کتاب در میان کارهای دیگرم، جایگاه خیلی ویژه‌ای دارد، چون به نوعی، آغاز دوران تازه‌ای برای من محسوب می‌شود.

من پیش از این، چندین کتاب در حوزه‌های ادبیات کودک و نوجوان، خودیاری و روان‌شناسی مثبت‌گرا به چاپ رسانده‌ام، اما ترجمه ادبی همیشه علاقه اصلی‌ام بوده است. با ویرجینیا وولف وارد عرصه‌ای شدم که احساس می‌کنم بیش از همه به آن تعلق خاطر دارم.

به نظرم تأثیر ذهن، زبان و پیشینه مترجم در متنی که ترجمه می‌کند، ناخودآگاه است و تا جایی هم نمی‌توان جلوی آن را گرفت.

اگر مترجم دیگری این متن را ترجمه می‌کرد، شاید انتخاب‌های دیگری داشت. من معمولاً تا حدودی که معنا و منظور نویسنده فدا نشود، سعی می‌کنم ترجمه با دستور و ساختار زبان فارسی همخوانی داشته باشد. از استادان بزرگ ترجمه فارسی این نکات را یاد گرفته‌ایم؛ ترجمه‌ای خوب است که انگار خود نویسنده به زبان مقصد آن را نوشته باشد.

من معمولاً سعی می‌کنم سراغ کتاب‌هایی بروم که نادیده گرفته شده‌اند و جایشان خالی است. خیلی اهل گرایش‌های روز یا ترجمه آثار پرفروش به قصد همراهی با جریان‌های پرطرفدار دنیا نیستم. به نظرم بسیاری از آثار مهم و خواندنی ادبیات معاصر چه در حوزه داستان و چه نقد و نظریه ادبی هنوز ترجمه نشده‌اند و خواننده فارسی‌زبان از داشتن آنها محروم است.

همین مجموعه مقالات ویرجینیا وولف وقتی به من پیشنهاد شد، تعجب کردم که چرا تا به حال ترجمه نشده بود؟! چون وولف، نویسنده مهم و تأثیرگذاری است و در میان خوانندگان فارسی نیز هوادار دارد.

اگر ناشران از ترجمه‌های تکراری کتاب‌های معروف دست بردارند و به سراغ کارهای کمتر دیده شده بروند، حرکت مثبتی خواهد بود.

خوشبختانه هنوز بعضی ناشران مثل نشر عینک هم هستند که دیدگاه فرهنگی دارند و از این آثار حمایت می‌کنند؛ امری که در شرایط بسیار سخت نشر و پخش کشورمان واقعاً ارزشمند است.

irannewspaper.ir

پنجشنبه • ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۰۹۲
• اذان ظهر ۱۲/۱۰ • اذان مغرب ۱۹/۲۴ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۳ • اذان صبح فردا ۰۳/۴۲ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۱۷

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

پیامبر اکرم(ص):
هر کس خشم خود را نگه دارد، خداوند عذابش را از او باز می‌دارد.

بحارالأنوار، ج ۷۳، ص ۲۶۳، ح ۷

نقل قول

حفظ وجود ایران بر تغییر ماهیت آن اولویت دارد

ما حق داریم نظر خودمان را داشته باشیم؛ حتی اگر آن نظر در چارچوب هیچ جریان سیاسی نگنجد. پیش از آنکه با معیارهای جریان‌های مختلف، باور یکدیگر را قضاوت کنیم، نگاه من را بشنوید. عده‌ای معتقدند «وجود ایران» بر «ماهیت آن» مقدم است؛ زیرا اگر این سرزمین با همین جغرافیا و تمامیت خود باقی نماند، دیگر سخن گفتن از ماهیت، آزادی یا آینده، معنای روشنی نخواهد داشت. در مقابل، گروهی باور دارند که حتی اگر ایران دچار تجزیه یا از دست رفتن بخشی از سرزمینش شود، تغییر ماهیت سیاسی و اجتماعی آن ارزش این هزینه را دارد. من با این نگاه موافق نیستم. برای من، حفظ «وجود ایران» بر تغییر «ماهیت ایران» اولویت دارد. باور دارم ابتدا باید این سرزمین، با تمامیت ارضی و استقلالش باقی بماند و سپس ماهیت آن، با اراده مردم، اندیشه، فرهنگ و تلاش فرهیختگان به سمت تعالی حرکت کند. آزادی، بدون زمینی که بتوان بر آن ایستاد، شبیه آزادی در سقوط است.

گزیده‌ای از یادداشت علی قمصری
آهنگساز و نوازنده تار در ایرنا

برگزاری کنسرت «علیرضا قربانی» در شیراز

تیم برگزاری کنسرت‌های علیرضا قربانی، خواننده موسیقی سنتی و تلفیقی در تدارک برپایی جدیدترین اجرای این هنرمند در شهر شیراز هستند. این کنسرت با رپرتواری متفاوت و قطعات جدید همراه خواهد بود. کنسرت شیراز، دومین کنسرت قربانی در سال جاری است. او خردادماه در سالن استاد شهریار تبریز چند سانس میهمان مردم این شهر بود که با استقبال مخاطبان نیز مواجه شد. جزئیات کنسرت شیراز متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد. /ایرنا

«فقیه سلطانی» در فیلم «یازده یازده» بازی می‌کند

دومین فیلم بلند سینمایی بهاره رهنما با عنوان «یازده یازده» که مراحل فیلمبرداری خود را در تهران و بومهن طی می‌کند با نقش‌آفرینی اشکان دلاوری، فقیه سلطانی و افسانه چهره‌آزاد به میانه راه فیلمبرداری رسیده است. فیلم بلند «یازده یازده» که از معدود آثار سیاه و سفید سینمای ایران پس از انقلاب به شمار می‌رود، گروه سازنده در جست‌وجوی بازیگری جوان، مسلط به بازیگری تئاتر و برخوردار از توانایی اجرای پلان‌های طولانی بودند که به انتخاب آتنه فقیه‌سلطانی رسید. /ایران

تقدیر از «اصغر فرهادی» در جشنواره فیلم سارایوو

وودی هارلسون، بازیگر برجسته و سه بار نامزد اسکار نیز در کنار اصغر فرهادی و امیلی واتسون با جایزه افتخاری «قلب سارایوو» مورد تقدیر قرار می‌گیرد. سی‌ودومین جشنواره فیلم سارایوو از ۱۴ تا ۲۱ اوت ۲۰۲۶ (۲۳ تا ۳۰ مرداد) در کشور بوسنی و هرزگوین برگزار خواهد شد و طبق اعلام پیشین، اصغر فرهادی کارگردان و نویسنده ایرانی، امیلی واتسون بازیگر انگلیسی و دیه‌گو لونا بازیگر و کارگردان مکزیکی نیز با دریافت جایزه قلب افتخاری جشنواره مورد تقدیر قرار خواهند گرفت. /ایسنا

اعلام فروش یکی از قدیمی‌ترین سینماهای پایتخت

پایان یک عصر در «عصر جدید»

فروش «عصر جدید» بیش از آنکه پایان یک ملک باشد، پایان یک الگوی تاریخی در سینماداری ایران است. نسلی که با صف‌های طولانی مقابل گیشه، تابلوهای نقاشی شده سردر سینماها و سالن‌های هزار نفره خاطره ساخته بود

گزارش

نرگس عاشوری
گروه فرهنگی

فروش سینما «عصر جدید» شاید در نگاه اول، تنها خبر واگذاری یک ملک قدیمی در خیابان طالقانی باشد؛ اما در واقع، این خبر نقطه پایان یکی از مهم‌ترین فصل‌های تاریخ سینماداری ایران است؛ فصلی که از دهه ۱۳۳۰ آغاز شد، از انقلاب و جنگ گذشت، با رونق فیلمفارسی و سپس سینمای پس از انقلاب همراه شد و امروز زیر سایه پردیس‌های چندسالنه، پلتفرم‌های نمایش خانگی و تغییر سبک زندگی شهری به پایان خود نزدیک شده است. اظهارات عبدالله علیخانی، یکی از مالکان این مجموعه، بیش از آنکه درباره فروش یک ساختمان باشد، تصویری از تغییر یک زیست فرهنگی است؛ تغییری که در آن «سینما» دیگر تنها یک سالن بزرگ در قلب شهر نیست، بلکه مجموعه‌ای از تجربه‌های متنوع در مراکز تجاری، مال‌ها و حتی صفحه نمایش تلفن همراه است.

تولد یک سینما؛ نماد تهران مدرن

سینما «عصر جدید» در نیمه دوم سال ۱۳۳۶ ساخته شد؛ دورانی که تهران با شتاب به سمت مدرنیزاسیون پیش می‌رفت و خیابان ولیعصر به مهم‌ترین محور فرهنگی و اجتماعی پایتخت تبدیل شده بود.

در آن سال‌ها، سینماها تنها محل نمایش فیلم نبودند؛ آنها ویترین مدرنیته شهری محسوب می‌شدند. حضور در سینما، بخشی از سبک زندگی طبقه متوسط جدید بود. لاله‌زار، جمهوری، ولیعصر و میدان ولیعصر، شبکه‌ای از سالن‌های سینمایی را شکل داده بودند که هرکدام هویت مستقلی داشتند. «عصر جدید» نیز در همین فضا متولد شد؛ سالنی که در کنار سینماهایی چون آسیا، آفریقا، رادیوسیتی، استقلال و کریستال، ضلع مهمی از جغرافیای فرهنگی تهران را تشکیل می‌داد.

دوران طلایی تک‌سالن‌ها

از دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۵۰، سینمای ایران بر پایه سالن‌های بزرگ خیابانی اداره می‌شد. در آن دوره، هر سالن شخصیت خود را داشت؛ برخی محل اکران فیلم‌های خارجی بودند، برخی پایگاه فیلم‌های فارسی و برخی دیگر میزبان آثار روشنفکری. مخاطب برای دیدن یک فیلم، مقصد مشخصی را انتخاب می‌کرد و خود سینما بخشی از جذابیت تجربه تماشای فیلم بود. در چنین ساختاری، موفقیت یک فیلم تا حد زیادی به جایگاه سالن‌های نمایش وابسته بود.

انقلاب؛ پایان یک دوره آغاز دوره‌ای دیگر

پس از انقلاب ۱۳۵۷، بسیاری از سینماها تعطیل، مصادره یا تخریب شدند. «عصر جدید» نیز از این تغییرات مصون نماند. ساختمان اولیه از ریشه تخریب و در همان سال با سه سالن بازسازی شد؛ تغییری که خود نشانه‌ای از آغاز تفکر جدید در مدیریت سالن‌های سینما بود. دهه ۶۰، دهه بقا بود. سینماداران بیش از آنکه به توسعه فکر کنند، برای حفظ موجودیت سالن‌های خود تلاش می‌کردند.

دهه ۷۰؛ بازگشت مخاطب

با رونق دوباره سینمای ایران در دهه ۷۰، «عصر جدید» نیز دوباره به یکی از سالن‌های مهم اکران تبدیل شد. فیلم‌های پرفروش آن سال‌ها، بار دیگر مخاطبان را به خیابان ولیعصر کشاندند. اما در همین دوره، اولین نشانه‌های تغییر الگوی مصرف فرهنگی نیز ظاهر شد؛ افزایش خودروهای شخصی، توسعه شهر، شکل‌گیری مراکز خرید جدید و تغییر سبک زندگی باعث شد سینماهای مرکز شهر به‌تدریج بخشی از مخاطبان خود را از دست بدهند.

پردیس‌های سینمایی آغاز پایان سینماهای خیابانی

دهه ۸۰ و بویژه دهه ۹۰، نقطه عطفی در صنعت سینماداری ایران بود.

مدل سنتی تک‌سالن جای خود را به پردیس‌های سینمایی داد؛ مجموعه‌هایی با شش، هشت یا حتی بیش از ده سالن که امکان اکران همزمان چندین فیلم را فراهم می‌کردند. در این الگو، مخاطب نه برای یک سالن خاص، بلکه برای یک مجموعه فرهنگی و تجاری به سینما می‌رود. وجود رستوران، کافه، پارکینگ، فروشگاه و امکانات جانبی، تجربه سینما رفتن را به یک برنامه خانوادگی تبدیل کرد. همین واقعیت است که عبدالله علیخانی نیز به آن اشاره می‌کند؛ اینکه سالن‌های قدیمی دیگر توان رقابت با پردیس‌های چندسالنه را ندارند.

تغییر فناوری؛ تغییر اقتصاد سینما

اما چالش «عصر جدید» تنها پردیس‌ها نبودند. ورود شبکه نمایش خانگی، گسترش اینترنت، ظهور پلتفرم‌های آنلاین و سپس همه‌گیری کرونا، الگوی تماشای فیلم را دگرگون کرد. امروز بخش مهمی از مخاطبان، فیلم را در خانه می‌بینند و سالن سینما دیگر تنها گزینه تماشای آثار تازه نیست. در چنین شرایطی، بقای یک سالن قدیمی با هزینه‌های بالای نگهداری، بدون امکانات جانبی و با ظرفیت محدود، روزبه‌روز دشوارتر شده است. اظهار نظر علیخانی مبنی بر اینکه «اینجا دیگر به درد تئاتر می‌خورد تا سینما» صرفاً یک پیشنهاد کاربری نیست؛ بلکه بازتاب تغییری در اقتصاد فرهنگ است.

در بسیاری از شهرهای جهان، سالن‌های سینمای قدیمی پس از افول اقتصادی، به مراکز اجرای تئاتر، موسیقی، هنرهای نمایشی یا فضاهای چندمنظوره فرهنگی تبدیل شده‌اند. اگر چنین سرنوشتی برای «عصر جدید» رقم بخورد، شاید این بنا همچنان بتواند نقش فرهنگی خود را حفظ کند؛ هرچند دیگر نه به‌عنوان یک سینما.

فروش «عصر جدید» بیش از آنکه پایان یک ملک باشد، پایان یک الگوی تاریخی در سینماداری ایران است. نسلی که با صف‌های طولانی مقابل گیشه، تابلوهای نقاشی شده سردر سینماها و سالن‌های هزار نفره خاطره ساخته بود، اکنون جای خود را به نسلی داده که میان ده‌ها فیلم، در یک پردیس چندسالنه یا حتی روی تلفن همراه خود انتخاب می‌کند. شاید ساختمان «عصر جدید» فروخته شود، تخریب شود یا کاربری تازه‌ای پیدا کند؛ اما آنچه در حال پایان یافتن است، «عصر» سینماهای خیابانی است؛ سینماهایی که روزگاری قلب تپنده فرهنگ شهری تهران بودند و اکنون یکی پس از دیگری، جای خود را به روایت تازه‌ای از مصرف فرهنگی و صنعت سرگرمی می‌دهند.

تحلیل فرهنگی روز

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

چرا تاریخ مطبوعات محلی بخشی از هویت فرهنگی ایران است؟

آن‌سوی تیترهای پایتخت

فراخوان «همایش ملی تاریخ مطبوعات محلی ایران از آغاز تا انقلاب اسلامی» با میزبانی کتابخانه ملی و مرکز اسناد منطقه جنوب کشور که آذر ماه در شیراز برگزار می‌شود، بهانه خوبی است تا در آستانه روز خبرنگار از اهمیت و ضرورت این رویداد بنویسیم. در روزگاری که سرعت، حافظه را به حاشیه رانده است و خبر، پیش از آن‌که به تاریخ تبدیل شود، در انبوه داده‌ها گم می‌شود، برگزاری همایشی درباره تاریخ مطبوعات محلی، صرفاً یک رویداد دانشگاهی نیست، تلاشی است برای بازگرداندن حافظه به رسانه و رسانه به حافظه. این همایش، دعوتی است برای مکث، برای دوباره دیدن آنچه سال‌ها در هیاهوی اخبار روزانه از نظر دور مانده است. تاریخ مطبوعات، تاریخ کاغذهای زردرنگ و آرشیوهای خاک‌خورده نیست، تاریخ نفس کشیدن یک جامعه است. اگر بخواهیم فراز و فرودهای فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی ایران را بخوانیم، باید لابه‌لای ستون‌های روزنامه‌های محلی جست‌وجو کنیم، همان نشریاتی که شاید تیراژشان محدود بود، اما دامنه تأثیرشان تا عمق زندگی مردم امتداد داشت. بسیاری از روایت‌هایی که در رسانه‌های سراسری مجال ظهور پیدا نمی‌کرد، در مطبوعات محلی ثبت شده و امروز به اسناد زنده تاریخ بدل شده‌اند. در واقع، مطبوعات محلی آینه‌ای هستند که جزئیات زندگی روزمره، دغدغه‌های شهروندان، تحولات فرهنگی، مناسبات قدرت و حتی تغییرات سبک زندگی را با دقتی ثبت کرده‌اند که کمتر منبع تاریخی دیگری از آن برخوردار است.

اهمیت این همایش از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از این باور که تاریخ رسانه را نمی‌توان فقط از پایتخت نوشت. ایران را باید از شیراز، تبریز، رشت، مشهد، اهواز، بوشهر، کرمان، سنندج، زاهدان و ده‌ها شهر دیگر نیز خواند؛ از دل روزنامه‌هایی که زبان مردم همان اقلیم بودند و نبض تحولات محلی را ثبت کردند. تاریخ مطبوعات محلی، در واقع تاریخ ایران از زاویه‌ای کمتر دیده‌شده است؛ روایتی که اگر نادیده گرفته شود، تصویر ما از گذشته، تصویری ناقص و مرکزگرا خواهد بود.

انتخاب شیراز برای میزبانی این همایش نیز معنایی فراتر از یک انتخاب جغرافیایی دارد. فارس، یکی از خاستگاه‌های مهم روزنامه‌نگاری ایران است، استانی که هم در تولید اندیشه و هم در شکل‌گیری جریان‌های فرهنگی و ادبی سهمی انکارناپذیر داشته است. از اولین نشریات تأثیرگذار تا حضور روزنامه‌نگاران و نویسندگانی که در شکل دادن به افکار عمومی نقش داشته‌اند، این شهر همواره بخشی از حافظه مطبوعاتی ایران بوده است. طبیعی است که بازخوانی میراث مطبوعاتی جنوب کشور از چنین نقطه‌ای آغاز شود، جایی که هنوز بسیاری از اسناد، عکس‌ها، نشریات و روایت‌های ناگفته، چشم‌انتظار پژوهشگران هستند. اما ارزش این رویداد تنها در گردآوری مقاله‌ها نیست. آنچه اهمیت دارد، شکل‌گیری گفت‌وگویی تازه میان نسل امروز رسانه و میراث دیروز مطبوعات است. روزنامه‌نگاری، بدون شناخت گذشته خود، در معرض تکرار خطاها و فراموشی تجربه‌ها قرار می‌گیرد. آرشیوها فقط محل نگهداری اسناد نیستند؛ کارگاه تولید آگاهی‌اند و هرسند مطبوعاتی، روایتی است از نسبت جامعه با حقیقت، قدرت، فرهنگ و مردم. هر شماره یک روزنامه، نه فقط مجموعه‌ای از خبرها، بلکه تصویری از روح زمانه است؛ از آنچه جامعه می‌اندیشیده، مطالبه می‌کرده و از آن بیم یا امید داشته است. شاید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای چنین همایشی، جلب توجه به ضرورت حفظ و دیجیتال‌سازی آرشیوهای مطبوعاتی باشد. هنوز بخش قابل توجهی از میراث رسانه‌ای استان‌ها در معرض فرسودگی، پراکندگی یا حتی نابودی قرار دارد. بسیاری از نشریات محلی، به دلیل محدودیت امکانات یا نبود نظام آرشیوی منسجم، در خطر فراموشی هستند، در حالی که هر صفحه از آنها می‌تواند منبعی ارزشمند برای پژوهشگران تاریخ، جامعه‌شناسی، ارتباطات، مطالعات فرهنگی و حتی برنامه‌ریزان توسعه باشد. حفظ این میراث، صرفاً یک اقدام فرهنگی نیست؛ سرمایه‌گذاری برای آینده پژوهش و شناخت دقیق‌تر جامعه ایرانی است. در عصر رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، شاید بیش از هر زمان دیگری به بازخوانی تاریخ مطبوعات نیاز داشته باشیم. نه از سر نوستالژی، بلکه برای فهم اینکه رسانه چگونه می‌تواند مسئولیت اجتماعی خود را حفظ کند؛ چگونه می‌تواند هم روایتگر زمانه باشد و هم حافظ حافظه جمعی. امروز که تولید و انتشار محتوا با سرعتی بی‌سابقه انجام می‌شود، بیش از گذشته به معیارهای حرفه‌ای، اخلاق رسانه‌ای و تجربه نسل‌های پیشین نیازمندیم؛ تجربه‌ای که بخش مهمی از آن در صفحات مطبوعات محلی ثبت شده است.

این همایش، اگر بتواند میان پژوهش، رسانه، دانشگاه، آرشیو و تجربه زیسته روزنامه‌نگاران پلی پایدار برقرار کند، تنها یک رویداد تقویمی نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند آغازگر حرکتی تازه برای بازخوانی هویت رسانه‌ای ایران باشد. هویتی که فقط در روزنامه‌های بزرگ پایتخت شکل نگرفته، بلکه در صدها نشریه محلی، در شهرهای کوچک و بزرگ، در میان دغدغه‌های مردم و قلم روزنامه‌نگاران گمنام اما اثرگذار نیز ریشه دارد. گاهی برای فهم آینده، باید تیترهای دیروز را دوباره خواند؛ زیرا تاریخ مطبوعات، فقط تاریخ رسانه نیست، تاریخ جامعه‌ای است که خود را در آینه رسانه بازشناخته و روایت کرده است.

استخر؛ بازگشت به جهان آشنای سروش صحت

رفاقت، فرسودگی و معنای زیستن

«استخر» بیش از آنکه یک درام خانوادگی باشد، نوعی مراقبه درباره میانسالی است؛ دورانی که انسان ناگهان متوجه می‌شود بخش مهمی از عمرش گذشته و باید بار دیگر از خود بپرسد چه چیزی واقعاً برایش اهمیت دارد

نقد

علی نعیمی
منتقد سینما

در میان فیلمسازان امروز سینمای ایران، تعداد کارگردانانی که بتوان برای آثارشان «جهان سینمایی» مستقل تعریف کرد، چندان زیاد نیست. بسیاری از فیلمسازان با هر فیلم، مسیر تازه‌ای را تجربه می‌کنند و میان ژانرها و لحن‌های مختلف در رفت‌وآمدند، اما سروش صحت طی سال‌های اخیر به تدریج به فیلمسازی تبدیل شده که مخاطب تنها با چند سال‌ها ناگهان با تصمیم زن برای ترک خانه وارد مرحله تازه‌ای می‌شود. موقعیتی که در نگاه اول بارها در سینمای ایران و جهان روایت شده است، اما آنچه «استخر» را از بسیاری از ملودرام‌های خانوادگی جدا می‌کند، شیوه مواجهه سروش صحت با این بحران است.

در جهان او، بحران‌ها با فریاد و اغراق تعریف نمی‌شوند. شخصیت‌ها کمتر داد می‌زنند، کمتر قهرمان‌بازی درمی‌آورند و کمتر به دام احساسات افراطی می‌افتند. صحت ترجیح می‌دهد بزرگ‌ترین اتفاقات زندگی را با آرامش روایت کند؛ گویی خود زندگی نیز همین‌گونه پیش می‌رود. بسیاری از فروپاشی‌های عاطفی دقیقاً در سکوت رخ می‌دهند، نه در هیاهو.

یکی از ویژگی‌های مهم فیلم، ادامه همان نگاه انسان‌گرایانه‌ای است که پیش‌تر در آثار صحت دیده‌ایم. شخصیت‌های «استخر» نه آدم‌های استثنایی‌اند و نه نمایندگان طبقه یا جریان خاصی. آنها انسان‌هایی کاملاً معمولی‌اند؛ کسانی که شاید هر روز در خیابان از کنارشان عبور کنیم. همین معمولی بودن، مهم‌ترین نقطه قوت سینمای صحت است. او برخلاف بسیاری از فیلم‌های اجتماعی که شخصیت‌های خود را به ابزار بیان ایده‌های سیاسی یا اجتماعی تبدیل می‌کنند، همچنان به خود انسان علاقه دارد.

«استخر» بیش از هر چیز درباره فرسودگی است؛ فرسودگی روابط، عادت‌ها، زندگی مشترک و حتی گفت‌وگوهایی که سال‌هاست دیگر چیزی برای کشف کردن ندارند، اما صحت این فرسودگی را به بن‌بست تبدیل نمی‌کند. او همچنان به امکان ترمیم رابطه‌ها، دوستی‌ها و بازتعریف زندگی باور دارد.

در واقع، مهم‌ترین شخصیت فیلم نه زن و شوهر، بلکه خود مفهوم «زیستن» است؛ همان دغدغه‌ای که از «جهان با من برقص» تا امروز در آثار صحت تکرار شده است.

از این منظر، «استخر» بیش از آنکه یک درام خانوادگی باشد، نوعی مراقبه درباره میانسالی است؛ دورانی که انسان ناگهان متوجه می‌شود بخش مهمی از عمرش گذشته و باید بار دیگر از خود بپرسد چه چیزی واقعاً برایش اهمیت دارد.

یکی از نقاط قوت همیشگی سروش صحت، دیالوگ‌نویسی اوست. شخصیت‌هایش پلان، چند دیالوگ یا حتی ریتم روایت، می‌تواند صاحب اثر را تشخیص دهد. او جهانی ساخته که مؤلفه‌های ثابتی دارد؛ آدم‌های معمولی، دوستی، تنهایی، مرگ، شوخی‌های ظریف، سکوت‌های طولانی و گفت‌وگوهایی که ظاهراً درباره هیچ چیزند اما در لایه‌های زیرین خود از مهم‌ترین پرسش‌های زندگی سخن می‌گویند. «استخر» سومین فیلم بلند سینمایی سروش صحت، پس از «جهان با من برقص» و «صبحانه با زرافه‌ها»، بیش از آنکه تلاشی برای فاصله گرفتن از آثار قبلی باشد، ادامه منطقی همان جهان است؛ جهانی که اکنون بیش از گذشته به مرحله تثبیت رسیده است.

فیلم در ظاهر داستانی بسیار ساده دارد. زندگی مشترک زن و شوهری میانسال پس از ساعت‌ها درباره فوتبال، غذا، خاطره، سیگار، سفر یا اتفاقات روزمره حرف می‌زنند، اما در دل همین گفت‌وگوهای ظاهراً ساده، پرسش‌های عمیق‌تری درباره تنهایی، عشق، مرگ و معنای زندگی شکل می‌گیرد. این همان کیفیتی است که آثار او را به جریان سینمای گفت‌وگومحور نزدیک می‌کند؛ سینمایی که حادثه را در دل کلمات جست‌وجو می‌کند، نه در انفجارهای دراماتیک.

در کنار این ویژگی‌ها، «استخر» همچنان از مهم‌ترین موتیف سینمای صحت نیز غافل نمی‌شود؛ مرگ.

مرگ در آثار او همواره حضوری آرام، بی‌ادعا و در عین حال تأثیرگذار دارد. برخلاف بسیاری از فیلم‌ها که مرگ را نقطه پایان روایت می‌دانند، صحت از آن برای تأکید دوباره بر ارزش زندگی استفاده می‌کند. شخصیت‌های او هر بار که با فقدان روبه‌رو می‌شوند، بیش از گذشته به دوستی، خانواده و کنار هم بودن پناه می‌برند. با این حال، نمی‌توان از برخی ضعف‌های فیلم نیز چشم‌پوشی کرد. مهم‌ترین چالش «استخر» شاید این باشد که گاهی بیش از اندازه به جهان آشنای فیلمساز وفادار می‌ماند. همان شوخی‌های فلسفی، همان ریتم آرام، همان شخصیت‌های سرگشته و همان مواجهه شاعرانه با مرگ، این خطر را ایجاد می‌کنند که امضای شخصی فیلمساز به تدریج به فرمولی تکرارشونده تبدیل شود.

البته این مسأله لزوماً نقطه ضعف مطلق نیست. بسیاری از فیلمسازان مؤلف جهان نیز سال‌ها بر مجموعه‌ای از دغدغه‌های ثابت پافشاری کرده‌اند. تفاوت در این است که هربار این دغدغه‌ها را در موقعیتی تازه بازآفرینی کرده‌اند. پرسش اصلی درباره «استخر» نیز همین است؛ آیا این فیلم گامی رو به جلو در جهان سینمایی سروش صحت محسوب می‌شود یا صرفاً تکرار مؤلفه‌های موفق آثار پیشین اوست؟

از منظر اجرا، فیلم همچنان کیفیت قابل قبولی دارد. طراحی صحنه، میزانسن‌های مینیمال، استفاده از طبیعت و فضاهای باز و همچنین ریتم آرام روایت، همگی در خدمت جهان ذهنی فیلمساز قرار گرفته‌اند. بازی امین حیایی و کاظم سیاحی در برخی سکانس‌ها، به‌ویژه در خلق موقعیت‌های طنز، از لحظات موفق فیلم است، هرچند همه بازی‌ها در یک سطح قرار ندارند و برخی شخصیت‌ها ظرفیت بیشتری برای پرداخت داشتند.

اما شاید مهم‌ترین ویژگی «استخر» این باشد که برخلاف جریان غالب سینمای امروز ایران، همچنان از انسان سخن می‌گوید؛ نه از تیپ‌های کلیشه‌ای، نه از شعارهای اجتماعی و نه از موقعیت‌های صرفاً گیشه‌پسند.

سروش صحت همچنان شاعر روزمرگی‌های ایرانی است؛ فیلمسازی که زیبایی را در شکست‌های کوچک، سکوت‌های طولانی، دوستی‌های قدیمی و لحظه‌هایی جست‌وجو می‌کند که اغلب از نگاه دیگران بی‌اهمیت به نظر می‌رسند.

«استخر» شاید بهترین فیلم کارنامه او نباشد، اما اثری است که بیش از هرزمان دیگری نشان می‌دهد صحت امروز صاحب جهانی مستقل در سینمای ایران است؛ جهانی که میان کمدی و درام، میان لبخند و اندوه، و میان امید و فرسودگی حرکت می‌کند. در روزگاری که بسیاری از فیلم‌های ایرانی یا اسیر فرمول‌های گیشه‌اند یا گرفتار شعارهای مستقیم، سروش صحت همچنان مسیر سوم خود را دنبال می‌کند؛ مسیری که ارزش آن نه در شگفت‌زده کردن مخاطب، بلکه در دعوت او به تأمل درباره ساده‌ترین و در عین حال عمیق‌ترین تجربه‌های زیستن است.